



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پروفیسور محمود ایوب

ناہینای اسلام شناسی

محمد نوری



انستیتو اسلامیات اسلامیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروفسور محمود ایوب: نابینای اسلام شناس

نویسنده:

محمد نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پروفسور محمود ایوب: نابینای اسلام شناس
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	فهرست
۱۷	مقدمه
۱۹	فصل اول: زندگانی و فعالیت
۱۹	اشاره
۲۱	تولد و کودکی
۲۱	تحصیلات
۲۳	تدریس و فعالیت های علمی
۲۴	تحقیق و تألیف
۲۴	جیل عامل
۲۹	Mahmoud M. Ayoub on wikipedia
۳۵	Mahmoud M. Ayoub on the Institute of Ismaili Studies
۳۷	Mahmoud M. Ayoub on Islammattersnow
۴۱	سالشمار اهم رخدادهای زندگی
۴۴	فصل دوم: دیدگاه ها
۴۴	اشاره
۴۶	آراء درباره تشیع
۴۶	جایگاه والای امام حسین(ع) نزد پیامبر(ص): بر اساس منابع اهل سنت
۵۲	مشیت الهی و امید آدمی
۷۴	آراء درباره قرآن کریم
۷۴	قرآن ناطق و قرآن صامت

۹۰	نقش قرآن در دین داری اسلامی
۱۰۳	هنر تلاوت قرآن مجید
۱۰۹	قرآن و همزیستی ایمانی ادیان
۱۱۸	آراء درباره جهان معاصر
۱۱۸	مذهب و سیاست
۱۲۴	الاسلام فی آمریکا
۱۵۴	فصل سوم: اسلام و مسیحیت
۱۵۴	اشاره
۱۵۶	گفت و گو بر پایه ایمان
۱۶۳	گردهمایی مسلمانان و مسیحیان
۱۶۶	فصل چهارم: گفت و گو
۱۶۶	اشاره
۱۶۸	زندگی، فعالیت ها و آراء
۱۷۲	فصل پنجم: کارنامه
۱۷۲	اشاره
۱۷۴	ترویج تشیع منطقی در نهادهای جهانی
۱۷۴	اشاره
۱۷۴	جایگاه محمود ایوب در هارتفورد
۱۷۵	تأسیس کرسی امام علی(ع)
۱۷۵	بهره مندی از رخدادهای علمی
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	جشنواره بین المللی فارابی
۱۷۶	اثر قرآنی محمود ایوب در جایزه جهانی کتاب سال
۱۷۷	مشارکت در منابع مرجع جهانی
۱۷۷	اشاره
۱۷۷	میراث تشیع و ایران

۱۷۸	دایره المعارف جهان نوین اسلام
۱۹۲	کتابشناسی محمود ایوب
۲۲۸	تصاویر
۲۳۸	منابع
۲۴۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: نوری، محمد، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدید آور: پروفسور محمود ایوب: نابینای اسلام شناس / تالیف و به اهتمام محمد نوری.

مشخصات نشر: قم: توانمندان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۰۱ ص.: مصور.

شابک: ۸-۰۹-۶۲۱۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ایوب، محمود

موضوع: Ayoub, Mahmoud

موضوع: اسلام شناسان -- سرگذشتنامه

موضوع: Islamologists -- Biography

رده بندی کنگره: BP ۵/۵۷

رده بندی دیویی: ۹۹۹۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۶۴۲۳۴

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پروفیسور محمود ایوب

نابینای اسلام شناس

تألیف و بہ اہتمام:

محمد نوری



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

ص: ۳



دفتر فرهنگ معلولين
دارالثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

پروفسور محمود ایوب: نابینای اسلام شناس

تألیف و به اهتمام: محمد نوری

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۰۹-۸ ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۰۹-۸

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰

نسخه قیمت: ۰۰۰/۲۵۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com

info@handicapcenter.com

www.DataDisability.com

www.Tavanmandan.com

ص: ۴

فصل اول: زندگانی و فعالیت

تولد و کودکی.. ۱۱

تحصیلات.. ۱۱

تدریس و فعالیت های علمی.. ۱۳

تحقیق و تألیف... ۱۴

جبل عامل.. ۱۴

Mahmoud M. Ayoub on wikipedia. ۱۹

Mahmoud M. Ayoub on the Institute of Ismaili Studies ۲۲

Mahmoud M. Ayoub on Islammattersnow.. ۲۳

سالشمار اهم رخدادهای زندگی.. ۲۵

فصل دوم: دیدگاه ها

آراء درباره تشیع. ۲۹

جایگاه والای امام حسین (ع) نزد پیامبر (ص): بر اساس منابع اهل سنت.... ۲۹

مشیت الهی و امید آدمی... ۳۵

آراء درباره قرآن کریم. ۵۷

قرآن ناطق و قرآن صامت.... ۵۷

نقش قرآن در دین داری اسلامی... ۷۳

هنر تلاوت قرآن مجید.. ۸۶

قرآن و همزیستی ایمانی ادیان.. ۹۲

آراء درباره جهان معاصر. ۱۰۱

مذهب و سیاست.... ۱۰۱

الاسلام فی أميركا ۱۰۷

ص: ۵

فصل سوم: اسلام و مسیحیت

گفت و گو بر پایه ایمان.. ۱۳۹

گردهمایی مسلمانان و مسیحیان.. ۱۴۶

فصل چهارم: گفت و گو

زندگی، فعالیت ها و آراء ۱۵۱

فصل پنجم: کارنامه

ترویج تشیع منطقی در نهادهای جهانی.. ۱۵۷

جایگاه محمود ایوب در هارتفورد. ۱۵۷

تأسیس کرسی امام علی(ع). ۱۵۸

بهره مندی از رخدادهای علمی.. ۱۵۸

جشنواره بین المللی فارابی... ۱۵۹

اثر قرآنی محمود ایوب در جایزه جهانی کتاب سال.. ۱۵۹

مشارکت در منابع مرجع جهانی.. ۱۶۰

میراث تشیع و ایران.. ۱۶۰

دایره المعارف جهان نوین اسلام. ۱۶۱

کتابشناسی محمود ایوب.. ۱۷۳

تصاویر ۱۹۱

منابع ۲۰۱

ص: ۶

معلولان عموماً در تمدن بشری و مدنیت و پیشرفت های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بوده اند. برخی مخترعین مانند ادیسون که برق و ده ها ابتکار دیگر در کارنامه اش است در شمار افراد دارای معلولیت است. اما معلولان مسلمان از سده نخست قمری برای توسعه فرهنگ اسلام کوشیده اند. افراد دارای معلولیت که مسلمان هستند و متعلق به یکی از کشورهای اسلامی می باشند، وقتی در سرزمین خود زمینه رشد و بالندگی نداشتند به اروپا یا آمریکا مهاجرت کرده اند. جالب اینکه این گونه افراد به رغم همه سختی ها و دوری از خانواده و غربت، با سخت کوشی و صبر و بردباری به مدارج عالی رسیده اند. اینان پیام آور و مروج فرهنگ سرزمین خود هستند؛ اگر در رشته هنری تبحر دارند، هنر ایرانی یا شرقی را به خوبی معرفی کرده اند: اگر در اسلام شناسی دانش و تجربه داشته اند، معارف اسلامی و ویژگی های اسلام را معرفی کرده اند. در واقع اینان با استفاده از امکانات غرب، تمدن و فرهنگ شرقی را به جهان عرضه نموده اند و در کارشان موفق بوده و به مدارج عالی هم رسیده اند. به امید روزی که اینان به عنوان سرمایه های ملی به سرزمین های خود بازگردند و انبوهی از معلولان که نیازمند تجربه و دانش آنها هستند، مهارت افزایی و توان افزایی کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سید علی سیستانی بارها متذکر شده که وظیفه ما است که زمینه سازی کنیم، دانشگاهی آماده نماییم تا نخبگان دارای معلولیت به جای مهاجرت به غرب، در همین جا فعالیت نمایند. به امید روزی که ایده ایشان عملی گردد.

در یکصد سال اخیر و به ویژه در دهه های اخیر شاهد مهاجرت مغزهایی هستیم که متعلق به معلولان است. نابینایان، ناشنوایان و دیگر معلولان فراوان سراغ داریم که کشورهای اسلامی را ترک کرده و به اروپا یا امریکا رفته اند. در واقع اینان سرمایه های گرانبهایی هستند که از دست دادن آنها موجب خسارت های فراوان است. اصلی ترین علت مهاجرت آنان اینست که مسلمانان متمول درصدد ایجاد زمینه های مناسب برای معلولان نخبه نیستند. اینان مساعدت های بسیار به پروژه های دینی و مذهبی داشته اند ولی توجهی به معلولین نکرده اند. بر عکس در اروپا و امریکا با ایجاد شرایط مناسب برای معلولان از آنان در جهت گسترش فرهنگ و جامعه دلخواهشان استفاده کرده اند. کلیسا بسیاری از معلولان را جذب تبلیغات میسیونری کرده است.

در جهان اسلام فقط مصر، تجربه دیگری دارد و با جذب و آموزش نابینایان و برخی از دیگر معلولین، آنان را در جهت ترویج فرهنگ مذهبی به کار گرفته است. سیره معصومین علیه السلام از نظر احترام و اهتمام به امور معلولین، بی نظیر است اما مسلمانان در قرون بعد، از سیره معصومین علیه السلام الگوگیری نکردند؛ اما پیروان مسیح برخلاف آموزه های مندرج در عهدین که دارای دیدگاه منفی نسبت به معلولین است، به امور معلولین و ارتقای آنان اهتمام نمودند.

پروفسور محمود ایوب یکی از شخصیت های موفق است که به رغم نابینایی توانسته در اروپا و امریکا درخشش داشته و از پرتو تجارب و دانش او، دانشجویان بسیار پیشرفت کرده و توانسته فرهنگ اسلامی را به روش منطقی در محافل علمی مطرح کند. کتاب حاضر درباره زندگانی و فعالیت های او است.

محمد نوری

ص: ۸

فصل اول: زندگانی و فعالیت

اشاره

ص: ۹

محمود ایوب از نظر مقام علمی و جایگاه در محافل عالی فرهنگی در دوره جدید و در رشته کاری اش و نسبت به کثرت مشاغل و پروژه هایی که انجام داده یا در دست اقدام دارد، بدیل و مشابه ندارد. لازم بود مراکز فعال در عرصه نایبایی در ایران ایشان را به عنوان یک الگو معرفی می کردند تا نایبانیان ایران با تأسی به او راه پیشرفت و رشد را با جرأت بیشتر بیمایند. اما متأسفانه هیچ زندگی نامه ای از محمود ایوب در منابع ایران نیست؛ حتی در زمانی که ایشان به ایران آمده و مدتی در ایران اقامت داشته، اما از مراکز نایبایی کسی به سراغش نرفته است. چون او را نمی شناخته اند.

روابط عمومی و بخش فرهنگی سازمان بهزیستی فرهنگ سازی است؛ و از ضروری ترین کارهایشان، شناسایی الگوهای مهم جهانی و ترویج و معرفی آنان در ایران است. تصور کنید محمود ایوب توانسته از جایگاه و موقعیت خود برای نایبانیان لبنان و حتی مالزی استفاده کند و امکانات جهانی را در جهت رفع مشکلات آنان، بسیج نماید: یعنی ایشان صرفاً یک شخصیت با تعدادی کتاب نیست بلکه ایشان به دلیل ارتباطات جهانی اش می تواند به نایبانیان ایران در زمینه های مختلف مساعدت کند: حداقل می تواند ورود فناوری های مورد نیاز نایبانیان ایران را تسریع نماید.

در این فصل به معرفی زندگی نامه و فعالیت های محمود ایوب می پردازیم و در آخر همین فصل، سه مقاله از سه منبع معتبر جهانی به زبان انگلیسی درباره ایشان آورده ایم.

محمود در ۱۳۱۴ش / ۱۹۳۵م در جنوب لبنان در منطقه ای شیعه نشین به نام قانا چشم به جهان گشود. او اصالتاً به منطقه شیعه نشین به نام جبل عامل تعلق دارد. این منطقه از سال های نخست اسلامی به تشیع گرایش داشتند. مشخصاً تبعید ابوذر غفاری به این منطقه در سال ۲۴ق و تبلیغات امامت و شیعه توسط ابوذر سرآغاز شیعه گرایی در جبل عامل بوده است.

عالمان بسیار شیعه از این منطقه برخاسته اند. قطعاً خانواده محمود ایوب هم اگر پیگیری و بررسی شود. به یکی از خانواده های شیعی در این منطقه وابستگی دارد.

اطلاعات خاصی درباره دوره کودکی و نوجوانی محمود ایوب نداریم. فقط همین اندازه گفته اند که نابینای مادرزاد بوده است.

تحصیلات

از مدارس و آموزش های محمود خبر نداریم، اما از دوره دانشگاه اطلاعات کلی داریم که در دانشگاه آمریکایی بیروت در رشته فلسفه غرب تحصیل کرد و مدرک لیسانس (کارشناسی) را در سال ۱۹۶۴ دریافت نمود.

متعارف مرسوم بوده که دانش آموختگان دانشگاه آمریکایی بیروت، سر از آمریکا در می آورند. این دانشگاه در واقع مرکزی برای شناسایی استعدادها و جذب نخبگان در لبنان و کشورهای هم جوار لبنان و اعزام آنها به آمریکا بوده است. از این رو نخبه ای مثل محمود ایوب از چشم آنان مخفی نبوده و به دلیل استعداد خارق العاده او در تور گزینشی او قرار گرفت و در سال ۱۹۶۴ به آمریکا مهاجرت کرد. اینکه در همان سال دریافت مدرک لیسانس به آمریکا مهاجرت کرده، معنادار است. نیز در همان سال در دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا مشغول تحصیل در رشته اندیشه دینی (Religious Thought) در مقطع کارشناسی ارشد شد.

تصور کنید یک جوان نابینا ظرف یک سال چندین اقدام مهم را انجام می دهد،

لیسانس را در یک دانشگاه به پایان می برد و دریافت مدرک می کند، به یک کشور مهم خارجی مهاجرت می کند، و در همان سال مشغول به تحصیل می گردد. و دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۶م رساله کارشناسی ارشد خود را دفاع کرد و مدرک دریافت نمود.

یک ویژگی محمود ایوب این است که کارهایش را با نظم و با برنامه ریزی انجام می دهد، از این رو در کارهایش زمان بندی و هدر ندادن زمان اهمیت دارد.

اما برای دکتری به دنبال دانشگاه مهم تر بود و در بین دانشگاه های آمریکا هنوز بهترین دانشگاه، هاروارد است و در این دانشگاه مشغول به تحصیل در مقطع دکتری در رشته تاریخ ادیان شد. بالاخره در سال ۱۹۷۵ پایان نامه دفاع کرد و مدرک دکتری دریافت نمود.

موضوع پایان نامه دکتری اش «عاشورای حسینی» است. استاد مشاورش خانم آن ماری شیمل بود. عنوان اصلی پایان نامه اش، «رنج رستگاری بخش در اسلام: مطالعه موردی درباره جنبه معنوی عاشورا در تشیع دوازده امامی» است ولی مشهور است که درباره عاشورای حسینی است. پایان نامه اش را به زبان انگلیسی نوشت و تلاش کرد امام حسین علیه السلام را به عنوان یک شخصیت مؤثر در انسان گرایی و مروج عدالت و حقوق بشر در تاریخ ادیان مطرح کند. این پایان نامه به عنوان یک مصدر و منبع مهم و مرجع در رشته تاریخ ادیان شناخته می شود و حاکی از اصالت فکری او است. او به راحتی می توانست به یک موضوع مطرح در تاریخ غرب بپردازد و موضوعی مورد خوشایند استادان غربی انتخاب کند ولی تلاش کرد بر اساس اندیشه و باور قلبی خودش کار کند و فرصت را غنیمت شمرد و به تبیین مواضع عدالت خواهی امام حسین علیه السلام پرداخت. بسیاری از کشورهای شرقی یا مسلمانان وقتی به آمریکا می روند، فرهنگ و هویت خود را فراموش می کنند، به ویژه در معلولین کمتر مشاهده می شود که به موضوعات مهم و مطرح بپردازند. اغلب به سراغ موضوعات غیر مرتبط به معلولیت و غیر بومی می پردازند.

غیر از پایان نامه، مقالات بسیاری درباره امام حسین علیه السلام: کربلا: مرثیه و آداب و رسوم شیعی: فضائل امام حسین علیه السلام: شهادت در مسیحیت و در

اسلام در رفرنس های مهم جهانی مثل ایرانیکا، دایره المعارف آکسفورد، دایره المعارف دین (الیاده) نوشت.

بعضی معتقدند مقبولیت محمود ایوب به خاطر تلاش در معرفی امام حسین علیه السلام است و امام دست او را گرفته است.

تدریس و فعالیت های علمی

پس از فراغت از تحصیل به عنوان استاد در بخش ادیان دانشگاه کالیفرنیا آمریکا مشغول به تدریس شد. اما روش مطلوب تدریس او و معلومات جامع اش موجب شد تا ریاست دانشگاه تورنتو کانادا و سپس مک گیل کانادا هم از او دعوت به همکاری و تدریس نمایند. سابقه فعالیت های او که بعضاً هنوز ادامه دارد عبارت است از:

- عضو هیئت علمی شیعه شناسی در مؤسسه روابط مسیحی و مسلمانان

- مشاور و همکار رئیس مرکز دانکن بلک مک دونالد در حوزه مطالعه اسلام و روابط مسیحی و مسلمان

- همکاری با دانشکده هارتفورد در دانشگاه جورج تاون

- از ۱۹۹۸ استاد و مدیر مطالعات اسلامی در ادیان در دانشگاه تمپل فیلادلفیا

- استاد مدعو در دانشگاه هارتفورد از ۲۰۰۸م

- همکار پژوهشی در مرکز شرق شناسی وابسته به دانشگاه پنسیلوانیا

- استاد مدعو دانشکده پاسیفیک دانشگاه برکلی

- تدریس در دانشگاه سن دیگو

- تدریس در دانشگاه تورنتو کانادا

او به رغم نابینایی، در زمینه شیعه شناسی و اسلام شناسی بسیار فعال و کوشا بوده است. یکی از فعالیت های او که بیش از دو دهه است ادامه دارد، همکاری پژوهشی و علمی با نشریات مهم در جهان است. او با نشریاتی مثل موارد زیر همکاری داشته است:

The muslim world -

Journal of the American oriental society -

تحقیق و تألیف

محمود ایوب از هر فرصت برای تدریس در زمینه شیعه شناسی و ترویج تشیع استفاده می کند. موضوعات عامی که تاکنون تدریس کرده عبارت اند از:

تصوف و عرفان: کلام و فلسفه و علوم عقلی: فِرَق اسلامی: تفسیر و معارف و علوم قرآن کریم.

در سال های اخیر بیشتر وقت خود را مصرف نوشتن تجارب و دستاوردهای علمی اش کرده و چندین کتاب به چاپ سپرده است: برخی آثارش این گونه اند:

- قرآن و مفسران آن، ۱۹۸۴ و ۱۹۹۲

- اسلام، ایمان و تاریخ، ۲۰۰۵

- نمای مسلمانان و مسیحیت، ۲۰۰۷

- بحران تاریخ اسلام: دین و سیاست در قرون نخست اسلامی، ۲۰۱۴

آثار تألیفی یا راهنمایی های او بسیار زیاد است و بعضی از آثار مهم ایشان در کتابشناسی که در فصل پنجم می آید، معرفی شده است. به حق ایشان را پرکارترین نابینا در تاریخ اسلام دانسته اند. اگر پژوهشی آماری درباره تعداد صفحاتی که تألیف کرده یا راهنمایی نمود یا تعداد ساعات یا واحدهای درسی که تدریس کرده، کار شود، معلوم خواهد شد در زمینه تدریس و تألیف از نابینایان کسی به پای او نمی رسد. مهم این است که کیفیت آثارش هم در سطح پژوهشگران درجه اول جهان است. از این رو نمی توان او را با کسانی مثل ذبیح الله منصوری مقایسه کرد.

جبل عامل

تولد محمود ایوب در جبل عامل، و گذران دوران کودکی تا جوانی در این منطقه در شخصیت، روحیات، خلق و خو و رفتار او تأثیر داشته است.

نام جبل عامل: عرب شهرها و دیه هایی را که در دامنه کوه ها افتاده اند جبل

خواننده همچون بلاد جبل در عراق عجم، و از آن جمله است جبل لبنان که جبل عامل نیز گویند. و از ساکنان این مناطق با نسبت جبلی یاد کنند و به دنبال آن نام شهر یا قریه را برای رفع التباس آورند، مانند جبلی همدانی و جبلی بروجردی و جبلی هروی و جبل جُبعی (جُبَع قریه ای است در جبل عامل). ساکنان شهرها و ده های جبل عامل را جبل عاملی و عاملی و نیز گاه جبلی گویند و نسبت آبادی را بدان بیفزایند.

بعضی اسم واژه جبل عامل را جبل عامله می دانند، چون خاندان عامله فرزند سبا در آنجا سکونت داشتند. (۱)

جغرافیا: منطقه جبل عامل مشتمل است بر سرزمین های ساحلی و کوهستانی جنوب لبنان ولی حدود آن دقیقاً مشخص نیست. این منطقه تقریباً از شمال به رود اُولی در شمال صیدا، از جنوب به رود قَزَن در شمال شهر نَهاریّه (در فلسطین)، از مشرق تا دریاچه حوله (معروف به اردن کوچک) و رود حاصبیا و از مغرب به دریای مدیترانه محدود می گردد. در تقسیمات کشوری کنونی، بیشتر منطقه جبل عامل جزو محافظه های (استان های) نبطیه و لبنان جنوبی است.

منطقه جبل عامل عمدتاً از کوه ها و تپه های به هم پیوسته و دشت های ساحلی تشکیل شده است. در این منطقه ارتفاع از مغرب به مشرق افزایش می یابد، به طوری که در بعضی قسمت های شرقی آن، ارتفاع به بیش از هزار متر می رسد.

جبل عامل دشت های ساحلی باریک و حاصلخیزی دارد، از جمله صُور، عَدْلون، غازیه (هر سه در مغرب جبل عامل)، مَرَجعیون (در مشرق) و رَمیله (در شمال). رودهای متعددی چون لیتانی / لیطانی و زهرانی و اُولی، و همچنین چشمه ها و چاه های فراوان، آب آشامیدنی و زراعی اهالی آن را تأمین می کند. مؤلفان بر آب و هوای خوش و عالی جبل عامل تأکید کرده اند.

جبل عامل آبادی ها و شهرهای بسیار و معروفی دارد. تعداد کل شهرها و روستاهای آن ۳۶۵ آبادی است. برخی از مشهورترین و مهم ترین شهرهای جبل عامل عبارت اند از: صیدا، صور، جَزین، نَبطیه، اسکندریه، عَدْلون، از بنت جبیل

ص: ۱۵

(در جنوب)، تَبْنِین، جَبْع (جَباع، در شمال)، شَقِیْف (در جنوب شرقی نبطیه)، صِرْفَند، عَیْنَاثَا (نزدیک بنت جبیل)، مَشْغَرِی^{۱۱} (مشعره، در شمال)، ناقوره (در جنوب غربی)، و هُونِین (در جنوب). برخی از این شهرها، مانند صیدا، صور، اسکندریه و عدلون، از بندرهای جبل عامل در دریای مدیترانه به شمار می روند.

آثار باستانی: جبل عامل آثار تاریخی بسیاری دارد که از مهم ترین آنهاست: آثار شهرهای معروف صور و صیدا و حومه آنها که از قدیم ترین نقاط باستانی جهان اند: قلعه های متعدد، مانند شقیف (متعلق به دوره رومیان)، مارون (متعلق به دوره اسلامی)، هونین و تبنین و دویبه و قلاویه/قلویه (متعلق به دوره صلیبیان) وجود بیش از چهارصد مسجد، جامع، بازار و مدرسه در جبل عامل گزارش شده است که برخی از آنها معروف اند، از جمله مساجد نبطیه، صور، هونین، جبغف شقراء و مسجد جامع بنت جبیل، بازارها و مدارس جَبْع، بنت جبیل و نبطیه.

تاریخ: نام این سرزمین در عهد عتیق آمده و بیش از اسلام و در دوره سیطره مسیحیت دارای شهرت بوده است. اما در دوره اسلامی، صلاح الدین ایوبی، این منطقه را به یکی از سردارانش به نام حسام الدین محمد بن بشاره عاملی سپرد، از این رو به نام جبل بشاره مشهور شد.

جبل عامل به دلایل گوناگون سرزمین مقدّس به شمار می رود، از جمله به سبب وجود مزارات بسیاری از پیامبران و اولیا و بزرگانی چون یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام و حزقیل پیامبر: تردد حضرت مسیح علیه السلام در بخش های مختلف آن و روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که الجلیل را جزو کوه های مقدّس شمرده است.

جبل عامل سرزمین شیعیان شمرده می شود. مشهور است که اهالی آن پیش از دیگر شهرها به تشیع گرویدند و این به زمان تبعید ابوذر غفاری به شام در سال ۲۴، در دوران خلافت عثمان بن عفان (حکومت ۲۳-۳۵). باز می گردد. وقتی ابوذر به دمشق رسید. معاویه بن ابی سفیان (حکومت ۴۱-۶۰). والی شام، که مخالفان خود را به منطقه ساحلی شام یا جبل عامل تبعید می کرد، او را مانند دیگر مخالفان به این منطقه فرستاد. ابوذر در این سرزمین به معرفی و بیان دیدگاه هایش درباره خلافت و مقام امیرالمؤمنان علیه السلام پرداخت و همین امر باعث شد معاویه او را

مجدداً به مدینه باز گرداند برخی معتقدند که هنوز هم در دو روستای صَرفند و میس الجبل جایگاه هایی که ابوذر در آنجاها آرا و مطالب خود را بیان کرده است، وجود دارد و مردم آنها را زیارت می کنند.

ظاهراً از قرن چهارم به بعد، تعداد شیعیان در شام و جبل عامل افزایش یافت. شیعیان جبل عامل در سده های ششم - هشتم به رافضه معروف شدند. در اواخر قرن یازدهم، به شیعیان این منطقه اختصاصاً مَتَاوِلَه می گفتند که برخی این کلمه را برگرفته از عبارت «مَت وَلِیاً لِعَلِی» (با ولایت علی بمیر) می دانند که به تدریج به صورت متولی و سپس متوالی در آمد.

در اعیان الشیعه در این باب چنین درج آمده: «در صدر اسلام عدّه شیعیان رو به تزاید گذاشت، و بالغ بر هزار تن شد، و هنگامی که ابوذر به شام تبعید گردید بسیاری در آنجا شیعه بودند و می گویند تشیع مردم جبل عامل از آن وقت بنیان گذاری شده است. (اعیان الشیعه، ترجمه فارسی، ۱/۴۹). شهرت جبل عامل به نزد شیعه به سبب برخاستن جمعی از علمای بزرگ ایشان از آن ناحیه است، مانند: شهید اول محمد بن مکی عاملی جزینی مقتول در ۷۸۶ق (جزین بر وزن سگین دیهی است در جبل عامل) و شهید ثانی زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی جُبعی مقتول در ۹۶۶ق و محمد بن علی عاملی جُبعی صاحب مدارک متوفی در ۱۰۰۹ق و حسن بن زین الدین شهید ثانی عاملی جُبعی صاحب معالم متوفی در ۱۰۱۱ق و شیخ بهائی محمد بن حسین عاملی جُبعی متولی در ۱۰۳۰ق، شیخ حرّ محمد بن حسن عاملی مَشْغری متولی در ۱۱۰۴ق.

دولت عثمانی از ۱۰۱۲ بخشی از جبل عامل را جزو تیول امیرفخرالدین دوم مَعْنی (۹۸۰-۱۰۴۵) و امیران جانشین او قرار داد. پس از معنیان، شهبان (حکومت ۱۱۰۹-۱۲۵۷) بر جبل عامل مسلط شدند. پس از مرگ امیر بشیر شهاب اول در ۱۱۱۸، والی عثمانی صیدا، بشیر پاشا، سیاستش را در برابر مردم جبل عامل تغییر داد و حکومت جبل عامل را از شوف جدا کرد: صَیْفَد و عَکَا را به ظاهر عمر زیدانی، اقلیم شومر و تفاح را به آل منکر، و اقلیم شقیف را به آل صعب سپرد.

دولت عثمانی در ۱۲۸۲ خاندان های برجسته و تیولداران جبل عامل را از بین

برد و تا ۱۳۳۶ عثمانی ها در این منطقه حکومت کردند جبل عامل در دوره عثمانی به دو بخش شمالی به نام بلاد شقیف و جنوبی مشهور به بلاد بشاره تقسیم شد. بلاد شقیف شامل چهار ناحیه بود: شقیف به مرکزیت نبطیه، شومر به مرکزیت آبادی انصار، اقلیم تفاح به مرکزیت جُجیع و ناحیه جَزین به مرکزیت جَزین. بلاد بشاره نیز شامل چهار ناحیه بود: جبل هونین به مرکزیت قانا و ساحل معرکه به مرکزیت صورت. هر یک از این نواحی هشتگانه جبل عامل را حاکی اداره می کرد و همگی زیر نظر حاکم کل جبل عامل بودند. همچنین در دوره تسلط عثمانی ها بر جبل عامل، برای هر یک از هشت ناحیه این منطقه، قاضیان شیعه به عنوان نایب و سه قاضی برای شهرهای صیدا و صور و مرجعیون انتخاب شدند.

پس از جنگ اول جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و اضمحلال دولت عثمانی، مردم جبل عامل با استعمار فرانسه - که بیشتر لبنان، از جمله شهرهای ساحلی و دشت های جنوب لبنان، را تصرف کرده بود - مخالفت کردند و خواستار ملحق شدن به سوریه، زیر نظر ملک فیصل اول (متوفی ۱۳۱۲ش)، شدند. با استقلال لبنان در ۲ آذر ۱۳۲۲/۲۲ نوامبر ۱۹۴۳، جبل عامل جزو این کشور شد.

در ۱۳۵۷ با حمله ارتش اسرائیل به جنوب لبنان، که با تصرف بیشتر مناطق جبل عامل همراه بود، جنایات و صدمات زیادی به اهالی وارد شد.

در ۱۳۶۱ش، اسرائیل بار دیگر به سراسر لبنان حمله و جبل عامل را اشغال کرد و دست به کشتار و غارت مردم و بازداشت سران منطقه زد. مردم جبل عامل نیز در طول اشغال، با مقاومت همه جانبه، نیروهای اشغالگر را در ۱۳۷۹ش / ۲۰۰۰ وادار به عقب نشینی از جبل عامل کردند. (۱)

به هر حال، منطقه جبل عامل دارای مراکز علمی بسیار، شاعران، فقهاء، متلکمان و دانشمندان بسیار بوده است. این محیط در شخصیت و افکار و اخلاق محمود ایوب تأثیر گذاشت.

قانا: محمود ایوب در روستای قانا متولد و به اینجا تعلق داشت. قانا روستای گمنامی بود اما در سال ۱۹۹۶، ارتش اسرائیل با توپخانه به آنجا حمله کرد و بیش از

ص: ۱۸

یکصد تن از مردم بی پناه را کشت. مجدداً در ۲۰۰۶، اسرائیل یک ساختمان سه طبقه در آنجا هدف قرار داد و ۵۵ تن از مردم عادی که ۲۷ تن آنان کودک بودند، کشت. این حملات به کشتار قانا مشهور شد و سازمان ملل موضع گیری کرد. از این رو در تقویم جهان ثبت شده است.^(۱)

Mahmoud M. Ayoub on wikipedia

[\(۲\) Mahmoud M. Ayoub on wikipedia](#)

Mahmoud M. Ayoub is a Lebanese scholar and professor of religious and inter-faith studies.

Early life

Mahmoud was born into a devout Muslim family in ۱۹۳۵ at Ain Qana (South Lebanon), a small town with an integrated religious population. His upbringing was socially integrated with events and people from both the Islamic and Christian religious faiths. Mahmoud Ayoub attended a British Presbyterian missionary school for the blind as a child. He described his experience in that school noting that "the school authorities did not really have an educational programme for us, what they wanted to do mainly was to make us Christians and of course they did and that created a lot of tension between me and my family and particularly my father. " He would eventually join an American Southern Baptist Church seeking a more zealous approach of reaching others with the Gospel.

Education

After receiving a Bachelor of Arts in Philosophy from the American University of Beirut in ۱۹۶۴, he moved to America to complete a Masters of Arts in Religious Thought from the University of Pennsylvania in ۱۹۶۶ and then a Doctorate in History of Religion from Harvard University in ۱۹۷۵. It was during his studies he resolved returning to Islam as his mother and father had wished for.

Career

Mr. Ayoub is currently Faculty Associate of Shi'ite Islam and Christian-Muslim

Relations and Co-Director at the Duncan Black MacDonald Center for the Study of Islam and Christian-Muslim Relations for Hartford Seminary at Georgetown University

From ۱۹۸۸ to ۲۰۰۸, Mahmoud was Professor and Director of Islamic Studies at the Department of Religion at Temple University in

ص: ۱۹

۱- . دانشنامه دانش گستر، ج ۱۲، ص ۲۵۰.

۲- . معرفی محمود ایوب در سایت ویکی پدیا انگلیسی.

Philadelphia, an Adjunct Professor at Hartford Seminary in Connecticut, a Research Fellow at the Middle East Center at the University of Pennsylvania and a Tolson visiting professor at the Pacific School of Religion at Berkeley University

In 1998, Dr. Ayoub helped develop and start a graduate Masters of Art level program in Muslim-Christian relations and comparative religion for the Centre for Christian-Muslim Studies at the University of Balamand in Lebanon. Mr. Ayoub has also taught at San Diego State University, the University of Toronto and McGill University

Published work

Mahmoud Ayoub is author of various books and publications, some of which are

Redemptive Suffering In Islam (1978) ISBN 978-90-27979438 •

The Qur'an and Its Interpreters – Volume I (1984) ISBN 978-0-791465226 •

The Qur'an and Its Interpreters – Volume II (1992) ISBN 978-0-7914-9947 •

Islam: Faith and History (2005) ISBN 978-1851683482 •

A Muslim View Of Christianity: Essays On Dialogue (2007) ISBN 978-1570756900 •

The Crisis Of Muslim History: Religion And Politics In Early Islam (2014) ISBN 978- •

1851683963

Theological position

Mahmoud Ayoub promotes a moderate interpretation and understanding of Islamic theology

A 2006 article about Muslim cab drivers and their adherence to the various religious rules and keeping the letter of the laws of Islam, when speaking to cab drivers transporting customers having alcoholic products, Ayoub is quoted saying "I know many Muslims who own gas stations [alcohol is prohibited in Islam] and sell ham sandwiches [pork is prohibited in Islam]. They justify it and I think rightly so; that they

.have to make a living

In ٢٠١٣ when responding to questions about ISIS/ISIL, Ayoub dismissed them as contrary to Islam, stating that extremism has always been a problem in the religion, noting that Islam is unique among faiths in that it was founded as both a religion and a state. Mahmoud clarified the ideal dynamic would be a balance between the two with the state remaining in ultimate control. He further stated that from Islam's earliest beginnings, some have challenged that balance and sought to impose brutal theocracies, citing one group early in Islamic history that acted much like ISIS, trying to found a theocracy and killing all those who resisted or disagreed with it. "My view is the action of ISIS is not

ص: ٢٠

.unique. Extremism appears in every epoch of Islam

At a lecture in ٢٠١٣ at Oakwood University in Huntsville, Alabama, Ayoub said at the heart of the Islamic moral system is love, the basis for peace. In quoting a passage from the Hadith (collected sayings of Muhammad): "No one of you will be a true . " believer until he loves for his brother what he loves for himself

In a ٢٠١٤ article in The Jewish Exponent regarding religious observations, Ayoub's words are quoted "Repentance may be regarded as the cornerstone of religious life .of both the individual and society

In the media

In ٢٠٠٩ Ayoub voiced his opinion regarding the idea of a U. S. Muslim college, believing Muslims are better off attending established American schools, saying U. S. Muslims badly need a seminary since there are none in the country: "I don't know that I would send my child to go to a college where they can only learn tradition. Young people ."have to live, I like mixing people. I don't like ghettos

On ٢٤ March ٢٠١٥ the Peace Islands Institute brought together Mahmoud M. Ayoub and Neset Ulusal of Quinnipiac University for a discussion entitled "Muslim Voices " .Against Extremism

In a ٢٠١٥ article Mahmoud's work was mentioned as helping develop a scholarly .approach to inter-faith relations between Islam and Christianity

In ٢٠١٦ Mr. Ayoub was mentioned being the "driving force behind establishing the chair and raising money for it" regarding the first academic chair in North America dedicated to Shi'i studies at Hartford to help complimenting and contrasting dialogue .balancing the predominant Sunni view of Islamic thought

Controversy

In ٢٠٠٨ Professor Mahmoud Ayoub was instrumental in persuading the International Institute of Islamic Thought (IIIT) into donating \$١. ٥ million for the Temple University

Seminary chair office. This effort was met with warnings from David Horowitz claiming the IIIT group had funded terrorism and having terrorist ties. After the university seemed unable to publicly respond with an open acceptance or rejection of the donation, the IIIT withdrew its offer in December of that year. Although IIIT had been investigated by the Federal Bureau of Investigations and the Department of Homeland Security after the domestic terrorist attacks on 11 September 2001, no charges were brought against their organization

Awards

In 2012, Mr. Ayoub received the Distinguished Scholar Award from the International Institute of Islamic Thought (IIIT)

ص: ٢١

Mahmoud has received a Kent Doctoral Fellowship, a Fulbright scholarship and a .Canada Council Fellowship

Mahmoud M. Ayoub on the Institute of Ismaili Studies

[\(Mahmoud M. Ayoub on the Institute of Ismaili Studies\)](#)

Introduction

Mahmoud M. Ayoub was born in South Lebanon. He received his education at the American University of Beirut (BA, Philosophy, ۱۹۶۴), the University of Pennsylvania (M. .A., Religious Thought, ۱۹۶۶), and Harvard University (Ph. D., History of Religion, ۱۹۷۵

Since ۱۹۸۸ to ۲۰۰۸, he was a Professor and chair of Islamic Studies in the Department of Religion, Temple University, Philadelphia, an Adjunct Professor at the Duncan Black Macdonald Center, Hartford Seminary, Connecticut, a Research Fellow at the Middle East Center, University of Pennsylvania and the Tolson visiting professor at the Pacific School of Religion, Berkeley California. In ۱۹۹۸, Dr. Ayoub helped devise and launch a graduate M. A. level program in Muslim-Christian relations and comparative religion for the Centre for Christian-Muslim Studies, University of Balamand, Lebanon, and since the Spring of ۱۹۹۹, has been its visiting professor. Mahmoud Ayoub has also previously taught at San Diego State University, the University of Toronto, and McGill .University

Throughout his academic career, Mahmoud Ayoub has received distinguished awards and scholarships, both for his achievements and researches. Among others, he was a recipient of the Kent Doctoral Fellowship and the Canada Council Fellowship. In ۱۹۹۴-۵, he participated in the Fulbright Exchange of Scholars program for Malaysia. In the Spring-Summer of ۲۰۰۰, he undertook a research project on Christian-Muslim .relations in Egypt and Lebanon, also on a Fulbright scholarship

Mahmoud Ayoub is the author of a number of books including, Redemptive Suffering in Islam and The Qur'an and Its Interpreters (vol. ۱ ۲). The summer of ۲۰۰۰ saw the release of his two-volume publication, Dirasat fi al-'Alaqat al-Masihiyah al-Islamiyyah in Arabic (Studies in Christian-Muslim Relations). Islam: Faith and

History appeared in ۲۰۰۴. In addition, his articles have appeared in books and journals, like, The Muslim World, Journal of the American Oriental Society, Bulletin of the Institute of Middle Eastern Studies

ص: ۲۲

۱- . معرفی محمود ایوب در سایت مؤسسه مطالعات اسماعیلیه (لندن).

Tokyo, Japan) and Islamochristiana (Rome, Italy), among many others. Prof. Ayoub)
.has also served and is still serving on a number of Advisory and Editorial Boards

Since ۱۹۹۹, Dr. Ayoub has participated in the United States' Department of State's program, serving as one of its ambassadors to various parts of the Middle East and S. E. Asia, commenting on American society and institutions, inter-religious dialogue and
.Islam in America

Mahmoud M. Ayoub on Islammattersnow

[\(Mahmoud M. Ayoub on Islammattersnow\)](#)

Mahmoud M. Ayoub was born in South Lebanon. He received his education at the American University of Beirut (BA, Philosophy, ۱۹۶۴), the University of Pennsylvania (M. (A., Religious Thought, ۱۹۶۶), and Harvard University (Ph. D., History of Religion, ۱۹۷۵

From ۱۹۸۸ to ۲۰۰۸, he was a Professor and director of Islamic Studies in the Department of Religion, Temple University, Philadelphia, an Adjunct Professor at the Duncan Black Macdonald Center, Hartford Seminary, Connecticut, a Research Fellow at the Middle East Center, University of Pennsylvania and the Tolson visiting professor at the Pacific School of Religion, Berkeley California. In ۱۹۹۸, Dr. Ayoub helped devise and launch a graduate M. A. level program in Muslim-Christian relations and comparative religion for the Centre for Christian-Muslim Studies, University of Balamand, Lebanon, and since the Spring of ۱۹۹۹, has been its visiting professor. Mahmoud Ayoub has also previously taught at San Diego State University, the
.University of Toronto, and McGill University

Throughout his academic career, Mahmoud Ayoub has received distinguished awards and scholarships, both for his achievements and researches. Among others, he was a recipient of the Kent Doctoral Fellowship and the Canada Council Fellowship. In ۱۹۹۴-۵, he participated in the Fulbright Exchange of Scholars program for Malaysia. In the Spring-Summer of ۲۰۰۰, he undertook a research project on Christian-Muslim
.relations in Egypt and Lebanon, also on a Fulbright scholarship

Mahmoud Ayoub is the author of a number of books including, Redemptive Suffering

in Islam and The Qur'an and Its Interpreters (vol. ۱ ۲). The summer of ۲۰۰۰ saw the
release of his two-volume

ص: ۲۳

۱- . معرفی محمود ایوب در سایت [IslamMattersNow](http://IslamMattersNow.com).

publication, *Dirasat fi al-‘Alaqat al-Masihiyah al-Islamiyyah* in Arabic (Studies in Christian-Muslim Relations). *Islam: Faith and History* appeared in ۲۰۰۴. In addition, his articles have appeared in books and journals, like, *The Muslim World*, *Journal of the American Oriental Society*, *Bulletin of the Institute of Middle Eastern Studies* (Tokyo, Japan) and *Islamochristiana* (Rome, Italy), among many others. Prof. Ayoub has also served and is still serving on a number of Advisory and Editorial Boards

Mahmoud Ayoub’s authority in both the scholarship and comparative study of Islam and Muslim-Christian relations, as well as inter-religious dialogue, is demonstrated by the national and international recognition he has received. This is reflected by his numerous local and overseas scholarly engagements. Since ۱۹۹۹, Dr. Ayoub has participated in the United States’ Department of State’s program, serving as one of its ambassadors to various parts of the Middle East and S. E. Asia, commenting on American society and institutions, inter-religious dialogue and Islam in America

Professor Ayoub is also one of the founders of the Temple-Gajah Mahda Universities’ Comparative Religion Programme in Yogyakarta, Indonesia. Since its inception in ۱۹۹۹, Professor Ayoub has made frequent trips to the university

Today, at the request of the United States Government, Professor Ayoub is serving as an ambassador to various parts of the Middle East, lecturing on American society and institutions, Interfaith Dialogue and Islam in America

Professor Ayoub has published over fifty scholarly articles both as chapters in edited works as well as in esteemed academic refereed journals which include

The Muslim World•

Journal of the American Oriental Society•

Bulletin of the Institute of Middle Eastern Studies•

Islamochristiana•

:He has authored several books, some of the most notable being

.Redemptive Suffering in Islam•

.The Qur'an and Its Interpreters•

.The Crisis of Muslim History: Religion and Politics in Early Islam•

.Islam: Faith and History•

In addition to the above, he has contributed significantly to many encyclopedias,
.served on several advisory boards and editorial boards

ص: ٢٤

سالشمار اهم رخدادهای زندگی

۱۹۳۵ تولد در قانا در جنوب لبنان

۱۹۶۴ مهاجرت به آمریکا

۱۹۶۴ اقامت در آمریکا

۱۹۶۴ شروع تحصیل در دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا در رشته اندیشه دینی (۱)

۱۹۶۶ دریافت فوق لیسانس از دانشگاه پنسیلوانیا

۱۹۶۷ پذیرش در مقطع دکتری دانشگاه هاروارد در رشته تاریخ ادیان

۱۹۷۵ دفاع از پایان نامه با موضوع عاشورای حسین

۱۹۷۵ اخذ دکترای تاریخ ادیان از دانشگاه هاروارد

۱۹۷۵ آغاز تدریس در دانشگاه کالیفرنیا

۱۹۷۶ تدریس در دانشگاه تورنتو کانادا

۱۹۷۷ تدریس در دانشگاه مک گیل کانادا

۱۹۸۴ تألیف و نشر کتاب قرآن و مفسران آن (۲)

۱۹۸۶ تألیف و نشر مقاله بداء از نظر شیعه در مجله مطالعات شرقی

۱۹۸۷ ترجمه فارسی مقاله بداء و نشر آن در مجله مشکوه (مشهد مقدس)

۱۹۸۸ همکاری علمی و پژوهشی با چند دانشگاه در آمریکا و کانادا

۱۹۹۲ همکاری با دایره المعارف دین

۱۹۹۴ سفر به ایران جهت بازدید از مراکز علمی - مذهبی

۱۹۹۴ سفر به قم و انجام چند مصاحبه و سخنرانی در قم

۱۹۹۵ همکاری با دایره المعارف آکسفورد و تألیف سه مدخل آن

۲۰۰۰ سفر ترم تابستانه به مالزی و همکاری پژوهشی با بعضی مراکز

۲۰۰۰ سفر علمی به لبنان و مصر جهت همکاری در پروژه روابط اسلام و مسیحیت

ص: ۲۵

۱- . Relegous Thought

۲- . مشخصات کامل این اثر در کتابشناسی محمود ایوب در آخر کتاب آمده است.

۲۰۰۰ همکاری با چند نشریه علمی به عنوان ویراستار یا نویسنده

۲۰۰۰ ویرایش کتاب قرآن و مفسران و تجدید چاپ

۲۰۰۱ همکاری با چند مؤسسه علمی در مالزی

۲۰۰۳ راهنمای چند پایان نامه در مالزی

۲۰۰۴ تألیف در بررسی روابط مسلمانان و مسیحی ها

۲۰۰۴ تألیف و نشر کتاب اسلام، ایمان و تاریخ

۲۰۰۵ ویراستار The OXFORD Dictionary of Islam

۲۰۰۷ تألیف و نشر کتاب نمای مسلمانان از مسیحیت

۲۰۰۷ همکاری پژوهشی با دانشگاه بلمند در طرابلس لبنان

۲۰۰۷ سخنرانی مهم در دانشگاه بلمند

۲۰۰۸ آغاز همکاری با مدرسه علمی هارتفورد

۲۰۰۹ همکاری پژوهشی و آموزشی با مرکز خاورمیانه در دانشگاه پنسیلوانیا

۲۰۱۱ ترجمه مقاله قرآن صامت و قرآن ناطق به فارسی و چاپ در مجله امامت پژوهی

۲۰۱۱ همکاری با مجله The muslim world Journal به عنوان ویراستار

۲۰۱۴ تأسیس کرسی امام علی علیه السلام در هارتفورد

۲۰۱۴ تألیف و نشر کتاب بحران تاریخ اسلام: دین و سیاست در قرون نخست اسلامی

۲۰۱۶ انتشار مقاله جایگاه امام حسین علیه السلام نزد پیامبر(ص)

۲۰۱۶ شرکت در جشنواره فارابی از راه دور

محمود ایوب در جبل عامل متولد شد و همان جا به مدرسه رفت و رشد یافت: جایی که مهد دانشمندان بسیار است و در هر گوشه آن مراکز مختلف علمی فعالیت دارد.

سپس در بیروت در دانشگاه آمریکایی بیروت تحصیل کرد، جایی که استادان مبرز فراوانی به تدریس و تحقیق و تربیت دانشجو اشتغال دارند. پس از آن در چند دانشگاه مهم جهان یعنی هاروارد به تحصیل و تحقیق و تدریس پرداخت. همه اینها عواملی است که از محمود ایوب، دانشمندی با مبانی مستحکم و معلومات گسترده ساخته است.

اکنون دیدگاه های او را بر اساس نوشته هایش در سه قسمت، تشیع، قرآن و جهان معاصر معرفی می کنیم.

جایگاه والای امام حسین (ع) نزد پیامبر (ص): بر اساس منابع اهل سنت

نگاهی به منابع حدیثی معتبر اهل سنت از جایگاه ویژه اهل بیت (ع) و به ویژه امام حسین (ع) برای حضرت محمد (ص) خبر می دهد و این مسئله درستی راه آنان را تصدیق می کند.

«محمود ایوب»، استاد اسلام و روابط مسیحی - مسلمان مدرسه علوم دینی «هارتفورد» آمریکا در مقاله ای با عنوان «فضائل امام حسین (ع) در منابع حدیثی اهل سنت» به بررسی جایگاه امام حسین (ع) نزد مسلمانان در همه ادوار می پردازد.

در زیر بخش هایی از این مقاله آورده شده است:

«تاریخ بشر همواره شاهد نزاع مستمر میان خوب و بد، درست و غلط، نیکوکاری و شرارت و پرهیزگاری و فساد بوده است. این نزاع لایزال حکم خداوند بود هنگامی که آدم، یک موجود خاکی، را به زمین فرستاد تا در این نزاع داخل شود. در نتیجه این کشمکش و نزاع است که انسان ها به سعادت ابدی دست می یابند و یا دچار شقاوت می شوند.

نگاهی به تاریخ ملل، اهمیت جهانی این نزاع را نشان می دهد چراکه در همه دوران ها و در هر شرایطی وجود داشته است. به همین دلیل است که قرآن از ما بارها و بارها می خواهد که به عاقبت کسانی که پیش از ما بوده اند فکر کنیم. این نزاع در نهایت نزاع میان حق و نفس، میان حقیقت و دروغ و میان هدایت حقیقی و گمراهی آشکار است.

این نزاع در هیچ کجا سخت تر از زندگی حضرت محمد (ص) و اهل بیت ایشان رخ نداده است. به ویژه در زندگی و شهادت امام حسین (ع) که اهمیت ویژه ای نیز پیدا کرد و ایشان توانست الگویی برای همه شهدای راه حق، در همه دوران ها ارائه کند.

در این مقاله اهمیت جهانی امام حسین (ع) در سنن اسلامی بررسی می شود و

محمود ایوب تأکید می کند که همه اخبار ذکر شده در این مقاله مورد اتفاق منابع شیعی و سنی بوده است. با وجود این، این احادیث در منابع اهل سنت تنها مورد نقل قرار گرفته اما در منابع شیعی مبنای یک نظام ایدئولوژیک شده است.

درک جایگاه حسین (ع)

برای درک جایگاه حسین (ع): سرور شهیدان در تاریخ اسلام، سخنی در باب جایگاه اهل بیت پیامبر (ص) نزد مسلمانان لازم است. همانطور که خانواده های پیامبران الهی مانند خانواده ابراهیم (ع) و خانواده عمران (ع) ستایش شده و برگزیدگان خدا نامیده شده اند، پیامبران و اهل بیت آن ها منتخبان خدا و پاک و گرامی هستند.

اهل بیت حضرت محمد (ص) نیز برگزیدگان خدا و پاک شده از بدی و ناپاکی هستند و چون حضرت محمد (ص) پیامبر خاتم است، خاندان او نمی توانستند نقش پیامبری او را عهده دار شوند (به عنوان مثال اسماعیل (ع) فرزند ابراهیم (ع) و جد شعیب، صالح، هود و نهایتاً حضرت محمد (ص) بود) از این رو اهل بیت پیامبر مسئولیت ایشان را با پیشوایی و راهنمایی امت اسلام ادامه دادند.

هدف آن ها حفظ پیامی بود که از سوی خداوند به حضرت محمد (ص) برای بشریت نازل شد. مانند بسیاری از پیامبران، امامان نیز مجبور بودند که رد و طرد شدن از سوی مردم خود و رنج های زیادی را تحمل کنند و سهم آن ها معمولاً شهادت در راه خدا بود و البته خداوند وعده داده که هر که برای من رنج بیشتر برد، پاداش بزرگتر خواهد داشت.

فضایل اهل بیت (ع)

در ادامه این مقاله حکایات نقل شده در باب فضایل اهل بیت (ع) و جایگاه آنان برای پیامبر برای همه مسلمانان ارائه می شود. در احادیث شیعیان و اهل سنت، یک واقعه مهم که نشان دهنده جایگاه اهل بیت (ع) و ابعاد معنوی ارتباط ایشان با حضرت محمد (ص) است، حدیث کساء است که در منابع معتبر شیعه و سنی با اندکی تفاوت وجود دارد و بر جایگاه والای اهل بیت و عشق پیامبر به ایشان تأکید دارد.

حدیث کساء به واقعه ای اشاره دارد که در خانه «ام سلمه»، همسر

پیامبر(ص) روی می دهد که ایشان خود و خاندان خود را با پارچه ای ابریشمین می پوشاند و در آن زمان آیه تطهیر بر ایشان نازل می شود. حدیث کساء مورد اجماع امت اسلام است.

در این حدیث، «کساء» نماد رحمت و موهبت الهی است که پیامبر و خانواده مقدس ایشان را در بر می گیرد و همچنین نشانه تسلی و آرامش دادن در برابر رنج های شدیدی است که در خانواده بعد از ایشان مجبور به تحمل هستند. در نهایت کساء این پنج قدیس را از بقیه مؤمنان جدا کرده و جایگاه ویژه ای به آنان می دهد. واقعه کساء شأن نزول آیه «تطهیر» است که می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» خداوند! اینها خاندان من هستند، رجس و آلودگی را از آنها دور کن».

واقعه دیگری که از ارتباط معنوی اهل بیت با پیامبر(ص) جدای ارتباط خونی آن ها حکایت دارد، رویداد «مباهله» است.

در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا صلوات الله علیه مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران از بلاد یمن شدند. مسیحیان نجران نیز افرادی را به نمایندگی از سوی خود برای گفت و گو با پیامبر اسلام به مدینه گسیل داشتند. گروه نجران وارد مدینه شده و با پیامبر دیدار کردند. آنها گفتند: ای محمد، آیا تو صاحب و سرور ما را می شناسی؟ پیامبر فرمودند: «سرور شما کیست؟» گفتند: عیسی بن مریم. پیامبر صلوات الله علیه فرمودند: «او عبد و رسول خدا است.»

گفتند: به ما نشان بده کسی را که خدا مانند او آفریده باشد در آنچه دیده و شنیده ای. جبرئیل بر پیامبر(ص) این آیه را نازل فرمود: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ: مثل عیسی (علیه السلام) در نزد خدا، همچون آدم (علیه السلام) است که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: موجود باش. او هم فوراً موجود شد.» بنابراین، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست. آنان از پذیرفتن حقیقت سر باز زدند و لجاجت ورزیدند. (۱)

ص: ۳۱

۱- آل عمران، آیه ۵۹؛ داستان ملاقات مسیحیان نجران با پیامبر اکرم و گفت و گوی آنان ذیل آیه ۵۹ از سوره آل عمران در تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۶۸-۶۷۰ به تفصیل آمده است.

بنا شد تا مسیحیان نجران و مسلمانان در مقابل یکدیگر قرار بگیرند و یکدیگر را نفرین کنند تا آن طرف که دروغگو است مورد عذاب قرار گیرد و چون پیامبر(ص) با اهل بیت خود که پاره تن ایشان بودند در این مکان حاضر شد، مسیحیان به صحت سخن او ایمان آورده و مباحله را به مصالحه تبدیل کردند.

واقعه مباحله نیز مورد اتفاق شیعیان و اهل سنت است و بر جایگاه والای اهل بیت پیامبر(ص) نزد ایشان حکایت دارد.

همچنین اهل سنت و شیعیان بر این مسئله اتفاق نظر دارند که در آیه ۲۳ سوره مبارکه شورا، منظور از نزدیکان پیامبر(ص) اهل بیت ایشان هستند.

این آیه می فرماید: این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد، بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس عمل نیکی انجام دهد بر نیکی اش می افزائیم، چرا که خداوند آمرزنده و شکرگزار است.

الگو بودن اهل بیت(ع) در خصائل انسانی در احادیث اسلامی

در ادامه این مقاله به فضایل اهل بیت پیامبر(ص) نزد شیعه و سنی و الگو بودن آنان در پرهیزگاری، بخشندگی، استقامت در سختی ها و منشأ آرامش بودن در زمان امتحان و رنج پرداخته و داستان های معروفی را که از خصائل اخلاقی اهل بیت(ع) وجود دارد را مطرح می کند.

امام حسن و امام حسین(ع)

سپس این مقاله به شرح جایگاه امام حسن و امام حسین(ع) به طور ویژه نزد پیامبر اکرم(ص) می پردازد و می گوید: احادیث اسلامی دارای حکایت های شیرینی است که عشق و نگرانی حضرت محمد(ص) را به فرزندان فاطمه(س) نشان می دهد. آن ها هر دو در مدینه متولد شدند و رابطه نزدیک و عشقشان به پدربزرگ کودکانه این دو امام را رنگین کرد.

همچنین از حکایت هایی که در کتب مختلف مطرح شده به روشنی مشخص است که در آن زمان تنش های سیاسی و ایدئولوژیکی در جامعه وجود داشته و این تنش ها بر امام حسن و امام حسین(ع) متمرکز بوده است.

محبوبیت امام حسین(ع)

با وجود این، احادیث شیعه و سنی از محبوبیت و جایگاه والای امامان نزد

مسلمانان خبر می دهد و بدون شك جایگاه ویژه آن ها به ویژه امام حسین(ع) نزد مسلمانان به خاطر جانفشانی بزرگ ایشان و تقدیم کردن مال و جان خود و خانواده در راه پروردگار است. شهادت حسین(ع)، شجاعت، استقامت، عزت نفس و جانفشانی در دوران بحران بزرگ، همه مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده است.

حسین(ع) الهام بخش بهترین اشعار در همه زبان های مسلمانان بوده و حتی شاعران غیرمسلمان پرهیزگاری و شجاعت او را گرامی داشته اند.

مهمتر از همه این ها، شهادت امام حسین(ع) الگوی استحکام و پایداری برای همه مسلمانان در زمان رنج، سختی و ستم شده است. ایشان با همه مظلومان در برابر حاکمان ستم پیشه ایستادند، خطاکاران را سرزنش کرده و مظلومان را ترغیب به پایداری در نبرد برای آزادی و عزت نفس کردند.

در پایان این مقاله نتیجه می گیرد: اذعان منابع سنی و شیعه به وحدت وجودی و هم جانبه پیامبر(ص) با اهل بیتشان، درستی راه آنان را تصدیق می کند. یکی دیگر از احادیث مورد اجماع اهل سنت و اهل تشیع آن است که پیامبر(ص) فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»^(۱).

هنگامی که سوره کوثر نازل شد، انس بن مالک، یکی از اصحاب نزدیک پیامبر از ایشان در مورد کوثر پرسید و پیامبر(ص) پاسخ داد که کوثر رودی بهشتی است که کسانی که پیمان مرا بشکنند و کسانی که اهل بیت مرا به قتل برسانند از آن نخواهند نوشید.

وحدت معنوی و روحانی اهل بیت(ع) که با نماد «کساء» مطرح شده، نمادی از وحدت همه مسلمانان است. به خاطر این وحدت در ایمان و تسلیم شدن به پروردگار و حقیقت بود که امام حسین(ع) زندگی خود را قربانی کرد. او اسلام متعصب را رد کرد و مشروع شدن حکومت ستمکار بنی امیه را نپذیرفت.

از آنجایی که ایشان تحقیر، خطاکاری و انحراف از ایده آل های اسلامی معرفی شده توسط پیامبر(ص) و امام علی(ع) را نپذیرفت، یکبار برای همیشه تفاوت میان نماینده حقیقی خدا و فرمانروایان دنیوی را نشان داد. ایشان و یارانشان با خدا

ص: ۳۳

۱- این روایت با اندک اختلافاتی در منابع وارد شده است؛ برای نمونه نگاه کنید به مسند الامام الشهید، ج ۱، ص ۹۱.

معامله کردند و خشنودی او را با جان ها و مال هایشان خریدند.

این مبارزه طلبی الهی اکنون نیز به همان اندازه ۱۴۰۰ سال پیش اهمیت دارد و ما را به سعادت ابدی دعوت می کند. (۱)

در پایان

متذکر می شوم که محمود ایوب مقالات بسیار درباره فضائل امام حسین (ع)، شهادت، مرثیه خوانی، محرم، عزاداری و دیگر ابعاد حادثه عاشورا در رفرنس های جهانی مانند ایرانیکا، دایرهالمعارف آکسفورد، دایرهالمعارف دین (الیاده) و نشریات معتبر علمی و مجموعه های مهم نوشت و تلاش کرده حادثه کربلا و عاشورا را با منطق و استدلال مطرح و ترویج کند.

ص: ۳۴

۱- . خبرگزاری ایکننا، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۴.

تحقیقی پیرامون مسأله بدا در احادیث شیعه امامیه

نویسنده: محمود ایوب - دانشگاه تورنتو (۲)

مترجم: احمد نمایی

در برابر تغییرناپذیری ظاهری تقدیر الهی چه امیدی می توان به اعمال و تمّیّات آدمی داشت؟ امکان تغییر و تعدیل تقدیر الهی را گروهی از مسلمانان با بهره جویی از اصل بدا پذیرفته اند. بدا در لغت به معنای تغییر رأی است برپایه دانش یا وضعیتی جدید که مستلزم تجدید نظر در موضوع مربوط است. در مورد خداوند این واژه به معنای تغییر در تقدیرات الهی از جانب ذات او است «با علم ازلی مطلق به آیات و به تغییرات بعدی آن، در آیاتی چند از قرآن کریم و در کتب تفسیر به بدا به معنای تغییر در تقدیر الهی از جانب ذات او اشاره شده و اغلب موضوع احادیثی در این باب بوده است. با بررسی این نوشته ها مشاهده می شود که بدا هرچند مفهومی انحصارا شیعی نیست همواره با مقدرات امت مظلوم اما همیشه امیدوار شیعه ارتباطی خاص داشته است. شیعیان میانه رو از هیچ کوششی در حمایت از تغییرناپذیری علم الهی دریغ نداشتند و در عین حال به تغییر در تقدیر الهی برای هدف های سودمند و کلامی معتقد بودند:

یکی از دشوارترین مسایل تاریخ مذهبی بشر و بویژه امت اسلامی درك و توجیه اراده حق تعالی نسبت به انسان بوده است. یک پاسخ آن است که در مقابل تمام دگرگونیهای زندگی و مصایب آن به عنوان این که از جانب خداوند آمده است بی چون و چرا سر تسلیم فردو آوریم پاسخی که گاهی سخت جبری یا

ص: ۳۵

- ۱- این مقاله به زبان انگلیسی در مجله (۱۹۸۶) ۴، ۱۰۶، Journal of the American Oriental Society منتشر شد. سپس آقای نمایی به فارسی برگرداند و در مجله مشکوه (شماره ۲۰، پاییز ۱۳۶۷، ص ۳۶-۵۲) چاپ شد.
- ۲- آقای استاد ایوب چند سال در دانشکده الهیات مشهد از محضر استادان آن دانشکده، کلام فلسفه عرفان و تفسیر آموخته است.

ساده است و گاهی بشدت دلاورانه، اما بندرت بی چون وچرای مطلق است. از نظر تمام کسانی که به خدای یکتای معتقدند خدایی که باید رحمت و غضب، عدالت و بخشندگی، فضل و کيفری سخت را باهم اعمال کند، مسأله مهم، تلفیق منطقی این تضادها و ارتباط آن با واقعیت زندگی خود آنان است، و خداوند که این اعمال را با هماهنگی تمام انجام می دهد باید دارای علم و قدرتی مطلق باشد. اگر چنین است، پس علم لایتناهی و قدرت مطلق او با جهان و بویژه با تاریخ بشر و زندگی افراد بشر چه ارتباطی دارد؟ آیا خداوند در اعمال مطلق دانش و قدرتش تمام امور را به مصلحت کامل مخلوقاتش مقدر می کند. یا در اعمال مطلق آزادی و قدرتش امور را برحسب طرحی غیرقابل درک که ممکن است مطلقاً مدبرانه یا مطلقاً متغیر باشد مقدر می دارد؟ در هر یک از این دو صورت عبادت و دعا به درگاه خداوند و محبت به مخلوقاتش چه فایده ای دارد درحالی که حتی این اعمال برای پاداش دادن به عده ای در آخرت مقدر شده است نه برای کسانی که از اول محکوم به عذاب ابدی بوده اند؟

بنظر می رسد قرآن راه حلی برای این مسأله ارائه می دهد که نه تغییرناپذیری صفات الهی را نقض می کند و نه تأثیر اخلاص و امید آدمی را. قرآن علو الهی و ضعف آدمی، بخشش و عدالت الهی و حق ویژه انسان برای درخواست رحمت و عفو در برابر عدالت و خشم خداوند را باهم بیان می کند: قرآن اعلام می کند که خداوند «بخشنده و مهربان و هم شدید العقاب» است. دستور داده که بندگانش او را بخوانند زیرا او به بندگانش نزدیک است و آماده اجابت دعاهای ایشان می باشد (سوره بقره: ۱۸۶). قرآن همچنین اعلام می کند که خداوند «هرچه بخواهد محو و هرچه را بخواهد اثبات می کند و ام الكتاب نزد او است» (سوره رعد: ۳۹) در این تحقیق ما به تفسیر این آیه که تصویری کامل از علو الهی است، خواهیم پرداخت.

با تحقیق در مفهوم بدا (ظهور یا مداخله وضعیتی جدید که سبب بروز عقیده ای تازه یا تغییری در تصمیم قبلی شود)، (۱) ما مفاهیم این آیه را از نظر محدثان شیعه و مفسران قرآن مورد بحث قرار می دهیم. در ابتدا ما کلمه بدا را هم از نظر لغوی و هم از نظر کلامی تعریف می کنیم و سپس به بررسی مأخذ این مفهوم در قرآن و حدیق

ص: ۳۶

می پردازیم. اما از آن جا که بخش اصلی این بررسی مربوط به کتب تفسیر است، به تفصیل تفاسیر مختلفی را که از این آیه (سوره رعد: ۳۹) شده است بررسی می کنیم. در پایان مفاهیم کلامی و عملی بدا را خواهیم سنجید و مسایلی را که برانگیخته است متذکر خواهیم شد. ما بحث خود را به تفسیر و حدیث محدود خواهیم کرد. غوامض کلامی بدا، با وجود اهمیتی که دارد از محدوده این مقاله بیرون است.

ابن منظور، لغت شناس مشهور کلمه بدا را «ظهور» معنی کرده است. ریشه فعلی «بدا» به معنی «ظهر» است. مانند وقتی که گفته می شود «بد الی من امرک بداء الی ظهرلی». مفهوم آن چنین است که وضعیّت یا اطلاعاتی تازه درباره موضوعی آن را طوری دیگر ظاهر ساخت، به این معنی که سبب تغییر عقیده شخص نسبت به آن موضوع شد. این به نوبه خود ممکن است مستلزم تغییری در تصمیم شخص نسبت به انجام عملی باشد. فعل بدا ممکن است به معنی «کشف کردن چیزی که قبلاً مجهول بوده است» بکار رود. معنی دقیق تر آن عمل یا قصد شخص است. نقل شده که پیامبر فرمود: «هرکس رفتار (فاسد) خود را به ما بنمایاند بر طبق کتاب خدا درباره او قضاوت خواهیم کرد.»^(۱)

بنابراین اصطلاح بدا هرگاه در مورد انسان بکار رود همیشه بر تغییر عقیده ای بر اساس معرفتی نو یا وضعیتی جدید که مستلزم تجدیدنظر در امر مورد نظر است دلالت دارد. اما این معنی در مورد خدای دانا که زمان و شرایط محیطی دانش او را محدود نمی کند نمی تواند مصداق پیدا کند باوجوداین کلمه بد در مورد خدا بکار می ورد، برای مثال در حدیثی آمده است «الاقرع و الابرص و الاعمی: بد الله عزّ و جل ان یبتلیهم». ابن اثیر مورخ و محدث مشهور کلمه بدا را در این مورد به معنی قضا (تقدیر الهی) می داند. فراء، نحوی مشهور و عالم به فنون قرآنی، بدا را به «نظری دیگر» تعبیر کرده است. جوهری، یکی دیگر از لغت شناسان مشهور،

ص: ۳۷

۱- عبارت حدیث چنین است: «من ید لنا صفحته نغم علیه کتاب الله ای من یظهر لن فعله الذی کان یخفیه اقمنا علیه الحدّ». ر.ک. ابن منظور لسان العرب. (بیروت، دار الصادر بدون تاریخ)، ج ۱۴، ص ۶۶.

معنایی شبیه به این اظهار کرده است. (۱)

هرچند کلمه بدا را می توان به صور مختلفی تفسیر کرد، این کلمه الزاما بر تغییر عقیده دلالت دارد که نمی توان به خداوند چنین نسبتی داد. از اینرو، به طوری که در مورد ابن اثیر دیدیم، محدثان در مورد خداوند با تعبیر بدا به قضا یا تقدیر بسادگی از عهده حلّ این مشکل برآمده اند در عین حال این سؤال باقی است که آیا این تعبیر به معنای تقدیری ازلی است یا تقدیری جدید که جای تقدیر قبلی را گرفته است. اگر اولی صحیح باشد پس در این مورد کلمه بدا باید به علط بکار رفته باشد. اما در صورت صحّت دوّمی باید این تغییر تقدیر الهی را بدون نسبت دادن تغییرناپذیری یا محدودیتی به خداوند، بیان کرد. ما ذیلا به شرح مفصل این مسأله می پردازیم:

مفهوم بدا به این معنی که خداوند ممکن است امری را مقدر کند و بعدا ضدّ آن را اراده کند. در قرآن به صورت اصلی کلی، اما به صورتی دقیقتر در اصل نسخ آمده است. (ما بعدا رابطه بین این دو اصل را بررسی خواهیم کرد.) اصل بدا را به مفهوم کلی آن مبنی بر اینکه خداوند مطلقا آزاد است که هرچه را بخواهد انجام دهد، «فعال لما یرید» (سوره بروج: ۱۶) می توان در بسیاری از آیات قرآن مشاهده کرد. علاوه بر آیه ای که قبلا در مقدمه این تحقیق نقل شد، چندین مثال دیگر از قرآن برای توضیح مفهوم بدا می توان آورد. (۲)

اما یک آیه که هم از نظر بیان روشن و هم از نظر قضاوت تند درخور توجهی خاص می باشد آیه ۶۴ از سوره مائده است: «و قالت الیهود ید الله مغلوله... بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء». در این آیه، یهودیان برای گفتن این مطلب درباره خدا لعنت شده اند. اجماع مفسران بر این نظر متفقند که منظور یهودیان آن بود که «خداوند تعیین امر خلقت خود را به اتمام رسانده است».

ص: ۳۸

۱- همان کتاب، جلد ۱۴، ص ۶۶، برای شرح این حدیث ر.ک. ابن حجر العسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، (بیروت، دار المعرفه، بدون تاریخ)؛ جلد ۶، ص ۵۰۱-۵۰۰.

۲- برای مثال سوره شوری/۲۴، اسراء/۱۲ و انعام/۲. ر.ک. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار (تهران دار الکتب الاسلامیه)؛ ج ۴، ص ۹۳، ۹۲ نیز ر.ک. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، (بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۱/۱۹۷۲)، ج ۱۱، ص ۳۷۵.

بنابراین او نه چیزی خواهد افزود و نه چیزی خواهد کاست.» امام جعفر صادق (ع)، امام ششم که این حدیث از او نقل شده است، (به مخاطب خود) فرمود: آیا کلام خدا را «یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ...!» ننشیده‌ای؟^(۱) جدال پیامبر و یهودیان مدینه بر سر تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه در قرآن بروشنی بیان شده است.^(۲) از نظر مفسران این تغییر قبله بر اساس اصل نسخ بود. برطبق این اصل خداوند ممکن است آیه ای را با آیه دیگری مانند آن یا بهتر از آن نسخ کند (بقره/۱۰۶ و نحل/۱۰۱)

محقق نامی ابو جعفر نحاس (ف ۳۳۸/۹۵۰) در کتابش النسخ و المنسوخ اختلاف بین بدا و نسخ را بدین گونه بیان می کند: نسخ ممکن است به معنای موقوف کردن مطلق یا حذف آیه ای یا مفهوم آن و یا به معنای اصلاح آن باشد. ممکن است به معنای حرام کردن چیزی باشد که قبلاً حلال بوده یا بالعکس: و یا مباح کردن هر یک از این دو امر. اما در هر صورت باید تدبیر الهی در کار باشد. نحاس اختلاف را فقط در بدای انسانی و نسخ الهی می داند و در مورد خداوند هر دو را مترادف می شمارد. و آن دو را به اوامر و نواهی خداوند مربوط می داند.^(۳)

عقیده ای که از سوی میرداماد فیلسوف و متکلم شیعه در قرن یازدهم، درباره بدا و نسخ ابراز شده است عقیده ای است کاملاً متفاوت. از نظر او «منزلت بدا در تکوین با منزلت نسخ در تشریح یکسان است. بدین معنی که آنچه در امور تشریحی و احکام تکلیفی است نسخ و آنچه در امور تکوینی و مکونات زمانی است بداء خوانده می شود. بنابراین نسخ را می توان بدای تشریحی و بدا را نسخ تکوینی دانست.»^(۴)

نقل شده که مسلمانان از آغاز تاریخ اسلام مفهوم بدا را برای مقاصد سیاسی بکار می بردند. چنین آمده که مختار بن عبیدالله الثقفی (سر دسته خونخواهان

ص: ۳۹

۱- ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی (ملقب به شیخ صدوق)، کتاب التوحید (بیروت: دار المعرفه بدون تاریخ)؛ ص ۱۶۸-۱۶۷.

۲- ر.ک: سوره بقره: آیات ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵.

۳- ابو جعفر احمد بن محمد النحاس، کتاب النسخ و المنسوخ، چاپ اول، (قاهره: مطبعه السعاده، ۱۳۲۳/۱۹۰۵)؛ ص ۹.

۴- به نقل مجلسی، ج ۴، ص ۱۲۶.

حسین بن علی (ع)، امام سوم شیعیان، و احتمالاً پایه گذار یکی از نخستین فرقه های افراطی شیعه) برای بیان و توجیه شکستش به دست قوای برتر مصعب بن زبیر به این مفهوم استناد کرد. همچنین نقل شده که خود مختار برای نخستین بار به این مفهوم استناد نکرد بلکه یکی از یاران نزدیکش به نام عبد الله بن نوف بود که برای توجیه و بیان شکست مولایش آن را بکار برد. (۱) بنا به نقل شهرستانی، عالم ادیان و مذاهب اسلامی، یکی از قرق پیشین شیعه مشهور به بدائیه بوده است. بدا از نظر این فرقه احتمالاً به معنای تغییر در تقدیر خداوند بوده است در زمینه دانشی نو که خداوند قبلاً آن را نداشته است. اما شیعیان میانه رو - که مفصلاً شرح آن خواهد آمد - برای دفاع از تغییرناپذیری علم خداوند از هیچ کوششی دریغ نداشتند و در عین حال تغییر در تقدیر الهی را برای مقاصد علمی و کلامی جایز می شمردند.

بنابر عقیده شیعه مامیه بعد از حسن (ع) و حسین (ع) پسران علی (ع)، هرگز دو برادر، یکی بعد از دیگری، به امامت منصوب نمی شود. با وجود این گاهی بر سر این چنین جانشینی دو برادر جدال به وجود می آمد. یک نمونه از این مباحثه جانشینی امام موسی کاظم (ع) پسر کوچکتر امام ششم امام جعفر صادق (ع) به جانشینی پدر بعد از مرگ اسماعیل پسر بزرگتر امام جعفر صادق (ع) بود. مسأله این بود که اگر همه امامان به تقدیر الهی جانشینی یکدیگر می شوند. پس چگونه ممکن است امامی قبل از آنکه وظیفه امامت خود را به انجام رساند از دنیا برود؟ از این رو در حدیثی (کاملاً مشکوک) امام ششم وادار می شود بگوید: «ما بداء لله بداء کما بداء له فی اسماعیل ابنی. خداوند مرگ او را قبل از مرگ من رساند تا روشن سازد که او بعد از من امام نخواهد بود.» این حدیث شاید به دلایل کلامی، در اصل عوض شد. در روایتی دیگر منظور، اسماعیل پسر امام نیست. بلکه منظور جدش اسماعیل می باشد. لذا در حدیث چنین آمده است «ما بداء لله بداء له فی اسماعیل ابی.» خداوند به پدرش ابراهیم فرمان داد که او را قربانی کند اما بعداً ذبحی عظیم را فدای او ساخت (صافات/۱۰۷). ابن بابویه: شیخ صدوق، که این حدیث را نقل

ص: ۴۰

۱- . دائره المعارف اسلام، ج ۲، ذیل کلمه بدا به نقل از شهرستانی، الملل و النحل.

کرده هر دو روایت را تحریف شده می‌داند. (۱)

در یکی از قدیمی‌ترین تفاسیر موجود شیعه، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، آیه «یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ» بوسیله سوره ای دیگر تفسیر شده است. در سوره قدر آمده است که در شب قدر فرشتگان و روح برای انجام فرامین پروردگارشان به زمین می‌آیند. و از عبدالله بن مسکان یکی از اصحاب امام ششم (ع) روایت شده که چون معنی آیه را از امام پرسید، امام در پاسخ او فرمود، «در شب قدر فرشتگان و روح و فرشتگان و نویسندگان به آسمان این جهان فرود می‌آیند و آنچه قضای خداوند در آن سال است می‌نویسند - و اگر خداوند اراده کند امری را مقدم یا مؤخر بدارد یا آن را کاهش و یا افزایش دهد امر می‌کند که آنچه را که او می‌خواهد محو شود و آنچه را که اراده کرده سات باقی بماند.» او پرسید، «آیا مقدار هر چیزی که در نزد اوست در کتاب او ثبت شده است؟» امام فرمود «بلی» باز پرسید «بعد از این می‌آید؟» امام با تعجب و نگرانی فرمود: «سبحان الله! سپس خداوند آنچه را که اراده کند انجام می‌دهد!» (۲)

مفسران در این که خداوند چه چیزی را محو و چه چیزی را اثبات می‌کند نظریاتی متفاوت اظهار کرده اند. طبرسی در تفسیرش مجمع البیان، خلاصه این نظریات را به شرح زیر می‌آورد:

۱. بنا بر نقل ابن عباس و قتاده و دیگران، محو در این آیه با نسخ مترادف است بنابراین محو و اثبات فقط در احکام و فرایض است.

۲. بنا بر نقل بسیاری از مفسران و متکلمان از جمله ابن عباس، حسن بصری و اوعلی جَبَّائِي (معتزلی مذهب) خداوند فقط مباحاتی را که فرشتگان نویسندگان در کتاب محفوظ نوشته اند محو می‌کند. زیرا چنین اعمالی پاداش و کیفری ندارند. از طرف دیگر خداوند طاعات و معاصی را که بندگان در روز جزا برای آن پاداش یا کیفر می‌بینند باقی می‌گذارد.

۳. بنا بر نقل سعید بن جبیر، یکی از اصحاب ابن عباس، «خداوند آنچه را

ص: ۴۱

۱- ابن بابویه ص ۳۳۶.

۲- علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، به تصحیح سید طیب الموسوی الجزائری (نجف، مطبعه النجف، ۱۳۸۶ ه.ق)؛ ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۶.

بخواهد از گناهان مؤمنان به فضل خود محو می کند و عذاب را از آنان برمی دارد. و گناهان هرکسی را که اراده عذاب او کند به عدل خود باقی می گذارد.»

۴. برخی از اصحاب پیامبر، مانند عمر بن الخطاب، و قاری مشهور قرآن عبد الله بن مسعود و دیگران نظری کلی دارند، بنابر عقیده آنان خداوند آنچه را بخواهد از معیشت و شرایط زندگی مردمان محو می کند و به هر نحو که اراده کند بر آن می افزاید یا از آن می کاهد.^(۱)

درباره ام الکتاب، نظر اکثر مفسران بر آن است که ام الکتاب آن کتاب مثال آسمانی است که تمام اشیاء و حوادث در آن ثبت است. نقل شده که ابن مسعود در دعای خود می گفت، «خدایا اگر نام مرا در زمره اشقیاء نوشته ای، نامم را از زمره اشقیاء محو کن و مرا در گروه سعدا بنویس، زیرا تو هرچه را بخواهی محو می کنی و هرچه را بخواهی اثبات می کنی و ام الکتاب نزد تو است.» دعایی مانند این از امامان شیعه روایت شده است.^(۲) عکرمه از مولای خود ابن عباس و عمران بن حصین، یکی از اصحاب پیامبر (ص) از پیامبر (ص) روایت کرده اند که «آن دو کتاب است، یکی کتابی است سوای ام الکتاب که خداوند هرچه را بخواهد در آن محو یا اثبات می کند، و دیگری ام الکتاب که چیزی را در آن تغییر نمی دهد.»^(۳)

باز هم نظریاتی دیگر درباره ام الکتاب و محتوای آن وجود دارد. بعضی از مفسران معتقدند که خداوند هر قضا و امتحان و بلای مقدری را در ام الکتاب ثبت می کند: در عین حال ممکن است آنها را با دعا و صدقه محو کند یا بگرداند. اینست که اهل ایمان باید در عبادت روی بخدا آرند، توبه کنند و اعمال نیکو انجام دهند نظر نسبه مربوط دیگر آن است که خداوند با توبه جمیع گناهان را محو می کند و حسنات بنده تائب را بجای گناهان او می نویسد. برخی از صاحب نظران قدیم ظاهرا مفهوم لغوی این آیه را در نظر گرفته اند. از علی (ع) روایت شده که محو و اثبات در ام الکتاب را اشاره به خلقها (قرون) می داند که یکی پس از دیگری می آید.

ص: ۴۲

۱- ابو علی فضل بن حسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (بیروت دار مکتبه الحیات، ۱۳۸۰/۱۹۶۱)؛ ج ۱۳ ص ۱۸۶-۱۸۵.

۲- همان کتاب، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

۳- همان کتاب، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

او در این تفسیر به آیه ۱۲۸ از سوره طه و آیه ۳۱ از سوره مؤمنون استناد می کند. در عین حال مفسران دیگر محو و اثبات را اشاره به خورشید و ماه یا روز و شب می دانستند که یکی از پی دیگری می آید (سوره اسرا/۱۲). (۱)

در بعضی احادیث منقول از امامان شیعه امّ الکتاب همان امر الهی دانسته شده است. - لذا امام پنجم (ع) درباره آنچه که در شب قدر اتفاق می افتد می فرماید که در آن شب فرشتگان اوامر الهی را خاص یکسال آینده برای مردم زمین می نویسند. امام همچنین می گویند که «با این حال امر دیگری هم وجود دارد که فقط نزد خداوند است یعنی مشیت او چنان عمل می کند و اثبات می کند و امّ الکتاب نزد اوست.» (۲) در احادیث دیگر امامان اظهار کرده اند که خداوند دارای دو علم است: یکی محتوم و دیگری موقوف به حوادث دنیوی و اراده الهی. ما بزودی به چنین راه‌هایی برای مسأله بدای الهی و بحثهایی که این راه‌ها آفریده اند باز می گردیم در هر صورت، یک سؤال نهایی باقی می ماند که باید به آن پاسخ داد و آن مسأله مصلحت کلی انسان است که باید بدا آن را برآورده کند.

ابو جعفر طوسی، شیخ الطایفه مذهب شیعه امامیه و کسیکه مقتدای طبرسی در علم تفسیر است، پیچیدگی و تعدد تقدیرات الهی برای نوع بشر را دلیل بر علم و قدرت خداوند می دانست. بنابراین بدا به مفهوم کامل آن تنها برای کسی که علام الغیوب است میسر می باشد، و آن دل مردمان را پریشان می کند و آنان را به بیم از خداوند می اندازد و ممکن است به آنان کمک کند که واقعا به او ایمان بیاورند. و منفعت این عمل الهی در این کار قرار دارد. این بحث متضمن اصلی کلامی است که مورد قبول شیعه و معتزله می باشد. یعنی مصلحت بندگان وابسته به خداوند عادل و دانا است. (۳)

فیض کاشانی محدّث و مفسّر بزرگ قرن یازدهم هجری در تفسیرش، صافی، سعی دارد تمام مواضع مختلف را در تلفیقی جامع هماهنگ کند. او در مورد امّ

ص: ۴۳

- ۱- همان کتاب، ج ۱۳، ص ۱۸۶.
- ۲- همان کتاب، ج ۱۳، ص ۱۸۶.
- ۳- ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، به تصحیح احمد حبیب القیصر (نجف: مکتبه الامین، بدون تاریخ)؛ ج ۶، ص ۲۶۳.

الکتاب می نویسد: «آن لوح محفوظ است، محفوظ از هر گونه زوال و تغییر همه چیز را در بردارد. هر آنچه که باید تثبیت شود و هر آنچه که باید محو شود یعنی نسخ آن و تثبیت جایگزین آن، هر دو، بر آن لوح منقوش است و نسخ هر آنچه که باید منسوخ شود نیز در آن ثبت است خداوند بنا بر حکمت خود هر آنچه را که باید اثبات شود در این لوح تثبیت می کند»^(۱)

دیگر محدث مشهور قرن یازدهم هجری هاشم بن سلیمان البحرانی، در تفسیرش به نام، البرهان فی تفسیر القرآن، حدیثی جالب به امام پنجم (ع) نسبت می دهد که نظریات فیض کاشانی را تأیید می کند، اما با عبارتهایی خاص: «خداوند آنزه را که موجود بود و آنچه را که باید بوجود آید در کتابی نوشت. این کتاب همیشه در مقابل اوست و به آن نگاه می کند، آنچه را که او اراده کند به فعل درمی آورد و آنچه را بخواهد به تأخیر می اندازد، آنچه را بخواهد محو می کند، و آنچه را بخواهد بوجود می آورد، آنچه او نخواهد به وجود نمی آید»^(۲)

دانشمند، فیلسوف، محدث و مفسر ایرانی معاصر، سید محمد حسین طباطبایی (ف. آبان ۱۳۶۰) درباره این آیه به طور مجزّد بحث نمی کند، بلکه مفاد کلی آن را در نظر می گیرد. او استدلال می کند که چون کلمه محو در این جا بعد از جمله «برای هر اجلی (دوره زندگی) کتابی است (یعنی پایانی از پیش تعیین شده) و قبل از جمله «و ام الكتاب نزد اوست» آمده، پس محو و اثبات در این جا ممکن است اشاره به کتابهای سرنوشت باشد. نویسنده ادامه می دهد. «به طور خلاصه، برای هر زمانی، هر دوره ای از زندگی کتابی (پایانی از پیش تعیین شده) یا حکمی نزد خدا موجود است.» طباطبایی سپس استدلال می کند که «خداوند آنگونه که خود اراده کند این قضا و قدرها را محو و اثبات می کند. با این حال هر زمانی یا دوره ای از زندگی در نزد خداوند تقدیری است و رای حدّ محو و تغییر و آن ام الكتاب است.»^(۳) طباطبائی تمام نظریات درباره محو و اثبات را که قبلاً بحث شد رد می کند

ص: ۴۴

-
- ۱- . محسن الفیض الکاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن (تهران، کتابفروشی اسلامیة، بدون تاریخ)؛ ج ۱، ص ۸۷۸.
 - ۲- . هاشم بن سلیمان البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ دوّم (تهران: چاپخانه برادران علمی، ۱۳۷۵ هجری)؛ ج ۲، ص ۲۹۹-۳۰۰، نیز ر.ک: کاشانی، ج ۱ ص ۸۷۸.
 - ۳- . طباطبائی، ج ۱۱، ص ۳۷۷-۳۷۵.

زیرا او می‌گوید: «دلیلی وجود ندارد که این آیه دلالتی خاص بر هر یک از آنها داشته باشد. این، اصلی کلی است»^(۱).

در حدیثی منسوب به علی بن ابی طالب (ع) و علی بن الحسین (ع) روایت شده که فرمود، «اگر بخاطر آیه ای از قرآن نبود هر آینه شما را به آنچه بوده و آنچه که تا روز قیامت خواهد شد خبر می‌دادم... (و آیه این است) *يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ...*»^(۲) درباره وسعت علم امامان و ماهیت آن بعداً بحث خواهیم کرد. آنچه برای ما درجه اول اهمیت قرار دارد تعبیر طباطبایی از این حدیث است. «معنای این حدیث (به طوری که امام آن را تفسیر کرده) آن است که خداوند خواسته است مخلوقاتش با جهل به حوادث آینده زندگی کنند تا وظایفی را که در زندگی بر آنان مقرر است و علل طبیعی حادثه‌ها آنها را سبب می‌شود، به منصفه ظهور رسانند. بعلاوه آنان باید در خوف و رجا بسر برند و اگر حوادث به طور کامل بر آنان مکشوف شود، این منظور الهی انجام نمی‌شود.»^(۳) این بیان در واقع همان تکرار بحث شیخ طوسی درباره بدا به عنوان امری الهی برای مصلحت عام انسان می‌باشد.

تا این جا بدا را از نظر تفسیر بررسی کردیم و اکنون برای بررسی کلی تر این مفهوم به کتب حدیث بازمی‌گردیم. اما باید در نظر داشت که تفسیر و حدیث هیچ یک متقابلاً مستقل از دیگری نیست. در واقع تفسیر کاملاً متکی بر حدیث است و این موضوع در تفاسیر شیعی کاملاً مشهود است که مفهوم حدیث باید مبتنی بر احادیث نبوی یا روایات ائمه اطهار باشد.

به طوری که در آغاز این بحث ملاحظه شد بدا، به معنی لغوی آن، بر محدودیت در علم دلالت دارد. در واقع مسأله علم به بدای الهی است که بحث و جدل زیادی بین متکلمان و اخباریون شیعه و سنی برانگیخته است. احادیث شیعه به سه طریق به این مسئله می‌پردازد. اولاً، تاکید شده است که هیچ امری چه قبل از ایجاد و چه بعد از زوال آن از علم خداوند بیرون نیست دوم آن که علم خداوند در این صورت به گونه ای تعریف می‌شود که بدا را دربرمی‌گیرد بدون آن که به تغییر و تعدد اشاره ای

ص: ۴۵

۱- همان کتاب، ج ۱۱، ص ۳۷۷.

۲- بحرانی، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳- طباطبایی، ج ۱۱، ص ۳۸۱.

داشته باشد و سرانجام دلالت مفهوم بدای الهی بر علمی است که خداوند به رسولان و پیامبران و فرشتگان تفویض می کند. از این جنبه بدا است که می توان تفاوت بین علم نامتناهی الهی و دانش محدود همه مخلوقات را درک کرد.

از امام ششم (ع) روایت شده که فرمود، «برای خدا نسبت به چیزی بدا حاصل نشد جز اینکه قبل از آنکه بدا حاصل شود خدا آن را می دانست.»^(۱) بنا بر روایتی دیگر از آن امام «از علم خدا بدور است که اشیا را به صورتی متفاوت از آنچه هست نمی بیند». این نظر در گفتگویی بین امام ششم (ع) و منصور بن حازم، یکی از اصحابش به صورتی کاملاً متقن بیان شده است. منصور از امام پرسید: «آیا ممکن است امروز چیزی باشد که دیروز در علم خدا نبوده است؟» امام فرمود، «نه، هر که چنین گوید خداوند او را رسوا کند.» او باز پرسید: «مگر توجه ندارید که آنچه بوده و آنچه تا روز قیامت خواهد بود در علم خدا هست؟» امام فرمود: «بلی، قبل از آنکه خلق را بیافریند.»^(۲)

لازم است متذکر شویم که هشام بن الحکم از اصحاب برجسته امام ششم، بر این عقیده بود که علم خداوند به اشیا همزمان با بوجود آمدن آنها می باشد.^(۳) و جالب است به این نکته توجه شود با وجود آنکه بنا بر منقول، خود امام ششم (ع) بشدت مخالف چنین نظری بود، اما هشام در هیچ جا برای داشتن چنین عقیده ای سرزنش نشده است. در واقع می توان نشانی از این عقیده نابجا را در احادیثی که به خود امامان نسبت داده شده است پیدا کرد. روایت شده که یکی از اصحاب امام یازدهم (ع) درباره تفسیر آیه «یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ...» از او پرسید امام فرمود، «آیا او محو می کند هر چیزی را جز آنچه قبلاً بوده است و اثبات می کند هر چیزی را جز آنچه تاکنون نبوده است؟» مر درباره علم خداوند به اشیا قبل از آفریدن آنها دچار شک شد و در علم امام نیز تردید کرد. امام این را در چهره اش دید و به دیدگان او نگاه کرد و فرمود. «خداوند تعالی، قبل از به وجود آمدن هر شیئی عالم به آن

ص: ۴۶

۱- ابو جعفر بن محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، الاصول من الکافی، چاپ سوّم، به تصحیح علی اکبر غفاری (تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هجری)؛ ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- همان کتاب ج ۱، ص ۱۴۸.

۳- ر.ک دایره المعارف اسلام، ج ۲، ذیل کلمه بدا.

است. او خالق بود، قبل از آنکه مخلوقی آفریده شود. او آفریدگار بود قبل از آنکه آفریده ای باشد. او قادر بود قبل از آنکه موجودی برای اعمال قدرت بر آن وجود داشته باشد.»^(۱)

از جمله معجزات امامان که دلیل بر امامت آنان می باشد نصیب آنان از علم غیب است. در احادیث سعی می شد آنان را در علم همپایه خداوند ندانند. علم آنان فراتر از محدودیتهای زمانی نیست، بلکه در شب و روز با آنان همراه است. آنان فقط آنچه را خداوند به ایشان اجازه داده می دانند. اما همیشه، بین مفهوم علم الهی که تنها از آن خداوند است و علم الهی که به امامان تفویض شده اختلافی کاملاً مشهود وجود دارد. این موضوع گاهی سبب موضع گیریهای افراطی بین اصحاب خاص امامان می شد که امامان به نوبه خود ناچار به براءت از آنان می شدند. یک راه حل این موضوع مجزا کردن دو جنبه یا پایه در علم خداوند است. ابو بصیر، یکی از اصحاب والامقام امام ششم (ع) روایت کرده که امام فرمود، «خداوند دارای دو نوع علم است. علمی مکنون، که نزد او محفوظ است و جز او کسی نداند و بدا از این علم نشأت می گیرد. دیگری علمی است که او به فرشتگان و رسولان و پیامبرانش تعلیم داد و ما نیز آن را می دانیم.»^(۲)

این امتیاز ویژه امامان، آنان را از نظر مسلمانان شیعه و ارثان حقیقی پیامبران می سازد و امامت را به صورت ادامه پیامبری درمی آورد. در عین حال علم امامان، از طرف حضرت محمد (ص)، که ایشان وارث بلافصل اویند، به آنان تفویض شده است. و آن علم سرنوشت مردم یا علمی است که با آن می توان حق را از باطل تمیز داد. در حدیثی مهم و منسوب به امام پنجم و ششم و هشتم (ع) جزئیات این علم و حدود آن بیان شده است. نقل شده که خداوند هر سال در شب قدر هر امر حق و باطلی را می سنجد و سرنوشت هرچه را که در آن سال در زمین واقع خواهد شد تعیین می کند. «اما در تمام این امور و تقدیم و تأخیر آنچه او بخواهد از اجلها و ارزاق و بلاها و حوادث و امراض، بدا و مشیت الهی جاری است. و آنچه بخواهد بر آنها می افزاید و آنچه بخواهد کم می کند. (علم) این امور را از طریق رسول خدا (ص) به

ص: ۴۷

۱- بحرانی، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲- کلینی، ج ۱، ص ۱۴۷.

امیر المؤمنین علی(ع) و از امیر المؤمنین به ائمه می رسانند تا به صاحب الزمان(امام دوازدهم، مهدی منتظر(ع)) برسند. اما خداوند(علم) امام را به اراده مطلق خود از تقدیم و تأخیر آنچه او بخواهد مشروط می کند.»(۱)

حدیثی که نقل شد و حدیث قبل از آن نشان دهنده تناقضی است آشکار که در واقع بخشی است از تفاوت بین علم خداوند و آزادی عمل و علمی که او به پیامبران و امامان تفویض می کند. این بیان نخست این مفهوم را می رساند که خداوند فقط در دایره علم مخصوص به ذات خود، علمی که آن را به هیچ کس تفویض نمی کند، بدا را اعمال می کند. و لذا این مطلب با این اظهار نظر مغایر است که خداوند در مورد امور نامعلوم و آینده ای که علم آن را بر پیامبر و امامان آشکار می سازد حق بدا را برای خود حفظ می کند. قبلاً ملاحظه شد که از امام اول(ع) و چهارم(ع) نقل شده بود که اگر آیه «یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ...» نبود آنان شیعیان خود را از آنچه بوده و از آنچه تا روز قیامت خواهد بود خبر می دادند. این مطلب در حدیثی منسوب به امام ششم(ع) بروشنی بیان شده که فرمود «خداوند محمد(ص) را به آنچه از اول دنیا واقع شده و به آنچه تا پایان دنیا واقع می شود خبر داد. او پیامبر(ص) را از چیزهایی آگاه کرد که تغییرناپذیرند و نسبت به غیر آن استثناء قایل شد.»(۲) با وجود این طباطبایی در تعلیفه ای که در باب بدای کتاب توحید شیخ صدوق نوشته علم امامان را فوق بدا می داند، زیرا «آنان معادن علم الهی هستند.» طباطبایی چنین عقیده ای دارد هر چند معترف است که مفهوم ظاهری بعضی از احادیث منسوب به خود امامان برخلاف این نظر است.(۳)

بدا از علم خدا آغاز می شود و به طوری که ملاحظه شد دارای دو جنبه است. این دوگانگی از حدّ کتب و الواح محفوظ بیرون است و باز هم برتر از آن تا امر تکوینی الهی که سابق است بر وقوع یا فسخ حادثه ای خاص، ادامه می یابد. ظاهراً این راه حل کلامی مسأله بدای الهی هزگر برای شاگردان و پیروان ائمه(ع) قانع کننده نبوده است. این موضوع، در گفتگویی که بین ابو بصیر و امام ششم(ع)

ص: ۴۸

۱- . قمی، ج ۲، ص ۲۹۰ (ذیل تفسیر آیه ۴، سوره دخان).

۲- . کلینی، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳- . ابن بابویه، ص ۳۳۲.

به عمل آمده منعکس است. ابو بصیر نقل می کند که امام صادق(ع) به او فرمود، «خداوند به پیامبرش(ص) فرمود از آنان(قریش) روی بگردان زیرا تو در خور ملامت نیستی، (سوره ذاریات/۵۴) خداوند قصد داشت اهل زمین را عذاب کند ولی بعد اراده او تغییر یافت و رحمت نازل شد. سپس خداوند فرمود، (یا محمد) امت را تذکر و پند بده که هر آینه تذکر و پند برای مؤمنان سودمند است: (ذاریات/۵۵)». ابو بصیر یک سال بعد از نزد امام برگشت و گفت من این حدیث را برای اصحابمان(یعنی شیعیان) نقل کردم و آنان گفتند «مشیت حق بر چیزی قرار گرفته که در علم او نبوده است». امام به این مباحثه پاسخ داد که خداوند دارای دو علم است: علمی که در نزد اوست و هیچ کس را از آن آگاه نمی کند و علمی که فرشتگان و پیامبران و رسولان خود را از آن آگاه می کند تا آن علم به ما می رسد.»(۱) قبل از بررسی مفاهیم عملی بدای الهی در مورد زندگی و دعای مؤمنان، لازم است مفهوم جامع تعریف امام ششم(ع) درباره علم و بدای الهی روشن شود.

لازم به تذکر است حدیثی که ذیلاً بررسی می شود سند صحیح دست اول ندارد. معلی بن محمد یکی از اصحاب امام ششم(ع) نقل کرده که از عالم [امام صادق(ع)] سؤال شد، «خدا چگونه می داند؟» در این جا از سؤال کننده و موقعیت سؤال که روش معمول در نقل حدیث است نامی برده نشده است. به علاوه با پاسخ طولانی امام به این سؤال بنظر می رسد شباهت آن به کلام پیش از حدیث باشد. امام فرمود:

«خداوند می دانست و اراده کرد و مقدر کرد و به انجام رساند. او هرچه را حکم کند به انجام رساند و حکم کند آنچه را مقدر ساخته و مقدر کند آنچه را اراده کرده، از علمش مشیت خیزد و از مشیتش اراده و از اراده اش تقدیر و از تقدیرش حکم و از حکمش امضاء و علمش مقدم بر مشیت است، مشیت در مرتبه دوم است و اراده در مرتبه سوم و تقدیر بر حکم مقرون به امضاء واقع شود. و برای خداوند بدا است نسبت به آنچه بداند هرگاه که بخواهد و نسبت به آنچه اراده کند برای تقدیر چیزها. ولی اگر حکم مقرون به امضاء گشت بدا نیست. و علم به هر معلولی پیش از بودن آن است. و مشیت نسبت به خواسته شده پیش از وجود آن است. و اراده پیش از

ص: ۴۹

برپاداشتن مراد است و تقدیر این معلومات پیش از آن است که جدا شوند و به هم پیوندند در وجود و زمانی مشخص. و حکم به امضاء انجام شدنیهایی که دارای جسمند و به حواس درک شوند قطعی باشد. مانند آنچه رنگ و بو دارد و وزن دارد و پیمانه شود و آنچه در زمین بجنبید و بخرامد چون انسان و جن و پرندگان و درندگان که به حواس درک شوند. برای خداوند نسبت به آنچه وجود خارجی ندارد بدا می باشد و چون وجود خارجی قابل فهم و درک بیاید، بدا نباشد و خدا آنچه بخواهد بکند به علم خود همه چیز را پیش از آمدنشان می دانست و با مشیت خود صفات و حدود آنها را می شناخت و پیش از اظهار آنها انشاءشان کرده و بوسیله اراده تعیین رنگ و صفاتشان نموده و با تقدیر خود روزیشان(اقوات)^(۱) را اندازه گیری کرده و آغاز و پایان آنها را شناخته بود. و به سبب حکمش اماکن آنها را برای مردم هویدا ساخته و به آنها رهبریشان کرد و با امضایش علل آنها را تشریح کرد و امرشان را آشکار نمود و این است تقدیر خدای عزیز و دانا.^(۲)

برحسب دلالت این حدیث بدیهی است که خلقت روندی تدریجی است که با علم ازلی خداوند، که از نظر کلام شیعه صفت ذاتیه الهی است، آغاز می شود. علم خداوند که صفتی الهی است تغییر نمی کند و بیش و کم نمی شود. بلکه علم الهی از صفات ذاتیه او است که متضاد آن را نمی توان به خداوند نسبت داده و باید از صفات عملی که متضاد آن را می توان به خداوند نسبت داد متمایز ساخت. خلقت و تقدیر روزی و قضا و قدر الهی از جمله صفات فعلیه اوست. لذا می توان گفت خداوند موجودی را آفرید و دیگری را نیافرید یا شیئی را مقدر کرد و دیگری را مقدر نکرد.^(۳) و علم و قدرت از جمله صفات ذاتی می باشند.

در روند آفرینش، مشیت در مرحله دوم، بعد از علم قرار گرفته است. مشیت را می توان خواست ابتدایی یا خواست الهی یک شیئی قبل از خلقت آن شیء دانست. و این با اراده یا قصد متفاوت است هرچند در زبان عربی رایج این دو بجای

ص: ۵۰

۱- ابن بابویه، کتاب التوحید، بجای اقوات(ارزاق-روزی) کلمه اوقات(اجلها) را ضبط کرده است و این کلمه با مفهوم

حدیث و آنچه بعدا آمده مناسبتر است. ر.ک. ابن بابویه ص ۳۳۵.

۲- کلینی ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹، و ابن بابویه، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۳- السید ابو القاسم الخوئی، البیان فی تفسیر القرآن، (بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۴/۱۹۷۴)؛ ج ۱، ص ۴۰۶.

یکدیگر بکار می روند به هر حال اراده به معنای خواست یا قصد الهی است برای تقدیر در آفرینش شیء. تقدیر الهی یک شیء در پیوند با سابقه واقعی و خواص ویژه آن بعد از این مرحله قرار دارد. تقدیر به معنای تثبیت حدود زندگی سعادت و کامیابی و یا متضاد آنها و غیرذلک است و قضای الهی برای بودن شیء مرحله بعدی آن است. لذا در قرآن می خوانیم: «هنگامی که پروردگار تو حکمش به ایجاد چیزی تعلق گیرد. گوید موجود باش. آن چیز بی درنگ موجود می شود» (سوره مریم: ۳۵). آخرین مرحله روند خلقت امضاء یا به انجام رساندن شیء است.

هرچند بدا از علم الهی سرچشمه می گیرد اما در واقع یکی از صور قضای الهی شمرده می شود و قضای الهی سه قسم است نخست قضایی ازلی که خداوند آن را در علم مکنون خود مقدر فرموده و آن را فراسوی تأثیرات بدا و تغییر است. و شامل تمام اموری است که تغییرناپذیر و ثابتند. و بدا یکی از اقسام و مصادیق این قضای الهی است که وقوع آن مقدر شده است. بدا در قضای الهی مقدر شده اما، در قضای الهی تغییری بوجود نمی آورد.

نوع دوم قضایی است که در واقع از علم آشکار خداوند سرچشمه می گیرد و آن علمی است که خداوند آن را به فرشتگان و رسولان پیامبران و امامان تفویض کرده است. هرچند بدا در این پایه از قضای الهی واقع می شود، اما آنچه خداوند برای برگزیدگانش آشکار ساخته است حتماً واقع خواهد شد. زیرا خداوند دوست ندارد خود فرشتگان و رسولان خود را تکذیب کند. (۱)

سومین نوع بنا به گفته آیه الله خویی «قضای غیرحتمی الهی است که خداوند آن را به پیامبر (ص) و فرشتگانش اطلاع داده ولی تحقق و وقوع آن را به اراده و مشیت خویش مشروط و معلق ساخته است. این گونه تقدیر را قضای غیرحتمی می گویند، و این گونه تقدیرات مورد بدا است که گاهی ممکن است به علل و مصالح خاصی مشیت خدا برخلاف آن تعلق گیرد.» (۲) ما بحث کلامی را که سبب پیدایش چنین نظریه ای در شیعه شده است بررسی کردیم. این بحث دارای جنبه ای عملی است که به شرح آن می پردازیم:

ص: ۵۱

۱- بحرانی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲- خوئی، ج ۱، ص ۳۸۷.

محدثان و متکلمان شیعه از همه جهت تأکید ورزیده اند که اعتقاد به بدا به هیچ وجه بر تغییرپذیری یا بر محدودیت علم و قدرت الهی دلالت نمی کند. اما آنان عقیده دارند که انکار بدا، برای کسانی که آن را انکار می کنند سبب یأس از رحمت خدا و نومیدی از اثر دعاهایشان در یاری خواستن از خداوند می شود. به عبارت دیگر، اعتقاد به بدا مؤمنان را به روی آوردن به خدا و انجام اعمال نیک تشویق می کند. لذا از امام ششم (ع) از قول پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «شخص در حالی که بیش از سه سال از عمرش باقی نمانده ممکن است کاری نیکو برای اقبایش انجام دهد و خداوند عمر او را تا سی و سه سال افزایش دهد. و دیگری که بیش از سی و سه سال از عمرش باقی است ممکن است خیری را از خویشاوندان خود مضایقه کند و خداوند به علت آن عمر او را به سه سال یا کمتر کاهش دهد.»^(۱) برحسب روایات صله رحم و اعمال شایسته، حتی در صورتی که خداوند قبلاً طور دیگری مقدر کرده و خود آدمی دارای رفتاری ناصواب است، سبب طول عمر و موجب سعادت می شود. از نظر عمل کلام راهی، هرچند کاملاً قانع کننده نیست، پیدا شد که قطعیت تقدیر الهی را تأمین می کند. در حدیثی منسوب به امام ششم (ع) نقل شده که حتی دعای مؤمن که ممکن است قضای الهی را تغییر دهد در ام الکتاب برای او نوشته و مقدر می شود.^(۲) در عین حال از نظر تقوای عمومی، اعمال خیر می تواند قضای الهی را تغییر دهد حتی اگر این تغییر مغایر با گفتار پیامبر باشد. نقل شده که پیامبر مرگ مردی یهودی را بوسیله مارگزیدگی پیش بینی کرد. اما بلا از او برگردانده شد، زیرا این مرد دو قرص نان داشت که یکی را خود خورد و دیگری را به مردی فقیر صدقه داد. پیامبر توضیح داد که «صدقه مرگ نامناسب را از انسان برمی گرداند.»^(۳) باز هم در داستانی در احوال انبیای بنی اسرائیل این موضوع به صورتی روشنتر آمده است: خداوند به یکی از پیامبران فرمان داد که به پادشاه آن سرزمین مرگ قریب الوقوعش را اعلام کند، پادشاه با چنان سوزوگدازی با خداوند رازونیز کرد که از تخت بر زمین افتاد. او گفت،

ص: ۵۲

- ۱- . مجلسی ج ۴، ص ۱۲۱.
- ۲- . همان کتاب، ج ۴، ص ۱۲۱.
- ۳- . همان کتاب، ج ۴، ص ۱۲۱-۱۲۲.

«پروردگارا به من مهلت بده تا پسر خردسالم بزرگ شود و بتوانم امورم را به او واگذارم.» خداوند بر او رحم کرد و به پیامبرش فرمان داد که به سلطان بگوید خداوند دعای او را اجابت کرد و پانزده سال بر عمر او افزود. پیامبر اعتراض کرد و گفت، «پروردگارا تو می دانی که من هرگز دروغ نگفته ام!» اما خداوند به او وحی کرد. «تو بنده ای مأمور هستی برو و آنچه به تو گفته شده به او ابلاغ کن: خداوند بر هر چه می کند بازخواست نشود، (سوره انبیاء: ۲۳)» (۱)

مفهوم بدا در حفظ جامعه شیعه در دوران تاریخ پر آشوب و اضطرابش نقشی قاطع داشته است. علامه مجلسی نویسنده اثر جامع بحار الانوار، در شرح حدیثی در باب بدا بحث می کند که تأکید ائمه در این باب برای ثبات شیعیان در دین بوده است و اگر به آنان می گفتند که تا هزار سال دیگر با آمدن مهدی برای شیعیان فرجی نخواهد بود، آنان دچار نومیدی می شدند و از وفاداری خود نسبت به امامان دست می کشیدند و از دین برمی گشتند نقل شده که امام هشتم (ع) فرمود: «شیعه ظرف دوست سال با امید پرورش یافته اند.» (۲)

در حدیثی طولانی که شرحی است از آخرین لحظات زندگی علی (ع) بعد از ضربت کشنده شمشیر قاتل، نقل شده که علی (ع) به یکی از اصحابش، عمرو بن حمق فرمود، «در سال هفتاد سختی و بلایی روی خواهد داد... (و آن را دو بار تکرار کرد).» عمرو سؤال کرد، «آیا بعد از این سختی آسانی و رخایی خواهد بود؟» امام پاسخ داد، «بلی بعد از بلاء رخاه خواهد بود» و سپس این آیه از قرآن را تلاوت فرمود «یحموا الله ما یشاء و یشئ و عنده ام الكتاب» بعدها ابو حمزه ثمالی، یکی از اصحاب امام پنجم (ع) این حدیث را به امام یادآوری کرد و افزود «هفتاد سال گذشته است و هنوز گشایشی برای شیعه پیدا نشده است.» امام پاسخ داد: «خداوند قبلاً وقت آن را در سال هفتاد قرار داده بود، اما بعد از قتل حسین بن علی (ع) غضب الهی بر ساکنان زمین شدت یافت و زمان آن را تا یکصد و چهل سال به تأخیر انداخت. در آن زمان ما شما را از آن آگاه کردیم. اما شما آن را در خارج اظهار کردید و پرده راز را برداشتید و خداوند زمان آن را تا وقتی نامعلوم به

ص: ۵۳

۱- همان کتاب، ج ۴، ص ۹۵-۹۶ نیز ر.ک. ص ۹۴.

۲- همان کتاب، ج ۴، ص ۱۳۲؛ نیز ر.ک. ۱۳۳-۱۳۱.

تأخیر انداخت و ما را از زمان آن آگاه نساخت.» سپس امام این آیه را خواند: «یَمَحُوا اللّٰهَ مَا یَشَاءُ وَ یَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ ام الْکِتَابِ» (۱)

مسأله ظهور فرج وسیله مهدی (عج) اغلب سبب بروز تغییرات اجتماعی وسیع و گاهی اختلاف در جامعه شیعه شده است. تعدادی از محدثان شیعه درباره غیبت و رجعت مهدی غایب (امام دوازدهم) (ع) رسالاتی نوشته و کوشیده ان غیبت طولانی او را بیان و توجیه کنند. ابو جعفر طوسی در کتاب معتبرش به نام «کتاب الغیبه» این تغییرات در قضای الهی در مورد زمان ظهور مهدی و دیگر نویدهای مهم در امت شیعه را بدین سان بیان می کند: «زمان مقدّمی که از قبل مقدر شده و هرگونه تأخیر بعدی باید مشروط به این واقعیت باشد که عوامل جدیدی که بنابر مصلحت کلیّ بندگان تغییر بیشتری را ایجاب کنند، دخالت نداشته باشند.» نویسنده می افزاید: «تا زمانی که هیچ امر ظاهری نتواند قضای موجود را تغییر دهد این تأخیر ممکن است ادامه یابد، و در آن زمان است که باید آن را قضای محترم دانست.» بنابر عقیده شیخ طوسی بدا در مورد تمام مخلوقات و حوادث بکار می رود. و مفهوم وسیعتر آن همان نسخ است. شیخ طوسی در تأیید این نظر حدیثی را که از چند امام روایت شده است نقل می کند که می فرماید: «چگونه می توانم شما را (از آینده) اخبار کنم و حال آنکه این آیه در قرآن وجود دارد: «یَمَحُوا اللّٰهَ مَا یَشَاءُ وَ یَثْبُتُ...؟» (۲)

نقل شده که یکی از اصحاب نزدیک امام پنجم (ع) درباره زمان ظهور فرج سؤال کرد، امام در پاسخ فرمود: «کسانی که تعیین وقت می کنند دروغ می گویند.» و این کلام را سه بار تکرار کرد، سپس امام (ع) موسی را مثال زد که خداوند سی شب به او وعده داد و چون ده شب دیگر او را نگاه داشت، قومش گوساله پرستی را اختیار کردند. (بقره: ۵۱، اعراف ۱۴۲). سپس امام به یارانش توصیه کرد: «اگر ما خبری از آینده به شما دادیم. و چنان شد که ما گفته ایم، بگویید: «خداوند راست می گوید.» و اگر ما خبری از آینده به شما دادیم و خلاف آنچه ما گفته ایم واقع شد، باز هم بگویید، «خداوند راست می گوید.» زیرا در این صورت اجر شما مضاعف

ص: ۵۴

۱- بحرانی، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲- مجلسی، ج ۴، ص ۱۲۴-۱۲۳.

می شود.»^(۱) شیعیان اعتقاد به بدا را عبادت می شمارند از امام پنجم (ع) روایت شده که فرمود: «خداوند هرگز به چیزی چون اعتقاد به بدا عبادت نشده است.» و فرزندش امام جعفر صادق (ع) فرمود: «خداوند هرگز به چیزی چون اعتقاد به بدا بزرگ شمرده نشده است.» و در حدیثی دیگر فرمود: «اگر مردم می دانستند چه پاداشی در اعتقاد به بدا هست از سخن در آن سستی نمی ورزیدند.»^(۲) نویسنده بحار الانوار احادیثی را بیان می کند بدین معنی که «ایمان به بدا به علت دشواری آن و در معرض وسوسه های شیطانی بودن آن یکی از بزرگترین عبادات قلبی است. و ایمان به بدا اقرار به این حقیقت است که خلق و امر متعلق به ذات خداوند است. و این در واقع اعتراف به کمال توحید است.»^(۳)

مفهوم بدا به معنای وسیع آن مفهومی تنها شیعی و یا حتی اسلامی محض نیست، بلکه تجلی امید برای کسانی است که به درگاه خداوند استغاثه می کنند. «ربنا اغفر لنا ذنوبنا» و «اهدنا الصراط المستقیم» که خداوند این دعاها را آنان را اجابت خواهد کرد و اثبات این اعتقاد است که فرمان خدا چون اراده چیزی کند بگوید «باش» همچنان که در آثار خلقت پهناور آن چنین بوده است.

البته بدا به عنوان مفهومی کلامی موضوع مباحثاتی مجادله آمیز بین متکلمان شیعه و سنی بوده است. نمی توان انکار کرد که این مفهوم گاهی برای توجیه شکستهای قدرت طلبان جاه طلب در امت اسلامی بکار رفته است. باوجوداین در سطح تقوای عمومی، که در بسیاری از احادیث شیعه و سنی بیان شده است، این مفهوم سرچشمه تسکین مؤمنان در زمان رنج و مصیبت و انگیزه ای برای بهتر زیستن در برابر خداوند و یا هموعان خود بوده است. کتابهای حدیث اهل سنت پر از احادیثی است مبنی بر اینکه اعمال نیک و دعای خالصانه می تواند مصیبت و بلا را دفع کند و عمر طولانی و سعادت بیاورد.

قبلاً به حدیث راجع به اقرع و ابرص و اعمی اشاره شد. خداوند به آنان شفا و ثروت بخشید. سپس با امر کردن آنان به تقسیم ثروتشان با مردی فقیر که در واقع

ص: ۵۵

۱- همان کتاب، ج ۴، ص ۱۳۲.

۲- کلینی، ج ۱، ص ۱۴۶ و ۱۴۸.

۳- مجلسی، ج ۴، ص ۳۳-۱۳۲.

همان فرشته ای بود که بر ایشان ثروت و سلامت آورده بود امتحان شدند. اقرع و ابرص از تقسیم بخشش الهی خودداری کردند و به حالت اول برگشتند.^(۱) علامه طباطبائی حدیثی مشهور از اهل سنت نقل می کند که از علی(ع) روایت شده که از رسول خدا درباره تفسیر آیه ای که مورد بررسی ما در این مقاله است (رعد: ۳۹) پرسید. پیامبر فرمود، «دیدگان تو را و دیدگان ائمت را بعد از من می آیند، با تفسیر آن روشن می سازم، و آن این است که صدقه و احسان به پدر و مادر و نیکی کردن با دیگران شقاوت را به سعادت تبدیل کرده، عمر را طولانی و احسان به پدر و مادر و نیکی کردن با دیگران شقاوت را به سعادت تبدیل کرده، عمر را طولانی و از پیش آمدهای بد جلوگیری می کند.»^(۲) مسلمانان با این اطمینان مجدد آرامش می یابند. حتی دعای فقیری که در خیابان صدقه می خواهد چنین است: «خداوند بلا را از شما دور کند.»

ص: ۵۶

۱- ر. ک. عقلانی، ج ۶، ص ۵۰۱-۵۰۰.

۲- طباطبائی، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

قرآن ناطق و قرآن صامت (۱)

پژوهشی در خصوص مبانی تفسیر شیعه امامیه و تکامل آن

نویسنده: محمود ایوب

ترجمه: سید محمد هادی گرامی (۲)؛ محمد قندهاری (۳)

چکیده (۴)

نویسنده در بخش اول مقاله، جایگاه امامان را در نزد شیعه به عنوان تنها مفسران حقیقی قرآن شناسانده و سپس به دیدگاه های امامیه درباره قرآن اشاره کرده و تفاسیر امامیه را معرفی کرده است. در بحث از اصول تفسیری در نزد امامیه به مسأله تحریف قرآن اشاره کرده و پس از بیان نظر چند تن از علما، نظر شیعه را عدم تحریف قرآن دانسته است. در انتهای بحث، محمود ایوب به عنوان نمونه، آیه ۶۷ سوره مائده را که به ماجرای غدیر خم می پردازد از منظر مفسران شیعی مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه ها: ایوب، محمود: عالمان شیعه قرن پنجم، شیخ طوسی: کاشانی، ملامحسن فیض: عالمان شیعه، قرن چهاردهم: شیعه، عدم تحریف قرآن.

معرفی نویسنده مقاله:

محمود ایوب، اندیشمند لبنانی الأصل و از معدود اساتید شیعی کرسی های اسلام پژوهی در غرب است. وی پس از تحصیل تا مقطع لیسانس در رشته تاریخ

ص: ۵۷

۱- این مقاله به زبان انگلیسی در سال ۱۹۸۸م منتشر شده، آنگاه به فارسی برگردان و در فصلنامه امامت پژوهی (سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۳۵) آمده است. مشخصات انگلیسی در ادامه آمده است.

۲- دانشجوی دکتری الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

۴- چکیده و کلیدواژه ها از مترجمین می باشد.

فلسفه غرب در دانشگاه آمریکایی بیروت به آمریکا رفت و در دانشگاه پنسیلوانیا در رشته اندیشه دینی ادامه تحصیل داد. وی در سال ۱۹۷۵ با نوشتن پایان نامه ای درباره عاشورای حسینی مدرک دکتری خود را از دانشگاه هاروارد اخذ کرد. ایوب مدّتی به تحقیق در مرکز مطالعات دینی دانشگاه تورنتو کانادا اشتغال داشت و مجموعه ای دو جلدی با عنوان قرآن و مفسران آماده نشر کرد. او از سال ۱۹۸۸ به دانشگاه تمپل در فیلادلفیا رفت و به عنوان پروفیسور در معارف اسلامی و مقایسه ادیان به تحقیق و تدریس پرداخت. ایوب مقالات فراوانی درباره تعاملات مسلمانان و مسیحیان نگاشته است. از دیگر آثار پژوهشی وی می توان به «به سوی مسیحیت شناسی اسلامی» اشاره کرد.

مقدمه مترجمان:

تحقیقات قرآنی خاورشناسان درباره دیدگاه شیعی اندک است و این مطالعات غالباً به دیدگاه های شیعه درباره تحریف قرآن می پردازد. به عنوان نمونه، علاوه بر گلدزیهر که امامیه را قائل به تحریف قرآن دانسته، اتان کلبرگ نیز مقاله ای در این باره نگاشته است. (۱)

با این حال محمود ایوب در مقاله ای با عنوان «قرآن ناطق و قرآن صامت: پژوهشی در خصوص مبانی تفسیر شیعه امامیه و تکامل آن» (۲) با اتخاذ رویکردی متفاوت، گزارشی از روند تدوین و نگارش متون تفسیری امامیه ارائه کرده است. ایوب در بخش اول مقاله، جایگاه امامان را در نزد شیعه، به عنوان تنها مفسران حقیقی قرآن شناسانده و سپس به دیدگاه های امامیه درباره قرآن اشاره کرده و تفاسیر امامیه را معرفی کرده است. در بحث از اصول تفسیری در نزد امامیه به مسأله تحریف قرآن اشاره کرده و بدون گفتگو درباره این اتهام، نظر شیخ طوسی، ملا محسن فیض کاشانی و آیه الله خویی (ره) را بیان کرده و نظر شیعه را عدم تحریف قرآن دانسته است. در انتهای بحث، ایوب به عنوان نمونه آیه ۶۷ سوره مائده را که به ماجرای غدیر خم می پردازد از منظر مفسران شیعی مورد بررسی قرار

ص: ۵۸

-
- ۱- goldziher, Ignaz; Die Richtungen der islamischen Koranauslegung, pp. ۲۶۳-۳۰۹.
 - ۲- Kohlberg, "some notes on the imamite attitude to thequran"; pp ۲۰۹-۲۲۴
 - ۳- Mahmoud Ayoub, "The Speaking Quran and the Silent Quran: A Study of the Principles and Development of Imami Shi'i tafsir"; in: Andrew Rippin (Ed.), Approaches to the history of the interpretation of the Qur'ān, Oxford: Oxford University Press, ۱۹۸۸

از آن جهت که این مقاله به مبانی تفسیر شیعه امامیه می پردازد و همچنین از اولین کارهای شرق شناسان در این حوزه است که با دیدی منصفانه نگاشته شده، شایسته تأمل و بررسی است. این نوشتار تلاش دارد زمینه آشنایی بیشتر با آرای این شرق شناس در حوزه تفسیر شیعی را فراهم می کند.

متن مقاله:

سلوک شیعی جایگاه مهمی را در حیات معنوی جوامع مسلمان برای خود کسب کرده است. برای مسلمانان، قرآن به مثابه راهنمایی در این دنیا و جهان آخرت است که علم فهم آن (تفسیر) را می توان ثمره سلوک ایمانی و نتیجه خوف مؤمنین از عذاب الهی و امیدواری آنان به رحمت و پاداش الهی دانست: عذابی که به خاطر جهل به تفسیر قرآن و در نتیجه نافرمانی فرامین خدا در انتظار است و پاداشی که برای فهم کلام خدا و در نتیجه فرمانبرداری از دستوراتش امید می رود. [اما] برای شیعیان، قرآن چیزی بیش از این است: تفسیر از طرفی ثمره سرخوردگی و ناامیدی و از طرف دیگر ثمره امید و سرخوشی است. تفسیر نزد شیعیان، تحت تأثیر فرهنگ شهادت و فرجام شناسی [مهدویت] است. از طریق تفسیر است که ارتباط بین مؤمنین و رهنمایان معنوی شان، یعنی امامان برقرار می گردد. تفسیر، بشری کردن کلام الهی و الهی نمودن روح انسانی است.

تفسیر شیعی، با در نظر گرفتن تمام ابعادش، گسترده تر از آن است که بخواهد موضوع یک پژوهش جامع واقع شود، چه رسد به پژوهش های تطبیقی. از آن جا که پژوهش های غربی بر اسلام اهل سنت متمرکز شده است، اقدامات زیادی لازم است تا بتوان دین پژوهان غربی را با اندیشه و سلوک شیعی آشنا نمود. این پژوهش کوتاه نیز همین هدف را دنبال می کند: ابتدا باید با رجوع به تألیفات گسترده شیعه، که تا حدود زیادی در غرب ناخوانده یا ناآشناست، مفهوم شیعی «امام» را در رابطه با «وحی» ارائه نماییم. سپس خلاصه تاریخ تفسیر شیعی و خطوط اصلی تکامل آن را خاطر نشان می سازیم. آن گاه قادر خواهیم بود تا مبانی اساسی تفسیر شیعی را نشان دهیم. نهایتاً برای خارج شدن بحث از فضای نظری محض، تکامل تفاسیر شیعه را در تبیین آیه سرنوشت ساز «تبلیغ» (مائده/۶۷: { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ } دنبال می کنیم.

کلام خدا برای مسلمانان یا همان قرآن، همانند تمام متون مقدّس دیگر، بعدی انسانی [ظاهری] دارد که بدون آن به درستی فهمیده نمی شود و یا ارزشش دانسته نمی شود. این بعد ظاهری، در ابتدا بر [حضرت] محمّد صلی الله علیه و آله و سلم که دریافت کننده و ابلاغ کننده کلام الهی و اولین مفسّر آن برای بشریت است، تجلی یافته است. جنبه دوم و به اندازه بُعد ظاهری با اهمیت، حیات قرآن در جامعه اسلامی است که از طریق قدرت و جایگاه منحصر به فردش [آتوریته] تحقق می یابد. نسل های پیاپی مسلمانان با پذیرش بی چون و چرای قرآن، گواهی محکمی بر اعتبار آن نزد خود، باقی گذارده اند. آنان با نهادینه سازی کلام جاوید الهی به دور از گرفتاری در محدودیت های الفاظ و حروف و با وضع علوم تلاوت یا قرائت، کتابت یا نسخ و تفسیر به قرآن سرزندگی و توان [خاصی] بخشیده اند.

ارتباط [دوسویه] خدا و انسان از طریق قرآن، در دو اصطلاح مرسوم برای کلام الهی یعنی: تنزیل با معنای لغوی پایین فرستادن و تفسیر یا پرده برداری انسانی از معانی آن بیان شده است. فرآیند تفسیر به رشد و بالندگی خود همراه با حیات اجتماع ادامه می دهد و راهنمای حیات بشری در فراز و نشیب های زندگی و همچنین تسلی بخش آن در هنگامه یأس و سختی ها می باشد. البته می توان گفت همان گونه که خداوند در عین حفظ نفوذ حاکمیت خود در تاریخ از خلق برتر است، کلام او نیز در عین مشارکت در تاریخ بشری، متعالی تر از آن است. «مشارکت در تاریخ بشری»، بدین معناست که قرآن کتاب راهنمایی است که می بایست در آن تعقل و تدبّر شود؛ چراکه به عنوان هدایت گر معنوی و اخلاقی و برای راهنمایی آدمیان نازل شده است. (۱) اما متعالی بودنش نسبت به تاریخ بشری نیز، بدین مفهوم است که معنای حقیقی آیات آن، تنها بر خداوند آشکار است. (۲) «تعالی» تنها نشان دهنده قدرت و عظمت نیست، بلکه علاوه بر آن، نشان گر نزاهت از هرگونه التقاط، نسبیّت و یا عدم اطلاق است.

ص: ۶۰

۱- . بقره/ ۱ و محمد/ ۲۴.

۲- . آل عمران/ ۷.

از این رو، مسلمانان و به خصوص شیعیان، مصرّند که خداوند علاوه بر قرآن، تفسیرش را نیز بر [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرو فرستاده است. (۱) متن مقدس قرآن، یا «ما بین الدفتین»، همان [کلامی] است که آن حضرت به عموم مؤمنین آموزش داد. اما تفسیر قرآن را [به همگان آموزش نداد، بلکه] برای امامان که برگزیدگان از اهل بیتش علیهم السلام هستند نگاه داشت. امامان ارتباط ویژه ای با قرآن دارند که این ارتباط رمز و ویژگی خاصّ تفسیر شیعی است.

اسلام نگاهی پیامبرمحورانه به تاریخ دارد. [در این نگاه،] پیامبران به عنوان راهنمایان بشریت به سوی خدا و الگوهای الهی برای انسان دیده می شوند. [حضرت] آدم، که در جایگاه خلیفه الله بر زمین قدم گذاشت، (۲) اولین پیامبر نیز بود. اما این مقام خلیفه‌اللهی تنها در وصایت برگزیدگان خلاصه نمی شود: چرا که آدم و ذریه او گذشته از پیامبر بودن، در مقام بشری غیر کامل، در معرض فساد کردن در زمین و خون ریختن بر آن نیز هستند. به همین سبب، پیامبران با ویژگی مهم عصمت از گناه و خطا، از بقیه آدمیان متمایز شده اند. بنابراین، می توان گفت که آنان در صفت الهی «متعالی بودن»، با قرآن مشترک هستند.

قرآن در میانه راه انسان ها به سوی خداوند قرار گرفته است و [پیامش] توسط پیامبران که از نگاه مسلمانان، برترین اسوه های بشریت هستند به مردم می رسد. به همین ترتیب، پیامبران نیز در میانه راه انسان ها به سوی [فهم] قرآن قرار گرفته اند که [پیامشان] توسط امامان که اسوه های بشریت هستند به مردم می رسد. در نتیجه می توان گفت که از این جهت، پیامبران خلفای خدا بر روی زمین و امامان نیز خلفا و جانشینان آنها هستند. تمام بنی آدم از آن جهت که انسان هستند، در امتیاز خلیفه خدا بودن، مشترک هستند: اما میزان بهره برداری از این امتیاز، وابسته به ایمان و عمل صالح است. (۳)

از طرف دیگر، پیامبران و امامان به واسطه ارث بردن علم الهی متمایز می گردند.

ص: ۶۱

۱- شیخ طوسی، تفسیر التبیان، ص ۴، مقدمه مؤلف.

۲- بقره/۳۷.

۳- نور/ ۵۵: {وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَوَكَّلْ عَلَيْهِمْ} .
لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعِيدٍ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ}.

بدین گونه تنها [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینانش یعنی امامان هستند که به تمام معانی قرآن آگاهند، چراکه خطاب قرآن اولاً به سوی آنان بوده و مخاطب بودن سایر مردم نیز از طریق ایشان است. در یک گفت و گوی طولانی بین [حضرت امام] جعفر صادق علیه السلام، امام ششم شیعیان و ابوحنیفه، بنیان گذار یکی از چهار مکتب فقهی اهل سنت، امام می فرماید:

«خداوند این علم (یعنی علم به قرآن) را تنها به اهل حقیقی کتاب داده است، کسانی که این کتاب بر آنان نازل شده است... این علم تنها نزد برگزیدگان از فرزندان پیامبر ما علیهم السلام موجود است.»^(۱)

قرآن جایگاه خاصی نسبت به خداوند دارد: [از گذشته] به صورت محافظت شده در «لوح محفوظ» با خداوند بوده است^(۲) و مطابق برخی آیات، قدرت آن بر روی زمین، فراتر از حد تحمل کوه های سخت است.^(۳) قرآن برای آدمیان، منبعی سرشار از شفا و برکت در این دنیا و کتابی تسلی دهنده و رستگاری بخش برای آخرت است.

امامان در این ویژگی ها با قرآن مشترک هستند و در واقع با همین خصوصیات شناخته می شوند. آنان قبل از خلقت، از نور الهی، در کنار قرآن بودند و به خاطر ایشان بود که تمامی عالم، به عرصه وجود آورده شد. بر همین اساس، مصحح تفسیر القمّی در مقدمه طولانی و کلامی، که بر این تفسیر نوشته است، ادعا می کند که: «(ائمہ علیهم السلام) مقصود از خلقت هستند و علت خلقت آنان، [اراده] خود حق تعالی است». در ادامه، وی این گونه استدلال می آورد که خداوند تمام مخلوقات را خلق نمود تا او را عبادت کنند و عبادت واقعی بدون ایمان حقیقی به خالق ممکن نیست و ایمان را نیز بدون شناخت نمی توان به دست آورد. علاوه بر این، چنین شناختی تنها از طریق رسولی حاصل می شود که از جانب خداوند سخن گوید و یا از طریق امامی که آموزه های آن رسول را بازگو کرده و پیامش را

ص: ۶۲

۱- البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۶۵ به نقل از الوسائل: ۴۷ / ۲۷، باب ۶، الحدیث ۳۳۱۷۷: «ما جعل الله ذلك إلا عند أهل الكتاب الذين أنزل عليهم، و يلك ما هو إلا عند الخاص من ذرية نبينا صلى الله عليه و آله و سلم...».

۲- بروج (۸۵): ۲۱۲۲: {بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ}.

۳- حشر (۵۹): ۲۱: {لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ}.

تفسیر کند. در نهایت، نویسنده نتیجه گیری می کند که برعهده خداوند است که امامی را معین کرده و مردم را به سوی او هدایت کند: «بنابراین گزافه نخواهد بود اگر ادعا کنیم که قرآن درباره آنان و برای آنان نازل شده است» (۱).

در حدیث طولانی و مشهوری که محدثین شیعه و سنی آن را با عبارات مختلف نقل کرده اند، قرآن به عنوان «ثقل اکبر» معرفی شده و امامان به عنوان «ثقل اصغر». در یک نقل آن که از طریق ام سلمه یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان آخرین بیماری خود، در حضور بسیاری از اصحابشان فرمودند:

«نزدیک است که به زودی من فراخوانده شوم و از میان شما بروم. پیش تر چیزی به شما می گویم که عذر من باشد نزد شما: من در میان شما کتاب پروردگارم و عترتم، [یعنی] اهل بیتم را به عنوان نمایندگان پس از خود باقی می گذارم» (۲).

در نقلی دیگر که توسط عیاشی [در تفسیرش] برای اثبات ولایت علی علیه السلام ذکر شده، آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهل بیت فرمودند:

لطیف خبیر مرا خبر کرد که آنها (یعنی این دو ثقل) [نمی بایست] از هم جدا شوند تا مرا [در روز قیامت] ملاقات کنند... از آنان جلو نیفتید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید که به هلاکت می افتید و به آنان نیاموزید، چرا که آنان از شما آگاه ترند (۳).

ص: ۶۳

۱- ابوالحسن علی بن ابراهیم القمی، تفسیر القمی، (به تصحیح: طیب موسوی جزائری، دار الکتب قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ق)، صص ۱۸، ۱۹: «فهم غرض الخلق و غرض خلقهم ذات الحق و ان شئت فقل: ان الله لم يخلق الخلق إلا للعبادة، و لا يعبد إلا بعد المعرفة و هي إنما تحصل بقبول الايمان بالله كما هو، و هو موقوف على الإقرار بالرسول المخبر عن الله، و هو موقوف على الإقرار بالامام المخبر عن الرسول فعلى الله ان يرشد إليه و يدل عليه فلا بعد ان ينزل القرآن فيهم و لهم».

۲- ملا محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (تهران، ۱۳۸۷، ق)، ۸۰/۸۹: «يوشك أن أقبض قبضاً سريعاً فينطلق بي، و قد قدمت إليكم القول معذرة إليكم ألا إني مخلف فيكم كتاب ربي عز و جل و عترتي أهل بيتي».

۳- ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی، تفسیر عیاشی، (به تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، قم، بی تا)، ج ۱، ص ۴: «فإنه قد نبأني اللطيف الخبير أن لا يترقا حتى يلقىاني... فلا تسبقوهم فتصلوا، و لا تقصروا عنهم فتهلكوا، فلا تعلموهم فهم أعلم منكم».

قرآن می فرماید که پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم در روز قیامت به خداوند شکایت کرده و عرضه می دارد:

{پروردگارا، (تو آگاهی که) امت من این قرآن را متروک [قرار داده] و رها کردند}. (۱)

بر اساس این آیه، مذهب شیعه به قرآن شخصیتی شبه انسانی داده است. به همین جهت، قرآن در پیشگاه خداوند با مردم محاجه خواهد کرد و برخی را شفاعت کرده و دیگران را محکوم خواهد نمود. از آن جا که در سنت شیعی، این دو ثقل به یکدیگر متصلند، در روز قیامت درباره هر دو سؤال خواهد شد: یعنی درباره محبت مردم به آل محمد علیهم السلام و اطاعتشان از آموزه های قرآن. که به موجب این دو سؤال، درباره آنان قضاوت خواهد شد که پاداش داده شوند یا عذاب گردند. (۲)

اصل مشهوری در تاریخ ادیان وجود دارد که روایات، سابقه و تاریخی را بازگو می کنند که به مثابه پیش درآمدی بر یک رخداد محوری است: رخدادی که گفته می شود تاریخ بشریت نیز حول همان می گردد. بنابراین، تاریخ کتاب مقدس (۳) [تاریخ انبیا] و حتی تاریخ حکمت بشری از نظر نخستین پدران کلیسا، به مثابه مقدمات ظهور مسیح (۴) شناخته می شدند. به همین ترتیب، مسلمانان [حضرت] محمد صلی الله علیه وآله و سلم را به عنوان ختم رسل و امامان علیهم السلام را به عنوان اوصیای او، به مثابه علت وجودی (۵) تمام مخلوقات می شناسند. قبول ولایت آنان، یکی از ابعاد اساسی ایمان است. امام ششم می فرماید:

«خداوند ولایت ما را محور (قطب) قرآن و تمام کتب (آسمانی) قرار داد، در حالی که آیات محکم قرآن حول آن می گردد و به سبب آن، کتب (مقدس) واضح و ایمان آشکار می گردد». (۶)

ص: ۶۴

۱- . فرقان (۲۵): ۳۰. {وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا}.

۲- . ن. ک: پاورقی های ۱۰ و ۱۱.

۳- . Biblical history

۴- . preparatio evangelica

۵- . raison d'etre

۶- . عیاشی، ۴/۱: «إن الله جعل ولايتنا أهل البيت قطب القرآن، و قطب جميع الكتب، عليها يستدير محكم القرآن، و بها نوهت الكتب و يستبين الإيمان»: نویسنده «نوهت» را به طور مجهول خوانده، ولی بر اساس قواعد عربیت قرائت آن به شکل مجهول در چنین موضعی نادرست است: چون این فعل لازم است و در صورت تعدی با باء نیز باید فاعل آن یعنی «الکتب» حذف شود. به هر حال معنای جمله مربوطه به شکل معلوم چنین است: «کتب (مقدس) به آن اشاره کرده اند» (م).

نبوت و وصایت به مانند حلقه های هم محوری دیده می شوند که از میان آنها تاریخ حرکت می کند. تمام پیامبران، از [حضرت] آدم تا [حضرت] محمدصلی الله علیه وآله و سلم، دوازده جانشین پی در پی داشته اند که علم آنان را به ارث برده و رسالتشان را ادامه داده اند. اوصیاء با پیامبر عصر خود یکپارچه هستند، یا به عبارت دیگر، امتداد حیات نبوی هستند. [البته] به امامان وحی نمی شود، که این وجه تمایز اصلی آنان از پیامبران است. با این وجود، ایشان محدثونند، یعنی [کسانی هستند که] ملائکه با آنان صحبت می کنند. از آن جا که [حضرت] محمدصلی الله علیه وآله و سلم آخرین پیامبر بود و قرآن نیز آخرین کتاب وحیانی، چرخه نبوت تنها از طریق امامت ادامه می یابد که البته باید تا روز قیامت نیز ادامه پیدا کند.

از امام اول، [حضرت] علی علیه السلام منقول است که با این گفته، مخاطبان خود را به چالش می کشید:

«از من درباره کتاب خدا پرسید، به خدا قسم، هیچ آیه ای از کتاب خدا نیست مگر اینکه رسول خدا، آن را بر من قرائت و تفسیرش را به من آموخته است، چه نزول این آیه در شب بود یا در روز، در سفر بود یا در حضر [یعنی در خانه]».

ابن الکواء، یکی از شاگردان بحاث حضرت پرسید: پس، آیاتی که هنگام نبود شما با پیامبر نازل شد، چگونه؟ امام پاسخ داد: «رسول خدا، هرچه از قرآن را که در غیبت من بر او نازل شد، آن هنگام که من بازگشتم بر من خواند و فرمود که: «یا علی! خداوند پس از آنکه تو رفتی این گونه نازل فرمود و تفسیرش نیز چنین است»: به این ترتیب ایشان تفسیر آیه و شأن نزول آن را به من آموزش داد».^(۱)

همچنین گزارش شده است که ابن عباس و ابن مسعود و دیگر صحابیان

ص: ۶۵

۱- . مجلسی، بحار الأنوار، ۷۸۹ / ۸۹: «سلونی عن کتاب الله، فوالله ما نزلت آیه من کتاب الله فی لیل و لا نهار و لا مسیر و لا مقام إلا و قد أقرأها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علمنی تأویلها». فقام ابن الکواء، فقال: یا أمیر المؤمنین! فما کان ينزل علیه و أنت غائب عنه؟ قال: «کان یحفظ علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما کان ينزل علیه من القرآن و أنا غائب عنه حتی أقدم علیه فیقرئنیه و یقول: یا علی أنزل الله بعدک کذا و کذا و تأویلہ کذا و کذا فعلمنی تأویلہ و تنزیله».

[حضرت] محمدصلی اللہ علیہ وآلہ و سلم، علم تفسیر را از [حضرت] علی علیہ السلام آموختند که او نیز تمام علم خود به قرآن را از پیامبر و ایشان نیز از خداوند کسب کرده بود. (۱)

[حضرت] علی علیہ السلام و امامان پس از او نه تنها تفسیر قرآن بلکه تفسیر تمام کتب آسمانی پیشین را نیز می دانستند.

باز از [حضرت] علی علیہ السلام نقل شده که ایشان فرمودند:

اگر وساده ای به معنای مسند آموزش در یک مجلس برای من فراهم آید، در میان اهل تورات، مطابق با آنچه که خداوند در تورات نازل فرموده قضاوت خواهم نمود: تا به خداوند برسد و او شاهد باشد که من بر اساس آنچه که او در آن نازل نموده، قضاوت کرده ام.

مشابه همین مطلب درباره انجیل و اهلش و قرآن و اهل آن نیز [در ادامه حدیث] به نقل از ایشان آمده است. (۲)

جامعه شیعه، امامان را به مثابه شرکای قرآن می بیند. به همین جهت، شیعیان هر روز در زیارت پس از نمازها، خطاب به امام دوازدهم که به باور آنان، زنده ولی از چشم مردم پنهان است، این گونه می گویند: «سلام بر تو، ای صاحب زمان! سلام بر تو، ای دوست (ولی) رحمن! سلام بر تو ای شریک قرآن!»

علاوه بر این شیعیان اعتقاد دارند که قرآنی که [حضرت] علی علیہ السلام به املائی پیامبرصلی اللہ علیہ وآلہ و سلم و به همراه تأویل حقیقی آن نوشته، از امامی به امام دیگر منتقل شده و اکنون نزد امام غائب است، تا آن زمان که به عنوان مهدی منتظر بازگردد آن را آشکار کرده و بر اساس آن قضاوت نماید.

بر اساس همین اعتقاد همان طور که بعدتر می بینیم علمای تندروی شیعه، مانند فیض کاشانی، نویسنده تفسیر صافی، و مجلسی، ادعا نموده اند که قرآنی که اکنون نزد ماست تحریف شده است. از امام پنجم، [حضرت] محمد باقر علیہ السلام نقل شده: «اگر این گونه نبود که (برخی مطالب) به قرآن افزوده شده و

ص: ۶۶

۱- همان، ص ۱۰۵.

۲- عیاشی، تفسیر، ۱/ ۱۵: «لو استقامت لی الإمرة و کسرت أو ثبتت لی الوساده، لحکمت لأهل التوراه بما أنزل اللّٰه فی التوراه حتی تذهب إلی اللّٰه، أنى قد حکمت بما أنزل اللّٰه فیہ.»

(برخی دیگر) از آن کاسته شده، حق ما بر هیچ فرد عاقلی پنهان نمی ماند و اگر قائم ما (یعنی امام دوازدهم) ظهور کرده و سخن گوید، قرآن سخن او را تصدیق خواهد نمود»^(۱).

از آن جا که امامان معنای حقیقی و بی پایان قرآن را در اختیار دارند، این کتاب مقدّس را به عنوان یک راهنمای اخلاقی و معنوی زنده نگه می دارند. آنان قرآن ناطق هستند، در حالی که قرآن [فعلی] پس از فوت [حضرت] محمدصلی الله علیه و آله و سلم، به صورت قرآن صامت باقی ماند.^(۲) این گونه تمایز بین سخنان مکتوب و خوانده شده خدا، در این حدیث دلکش منسوب به [حضرت] علی علیه السلام به طور شایسته ای بیان شده است:

خداوند تبارک و تعالی یکتا و بی همتاست و در وحدانیت خود بی نظیر است. سپس به کلمه ای تکلم کرد که نور شد و از آن کلمه نور محمدصلی الله علیه و آله و سلم را آفرید و من و ذریه ام را آفرید. سپس تکلم به کلمه ای کرد که آن کلمه روح شد و خداوند آن را در آن نور سکونت داد و در بدن های ما قرار داد: پس ما روح الله و کلمات خداییم.^(۳)

قرآن به عنوان کتاب هدایت بشریت بر [حضرت] محمدصلی الله علیه و آله و سلم فقط نازل نشد، بلکه خطاب و منظور این کتاب نیز خاصیتها او و خانواده او بودند. از آن جا که عموم مسلمانان قرآن را بدون تفسیر حقیقی آن می خوانند تفسیری که جبرئیل به همراه تنزیل بر [حضرت] محمدصلی الله علیه و آله و سلم نازل نمود آنان مرتکب خطای بزرگ تحریف در (خوانش) کلمات جاوید خداوند می گردند. امام ششم، [حضرت امام] جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «اگر

ص: ۶۷

۱- عیاشی، همان، ۱/۱۳: «لو لا أنه زید فی کتاب الله و نقص منه ما خفی حقنا علی ذی حجی، و لو قد قام قائمنا فنطق صدقه القرآن».

۲- این فکر در آثار اسماعیلیه به طور واضح تری بیان شده است. در هر حال، بسیاری از روایاتی که از ائمه علیهم السلام درباره رابطه شان با قرآن نقل شده است، بر این مضمون دلالت دارند. به عنوان نمونه، ن. ک: ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، الأصول من الکافی، به تصحیح علی اکبر غفاری (تهران، ۱۳۸۸)، ص ۱۶۹، ۱۹۲، ۲۱۳.

۳- مجلسی، بحار الأنوار، ۴۶/۵۳: «إن الله تبارک و تعالی أحد واحد تفرد فی وحدانیه، ثم تکلم بکلمه، فصارت نوراً، ثم خلق من ذلك النور محمداً صلی الله علیه و آله و سلم و خلقنی و ذریتی، ثم تکلم بکلمه، فصارت روحاً: فأسکنه الله فی ذلك النور، و أسکنه فی أبداننا، فنحن روح الله و کلماته...».

قرآن همان گونه که نازل شده بود خوانده می شد، می دیدید که از ما در آن نام برده شده است»^(۱). در روایتی که از دیگر امامان و حتی از پیامبر اکرم علیهم السلام منقول است، بیان شده که: «قرآن در چهار بخش نازل شده است، ... ربعی درباره ما و ربعی دیگر درباره دشمنان ما، ربعی درباره فرائض و احکام و ربع آخر درباره اینکه چه چیزی حلال و چه چیزی حرام است. کرامت های قرآن متعلق به ماست»^(۲).

ما باید پس از بحث درباره مبانی اولیه تفسیر شیعی، به مسأله تحریف بازگردیم. اما قبل از آن، لازم است به طور خلاصه به سیر تکامل تفسیر شیعی پردازیم.

تکامل تفسیر شیعی:

تفاسیر اهل سنت در دوران اولیه تفسیر، اولاً بر پایه احادیث نبوی و اقوال صحابه و تابعین مبتنی بودند. این رویکرد به [تفسیر] قرآن، با نام «تفسیر بالمأثور» (تفسیر به وسیله احادیث نبوی) شناخته می شود. هر چند از ابتدا تفسیر مطابق با نظر خود (رأی) یا عقل شخصی (اجتهاد) مطلقاً مردود بود^(۳)، اما نسل های بعدی در مواجهه با انبوه روایات جعلی و متناقض منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، صحابه و تابعین مجبور شدند تا دست به دامان اجتهاد ببرند. از سوی دیگر، مفسرین شیعه بر اساس نص قرآن، حجیت [قول] پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را [در تفسیر قرآن] قبول کرده و سپس بر اساس حدیث ثقلین که پیش تر اشاره شد ذریه او را نیز به عنوان دومین منبع معتبر [برای تفسیر قرآن] پس از او پذیرفتند^(۴).

اولین نسل مفسرین شیعه شاگردان امامان معصوم علیهم السلام بودند. افرادی چون زراره بن اعین، محمد بن مسلم و دیگر نزدیکان به شاگردان امامان پنجم و

ص: ۶۸

۱- عیاشی، تفسیر، ۱/ ۱۳: «لو قد قرئ القرآن كما أنزل لألفيتنا فيه مسمين.»

۲- فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، به تصحیح محمدعلی غروی اردوبادی، (نجف، [بی تا])، ص ۱: «القرآن أربعه أرباع: ربع فينا، و ربع في عدونا، و ربع فرائض و أحكام، و ربع حلال و حرام، و لنا كرائم القرآن.» برای این حدیث و دیگر نقل های آن بنگرید به: عیاشی، ص ۹.

۳- ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: محمود محمد شاکر و احمد محمد شاکر (قاهره، ۱۹۵۴)، ۱/ ۷۷ ۷۹.

۴- سید محمدحسین طباطبایی، القرآن فی الإسلام، ترجمه سید محمد الحسینی (بیروت، ۱۳۹۳/۱۹۷۳)، صص ۵۹، ۶۰.

ششم علیهما السلام از زمره برجستگان در تفسیر و دیگر علوم دینی در جامعه شیعه آن روز بودند. هر چند به برخی از این محدثین متقدم آثار تفسیری [متعددی] منتسب شده است،^(۱) اما هم اکنون چیزی از آن تفاسیر به دست ما نرسیده است. با این وجود، روایات آنان در آثار مفسرین نسل دوم حفظ شده است. مهم ترین این محدثان عبارتند از: فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیاشی سمرقندی، ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، محمد بن ابراهیم نعمانی.

فرات در دوران امامت امام نهم، [حضرت] محمد جواد علیه السلام می زیست و شاید اولین سال های قرن چهارم هجری را نیز درک کرده باشد. او یکی از نخستین بزرگان حدیث شیعه و یکی از مشایخ علی بن ابراهیم قمی بوده است.^(۲)

معاصر او، عیاشی، عالمی سنی بود که مذهب جعفری را پذیرفت و عالمی برجسته در بسیاری از علوم دینی گشت. تنها جلد اول تفسیر او، آن هم تنها به صورت تلخیص گشته، به دست ما رسیده است.^(۳) علی بن ابراهیم قمی از پدرش که نزد بسیاری از شاگردان ائمه علیهم السلام شاگردی کرده بود، روایت کرده است. وی در سال ۳۰۹ ق/ ۹۱۹ م از دنیا رفت.^(۴)

نعمانی (متوفای ۳۶۰ ق/ ۹۷۱ م) شاگرد کلینی بود. (کلینی: نویسنده کافی، یکی از کتب اربعه حدیثی شیعه) او تفسیری مهم را به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام به جای گذاشته، که تاکنون منتشر نشده است. رساله مهم او در باب تفسیر نیز منبعی بسیار پراهمیت در باب تفسیر متقدم شیعه به دست می دهد، که در اثر دائرة المعارف گونه مجلسی، بحار، باز نشر شده است.

این مفسرین تنها روایات نسل اول را بدون هر گونه نظری از جانب خودشان گردآوری کردند. از آنجا که دوره حضور ائمه علیهم السلام تنها تا سه قرن به درازا کشید، نسل های اول و دوم مفسرین به دقت قابل تمییز نیستند، چراکه مشخصاً

ص: ۶۹

۱- آقابزرگ تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، (تهران، ۱۳۵۵، ۱۹۳۶)، ۴/ ۲۳۱.

۲- فرات، تفسیر فرات کوفی، از صفحه ۲ مقدمه، و طباطبایی، القرآن، ص ۶۰.

۳- عیاشی، تفسیر، مقدمه محقق، صفحات ج و د و طباطبایی، القرآن، ص ۶۰.

۴- قمی، ص ۸.

دوره آنها هم پوشانی دارد. در نگاه ما، این دو نسل نمایانگر دوره آغازین یا پیشا باستانی تفسیر شیعی هستند. نسل سوم مفسرین شیعه، دوره ای بسیار طولانی را اشغال کرده اند، که به راحتی تا قرن ۱۰ق/۱۶م ادامه دارد. این نسل شامل شریف رضی (م ۴۰۵/ق ۱۰۱۵ م) و برادر معروفش سید مرتضی (م ۴۳۶/ق ۱۰۴۴ م) و ابوجعفر طوسی (م ۴۶۰/ق ۱۰۶۷ م) که معروف به شیخ الطائفه (فقیه پرفضیلت طائفه شیعه) که شاگرد سید مرتضی و ارائه دهنده آرای قرآنی وی بود، می شود. تفسیر شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، نمایانگر رویکردی مهم در تفسیر شیعه است. شاگرد او، ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی (م ۳۴۸/ق ۱۱۵۳ م) به همراه پیشینیانی که ذکرشان گذشت، نماینده دوره ای هستند که می توان از آن با عنوان عصر کلاسیک تفسیر شیعی نام برد. این مفسرین نه تنها یک رویکرد وسیع به تفسیر دارند که برگرفته از احادیث شیعه و اهل سنت است، بلکه نوع نگاهشان به قرآن، مخالف بسیاری از نگاه های متداول متقدم و نیز متأخر به قرآن بود که ادعای عدم حجیت قرائت عثمانی قرآن را داشت و تنها یک قرائت شیعی را از آن برمی تافت.

مفسرین بعدی ای که متعلق به این گروه اند، عبارتند از ملاصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰/ق ۱۶۴۰م)، سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷/ق ۱۶۹۵م)، علی حویزی (م ۱۱۱۲/ق ۱۷۰۰م) و ملامحسن فیض کاشانی (م ۱۱۹۱/ق ۱۷۷۷م) که در این مقاله به عنوان نماینده ای از این گروه از تفسیر صافی او استفاده می شود. این مفسرین در دوره طلوع و تثبیت حاکمیت شیعی در ایران می زیسته اند. آنان به عکس رویکردی که ما از آن با نام عصر کلاسیک یاد کردیم، رویکردی کلامی به تفاسیر متقدم و به خصوص تفاسیر سنی دارند. آنان لفظ به لفظ احادیث نقل شده توسط نسل های اول و دوم را گرفته و به عنوان اهرم هایی علیه مخالفینشان استفاده کرده اند.

به عنوان نمونه، نویسنده تفسیر صافی تا بدان جا پیش می رود که مدعی می شود اولین راویان از ائمه علیهم السلام در بند تقیه بودند، که به این معناست که بسیاری از روایات ممکن است از دست رفته باشند. البته این ادعا فضای گسترده ای را برای طرح آرای جدید در تفسیر با پوشش بازیابی سنت باز کرد. به این ترتیب، ما می بینیم که از منظرگاهی جدید و با رویکرد بسط سنت، تفسیر

شیعی همواره با تغییرات اجتماعی و سیاسی زمان ها تکامل پیدا کرده است.

آخرین مرحله تکامل تفسیر شیعی، همین موقعیت معاصر آن است. به صورت کلی می توان گفت که آثار جدیدی چون المیزان فی تفسیر القرآن از محمدحسین طباطبایی و البیان فی تفسیر القرآن از سیدابوالقاسم خویی می کوشند از دریچه سنت کهن کلامی و فلسفی با مردم امروز صحبت کنند. رویکرد این تفاسیر در چند بُعد مهم، یادآور رویکرد تفاسیر دوره کلاسیک هستند. به همین جهت، مثلاً [آیه الله] خویی در البیان خود را مجبور می دید که نه تنها با نگاه سنتی اهل سنت به قرآن، که با برخی از تصوّرات شیعی از قرآن نیز مخالفت ورزد متأسفانه، فقط یک جلد از این کتاب جالب منتشر شده و نویسنده به من گفته است که قصد ادامه دانش را ندارد.

نتیجه:

ما در این مقاله مطرح کردیم که تفسیر شیعی یک فرآیند مستمر و نامحدود است و رشد و بالندگی آن بر اساس شرایط واقعی موجود در حیات اجتماعی، سیاسی و مذهبی جامعه بوده است. هم اکنون نیز با توجه به انقلاب اسلامی ایران، مرحله جدید و مهمی [در تفسیر] در حال آغاز است. این امر در تعدادی از تفاسیر جدیدی که از آن زمان نوشته شده و هویت انقلاب و دگرگونی آن را با خود به یدک می کشد، هویدا است. در این تفاسیر تأکید بر روی تاریخ انبیاء و معاد نیست، بلکه به جای آن بیشتر بر واقعیت های اجتماعی سیاسی و اقتصادی قرن بیستم تأکید شده است. با این وجود، انقلاب اسلامی ایران هنوز هم به صورتی مستحکم ریشه در مذهب، معاد و انتظار شیعی دارد. بر این اساس در یک حس کاملاً واقعی برای شیعیان، نتیجه نهایی و واقعی تفسیر شیعی و یا به عبارت بهتر نتیجه تمام تاریخ شیعه مبتنی بر نوشته های مفسران نیست: بلکه بیشتر متکی به ظهور امام غائب است: همان کسی که آنها هر روزه برای او دعا می کنند.

منابع:

قرآن کریم

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، تهران، ۱۳۵۵، ۱۹۳۶.

خوئی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، به کوشش مرتضی الحکمی، نجف: المطبعه العلمیه.

طباطبایی، سید محمدحسین، القرآن فی الإسلام، ترجمه سید محمد الحسینی، بیروت،

ص: ۷۱

---، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٧ق.

طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت ١٣٨٠ / ١٩٦١.

طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، تحقيق: محمود محمد شاکر و احمد محمد شاکر، قاهره، ١٩٥٤.

طوسى، محمد بن حسن، تفسير التبيان، تحقيق احمد حبيب قصير العاملى، نجف، [بى تا]، ص ٤، مقدمه مؤلف.

عياشى، محمد بن مسعود، تفسير عياشى، به تصحيح: هاشم رسولى محلاتى، قم، بى تا.

قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، به تصحيح: طيب موسوى جزائرى، دار الكتاب قم، چاپ: سوم، ١٤٠٤ق.

کاشانى، ملامحسن، الصافى، به کوشش حسين اعلمى، تهران: انتشارات صدر، ١٤١٥ق.

کلينى، محمد بن يعقوب، الأصول من الكافى، به تصحيح على اكبر غفارى، تهران، ١٣٨٨.

کوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات کوفى، به تصحيح محمدعلى غروى اردوبادى، نجف، [بى تا].

مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، بحار الأنوار، تهران، ١٣٨٧ق.

(Abdul, Musa A. O, the quran: shykh tabresi's commentary (Lahore, ١٩٧٧).

Ayoub, Mahmoud, Redemptive suffering in Islam, The Hague, ١٩٧٨. Eliash, J., "the (shiite quran";, Arabica ١٦(١٩٦٩).

.Nöldeke, Theodor, geschichte des Qoran (GdQ), ١٩١٩.

.Goldziher, Ignaz; Die Richtungen der islamischen Koranauslegung, Leiden, ١٩٢٠.

Kohlberg, Etan; "some notes on the imamite attitude to the quran";, in: S. M stern, A. houcani, V. Brown (eds.), Islamic philosophy and the classical tradition ((Oxford, ١٩٧٢).

نقش قرآن در دین داری اسلامی (۱)

نویسنده: محمود محمد ایوب (۲)

مترجم: محمد جواد اسکندرلو

مقدمه

قرآن پدیده ای بی نظیر در تاریخ دین است. قرآن سندی تاریخی است که فضای اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی جامعه عرب قرن هفتم [میلادی] را نشان می دهد، در عین حال، کتاب هدایت و قانون رفتار و سلوک میلیون ها زن و مردی است که بر اساس فرامین قرآن زندگی می کنند و مفهوم و کمال حیات خود را در آن می یابند. برای این گونه افراد، قرآن کلام جاودانه الهی است که از طریق وحی وارد زمان و تاریخ [همیشگی] بشر گردیده و نوری است که خط سیر مؤمنان را از این جهان به جهان دیگر به وضوح ترسیم می کند. همان گونه که قرآن مکتوب اعلام می دارد، شکل اصلیش نزد پروردگار، باقی است: «آری، آن قرآنی ارجمند است، که در لوحی محفوظ است». (بروج: ۲۱۲۲) بدین سان، قرآن گرچه شکل و ویژگی سخن بشری را به خود گرفته است، اما اصل آن در الگوی آسمانی [لوح محفوظ] خالی از محدودیت های حروف و اصوات بشری است. قرآن از طریق جبرئیل،

ص: ۷۳

۱- این مقاله به زبان انگلیسی قبلاً در دایره المعارف دین (ویراسته میرجاه الیاده) منتشر شد. سپس به فارسی ترجمه و در مجله معرفت (شماره ۳۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، ص ۶۷-۷۲) آمده است. این مقاله با عنوان: [Mahmoud. M. Ayaub: *Qur'ân, Its Role in Muslim Piety* (ed. in chief), The Encyclopedia of Religion, Vol. ۱۲. PP. ۱۷۶-۱۷۹. (Newyork, Macmillan Compony ۱۹۹۳

۲- . پروفیسور محمود محمد ایوب، استاد (روشندل) بخش ادیان دانشگاه تمپل، اندیشمند مسلمان (شیعی) لبنانی، که از سال ۱۹۶۴ مقیم آمریکاست. اجمالی از سیر تحصیلی و تحقیقی وی: لیسانس در تاریخ فلسفه از دانشگاه آمریکایی بیروت: فوق لیسانس در اندیشه دینی (Religius Thaught) از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا: دکتری در تاریخ تطبیقی ادیان از دانشگاه هاروارد آمریکا (۱۹۷۵)، و استاد فعلی دانشگاه تمپل در ایالت فلادلفیای آمریکا.

فرشته وحی، در قالب سخنان بشری به حضرت محمد (ص) ابلاغ گردید، کلماتی که بعدها انسان‌هایی متعهد آنها را به صورت مکتوب در آورده و حفظ نمودند. و سرانجام آن را به شکل کتابی رسمی (مصحف) «بین الدفتین» مدون ساختند. با وجود این، گفته اند که خود پیامبر (ص) قرآن را در قالب صداهایی که برای افراد بشر نامفهوم بود همچون صدای نواخته شدن زنگ‌ها دریافت می نمود: یعنی مانند جبرئیل گاهی قرآن را مستقیماً از جانب خداوند دریافت می کرد. این جنبه (ماهیت زمینی قرآن)، که خداوند قرآن را در شب تعیین سرنوشت یعنی ليله القدر، (قدر: ۱) به قلب پیامبر (ص) نازل نمود (شعراء: ۹۴)، پیامبر (ص) را قادر ساخت تا در تأثیر و تعالی کلام الهی، به قرآن هویتی نیمه بشری داده که سرشار از احساسات و شور و هیجان می باشد و حتی حاضر است که در روز رستاخیز با کسانی که آن را رها نمودند احتجاج کند و از کسانی که بر اساس تعالیم قرآن زندگی کرده اند، شفاعت نماید. (۱)

بیش از هزار و چهار صد سال است که همه فرقه های مسلمان قرآن را به عنوان کلام متعالی خداوند تلقی نموده اند [و معتقدند که] معنا و مفاد آن شامل همه زمان ها و مکان ها می شود. پیامبر (ص) شأن و موقعیت قرآن را به بیان بسیار جالب

ص: ۷۴

۱- . فی مناهی النبئی (ص) أنه قال: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا أَوْ أَثَرَ عَلَيْهِ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا، أُسْتُوجِبَ عَلَيْهِ سَخَطُ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ إِلَّا- وَأَنَّهُ إِنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ تَوْبَةٍ حَاجَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا يُزِيلُهُ إِلَّا مِدْحُوضًا. (بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۰، حدیث ۱۳، به نقل از أمالی صدوق، ص ۲۵۶) بر اساس این روایت هر کس که قرآن بخواند ولی مرتکب فعل حرام شود و بدون توبه بمیرد، روز قیامت قرآن با او محاجه خواهد کرد. لازم به ذکر است که این برخورد قرآن با گنهکاران اختصاص به روز قیامت ندارد بلکه در همین دنیا نیز قرآن کریم بسیاری از قاریان خود را لعنت می کند «عن النبئی (ص) قال: كَمْ مِنْ قَارِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ» (بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۵، حدیث ۲۴) پس همان شور و هیجان و احساس و شعور اخروی در دنیا نیز برای قرآن وجود دارد. و از بعضی افراد در روز قیامت دفاع و شفاعت خواهد کرد چنان که در روایتی وارد شده است که اگر کسی در جوانی قرآن را قرائت کند قرآن با گوشت و خونس مخلوط شود، و در روز قیامت از او حمایت و شفاعت می نماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مَوْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ، جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَكَانَ الْقُرْآنُ حَاجِبًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقُولُ: يَا رَبِّ إِنَّ كُلَّ عَمَلٍ قَدْ أَصَابَ أَجْرَ عَمَلِهِ غَيْرُ عَامِلِي، فَبَلِّغْ بِهِ كَرِيمَ عَطَايَاكَ...» (بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۷، حدیث ۹).

در حدیثی به نقل از علی (ع) (پسر عمو و دامادش) ترسیم فرموده است. هنگامی که پیامبر (ص) به علی (ع) می فرماید: «پس از من فتنه بزرگی رخ خواهد داد» علی (ع) می پرسد: چگونه می توان از چنین فاجعه ای جلوگیری نمود؟ آن حضرت در پاسخ می فرماید: «به وسیله کتاب الهی! در قرآن، اخبار پیشینان و نقل حوادث آینده و معیار قضاوت در میان خودتان وجود دارد... هر کس هدایت را از هر راهی جز قرآن جستجو کند، خداوند او را به ضلالت می افکند. قرآن ریسمان الهی، گفتاری حکمت آمیز (آل عمران: ۵۸) و «صراط مستقیم» است. (۱) با قرآن، دل ها منحرف نشده و زبان ها نمی لغزد. دانشمندان هرگز از آن دلزده و سیر نمی گردند. در اثر استفاده مداوم، فرسوده و کهنه نمی شود و شگفتی های آن هرگز پایان نمی یابد... هر کس با قرآن سخن بگوید، این کتاب او را به حقیقت رهنمون می سازد و هر کس از آن پیروی کند پاداش فراوانی نصیب وی می شود. هر کس بر اساس قرآن قضاوت کند، قضاوتی عادلانه خواهد بود و هر کس دیگران را به قرآن فراخواند، آنها را به راه راست هدایت کرده است.» (۲) (به نقل از ایوب، ج ۱، ص ۱۰)

بدین سان، قرآن بر تمامی جوانب و مراحل حیات جامعه اسلامی و هر فرد مؤمن مسلمان سایه افکنده است. البته، چنین امری در تقوا و دین داری تشیع کاملاً روشن و بدیهی است: چرا که بخش بزرگی از اعتقادات شیعه مبتنی بر حکایت هایی است که در آن، قرآن همچون ائمه اطهار (علیهم السلام) نقشی برجسته و قابل توجه دارد. از نوزاد، با آیات قرآن به خاطر ورودش به دنیا استقبال می شود: همچنان که پدر در گوش فرزند نوزادش آیات خاص و مناسبی را می خواند. (۳) در جوامع سنتی اسلامی هنگامی که کودک شروع به سخن گفتن

ص: ۷۵

- ۱- روایات نبوی وارد شد که نقش قرآن در هدایت و راهبری است، اشاره کرده است؛ به ویژه در دوره علی بن ابیطالب که تردید و فتنه بسیار مردم را فرا گرفته بود. مجموعه ای از این روایات در کتاب الغدیر علامه امینی، ذیل «القرآن» آمده است. نیز علامه عطار دی در مسند الامام امیرالمؤمنین در جاهای مختلف این احادیث را جمع آوری کرده است.
- ۲- بحارالانوار، ج ۸۹، کتاب القرآن، باب فضل القرآن واعجازه، حدیث ۲۵.
- ۳- پس از تفحص و تتبع لازم در کتب روایی معلوم گردید که خواندن قرآن در گوش فرزند سفارش نشده بلکه آنچه به عنوان سنت اسلامی بیان شده استحباب خواندن اذان در گوش راست نوزاد و خواندن اقامه در گوش چپ او می باشد در این زمینه احادیث فراوانی در کتب روایی ما وارد شده است. به عنوان نمونه بنگرید به: وسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۶، ح ۱: بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۲، ح ۶۰ و ص ۱۱۶، ح ۴۳ و ص ۱۲۶، ح ۸۷: تحف العقول، ص ۱۴. البته در یک روایت آمده است که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: در گوش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) علاوه بر اذان، سوره حمد و آیه الکرسی و آخر سوره حشر و سوره اخلاص و معوذتین را نیز بخواند: بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۶، ح ۸۶. ممکن است این دستور از باب قضیه شخصیّه صادر شده باشد.

می‌کند، سوره فاتحه را فرا می‌گیرد و به حفظ سوره‌های دیگر می‌پردازد: یعنی سوره‌های طولانی‌تر و در برخی موارد تمام قرآن را حفظ می‌کند. آن‌گاه تکمیل این کار مقدّس به صورت عمل مسرت بخشی برای خانواده و جامعه بزرگ‌تر محسوب می‌شود. همان‌گونه که امام شیعیان، امام جعفر صادق(ع) فرموده است: «هر کس در هنگامی که جوان و مؤمن است قرآن را تلاوت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته خواهد شد.» (۱) (ایوب، ج ۱، ص ۱۲).

زبان

قرآن مسلمانان را به سبک‌های مختلف و با اسلوب‌های متنوع بیانی مورد خطاب قرار می‌دهد. آیات کوتاه و اسرارآمیز در قالب مقایسه‌هایی صریح، نمایانگر هشدارها، بیم‌ها و عقوبت‌های روز جزا و نیز رحمت و لَدّت‌های بهشت هستند. آیات بلندتر و آموزنده‌تر آن به بحث از حیات روزمره جامعه [اسلامی]، روابط اجتماعی، تعهدات سیاسی و مسائل حقوقی آن می‌پردازد. قرآن مؤمنان را از طریق تشبیه به زراعت انبوهی که کشاورزان را شاد و خرسند می‌سازد، تشویق می‌نماید، (فتح: ۲۹) و کافران را به چارپایان گنگ تشبیه کرده و آنان را نکوهش می‌کند. (انفال: ۲۲).

زبان قرآن در مواردی، شورانگیز است. مثلاً آیات نخستین سوره یس (نام دو حرف از الفبای عربی) به تنیدی و با نیروی هیجان‌انگیز شدید داستان‌های ناشناخته دوران‌های قدیم را نقل می‌کند و از مواجهه پر احساس افراد بشر با خداوند در روز قیامت سخن می‌گوید و قدرت هراس‌آور [و هیبت‌انگیز] آن به گونه‌ای است که بر مردگان تلاوت می‌گردد. در سوره‌های دیگر، زبان قرآن آرام و ملایم است، همچون سوره الرّحمن، که رودهای جاری بهشت را [به گونه‌ای]

ص: ۷۶

۱- بحارالانوار، ج ۸۹، ۱۸۷، حدیث ۹.

توصیف می کند که تصوّر کامل و دقیق آن در این دنیا ممکن نیست و [صرفاً] در شرایط رؤیایی به تصوّر در می آید. قاری خوب قرآن نوعاً این توان را دارد که مستمعان خود را به هیجان آورد و یا هنگامی که کاملاً مجذوب آیات می شوند، آنان را به شغف و تحسین وادارد. سوره فاتحه، آیه الکرسی و سوره اخلاص، از محبوب ترین و رایج ترین سوره های قرآنی هستند که مردان و زنان مسلمان در مواقع بحران، هراس، یا عدم اطمینان تلاوت می نمایند. به عنوان نمونه، بسیار مرسوم است هنگامی که والدین زن و مرد جوانی به توافق می رسند که فرزندان خود را به ازدواج راضی نمایند، نشانه قطعیت توافقشان این است که سوره فاتحه را تلاوت می کنند: معاملات تجاری و سایر امور نیز به همین شیوه مبارک می گردند. [قوام] نماز اساسی [و کامل] در اسلام، به سوره فاتحه وابسته است: چرا که پیامبر(ص) فرموده اند: «نماز بدون سوره فاتحه نماز نیست. (۱)» این سوره مشتمل بر هفت آیه کوتاه است که نماینگر دو بخش مجزا و در عین حال، موضوعات کاملاً به هم مربوط می باشد: در نیمه اول این سوره، حمد و سپاس و اعتراف به رحمت الهی، صاحب اختیار روز جزا، تنها تو را عبادت می کنیم، مطرح می شود و در نیمه دوم آن، درخواست هدایت («و تنها از تو کمک می طلبیم/ ما را به راه راست هدایت نما/ راه کسانی که به آنها نعمت داده ای، نه آنان که مورد غضب تو قرار گرفته اند و نه گمراهان») آمده است.

آیه الکرسی و سوره اخلاص، به طرق مختلف، حاکی از عظمت، حاکمیت و جاودانگی خداوند هستند. آیه الکرسی بیان کامل و مستقلی در رابطه با سلطه ابدی و قدرت و عظمت خداوند است و اعلام می دارد که او «ابدی است، حاکم جاودان است، اقتدارش آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری آنها بر او سنگین و دشوار نیست. و اوست والای بزرگ». سوره اخلاص یا توحید، از نظر مسلمانان [به منزله] اصل و جوهر قرآن، شعار اسلام و منبع رحمت و قدرت والا در مقابل شرّ و

ص: ۷۷

۱- . قال رسول الله (ص): «كُلُّ صَلَوةٍ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَاجٌ. *» وسائل، ج ۴، أبواب القرائه في الصلوة، باب وجوب قرائه فاتحه الكتاب..»، حدیث ۶: بحار، ج ۸۲، کتاب الصلوة، باب القراءه و ... ح ۲. *خداج: ناقص. (معجم الوسیط، ج ۱).

بدی است. این سوره اعلام می دارد که «خداوند، ملجأ و مأوای همیشگی است» (اللّه الصمد) که در مواقع سختی و بلا و گرفتاری می توان به او تکیه نمود. او در معرض جریان زاد و ولد و مرگ و میر نیست: «نه زاییده و نه زاییده شده». (لم یلد و لم یولد) در یگانگی، او بی مانند است: «هیچ همتایی ندارد.» (و لم یکن له کفواً احد) غالباً این سوره را همراه با فاتحه در نماز می خوانند. آن طور که در روایات نقل گردیده پیامبر(ص) توصیه فرموده اند که در صورت امکان، روزی صد بار این سوره تلاوت شود. (۱)

قدرت

قرآن آثار و خواص زیادی هم در [بُعد] حفظ و هم در صدمه و آسیب رساندن دارد. مثلاً در سوره حشر چنین می خوانیم: «اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن (کوه) را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی.» (حشر: ۲۱)

و در واقع، سنت حاکی از آن است که سوره پنجم [مائده] در حالی بر پیامبر(ص) نازل گردید که آن حضرت سوار بر شتری مسافرت می کرد و آن حیوان به زمین خورد: چرا که نتوانست [سنگینی] آیات کریمه قرآن را تحمل نماید. (۲) با وجود این، همین قرآن که حتی کوه ها تحمل بار آن را ندارند، منبعی از آرامش و اطمینان برای قلوب مؤمنان نیز می باشد.

مسلمانان این ویژگی درونی قرآن را به عنوان هدیه ای از رحمت الهی تلقی

ص: ۷۸

۱- «وَعَنْ أَنَسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةٍ غُفِرَ لَهُ خَطِيئَتُهُ خَمْسِينَ سَنَةً إِذَا اجْتَنَبَ أَرْبَعَ خِصَالٍ: الدَّمَاءِ، وَالْأَمْوَالِ، وَالْفُرُوجِ وَالْأَشْرِبَةِ.» (بحار، ج ۸۹، کتاب القرآن، باب فضائل سوره التوحید، ص ۳۵۲، ح ۲۳) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ قَرَأَ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةً حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً.» هر کس هنگامی که به بستر خواب رود صد بار سوره توحید را بخواند خداوند گناه پنجاه سال او را بیامرزد. (اصول کافی، ج ۴، کتاب فضل القرآن، ص ۴۲۶، ح ۴).

۲- «عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ (ع) قَالَ: كَانَ الْقُرْآنُ يَنْسَخُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَإِنَّمَا كَانَ يُؤْخَذُ مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِآخِرِهِ فَكَانَ مِنْ آخِرِ مَا نَزَلَ عَلَيْهِ سُورَةُ الْمَائِدَةِ، نَسِيخَتْ مَا قَبْلَهَا، وَلَمْ يَنْسَخْهَا شَيْءٌ، فَلَقَدْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ وَهُوَ عَلَى بَعْضِ الشَّهْبَاءِ وَثَقُلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ حَتَّى وَقَعَتْ وَتَدَلَّى بَطْنُهَا حَتَّى رَأَيْتَ سَرَّتَهَا تَكَادُ تَمْسُ الْأَرْضَ...» (بحار، ج ۸۹، کتاب القرآن، باب فضائل سوره المائده، ح ۳).

می کنند، همچنان که قرطبی می گوید: «اگر خداوند قلوب بندگانش را نسبت به توانایی تحمّل قرآن، محکم نکرده بود، آنها عاجزتر و ضعیف تر از آن بودند که در برابر بار سنگین آن [کتاب] تاب آورند» (قرطبی، ج ۱، ص ۴).

خواصّ [و کارایی های] قرآن در آداب و رسوم اسلامی همچون شفا گرفتن و آزار رساندن، پدیدار ساختن حوادث طبیعی شگفت، و حتّی افسون کردن مارها و پیدا کردن حیوانات گمشده به کار رفته است. در مورد سحر باید گفت: قرآن، انسان را از چشم زخم [حسودان] یا از هر حادثه بد دیگری حفظ می کند و سبب تقویت یا گسستن پیوند دوستی بین دو نفر می گردد. همچنین آیات قرآن روی وسائل نقلیه، مغازه ها و سردرخانه ها یا ساختمان های عمومی نوشته می شود تا آنها را از هر گزند حفظ نماید و نیز به عنوان سپاسگزاری از نعمت های الهی محسوب گردد. کلمات یا عباراتی از یک آیه و یا آیاتی به طور کامل، اغلب در قالب واژه ها یا حروفی نامفهوم، ترکیب شده و به عنوان رمزهایی علیه سحر و جادو نوشته یا خوانده می شود. طبق فرمایش امام صادق (ع)، «اگر فرد مؤمنی صد آیه از قرآن را تلاوت کند و دعایی بخواند و آنگاه هفت مرتبه نام خدا را بر زبان جاری نماید، می تواند کاری کند که صخره های سخت از هم شکافته شوند و دعای او مستجاب خواهد گردید.»^(۱)

در مواقع بیماری و مصیبت، مؤمنان، به قرآن به عنوان منبع «شفا و رحمت برای اهل ایمان» (اسراء: ۸۲) روی می آورند. و به ویژه سوره فاتحه، شافیه^(۲) (سوره شفابخش) نامیده می شود. از آنجایی که سنّت خواسته است که هر زمان که ممکن است قرآن دقیقاً تلاوت گردد، طبق نقل مجاهد (یکی از اولین صاحب نظران قرآنی) و توصیه شده است که فرد بیمار، آبی را که در آن قسمتی از قرآن بر کاغذ

ص: ۷۹

-
- ۱- . مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۷۶.
 - ۲- . وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قِرَاءَةُ الْحَمْدِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ»: امام صادق (ع) فرمودند: سوره حمد شفاي هر دردی جز مرگ است. (بحار، ج ۸۹، ص ۲۶۱، ح ۵۶).

نوشته شده و به آن آب آغشته گردیده بیاشامد^(۱) [تا بهبودی حاصل گردد] این رسم دینی در بسیاری از مناطق جهان اسلام تاکنون تداوم یافته است [گرچه] در اغلب موارد، نتایج مثبتی به بار نیاورده است.

قرطبی اظهار می دارد که در تقدیس [و تکریم] قرآن شخصی که طالب شفا گرفتن است در هر نفسی که می کشد در حین نوشیدن [آن آب] بایستی نام خدا را بر زبان جاری کند و در توجه نیایش آمیز خود، خالص باشد: زیرا پاداش او بستگی به خلوص [نیتش] دارد. اثر شفابخشی قرآن (یونس: ۵۷) یا اصلاح رفتار آدمی نیز از نخستین نسل مسلمانان [صدر اسلام] مورد اذعان قرار گرفته است. از امام پنجم شیعیان روایت شده که «هر کس مبتلا به قساوت قلب باشد بایستی سوره یس را بر فنجانی که دارای زعفران است، بنویسد و از آن بیاشامد.» (قرطبی، ج ۱، ص ۳۱)

آرامش [و اطمینان]

قرآن همچنین در برابر امور و مسائل ناشناخته [به انسان] قوت [قلب] و اطمینان خاطر می بخشد. قرآن برای متدینان، از طریق استخاره (تفأل به قرآن) وسیله ای را در جهت کنترل [و ارزیابی] وقایع آینده یا کاهش آثار و عواقب آنها فراهم می آورد. استخاره، انتخاب آنچه را که خداوند برگزیده [و مورد پسند و رضای اوست] ارائه می نماید: و این کار از طریق باز کردن قرآن و درخواست از آن انجام می پذیرد تا مستقیماً نیاز یا شرایط شخص را بیان کند. این عمل معمولاً توأم با دعاها و تشریفات مفصّلی می باشد. یک روش ساده و در عین حال نمونه به وسیله امام جعفر صادق (ع) بیان شده است. همان کسی که گفته اند پیروان خود را از این جهت که از مشورت کردن با قرآن در حلّ مشکلات خود «با استعانت از خداوند» کوتاهی می ورزند مورد نکوهش قرار داده است. بر اساس دستورات امام صادق (ع) برای تحقّق این هدف، شخص باید سوره فاتحه یا قسمت های خاصّ دیگری از

ص: ۸۰

۱- رَوَى لَيْثُ عَيْنُ مُجَاهِدٍ قَالَ: لَا يَأْسَ أَنْ تَكْتُبَ الْقُرْآنَ ثُمَّ تَشْفِيهِ الْمَرِيضَ. (تفسیر قرطبی، ج ۱، ۳۱): و در کتاب مکارم الاخلاق از امام صادق (ع) روایت شده که فرد مریض آیه الکرسی را در ظرفی بنویسد و با مقداری آب آغشته سازد سپس جرعه ای از آن بیاشامد: «فَقَالَ: أُكْتُبُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي إِنَاءٍ ثُمَّ دَفَّهِ بِجُرْعَةٍ مِنْ مَاءٍ فَاشْرَبَهُ.» (مکارم الاخلاق، ص ۳۷۰).

قرآن، از جمله آیه «و کلیدهای غیب نزد اوست» (انعام: ۵۹) را سه بار بخواند. چنین شخصی سپس در دعاهایش باید با واسطه قرار دادن قرآن متوجه خدا شده و بگوید: «خدایا من با قرآن عظیم از ابتدا تا انتهایش [با تمامی قرآن] سوی تو می آیم، چون در آن نام اعظم تو و سخنان کامل تو وجود دارد. ای کسی که هر صدایی را می شنوی و بر هر واقعه ای احاطه داری و هر انسانی را پس از مرگش دوباره زنده می سازی ای کسی که تاریکی نمی تواند تو را تیره سازد و ای کسی که از صداهای مشابه دچار حیرت و ابهام نمی گردی از تو می خواهم که در ارتباط با مشکلی که از حل آن ناتوانم، بهترین راه را پیش پایم قرار دهی. برای این که تنها تو هستی که هر چیز معلوم و مجهولی را می دانی.» آنگاه شخص حاجت مند باید «بنام حضرت محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(علیها السلام) و دو پسرش حسن و حسین و نیز سایر امامان دوازده گانه شیعه(علیهم السلام) دعا کند. (۱)» سرانجام، قرآن را بگشاید و چند صفحه و چند سطر را بشمارد و متن قرآن را بخواند که گویا به عنوان پاسخ به همان مسأله [مورد نظر] نازل گردیده است. (۲)

قرآن برای مردگان و زندگان، منبع رحمت و آسایش است. غالباً قبل از آن که فرد پرهیزکار بمیرد وصیت می کند که به منظور بهره مند شدن روحش به مدت سه روز بر قبر او قرآن تلاوت گردد. هر زمان که دوستان یا خانواده متوفی او را یاد کنند برایش فاتحه می خوانند و این را به منزله هدیه ای برای او تلقی می کنند [از این طریق] نسیم خوشبو و معطری از بهشت به قبر او می وزد و فضای سخت و طاقت فرسای آن را منور می سازد. البته، همان قسمت های آموخته شده از قرآن در دنیاست که ارزش [و فضیلت] والایی را برای مؤمنان در جهان آخرت فراهم خواهد آورد.

ص: ۸۱

۱- .اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ مِنْ فَاتِحِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَاتِ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَ يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ وَيَا بَارِيَّ النَّفْسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتِ وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ أَسْئَلُكَ أَنْ تَخَيِّرَ لِي بِمَا أَشْكَلُ عَلَيَّ بِهِ فَإِنَّكَ عَالِمٌ بِكُلِّ مَعْلُومٍ غَيْرِ مَعْلَمٍ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ الْبَاقِرِ وَجَعْفَرَ الصَّادِقِ وَمُوسَى الْكَاطِمِ وَعَلِيَّ الرَّضَا وَمُحَمَّدَ الْجَوَادِ وَعَلِيَّ الْهَادِي وَالْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَالْخَلْفِ الْحُجَّجِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.»

۲- . مجلسی، پیشین، ج ۸۸، ص ۲۴۴ / ج ۳۹، ص ۱۸۸.

امام صادق(ع) به منظور تسلی خاطر شیعیان اهل بیت(علیهم السلام) وعده فرموده است که «هر کس از شیعیان ما یا از کسانی که ولایت ما را قبول دارند، بمیرد در حالی که معرفت کاملی نسبت به قرآن کسب نکرده باشد، در قبرش [=عالم برزخ] به او قرآن تعلیم داده می شود تا این که خداوند مقام او را در بهشت بالا ببرد: چرا که تعداد مقام ها [درجات] در بهشت، برابر با تعداد آیات قرآن است(۱)» در واقع، آن طور که روایت شده پیامبر(ص) فرموده اند: «[روز قیامت] به حامل قرآن گفته خواهد شد که «بخوان و بالا برو، حالا- نیز همانند دنیا قرآن را زمزمه کن برای این که آخرین رتبه تو همان آخرین آیه ای است که تلاوت می کنی.»(۲)

تلاوت

از آنجایی که قرآن کریم از قداستی والا برخوردار است، به ما گفته اند که هیچ کس حق ندارد بدون طهارت به آن دست زند (واقعه: ۷۹) و کسی نباید آن را تلاوت کند مگر آن که در حالت طهارت شرعی باشد. او باید پیش از آغاز تلاوت، دندان هایش را تمیز کند و دهانش را بشوید: چرا که مجرای قرائت قرآن خواهد شد. قاری قرآن باید بهترین لباس خود را بپوشد: نظیر موقعی که در برابر پادشاه می ایستد: چرا که او در واقع با خدا سخن می گوید. همچنین از آن جهت که قرآن، اساس دعا [و نماز] اسلامی است، لازم است که تلاوت کننده آن رو به قبله باشد: یعنی به سمت کعبه قرار گیرد. هر کس که در حین تلاوت شروع به خمیازه کشیدن می کند، موظف است مکث کند: زیرا خمیازه به وسیله شیطان رخ می دهد. معمولاً، تلاوت قرآن با ذکر استعاذه: «من از [شر] شیطان رانده شده به خدا پناه می برم» آغاز می گردد.

از این رو، لازم است که تلاوت کننده قرآن مکان خلوتی را برگزیند تا این که کسی نتواند خواندن او را قطع کند یا با او سخن گوید: چرا که آن سخن با کلام الهی آمیخته می گردد و آن کس که قرآن می خواند اثر ذکر استعاذه را که با آن

ص: ۸۲

۱- همان.

۲- قرطبی، ج ۱، ص ۹.

تلاوتش را آغاز کرده بود، از دست می دهد. (۱)

در روایتی منسوب به نقل آنس بن مالک، [آمده است که] پیامبر(ص) حاملان قرآن را به عنوان کسانی توصیف نموده که از رحمت خاصه پروردگار بهره مند گردیده اند: زیرا آنان آموزگاران کلام الهی هستند: «هر کس با آنها دوستی کند، با خدا دوست شده و هر کس نسبت به آنها دشمنی نشان دهد، به خدا دشمنی ورزیده است.» روایت مزبور در ادامه می فرماید که «خداوند کسانی را که به قرآن گوش فرا می دهند از محنت های دنیوی باز می دارد و قاریان را نیز از بلایای اخروی بر حذر و مصون می دارد.» (۲) گفته شده که پیامبر(ص) همچنین اضافه فرموده اند که خداوند، قلبی را که در خود، قرآن را جای داده عذاب نمی کند. در یک حدیث قدسی منقول از ابوسعید خدری، خداوند می فرماید: «هر کس که با قرآن و یاد من مأنوس باشد به گونه ای که هیچ فرصتی برای طلب حاجات خود نداشته باشد، من به او بهترین چیزی را که دعا کنندگان از من می خواهند، خواهم داد.» (۳)

همه تکالیف دینی (فرائض) با فرارسیدن مرگ متوقف می گردند، جز تلاوت قرآن که شعف و سرور بهشتیان در آن است. قرآن کتابی نیست که ابتدا و وسط و پایان داشته باشد، هر قسمتی از آن یا حتی هر آیه، بی اغراق قرآن محسوب می شود همان طوری که تمام این کتاب، قرآن است. از این رو، تلاوت همه قرآن در دوره ای چند روزه یا چند هفته یا چند ماهه می تواند به منزله سفری در دنیای بیکران معانی، یا مسافرتی در قرآن و با قرآن تلقی گردد. هدف اصلی از این سفر مقدس عبارت است از شکل گرفتن شخصیت و حیات آدمی بر اساس کلام الهی و نیز کسب صداقت واقعی (تقوا). هدف از تلاوت قرآن در خود قرآن به عنوان منبع رحمت بیان شده است. روایت شده که شخصی از پیامبر(ص) سؤال کرد: «بهترین عمل چیست؟» حضرت فرمودند: «مسافر مقیم بودن!» آنگاه پرسید: «مسافر مقیم کیست؟» پیامبر(ص) در پاسخ فرمودند: «آن مرد کسی است که از ابتدای قرآن

ص: ۸۳

۱- ر. ک. قرطبی، ج ۱، ص ۲۷.

۲- طبرسی، ج ۱، ص ۳۲.

۳- قرطبی، ج ۱، ص ۴.

سفر خود را آغاز می کند تا به پایان برسد، سپس دوباره به آغاز آن برمی گردد. بدین سان او برای یک اقامت کوتاه می ایستد و آنگاه خارج می شود [و حرکت می کند]»^(۱)

قرآن حاملان خود را به رحمت ابدی بهشت هدایت می کند و به نفع آنان دعا می کند، و خداوند بر سر آنها تاج افتخار می گذارد و از آنان راضی و خرسند خواهد گردید. در واقع، کسانی که خود را مَحْض در قرآن ساخته اند از طریق حفظ آیاتش و کسانی که آن را تلاوت می کنند و به دیگران فنّ تلاوت را می آموزند، جایگاه ویژه ای را در دینداری اسلامی برای خود حیات نموده اند. آنان در یک حدیث نبوی به عنوان «مردان الهی و برگزیدگان خدا»^(۲) توصیف شده اند.^(۳)

بر اساس حدیث دیگری از پیامبر(ص)، بهترین مردم کسی است که قرآن را فراگیرد و به دیگران آموزش دهد.^(۴) در حدیثی که از طریق ابوهریره روایت شده، پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: «هیچ گروهی در یکی از خانه های خدا [مساجد] به منظور تلاوت قرآن و مطالعه گروهی آن گرد هم نمی آیند جز این که سکینه (آرامش معنوی و الهی) بر آنان فرود می آید».^(۵) رحمت آنان را فرا می گیرد، فرشتگان نزدیک آن ها حاضر می شوند، و خداوند آنان را در زمره کسانی که با او هستند، به حساب می آورد.^(۶)

در واقع، بالاترین ارزشی که انسان می تواند نسبت به نیل آن در این دنیا امیدوار باشد این است که با اهل قرآن محشور گردد.

میراث ادبی

قرآن از نظر سبک نگارشی خود، معیاری برای زبان عربی، و منبعی مناسب و در واقع بالاترین بیان [و بهترین تعبیر و الگو] برای ادب عربی محسوب می شود. شیوه

ص: ۸۴

- ۱- قرطبی، ج ۱، ص ۳۰.
- ۲- «هم أهل القرآن أهل الله وخاصته».
- ۳- قرطبی، ج ۱، ص ۱.
- ۴- «خياركم من تعلم القرآن وعلمه».
- ۵- «وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم إلا حفتهم الملائكة ونزلت عليهم السكينة...» (سنن ابن ماجه، ج ۱، مقدمه، باب ۱۷)
- ۶- ایوب، ج ۱، ص ۸-۹.

نقل حکایات و تشبیهات و استعاراتی که قرآن [ارائه نموده] ادبیات کلاسیک عربی را فراهم آورده و حتی بر نویسندگان جدید نیز تأثیر گذارده است. ضرورت اصلاح کامل، مطالعه و نگارش و تلاوت قرآن بوده که اساس دستور زبان عربی و علوم دیگر زبان شناسی را فراهم آورده است. آیات و سور قرآنی در تمام زبان های دنیای اسلام نفوذ کرده است. حتی در محاورات روزمره، اعم از موضوعات ارزشمند یا عادی، آیات و بیانات قرآنی انتشار یافته و آیات قرآن به شکل زیبایی برای تزیین مساجد، مدارس و منازل مؤمنان، خطاطی شده است.

در یک تمدن و جامعه دینی کاملاً مختلف [و دارای افکار و سلیقه های گوناگون]، قرآن اساس وحدت می باشد. تأثیری که قرآن بر زندگی مسلمانان پرهیزکار می گذارد در دعایی منسوب به علی (ع) خلاصه گردیده و خواسته شده که این دعا در هنگام ختم قرآن خوانده شود: «خدایا، قلب مرا با قرآن تسکین ده: تمام وجودم را مملو از قرآن ساز: دیدگانم را با قرآن روشن نما و زبانم را با قرآن بگشا. نیروی این کار را به من عطا کن، مادامی که مرا زنده نگه می داری، چرا که هیچ نیرو و قدرتی جز در وجود تو نمی باشد.»^(۱)

ص: ۸۵

آشنا ساختن دانشجویان علاقه مند غربی، به خصوص آنهایی که با مطالعات مذهبی و اسلامی سر و کار دارند، با قرآن و معارف اسلامی، نیازی مبرم و درخور توجه علما و محققین اسلام است. در این مقاله دکتر محمود ایوب، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه تمپل آمریکا، به بررسی اجمالی هنر تلاوت قرآن مجید پرداخته و سعی کرده است که دانشجویان غربی را با گوشه هایی از این هنر متعالی آشنا سازد. مقاله از دو جنبه حایز اهمیت است. یکی به لحاظ بررسی کلی هنر تلاوت قرآن مجید و دیگر نحوه تدریس و جایگاه این هنر در جامعه غرب. (۲)

تا همین اواخر در برنامه های درسی دانشگاه ها و آموزشکده های غربی، قرآن فقط به عنوان سندی تاریخی و ادبی مطرح بود و کم تر توجهی به آن، به عنوان کتابی مقدس و آسمانی و دارای نقش حیاتی و همیشگی آن در زندگی معنوی، اجتماعی و فرهنگی میلیون ها مرد و زن سراسر دنیا می شد: و توجه ای بس ناچیزتر به مقام قرآن در پیشرفت هنر موسیقی معطوف می گردید.

در حالی که علاقه به مطالعه، درباره تأثیر قرآن بر زندگی مذهبی و فرهنگی جامعه مسلمین افزایش می یابد، توجه افزون تری به علوم مختلف قرآنی من جمله هنر متعالی تلاوت قرآن می شود. این مقاله کوتاه، دانشجویان [غربی] مطالعات مذهبی و اسلامی را با چهار سبک جدید و شناخته شده این هنر که بر روی نوارهای صوتی و دیسک فشرده (CD) عرضه شده اند آشنا می سازد. قبل از ورود به اصل بحث، ذکر چند نکته مقدماتی درباره گسترش و توسعه این هنر لازم به نظر می رسد.

۱- . بینات، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۱۳-۱۱۷.

۲- . توضیحات از مترجم اس-ت.

عموماً مسلمانان، دو دیدگاه مشخص و جدا، لکن مرتبط به هم نسبت به قرآن دارند، یکی «تفسیر قرآن» و دیگری «تلاوت قرآن». درباره تفسیر، مسلمان بهترین و متفکرترین: و درباره تلاوت، بهترین اصوات و استعدادهای موسیقایی خویش را بکار گرفته اند. در حالی که تفسیر سعی در کشف معانی این کتاب مقدس دارد، هنر تلاوت قرآن کوششی است در جهت نشر و ترویج آن.

هدف و اصول تلاوت قرآن در خود قرآن آمده است. قرآن بایستی با صوتی بلند، با طهارت و با خلوص معنوی تلاوت شود. قرآن بایستی آهسته، شمرده و موزون تلاوت گردد (مزمل، ۴/۳۷).

هدف از این عمل عبادی یعنی تلاوت کلام الله، جلب رضای خداوند و کسب رحمت الهی است. علاوه بر این از طریق تلاوت، قرآن به نقش بی نظیر عبادی و اجتماعی خود در جامعه ی مسلمین جامه عمل می پوشاند. کوتاه سخن اینکه با تلاوت در مجامع عمومی، قرآن همیشه سرچشمه لایزال رحمت الهی و مایه اتحاد مسلمین در تمامی قرون و اعصار بوده است.

تلاوت قرآن بر طبق روایات رسیده، به پیامبر و اصحاب آن حضرت برمی گردد. روایت است که پیامبر بین آیه ها مکث می فرمودند، کلمات را واضح و اصوات را کشیده ادا می کردند. مشهورترین قاری در میان صحابه ابوموسی اشعری یمنی بود که گفته شده صوتی دلنشین داشته است.

بنابر سنت پیامبر، قرآن بایستی نه با آواز بلکه با صوتی خوش آهنگ تلاوت گردد. آهنگ تلاوت قرآن بایستی با خضوع و با هاله ای از غم توأم باشد. به عبارت دیگر تلاوت قرآن برای سرگرمی نیست، بلکه وسیله ای است برای ایجاد طمأنینه و خشوع در شنونده. در قرآن آمده است: «و اذا قرى القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون» (اعراف، ۴۰۲/۷) و چون قرآن خوانند به آن گوش بسپارید و [در برابر آن] خاموش باشید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید. (ترجمه بهاءالدین خرمشاهی).

تلاوت قرآن، به عنوان هنری عبادی از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم شروع شد. اشاره به قاریان قرآن (قرّاء)، به عنوان گروهی مشخص به زمان ابوبکر و عمر برمی گردد. این امر منجر به تأسیس مدارس قرآنی که بعدها به

مکتب خانه (کتاب آموز) معروف شد گردید. در این مدارس بود که کودکان، تحصیلات رسمی خود را آغاز می کردند. این گونه مدارس هنوز در بسیاری از کشورهای مسلمان، به خصوص در مناطق روستایی وجود دارد.

انقلاب فرهنگی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اعراب، تحولات جدید و مهمی را در زمینه موسیقی نیز به همراه داشت. از آنجا که مصر مرکز عمده این حرکت فرهنگی بود، واضع استانداردهای تلاوت و ساختار قرآن نیز گردید. مصحف نوین سلطنتی مصری قرآن مجید، به عنوان استاندارد: و سبک مصری تلاوت قرآن، به عنوان سبکی جهانی شناخته شده است.

اکثر خوانندگان مشهور مصری، کار خود را با تلاوت قرآن آغاز کردند، در حالی که این گروه با خوانندگی و آوازخوانی به شهرت رسیدند. گروهی دیگر، به عنوان قاریان قرآن مجید کسب نام و احترام کردند. به عنوان نمونه می توان به افرادی چون مصطفی اسماعیل، ابو العینین شوعیشع و محمد فرید السندیونی اشاره کرد که به گسترش سبک های جدید تلاوت قرآن همت گماردند. روش اینان و سایر قاریان مشهور، هنوز در مراکز تخصصی آموزش تلاوت قرآن مجید تدریس می شود.

سبک های محلی دیگری در سایر نواحی اسلامی گسترش یافت. بدون شک قاریان ایرانی و ترک، بیانگر آهنگ و طنین میراث غنی موسیقایی خویش هستند. سبک مغربی به خصوص از آن جهت که معرّف سنت موسیقایی شمال آفریقا و اسپانیای عرب می باشد قابل توجه است.

تلاوت جدید قرآن مجید به طور کلی، به دو نوع تجوید و ترتیل تقسیم می شود. تجوید به معنای کاری را خوب یا عالی انجام دادن است و بدین سان تبحر و استعداد موسیقایی قاری را نشان می دهد. تجوید در واقع نوعی تک خوانی موسیقایی همگانی است که می تواند همان اثر احساسی را بر روی شنونده بگذارد که اجرای خوب هر موسیقی غیر مذهبی. از میان چهار قاریی که در این مقاله، به ذکر آنها خواهیم پرداخت، شیخ عبدالباسط عبد الصمد بهترین معرف این هنر است.

ترتیل، نوع دیگر تلاوت قرآن، قرائت ساده ای است که در آن از سبک و ردیف موسیقایی مشخصی استفاده می شود. در حالی که هدف از تجوید، برانگیختن

حس تمجید شنونده به لحاظ هنرمندی و توانایی صوتی قاری است، ترتیل بر آموزش شنوندگان تأکید دارد و با یکنواختی مسحورکننده ای جوی آکنده از وقار و سکون می آفریند که شیخ محمود خلیل المصری بهترین معرف این نوع تلاوت است.

شیخ محمد رفعت، در زمره قاریان مشهور این عصر بشمار می آید. او صوتی رسا و سبکی ساده، لکن زیبا و دلنشین داشت که در آن واحد بر دل عوام و خاص می نشست. معهدا درک هنر رفعت، برای شنونده غربی به دو دلیل مشکل می نماید: یکی کیفیت خشن صوتش و دیگری صدای گنگ و نامفهوم صفحات کهنه ی گرامافون که اکثر تولیدات مجدد تلاوتش از روی آنها میسر گشته است. منزلت رفعت بیشتر برای خبرگان تلاوت قرآن مجید روشن است تا برای شاگردان مبتدی، و آوازه اش بیشتر به خاطر تجوید است تا ترتیل.

چهارمین نفر، شیخ عبد الرحمان الحذیفی، قاری سعودی است که به سبک مصری آموزش دیده است. گرچه همه آنها، به جز الحذیفی که هنوز زنده است، در ظرف سه دهه گذشته فوت کرده اند، برنامه های ضبط شده ی آنها هنوز تکثیر شده و تا به حال هیچ کس در جهان اسلام همطراز آنها نگردیده است.

اگر هدف از شناساندن تلاوت قرآن به دانشجویان مطالعات اسلامی [در غرب] آن باشد که تنوع و مقبولیت این هنر را نشان دهیم، در آن صورت بهترین و در دسترس ترین ضبط ها متعلق به عبدالباسط است. وی به خاطر ردیف وسیع صوتش و استعداد سرشارش در تجوید قرآن، بسیاری از نوارهایش در طی پخش زنده ی برنامه هایش ضبط شده است. معهدا بهتر است دانشجویان برای تمرکز بیشتر از ضبط های استودیویی وی استفاده کنند.

اما اگر هدف این است که دانشجو سبک ساده قرآن را درک کند و یا حتی بتواند از آن تقلید کند، آن وقت ترتیل سادی شیخ الحصری مفیدترین است. ویژگی خاصی که سودمندی تلاوت وی را مضاعف می کند، وضوح و روشنی کلمات اوست. علاوه بر این، تمام نوارهای تجوید و ترتیل الحصری، به سادگی قابل دسترسی است.

تلاوت قرآن، دارای ویژگی های خاصی است که ممکن است در صورت تأکید

خیلی زیاد، به گوش شنونده ی غربی چندان خوش آهنگ و دلپذیر نباشد. مهم ترین آنها صدای خنه (صدای خیشومی) است که به عنوان شیوه ای اساسی و ضروری در تمامی سبک های تلاوت قرآن مجید مطرح است، هرچند که در همه جا رعایت نمی شود. صوت واضح و رسای الحصری، تا حد زیادی این صدای خیشومی را محو می کند. صوت عبدالباسط نیز فقط در صداهای زیر، این صدا را محو می کند. اما بسیاری از این صدای فوق العاده زیر، لذت چندان نمی برند.

دو ویژگی بهم پیوسته دیگر، تکیه بر صداهای حلقی «عین» و «همزه» است. این شیوه یادآور لهجه های اعراب عهد باستان است و اغلب به منظور نشان دادن تنوع و گوناگونی سبک های تلاوت قرآن بکار گرفته شده است و عمدتاً در تلاوت شیخ رفعت و الحذیفی، به گوش می رسد.

عبدالرحمان الحذیفی قاری سومی مسجدالحرام در مکه است. (۱) وی از صوتی دلنشین برخوردار است امام تلاوتش وضوح و ظرافت سبک الحصری را ندارد. معذالک معرف خوب سبک ترتیل است.

انتخاب الگوهای مختلف تلاوت قرآن مجید برای اهداف آموزشی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ممکن است انتخاب بخشی از یک سوره ی کوتاه و یا سوره ای آشنا برای این مهم مطلوب تر باشد. علاوه بر سوره های کوتاه جزء سی ام که معمولاً همگی بر روی یک نوار موجود است، سوره های ۲۱ (یوسف علیه السلام)، ۹۱ (مریم علیه السلام)، ۶۳ (یس)، ۵۵ (الرحمن) نیز نزد مسلمین پرهیزگار وجهه ی خاصی دارند.

در میان این سوره ها، شاید سوره ی ۹۱، جالب ترین باشد. شرح تولد حضرت مسیح علیه السلام در این سوره بسیار شبیه به انجیل لوقا و سایر منابع اولیه مسیحی است. همانند شرح لوقا. داستان تولد حضرت در قرآن، شگفت آور و باشکوه است. علاوه بر این، آن قسمتی که به داستان تولد حضرت مسیح علیه السلام می پردازد چندان طولانی نیست و حکایتی مستقل و منسجم را تشکیل می دهد.

ص: ۹۰

۱- وی هم اکنون قاری و امام جماعت رسمی مسجد النبی در مدینه است. (مترجم)

تلاوت قرآن، دارای سبک های دلنشین و قاریان مشهور متعددی است. قاریان مصری دیگری نیز هستند که می توان از میان آنها انتخاب کرد. از نظر مسلمانان، حافظ قرآن بودن افتخار بزرگی است و بسیاری برای نیل به آن تلاش می کنند لکن فقط معدودی به این افتخار نایل می شوند. امید است معدود قاریانی که در این مقاله بدانها اشاره شد، مقدمه ای باشد برای آشنایی هرچه بیشتر با این هنر عبادی جذاب.

آنچه از پی می آید، سخنرانی دکتر محمود ایوب، استاد و محقق لبنانی دانشگاه تمپل آمریکاست که در مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت دانشگاه بلمند طرابلس (لبنان) ایراد کرده است. نویسنده در این مقاله در پی آن است که اثبات کند پیام قرآن تنها همزیستی مسالمت آمیز نیست که پیروان ادیان به همدیگر آزار نرسانند، بلکه پیام اصلی قرآن همزیستی ایمانی و معنوی است که این مهم تر از آن همزیستی ظاهری است. گرچه این نظریه در قالب خود نو و قابل ارائه است، اما نمی توان آن را به اطلاق خود پذیرفت.

اسلام در محیطی مسیحی - روحانی زاده شد، زیرا پیش از اسلام، مسیحیت در منطقه عربی رواج یافته بود. می توان گفت مسلمانان از اندیشه و یا روحانیت مسیحی، این ایده و تصور رایج پیش از اسلام را که حیات انسانی و هستی، نفس رحمان (خدا) است، برگرفته بودند. در همین سیاق می توان آیه ای از قرآن را تفسیر کرد که می گوید: زمانی که خدا انسان را آفرید «نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ: از روح خویش در او دمید» (۳) و همین دم الهی است که انسان را از دیگر مخلوقات تمایز بخشیده است. اسلام از آغاز، با یهود شبه جزیره عربستان هم تعامل داشته است، اما تعامل اسلام - یهودیت، تعاملی در قالب روابط تشریحی، سیاسی و اقتصادی بوده است. از

ص: ۹۲

- ۱- این مقاله در اصل سخنرانی محمود ایوب در دانشگاه بلمند بوده: سپس به فارسی ترجمه و در مجله میثاق امین، فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب (سال دوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۷) آمده است.
- ۲- دکتر محمود ایوب، از عالمان و مفسران قرآن و از شیعیان لبنان است و هم اکنون استاد ادیان تطبیقی در دانشگاه تمپل - فیلادلفیای آمریکاست. تاکنون از وی ده ها کتاب و مقاله درباره اسلام پژوهی چاپ و منتشر شده است.
- ۳- سجده، آیه ۹. ترجمه آیات برگرفته از ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند است.

این رو، باید انتقادات قرآن از جامعه یهودی مدینه را به عنوان بازتاب این حقیقت تاریخی بفهمیم. من معتقدم که اجتماعات مسیحی بزرگی در شبه جزیره وجود نداشت تا بتواند تأثیر سیاسی همانندی در جامعه یهودی مدینه داشته باشد، اما رابطه اسلام - مسیحیت، دست کم در آغاز بعثت و حتی در مدینه، بیشتر رابطه ای معنوی بوده است تا اجتماعی. در همین جلسه خواهم کوشید تا این موضوع را روشن کنم.

از دیدگاه تاریخی، قرآن و رسالت محمدی پس از عصری طولانی و بعد از دوره شمولیت دینی و تمدنی - که از قرن هشتم پیش از میلاد، آغاز شده بوده و کارل یاسپرس، دانشمند معروف آلمانی، آن را «عصر محوری»^(۱)

نامید - ظهور کرد. ادیان چینی و هندی نیز در همین دوره پیدا شدند و زرتشت هم در همین عصر ندای توحید را سر داد. در این دوره، پیامبران تورات یا عهد قدیم، با ندای عدالت اجتماعی ظهور می یابند و اعلام می دارند که خداوند تنها اقامه شعایر الهی را از انسان نمی خواهد، بلکه همچنین از او می خواهد تا عدالت را نیز به پا دارد و به بُعد معنوی زندگی خویش و همچنین ارتباطش با خداوند اهمیت بدهد. از پی این عصر، دوره مهمی فرا می رسد که در آن تمدن هلنی - یونانی عهد اسکندر و جانشینان او، به عنوان یک چارچوب تمدنی عام، برای همه تمدن های اروپایی و خاورمیانه ای و حتی سرزمین فارس، مطرح می شود. از نظر من پایان این دوره، آغاز ظهور مسیحیت به عنوان یک دین فراگیر و تا حدی مخالف با یهودیت سختگیر و جزم اندیش است. یهود خود را قوم برگزیده خدا می دانست، در حالی که حضرت مسیح به پیروان خویش می گفت: فخر مورزید که فرزندان ابراهیم اید: زیرا خداوند را توانایی آن هست که از این سنگ فرزندان ابراهیم پدید آورد.

این دوره نیز که از قرن هشتم پیش از میلاد آغاز شده بود، با ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پایان یافت. از این روست که می بینیم، قرآن ندای توحید، وحدت انسانی و کثرت گرایی^(۲)

تمدنی و زبانی را در جهان سر می دهد.

ص: ۹۳

۱- .The Axial age

۲- .Pluralism

خداوند می گوید:

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ: (۱) و از نشانه های [قدرت] او آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف زبان های شما و رنگ های شماست.

معنای آیه این است که خداوند انسان ها را با زبان ها و تمدن ها و عرف های گوناگونی آفریده است. من معتقدم که کثرت گرای زبانی به گونه ای که قرآن از آن سخن می گوید، شامل کثرت گرای تمدنی و دینی هم می شود، زیرا ادیان سرچشمه همه تمدن های بشری هستند. این امر دست کم درباره ادیان بزرگ پذیرفته شده است. بنابراین، قرآن بر این پدیده فراگیر - که قرن ها پیش از ظهور اسلام و در قالب کثرت گرای تمدنی و دینی آغاز شده بود - صحنه می نهد.

ما این پدیده را در بسیاری از آیات قرآن ملاحظه می کنیم. این آیه از آن جمله است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ: (۲)

مردم امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند.

قرآن اختلاف بین مردم را به حسد ورزی و ستیزه جویی نسبت می دهد و حساب کثرت و اختلاف نظر و اختلافی را که موجب حسد ورزی و کینه جویی و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر شود، از هم جدا می کند. اما نگاه قرآن به انسان چگونه است؟ از نظر قرآن، انسان می تواند به بلندترین مراتب روحی برسد یا به پست ترین درجه تباهی نایل آید. خداوند می گوید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ: (۳)

به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی باز گردانیدیم، مگر کسانی را که

ص: ۹۴

۱- . روم، آیه ۲۲.

۲- . بقره، آیه ۲۱۳.

۳- . تین، آیات ۴-۶.

گرویده و کارهای شایسته کرده اند، که پاداشی بی منت خواهند داشت.

در ضمن این کثرت گرای تمدنی و نژادی بنیاد بشری، مشترکاتی هم وجود دارد که وحدت انسانی را تحکیم می بخشد. این مشترکات، از توحید الهی سرچشمه می گیرد و جه بسا از این اصل که چون خدا یگانه است، خلق او نیز یگانه و انسانیت هم یگانه است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ: (۱) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

از نظر قرآن تکریم بنی آدم چنین است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: (۲) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

راز این گرامی داشت در معرفت و توانایی انسان در گفت و گو و فهم متقابل و به کارگیری زبان نهفته است. قرآن می گوید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا: (۳) و خدا همه [معانی] نام ها را به آدم آموخت.» سپس این نام ها را بر فرشتگان عرضه کرد، اما آنان پاسخ را نمی دانستند و عذر آوردند و گفتند: «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا: (۴) منزهی تو! ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته ای، هیچ دانشی نیست.» آن گاه خداوند فرشتگان را فرمان به سجده بر آدم - که سجده تعظیم و نه سجده عبادت بود - داد.

نافرمانی اساسی از همین نقطه آغاز شد. این نافرمانی، نافرمانی آدم نیست که

ص: ۹۵

۱- . حجرات، آیه ۱۳.

۲- . اسراء، آیه ۷۰.

۳- . بقره، آیه ۳۱.

۴- . بقره، آیه ۳۲.

در قرآن آمده است: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى: (۱)»

آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و به بیراهه رفت. سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد. «نافرمانی اصلی از دید اسلام - اگر چنین تعبیری درست باشد - نافرمانی ابلیس است. نافرمانی ابلیس هم به سبب کبر ورزی او بود و نه عدم اطاعت او. خداوند به سبب آنکه به بنی آدم عقل و توان اشاره به اشیا - به مدد رموز زبان - بخشید، او را گرامی داشت. از نظر قرآن، خدا به امور همه انسان ها - و نه تنها مسلمانان - اهتمام می ورزد.

اما نکته دوم درباره تحریف است که مشکل پیچیده ای است. برخی پژوهش ها اثبات می کند که مسیحیان هم یهودیان را به تحریف متهم می کردند، اما زمانی که اسلام آمد و هر دوی آنها را به تحریف متهم کرد، داستان تحریف بین یهودیان و مسیحیان به فراموشی سپرده شد. تحریف مسئله ای بسیار قدیمی و مربوط به پیش از اسلام است. تحریف چیست؟ آیا این است که از خلال تأویل و تفسیر انجام شود و یا افزودن و تغییر متن، تحریف است؟ به آسانی نمی توان به این پرسش ها پاسخ داد، زیرا آیاتی داریم که به صراحت از وقوع تحریف سخن می گویند و آیات دیگری هم داریم که به حقانیت تورات و انجیل تصریح می کنند، مانند این آیه: «وَكَيفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ: (۲)»

چگونه تو را داور قرار می دهند، با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا [آمده] است؟» خداوند تورات و انجیل را نازل کرد و اهل هر کدام از این دو کتاب را فرمان داد تا به آنچه در آن دو کتاب آمده است، حکم کنند. بنابراین، چگونه ممکن است که قرآن، تورات و انجیل را ستوده باشد، اما نسخه ای از این دو کتاب در زمان بعثت و وحی، در نزد مردم وجود نداشته باشد؟ این پرسش ها را باید از نو بررسی نمود و در موضوع تحریف و شقوق احتمالی آن، بازنگری کرد.

آخرین موضوعی که می خواهیم مطرح کنیم، آیه جزیه است که ذهن ها را به خود مشغول کرده است. این آیه به مسلمانان دستور می دهد:

ص: ۹۶

۱- . طه، آیات ۱۲۱-۱۲۲.

۲- . مائده، آیه ۴۳.

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ: (۱)

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی آورند و آنچه را خدا و فرستاده اش حرام گردانیده اند، حرام نمی دارند و متدین به دین حق نمی گردند، کارزار کنید، تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند.

این آیه را باید در چارچوب قرآنی عام آن بررسی کرد. چه کسی می تواند حکم کند که همه اهل کتاب به دین حق متدین نمی گردند و به خدا ایمان نمی آورند؟ قرآن، مسیحیان و یهودیان را مشرک نامیده است. شرک پدیده ای بود که در میان قبایل عرب و بت پرستان رواج داشت. زمانی که قرآن از اهل کتاب، و به طور مشخص از مسیحیان، یاد می کند، به آنان نسبت غلو می دهد و نه شرک:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ: (۲) ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و درباره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم فقط پیامبر خدا و کلمه اوست.

به عقیده من، برای این نظر یا مفهوم قرآنی، شواهد فراوانی در مسیحیت قدیم و جدید دارد و هنوز هم پرونده موضوع کاریستولوژی (الاهیات مربوط به شخص مسیح) باز است: همان گونه که پرونده قرآن - که مسلمانان کلام خدایش می دانند - به لحاظ تحدید ماهیت رابطه کلام نزول یافته خدا با قدمت ذات خدا و موضوع خلق یا عدم خلق قرآن، باز است: و باز همان گونه که چگونگی رابطه مسیح - که کلام خدای ازلی است - بایسوع ناصری همچنان محل بحث و بررسی است.

من در اینجا همین قدر بگویم که پرونده این موضوعات همچنان باز است، اما ما مسلمانان و مسیحیان نقاط مشترک فراوانی داریم. کلیسا که جامعه کشیشان است مجموعه ای از افراد و ساختمان ها نیست، بلکه همان امت مسیحی، از زمان پیدایی تا روز قیامت است. همچنین امت اسلامی، مجموع دولت ها و نظام های اسلامی

ص: ۹۷

۱- . توبه، آیه ۲۹.

۲- . نساء، آیه ۱۷۱.

نیست، بلکه جوهر آن، همان جامعه ایمانی است که مسلمانان عرب و عجم را با شهادت واحد - که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است - گرد می آورد.

مسیحیت، مبتنی بر دعوتی پایان بخش است که معتقد است ملکوت خدا فرا رسیده است. نص انجیل از مسیح نقل می کند که گفت: «سخن درست را برایتان می گویم. از بین حاضران در این مکان، کسانی طعم مرگ را نخواهند چشید تا اینکه ملکوت خدا را که با قدرت فرا می رسد، مشاهده کنند.» بسیاری از پدران و از جمله قدیس پولس، جمله فوق را به ختمیت (پایان) جهان تفسیر کرده اند. امت اسلام هم بر مبنای ختمیت مبتنی شده و منتظر پایان کار جهان است. اسلام، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پیامبر آخر الزمان می داند. این ختمیت گرایی - که امید انسان را به رحمت خداوند و محضر خدا در قیامت سوق می دهد - قوی ترین نقطه مشترک ما و مسیحیان است و این پدیده ابعادی فراوانی دارد که بسیار فراتر از حد اساطیر و خرافات است.

بنابراین، اگر امید ما در این دنیا به آخرت است، باید برای آخرت کار کنیم: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ: (۱) آخرت برای تو بهتر از [جهان] نخست است.» همان گونه که قرآن دنیا و آخرت را پیوند می دهد، مسیحیت نیز با این مثل زیبا که در انجیل متی آمده است، آن دو را پیوند می دهد: «زیرا من گرسنه بودم، شما سیرم کردید: تشنه بودم، سیرابم کردید: غریب بودم، پناهم دادید: عریان بودم، لباس پوشانیدید: بیمار بودم، پرستاری ام کردید و زندانی بودم، شما به سویم آمدید.» «هنگامی که از او پرسیدند: خداوند گارا! تو را کی چنین دیده ایم؟ پاسخ گفت: هرگاه که با یکی از این کودکان چنین کردید، کاری برای من انجام داده اید.» اسلام نیز چنین می گوید:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَيْهِ طَعَامَ الْمَسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ،
الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ:

ص: ۹۸

(۱) آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می خواند، دیدی؟ این همان کس است که یتیم را به سختی می راند، و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند. پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل اند، آنان که ریا می کنند و از [دادن] زکات [و وسایل مایحتاج خانه] خودداری می کنند.

وجه مشترک دیگری که بین ما مسلمانان و مسیحیان وجود دارد این است که اعتقادات خود را به وحی مستند می کنیم. تورات به ما خبر می دهد که موسی به کوه رفت و تورات را از خدا دریافت کرد. در این مسئله برای ما چند و چون به کوه رفتن و کجایی کوه مهم نیست. تنها باید اقرار کنیم که تورات از سوی خدا نازل شده است. همچنین جوهر انجیل گفتار و رفتار حضرت مسیح است. اما مسائلی هم وجود دارد که ما را از هم جدا می کند. یکی از این مسائل، مسئله صلیب است و دیگری مسئله تثلیث و معنای آن. در این مسائل هم می توان از دو مجادله برتری که قرآن بدان فرا می خواند، وارد شویم. نهایت کار این است که هدف این مجادله برتری که ما امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن هستیم، گرد آمدن در مجموعه ای ایمانی است که ما را به خدا نزدیک می سازد و از گناهان دور می کند.

ما در لبنان و جهان عرب به مشکلی بزرگ به نام استکبار غربی و استعمار مبتلا-یم. من منکر آن نیستم که تمدن غربی محصول مسیحیت و دین مسیحی است، اما مشکل امروز ما مسیحیت و اسلام نیست. مشکل ما، استکبار، سلطه و آن چیزی است که من آن را «شرک جدید» می نامم. اسلام به عنوان دینی توحیدی ظهور کرد: یعنی اینکه جز خدا نپرستیم، اما اگر همانند یهودیان اسرائیل، دین را به عنوان دین، و قومیت را به عنوان قومیت، پرستیدیم، این قومیت گرایی افراطی ما را به شرک و بت پرستی می کشاند. گاه این بت ها در قالب های مادی اند و گاه در قالب های سیاسی و اجتماعی.

از ما خواسته شده است تا تنها خدا را پرستیم و به او عشق ورزیم، اما این به معنای دست شستن از دنیا نیست: زیرا دنیا برای انسان آفریده شده است. باید چنان باشیم که در قرآن به هارون امر شده است: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ

ص: ۹۹

وَلَا تَنْسَ نَصِيحَكَ مِنَ الدُّنْيَا: (۱) و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.» من معتقدم که خداوند برخلاف مردم، با زبان های فراوانی سخن گفته است، ولی در پایان کار و از خلال همه این زبان ها، همه ما را مخاطب خویش قرار داده است. بنابراین، ما می توانیم سخن خدا را - حال از هر راهی که بیان شده باشد، چه از راه قرآن، انجیل و یا تورات و چه کتاب های دیگری که پیروان متدین خود را مورد خطاب قرار می دهد - «خطاب الهی» بنامیم، چنان که خداوند می گوید: «أَمَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ: (۲)

به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوردیم، و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم.» این همان اسلام راستین و منطبق با اراده الهی است. این آیه ما را به تلاش فرا می خواند تا به معنای واقعی مسلمان باشیم.

ص: ۱۰۰

۱- . قصص، آیه ۷۷.

۲- . عنكبوت، آیه ۴۶.

این سخنرانی در ۴ مرداد ۱۳۷۴ توسط پروفسور محمود ایوب و خانم لیندا کلارک همسر ایشان در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ایراد شد. سپس توسط زهرا توکلی به فارسی ترجمه و در بولتن، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی به نام رویدادها و تحلیل ها (شماره ۹۴، شهریور ۱۳۷۴، ص ۴۹-۵۱) آمده است.

پروفسور ایوب لبنانی الاصل بوده و در دانشگاه تمپل مشغول به تدریس می باشند. ایشان در ۱۹۷۵ از دانشگاه هاروارد موفق به اخذ دکترا گردید. عنوان تز دکترای ایشان خلوص عاشورا در تشیع بوده است. هم اکنون نیز ایشان مشغول نظارت و تصحیح ترجمه تفسیر المیزان به زبان انگلیسی هستند.

خانم لیندا کلارک همسر پروفسور ایوب، مسلمان و کانادایی الاصل دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دکترای علوم اسلامی از دانشگاه مک گیل می باشند.

این زوج مسلمان حدود یک سال و نیم پیش سمیناری تحت عنوان "تفکرات شیعه" در دانشگاه فیلادفیا برگزار کردند، که در نوع خود منحصر به فرد بود. در این سمینار بسیاری از علمای اسلام از ایران و دیگر کشورهای اسلامی شرکت داشتند.

نقش مذهب و سیاست در روابط بین غرب و اسلام

قبل از هر چیز لازم است تعریفی در مورد متغیرهای مورد بحث ارائه نمایم و سپس به بحث اصلی بپردازم. مذهب، چارچوبی هویتی برای جوامع مذهبی است که موجب ایجاد ساختارهای تمدنی شده است. سیاست، هنری برای اداره جوامع

انسانی در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

مسئله ای که هم اکنون در غرب بسیار مطرح است این است که سعی می شود مذهب را از سیاست جدا کنند. این تحولی بوده که بعد از قرن ۱۸ در غرب به وقوع پیوسته و به نظر من جدایی مذهب از سیاست بیشتر یک رؤیا است تا یک واقعیت: زیرا پیوسته ما شاهد بوده ایم که مذهب در سیاست نقش و تأثیر داشته است. تاریخ اسلام از زمان هجرت آغاز گردید و از آن تاریخ اولین حکومت اسلامی ثبت شده است، بنابراین تاریخ سیاسی اسلام از آن زمان آغاز گردیده است.

از نظر من مسیحیت به سه گروه تقسیم می شود: ۱- مسیحیان سوریه و عربی یا مسیحیان که به زبان عربی صحبت می کنند که آن را مسیحیت شرق می نامند: ۲- مسیحیت بزانتین که قبل از اسلام قدرت بزرگی بوده و قدرتش تا قرن پانزده ادامه پیدا کرده است: ۳- مسیحیت غرب و مسیحیتی که در اروپا رایج است.

اولین ارتباط دولت اسلامی با اروپا در قرن هشتم در زمان هارون الرشید آغاز گردید. این حادثه بسیار مهم بوده است، زیرا مشخص می کند که کلیسا در آن زمان یک سازمان مذهبی نبوده بلکه دارای یک نقش سیاسی بوده است. همچنین کلیسای روم شروع به فعالیت هایی کرده است از جمله اینکه سعی می کرد بیت المقدس را از حیطه تسلط مسلمان ها بیرون آورد و مسیحیت را بر آن حاکم کند.

یکی دیگر از حوادثی که در اروپا به وقوع پیوست، جنگ های صلیبی بود که به دلیل تفرق و ضعف مسلمان ها در بیت المقدس، مسیحیت توانست اولین جای پای استعماری خود در خاورمیانه را باز نماید و این حاکمیت برای دو قرن و نیم ادامه پیدا کرد: خاورمیانه در آن زمان شامل سوریه، لبنان و فلسطین فعلی می گردید. سرانجام جنگ های صلیبی در دوره صلاح الدین به پایان رسید و سپس درگیری بعدی بین اسلام و غرب در زمان امپراطوری عثمانی اتفاق افتاد که تا پایان جنگ جهانی اول نیز ادامه پیدا کرد. این درگیری ها همچنان ادامه داشت است تا اینکه شیعه در ایران به عنوان مذهب رسمی شناخته شد. مسئله بسیار مهم که از قرن ۱۸ و شاید قبل از آن و از زمان انقلاب صنعتی شروع شد، این تفکر بوده است که مذهب از درجه دوم اهمیت برخوردار است و کلیساهایی برای مطالعه اسلام ایجاد

ص: ۱۰۲

شده است که هنوز نیز این روش ادامه دارد و میسیونرهایی را اجیر کردند که به مناطق مسلمان نشین اعزام می شوند تا مسیحیت را تبلیغ کنند و همان طور که گفته شد این روش تا زمان وقوع انقلاب اسلامی ادامه داشته است.

انقلاب اسلامی ایران ۳ مسئله مهم را به ارمغان آورده است: اول بیداری اسلامی که تفکر مجددی را در بین مسلمان ها در مورد پتانسیل اسلام به عنوان یک نیروی سیاسی و مذهبی ایجاد کرد: دوم فرصتی را به مسلمان ها داد تا ببینند چطور اسلام می تواند در بسیج توده ها نقش داشته باشد، همان گونه که در ایران منجر به سقوط شاه شد: سوم اینکه به مسلمان ها احساس افتخار مجدد به خاطر مسلمان بودنشان می دهد لذا به همین دلیل است که مشاهده می کنیم با وقوع انقلاب اسلامی فصل جدیدی در روابط بین غرب و اسلام شروع شده است. بعد دیگری که در اواسط قرن ۱۸ شروع شد، مهاجرت مسلمان ها از ترکیه، خاورمیانه و دیگر کشورهای اسلامی به اروپا و آمریکای شمالی بود. همچنین قیام مسلمانان آفریقایی - آمریکایی در آمریکا که آنها مساجد زیادی را ساختند و جوامع اسلامی زیادی در آنجا تشکیل شده است و همه اینها بر روی جوامع در غرب تأثیر داشتند سؤالی که در اینجا مطرح است این است که چرا در قرون وسطی و یا شاید تا این قرن و به خصوص پس از جنگ جهانی دوم اسلام به عنوان یک مذهب خارجی قلمداد می شد، ولی امروز اسلام بیش از پیش و در همسایگی مسیحیان و یهودیان آمریکایی مورد طرفداری قرار می گیرد و از آیین و رسوم اسلامی حمایت می شود و جالب است که شما به آمریکا بروید و ببیند که مسلمان ها در آنجا چطور زندگی و دعا می کنند. در هر صورت هم اکنون با توجه به این مسائل، پدیده ای به نام دیالوگ بین مذاهب در حال رشد است که بر اثر این دیالوگ باید مذهب یون مختلف یکدیگر را درک کنند و با یکدیگر همکاری کنند و این همکاری نه فقط در زمینه مذهبی بلکه باید در زمینه های سیاسی، محلی و منطقه ای نیز صورت بگیرد.

اسلام خواهی در آمریکا (سخنرانی خانم کلارک)

لازم است ابتدا مروری بر تاریخ اسلام در آمریکای شمالی داشته باشم. برای اولین بار در نیمه دوم قرن نوزده مهاجرین تاتار از روسیه به نیویورک رفتند و سپس مهاجرینی از لبنان و سوریه به سمت غرب میانه آمریکا رفتند. طی دهه های ۵۰ و

۶۰ جامعه مسلمان ها از نظر تعداد کم بودند ولی در دهه ۶۰ مسلمانانی از سوریه و لبنان و از شبه قاره و ترکیه به آنجا رفتند. همچنان در دهه ۶۰ تعداد مسلمانان کافی نبود تا جامعه چشمگیری را تشکیل بدهند ولی این مهاجرت در دهه های ۷۰ و ۸۰ و نیز در دهه ۹۰ به اوج خود رسید و پدیده ای به نام جامعه بزرگ مسلمانان در حال شکل گیری است. همان طور که می دانید پدیده اسلام آفریقایی - آمریکایی با آوردن برده ها به آمریکا که بعضی از آنها مسلمان بودند، شروع شد. بعضی از این برده ها چون مسلمان بودند در خفا آیات قرآنی را می نوشتند و بعضی که در بند بودند روی دیواری های زندان با ایجاد خراش ها چیزهایی می نوشتند با وجود این پیوسته سیاه پوست ها از بیان اسم و ساختارهای هویتی خویش محروم بودند ولی در دهه ۲۰ حرکتی جهت رسیدن به هویت اسلامی آغاز گردید و این حرکت از دیترویت شیکاگو شروع شد. شخصی به نام فرد محمد که عقایدی شبیه شیعه گری داشت این حرکت را آغاز کرد. ابتدا تصور همگان این بود که این فرد از ایران یا لبنان به آنجا رفته است.

مسلمانان آمریکای شمالی دارای نظرات مختلف هستند بعضی از آنها سؤال می کنند که هویت ما چیست؟ ما از کجا آمدیم؟ به کجا می رویم و اصلاً ما که هستیم اما بعضی ها معتقدند که ما دارای هویت اسلامی هستیم و این چیزی است که باید به آن توجه کنیم. اما در بعد دیگر قضیه بعضی ها معتقدند که باید به عقاید کشور و وطن خودمان توجه داشته باشیم. بیشتر به آن سمت گرایش داشته باشیم و در اسلام گرایی ملیت را دخیل می دانند. عرب می گوید باید به سمت عربیت برویم و ایرانی می گوید ملیت ایران باید دخیل باشد. گروهی هم هستند که معتقدند باید تلفیقی از فرهنگ ها باشد باید یک همگرایی فرهنگی صورت بگیرد. در هر صورت وقتی شما صحبت از مسلمانان آمریکای شمالی به میان می آورید، باید این اختلاف نظرها و اختلاف عقاید را در نظر بگیرید. جامعه سیاه پوست آمریکای شمالی بیشترین مسلمانان را در بردارد، و هم اکنون بیشترین رشد را دارد و به لحاظ سیاسی دارای سازمان های قوی می باشد. تا آن زمان سیاه پوست شمال آفریقا را از مسلمانان دیگر جدا می کردند و این کار را حتی زمانی هم که مسیحی بودند انجام می دادند: زیرا احساس می کردند که قشر سیاه پوستان مسلمان

مشکلات خاص خودشان را دارند و نباید با دیگر نژادها مخلوط شوند تا مسائل نژادی پیش آید. برای مثال مساجدی دارند که فقط به سیاه پوستان اختصاص دارد ولی به نظر من بهتر است تلفیقی از این گروه ها به وجود آید. مسائل دیگری که از تلفیق و همگرایی این گروه های مختلف اسلامی جلوگیری می کند، ساختارهای نژادی آمریکاست. همچنین بعضی از مهاجرین اسلامی دارای احساسات نژادی خاص خودشان هستند.

در بعد بین الملل مسئله سیاه پوستان آمریکا از سه مسئله قابل ذکر برخوردار است. یکی مساعدت های مالی است که سیاه پوستان آمریکا از آن استقبال می کنند و عربستان سعودی در حال حاضر بیشترین مساعدت مالی را به عمل می آورد که البته این دلیلی بر این نیست که گروهی که مساعدت مالی را می گیرد خط مشخص سیاسی را هم دنبال کند. دوم اینکه اینها خواهان روابط خوب بین آمریکا و سایر کشورهای اسلامی هستند و بسیار خوشحال می شوند که این روابط بیش از پیش گسترش یابد و از این طریق احساس امنیت بیشتری می کنند. مسئله سوم این است که با توجه به اینکه سیستم آمریکا دموکراتیک هست و آزادی احزاب در آنجا وجود دارد روابط بین کشورهای اسلامی و جامعه سیاه پوست ها می تواند زمینه ای را ایجاد کند که بر روابط دولت آمریکا و کشورهای دیگر تأثیر بگذارد. در مورد سیاه پوستان مسلمان باید گفت به طور کلی دو گروه قابل تشخیص وجود دارد:

یکی بزرگ ترین گروه به رهبری وی - دی محمد که نوعی اسلام ارتدکس را دنبال می کند و طرفداران زیادی دارد و از طرف عربستان به این گروه کمک زیادی می شود. دولت آمریکا نیز از رشد این گروه استقبال می کند: زیرا دولت آمریکا طالب رشد اسلام رادیکال در آمریکا نیست و این گروه نیز به نوبه خود از دولت آمریکا انتقاد نمی کند.

گروه دوم که کوچک تر است به رهبری فاراخان می باشند و معتقد است ما باید به اصول برگردیم و از گروه قبل رادیکال تر است و بیشتر به مسائل نژادی می اندیشد و از دولت آمریکا انتقاد می کند. البته من شنیده ام که مبلغ ۴ تا ۵ میلیون دلار از لیبی کمک دریافت داشته است. در هر صورت این دو نوع گرایش مختلف سیاسی

در آمریکا وجود دارد. من اطلاعی از تماس های این گروه با دولت های خارجی ندارم، ولی دولت آمریکا ترجیح می دهد که تماس ها بیشتر با مردم سفید پوست مسلمان صورت بگیرد تا سیاه پوستان: زیرا سفید پوستان در جامعه آمریکا دارای آن نفوذ سیاه پوستان نیستند.

ص: ۱۰۶

اين مقاله در اصل پنج جلسه گفت و گو بوده كه توسط محمدرضا وصفى با محمود ايوب انجام يافته و بعداً به صورت مقاله بازنويسى شده و در مجله المنهاج (شماره ٢١، ربيع ١٤٢٢، ص ١٤٥-١٧٤) منتشر شده است.

يعيش عالمنا اليوم فى عصر العولمه، حيث يطرح سؤال بديهى:

هل العولمه تحترم التعدديه الثقافيه؟ وهل العولمه تشكل تهديدا للدين؟ ولثقافه الدينيه؟ بامكاننا الاجابه عن هذه الاسئله، من خلال دراسه انتروبولوجيه لمجتمع الولايات المتحده الاميركيه، بوصفه الانموذج الاهم لمجتمع تعددى، من حيث الدين واللغه والحضاره والعرق والايديولوجيات وبوصفه، ايضا، ذا نزعه منفتحه على الانسان، علاوه على انه الراعى للعولمه، بالرغم من ان سياساته الخارجيه غير الديمقراطيه تلقى اشمئزازا.

دراسه هذا المجتمع وقراءه كيفيه تطور تعامله مع الديانات وخصوصا الديانه الاسلاميه من منظور انتروبولوجى يعتمد على مبدا الجغرافيا والاخذ والعطاء فى الثقافه، اضافته الى البيولوجيا والتاريخ، سيساعدان الباحث على كشف مسير العولمه والعوائق الموجوده امام الثقافات الدينيه.

قد تكون اميركا اهم ارض التقت فيها الفلسفه الكونيه الشموليه الاسلاميه مع الفلسفه الليبراليه التعدديه فى القرن العشرين حيث زاد فيها عدد المسلمين وخصوصا فى العقدين الاخيرين، بسرعه كبيره خارج معاقلها التاريخيه، شأنها شان الاديان الاخرى. هذا يعنى، تبدل اهميه الوحده المكانيه للاديان الى شبكه

العلاقات والاتصالات. فالاهم لاصحاب الديانات فى عصر العولمه، وصولهم الى شبكه تصلهم بعضهم ببعضهم الاخر بدل الحاجه الى تجمع مكانى. وحصيله هذه الظاهره كانت ازدهار الصحوه الدينيه فى الولايات المتحده. لذلك نستطيع القول، ان اى ديانه لها خصوصيه متحركه (La religion dynamique) و اى متدين يستحسن عمليه الشاقف، (accuturation) التحرك القائم بين الانفتاح على الاخر والعوده الى الذات وفق منطق التلفيق والتوفيق بين الدين والكون والواقع. والواقع يدل على ان المسلمين فى امريكا، بامكانهم، استشراق الشمس من مغربها.

طبيعه المجتمع الاميركى

سكان اميركا الاصليون هم الذين سماهم «كريستوفر كولومبس» (١٤٥١ ١٥٠٦م)، لدى اكتشافه القاره الاميركيه (وصل الى شواطى سان سلفادور فى تشرين الاول سنه ١٤٩٢م)، خطأ، الهنود الحمر، فكولومبس كان يعتقد، عندما وصل الى العالم الجديد (القاره الاميركيه)، انه وصل الى الهند.

وكان لهؤلاء «الاميركيين الاصليين» حضارات غنيه، غير انها ابيدت بفعل الزحف الاوروبى، وبخاصه الاسبانى فى جنوب اميركا ووسطها، حيث اباد الاوروبيون حضارات بكاملها من اجل استعمار هذه البلاد والاستيلاء على الذهب والفضه والثروات الاخرى. ولم يكن فاتحو العالم الجديد مثل العرب والمسلمين الذين كانوا، عندما يقيمون فى بلد ما، يتعايشون مع اهله تعايشا يفضى الى ان يكونوا معا مجتمعاً واحداً. الاسبان لم يفعلوا ما فعله المسلمون، بل قمعوا السكان الاصليين وبادوهم، وكذلك فعل البرتغاليون، غير ان هؤلاء كانوا افضل معامله للسكان الاصليين فى البرازيل، حيث قامت الامبراطوريه البرتغاليه الكبرى.

وحدث الامر نفسه فى شمال اميركا، حيث كانت تعيش ايضا الشعوب الاصليه لهذه البلاد عندما بدأت الهجره الانكليزيه، فى القرن السابع عشر، الى اميركا، ثم الفرنسيه الى اميركا وكندا. لم يختلط الانكليز والفرنسيون بسكان البلاد الاصليين، بل همشهم

وحرروهم فى مستوطنات صغيره تسمى RESERVATIONS

وهذه المستوطنات لا تزال قائمه فى اميركا وكندا، ويعيش اهلها، اجمالاً، فى فقر وفاقه مقارنة مع السكان البيض.

وجاء الى اميركا السود، او الزنوج، من افريقيا، ولا سيما من غربها، فهؤلاء وصلوا

الى الولايات المتحدة الاميركيه وبعض جزر البحر الكاريبي وجنوب امريكا ارقاء، اى عبيدا يباعون. وكانت نسبه المسلمين بين هؤلاء تتراوح بين عشرين وثلاثين بالمئه، وقد حاول المسلمون الذين كان لهم ائمه، ان يحافظوا على هويتهم الاسلاميه، غير انهم لم يتمكنوا من ذلك فطمست هذه الهويه، ومنذ وقت مبكر.

وفى زمن الهجره الى امريكا، وقعت احداث اوروبيه مهمه، منها:

طرد المسلمين واليهود من غرناطه، او ما يسمونها غراناڤا GRANADA وايزابيلاعام ١٤٩٢ م اسبانيا. وفى ذلك العام ابخر كريستوفر كولومبس الى اميركا. وفى اوائل القرن السادس عشر قامت حركات الاصلاح البروتستانتية فى اوروبا: مارتن لوتر تپ ث ثآت LUTHER سويسرا، وسيطر على زوريخ وبرن، لكنه قتل فى صدام بين الكاثوليك والبروتستانت فى سويسرا ويوحنا كلفين (١٥٦٤ ١٥٠٩ م) فقد نشر هذا المصلح الفرنسى، فى فرنسا وسويسرا مذهباً حمل اسمه، وانشأ اول دوله مسيحيه فى اوروبا فى مدينه جنيف السويسريه. وما لبثت هذه الحركات ان انتشرت، فامتدت الى بريطانيا وفرنسا وهولندا، وهذه الاخيره سرعان ما اصبحت دوله مستعمره، فقد استعمر الهولنديون اندونيسيا (وهى الان اكبر دوله اسلاميه فى العالم)، واستعمر البريطانيون ما يعرف الآن بالولايات المتحدة الاميركيه، واستعمر الفرنسيون بعض مناطق كندا (كيبك) وجزءاً من الولايات المتحدة الاميركيه، اطلقوا عليه، فى ما بعد، اسم ولايه لوزيانا (LOUISIANA) فى ما بعد.

نتيجه لهذه الاحداث، هاجر الى اميركا العديد من الاوروبيين الذين اضطهدوا دينيا فى بلادهم. فتعددت الاديان، فهناك، على سبيل المثال، ولايتان احدهما فى شمال شرق اميركا اسمها «رود ايلاند» هاجر اليها وسكنها الكاثوليك والاخرى اسمها بنسلفانيا هاجرت اليها واستوطنتها بعض الطوائف البروتستانتية المتطرفه. وهكذا فان المجتمع الاميركى مجتمع متعدد الاجناس والاديان منذ البدء.

وتعددت، فى هذا المجتمع، وفى البدء، ايضا، اللغات، ثم صوت «الكونغرس» لصالح اللغه الانكليزيه، وكان يمكن ان تكون اللغه الالمانيه هى اللغه الرسميه، ولكن جرى تصويت على اختيار اللغه الانكليزيه. وحديثاً، بدأت هجره واسعه من اميركا اللاتينيه الى اميركا الشماليه، ففى العديد من الولايات اليوم توجد لغتان:

اللغه الانكليزيه، وهى اللغه الرسميه للبلاد واللغه الاسبانيه، وهى اللغه الثانيه فى

وهكذا نرى ان المجتمع الاميركي، من حيث الدين واللغه والحضاره والعرق، مجتمع تعددى، غير ان الحضاره واللغه اللتين سيطرتا ولا تزالان تسيطران عليه هما: الحضاره البروتستانتية واللغه الانكليزية.

يربط ماكس فيبر (MAX WEBER)، وهو عالم ألماني اصل يهودي، عاش في اوائل هذا القرن، بين ما يسميه «الاخلاقيات والعقيدة البروتستانتية» وبين الاستعمار الاوروبي، وذلك لان البلاد التي صارت مستعمره كانت في مجملها بروتستانتية. اما فرنسا والبرتغال وغيرهما من الدول فامر الاستعمار فيها مختلف، يقول فيبر: ان هذه الدول تتبنى افكار كلفن القائلة: ان الانسان ممثل الله في الارض، وانه يقوم باداره هذه الارض لله، وليس له، ومن ثم يجب عليه ان لا يضيع وقته في اللعب واللهو، وانما عليه ان يعمل جادا حتى يكون عبدا امينا على ما استامنه الله عليه.

ومن هنا نشأت، في بريطانيا، ولمدته قرن او اكثر، ومن ثم في اميركا، حركة PURITAS، أى حركة الانقياء الذين حاولوا تطبيق المسيحية النقيه. فقد منع هؤلاء الموسيقى ومختلف انواع اللهو، واصبح عملهم جادا ودائبا بهدف الاعمار والسيطره. وساعد اتحاد هذه الاخلاقيات بالعمل على ان تغدو هذه الدول دولا مستعمره.

اما الفرنسيون وسواهم، من غير البروتستانت، فانهم كانوا كالمستعمرين الاخرين بعامه يهدفون الى تحقيق امرين:

الامر الاول نشر الدين المسيحي من طريق المؤسسات والارساليات التبشيرية، والامر الثانى ارساء مبدا الحكومات العلمانيه المستعمره، ومفاده ان العرق الاوروبي الابيض هو المتحضر والمتطور وان حضارته ينبغى ان تسود، فعندما يستعمر الانسان الابيض، باسم دوله معينه، مناطق واسعه من العالم، فهو ينقل الى هذه المناطق الحضاره الاوروبيه المتفوقه. كان الفرنسيون يقولون ان لديهم رساله حضاريه، وهكذا اعتقد البريطانيون، ومن ثم الاميركان. وقد اخترع هؤلاء ديننا علمانيا هو «الديمقراطيه»، وعملوا على تسويقه الى باقى اقطار العالم، وراحوا يحاربون الشعوب ويقتلون الناس بحجه نشر «الديمقراطيه التي يؤمنون بها، وكما يرونها من منظور مصلحتهم.

المجتمع الاميركي، اذا، ومنذ بدايته وحتى الان، مجتمع تعددى: دينيا وحضاريا ولغويا وعرقيا وايدولوجيا.

ويلاحظ من يعيش فى المجتمع الاميركي ان الاميركيين المسيحيين، وان كانوا غير متدينين، فانهم لا- بد من ان يذهبوا الى الكنيسة اذا ارادوا ان ينجحوا سياسيا واجتماعيا، فالرجل الاميركي المثالى هو الذى يتناق فى لباسه، ويكون اسره: فتكون له زوجه واطفال، ويكون له عمل ويذهب الى الكنيسة يوم الاحد. وان كان مؤمنا، او غير مؤمن، فلا شان للدوله بذلك. ويرى المراقب ان كل رئيس اميركي لا بد من ان يباركه احد رجال الدين عند ابتداء عمله فى سده الرئاسه، فمن هذا المنطلق اقول: ان المجتمع الاميركي مجتمع تعددى، وكثيرا ما يمزج، بطريقه او باخرى، بين الدين والعلمنه. النظام الاميركي، القائم اداريا على الديمقراطيه، هو نظام علمانى وليس دينيا، ولكن تركيبه المجتمع الاميركي وتشديد الاميركيين على الاخلاقيات الظاهره، يجعلان هذا المجتمع مجتمعا متدينا.

يجد الاسلام، فى اميركا، مكانا له فى هذه التعدديه الدينيه والايدولوجيه. والارضيه الاميركيه صالحه لانتشار الاسلام اذا كان المسلمون ملتزمين بالدعوه القرآنيه المتمثله بقول الله تبارك وتعالى: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَعْرِضِ الْحَسَنَةِ □ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) [النحل، ١٢٤/١٦].

وقد يكون من الصعب ان نعين على وجه التحديد خصوصيه الحضاره الاميركيه التى تميزها من الحضاره الاوروبيه، ولكن يمكن القول:

ان النزعه العاطفيه الافرو اميركيه، فى الموسيقى والدين والحضاره، اجمالا، هى التى كونت الاساس للحضاره الاميركيه، فعندما هاجر السود الى اميركا كونوا نوعا من مشاعر الحنين القائمه على اساس العقائد والنصوص التوراتيه التى تتحدث، مثلا، عن استعباد بنى اسرائيل فى مصر لدى فرعون، فبعض الاناشيد الدينيه التى تسمى اغانى الانجيل تقول: «يا موسى انزل من الجبل، ويا فرعون دع شعبى يذهب...». هذا الحنين اعطى التدين الاميركي، الى حد ما، خصوصيات اميركيه مختلفه عن اوروبا. وقد عبرت عن هذا الحنين الموسيقى الاكثريوعا فى اميركا، وهى موسيقى الجاز. هذه الموسيقى الصاخبه والعاطفيه جدا فى اميركا اساسها، حسب اعتقادى، يتمثل فى هذه الحضاره السوداء الاميركيه التى تقوم على

اما الحضاره الاسلاميه، فكما قلت من قبل، فقد انطمت معالمها فى وقت مبكر، ولكنها عادت تنشط فى زماننا هذا. ولكن التدين الاسلامى الاسود فى اميركا قريب، فى كثير من جوانبه ومعالمه، من ذلك التدين العاطفى المسيحى ولم يؤثر حتى الان على الجاليات الاسلاميه التى هاجرت من بلاد الاسلام الاخرى. واعتقد ان الجاليه الاميركيه الاسلاميه السوداء او الافرو اميركيه هى من اهم الجاليات الاسلاميه فى اميركا، لانها جاليه متجانسه. السود فقط سود، ولكن الباقون عرب وافغانيون وباكستانيون وهنود وايرانيون، اى متعدد اللغات والجنسيات. الاسلام ينمو بسرعه رهيبه بين هؤلاء السود المسلمين، ولكنى اعتقد ان عادات هؤلاء المسلمين السود وتقاليدهم لم تؤثر كثيرا على عادات المسلمين الاخرين وتقاليدهم فى اميركا.

الاديان فى المجتمع الاميركى

استعمرت البرتغال واسبانيا ما يمكن ان نسميه، الان، جنوب اميركا ووسطها، واستعمرت الدول الغربيه: بريطانيا وفرنسا والمانيا وهولندا اميركا الشماليه وكانت هجرتهم اليها.

واميركا كلها، سواء اكانت جنوبيه ام شماليه، اراض خصبه غنيه بالثروات.

ونحن على ثقه، الان، بان الكثير من المسلمين (المورس)، من بلاد الاندلس، هاجروا الى المكسيك، فى موجات استيطانيه لاحقه. ويرى مؤرخون ان بعض المسلمين كان بين بحاره كولومبس. وما يجعلنا نرجح هجره الكثير من المسلمين، فى تلك الموجات الاستيطانيه، معالم البناء الاسلامى التى ما زلنا نراها حتى الان فى المكسيك، علاوه على بعض الاسماء والدلائل التى لا يمكن ان تنكر ابدأ والتي تدل على انه كان هناك وجود اسلامى مهم فى المكسيك فى اواخر القرن الخامس عشر واوائل القرن السادس عشر الميلاديين.

ولكن اميركا اللاتينيه تختلف عن اميركا الشماليه بخصوصيه مهمه جدا، وهى ان الهجره الى اميركا اللاتينيه كانت فى معظم الحالات هجره كاثوليكيه، والكاثوليك لا يقبلون بالتعدديه الدينيه، فكانوا يكتلكون الناس عنوه، اى بالحديد والنار. هكذا فعلوا فى الاندلس ثم فى اميركا اللاتينيه، وهكذا فعلوا فى جنوب شرق آسيا،

فالفليبين مثلا كانت، مثل ماليزيا واندونيسيا، بلادا اسلاميه، لكن عندما استعمرها الاسبان فرضوا الكتلكه بالحديد والنار، والان الاسلام فى الفليبين يقتصر على منطقه «مندناو» فى اقصى الجنوب، وحتى الان لا يزال المسلمون يقتلون ويضطهدون من قبل السلطات الفليبينه الكاثوليكيه، وان كان لا بدمن القول: ان الامور قد تغيرت بعد مجمع الفاتيكان الثانى، فانه حتى وقت قريب جدا ما زلنا نرى ان البلاد الكاثوليكيه اقل مراعاة للحرية الدينيه من البلاد البروتستانتيه.

الكثيرون من الذين هاجروا الى الولايات المتحده الاميركيه وكندا فعلوا ذلك بحثا عن الحرية الدينيه، وهذا مهم جدا خصوصا فى الولايات المتحده.

وهناك سبب آخر للهجره يمكن ايضا حة كما ياتى: كانت اوروبا تواجه، آنذاك مشكله سكانيه، اذ انها لم تعد تستوعب سكانها، فكان كثير منهم يهاجرون الى اميركا بحثا عن فرص للعمل وتحصيل الثروه. وهذا ما فعله كثير من ابناء القارتين الاخريين: آسيا وافريقيا.

هناك، اذا، سببان للهجره: السبب الدينى والسبب الاجتماعى. قلنا، فى ما يتعلق بالسبب الدينى: ان كثيرا من الاوروبيين هاجروا الى اميركا بحثا عن الحرية الدينيه، وقد كفل الدستور الاميركى القائم على حريه العقيد هذ ه الحرية، لكن تطور المجتمع ادى، فى ما ادى اليه، الى ان يقوم صراع ليس بين الدين والعلمنه، وانما بين الدين والاحاد.

والاحاد، فى اميركا، اخذ اشكالا كثيره، فى اول الامر كان الاميركيون يعارضون الاحاد الاوروبى الذى نشا فى عصر الاستناره، وكانوا يعارضون، ايضا، الفكره القائله بالاله الصانع فقط وليس بالاله الصانع الحكيم الرحيم، ويعدون هذا الاعتقاد احادا، ثم لما جاءت الماركسيه اضحى الاحاد ماركسيا.

وقد ادت هذه الحرية الدينيه، فى نهايه الامر، الى قيام طوائف ومؤسسات دينيه مهمه ينتمى اليها الافراد ويكون لها طابع اميركى خاص، وهذا ما جعل الاقليات، فى غير بلد من بلدان العالم، والتي هاجر قسم من ابنائها الى اميركا، تحصل على شىء من القوه والنفوذ، فالمؤسس البهائيه، مثلا، مقرها الاول والاهم فى حيفا فى فلسطين المحتله، والثانى الذى يليه فى الاهميه فى امريكا. فخارج مدينه شيكاغو، فى ويلمت، هناك معبد بهائى مهم. والبهائيون نشيطون جدا فى امريكا. اما اليهود

فاكثر قوه ونفوذا، فقد تمكنوا، بعد ان طردوا من اسبانيا، وفي زمن غير طويل، من السيطرة على مراكز القوه والتاثير فى اوروبا واميركا.

اول الامر قال لوثر: ان اليهود اقباء الرب، اى اقباء المسيح، ويجب ان نحترمهم، ولكن اليهود لم يتجاوبوا مع دعوته المسيحيه فنقم عليهم، وبدا يقول: انهم قتله الرب، وهم الذين صلبوا المسيح. بدا وضع اليهود يتحسن، فى اوروبا، بعد الثوره الفرنسيه. فى نهايه القرن التاسع عشر، اثرت قضيه تسمى «قضيه دلايفوس»، وهو ضابط يهودى فرنىسى اتهم بالخيانه، ثم تبين ان هذا الاتهام كان باطلا. وعلى اساس هذه القضيه دعا الصحفى المجرى تيودور هرتزل (OHerzel ١٨٦٠ ١٩٠٤) مؤسس الحركه الصهيونيه الى قيام دوله يهوديه على اساس ان اليهود ليس لهم مستقبل فى اى دوله فى العالم الا- فى دولتهم الخاصه بهم. وقد تبنى الاستعمار الغربى (اوروبا ثم اميركا) هذه الدعوه، وعمل على تحقيق اهدافها، فقام الكيان الصهيونى على ارض فلسطين. فالحركه الصهيونيه حركه سياسيه تؤدى دورا فى خدمه المشروع الاستعمارى الغربى. وفى اميركا حركات يهوديه اخرى نتحدث عنها فى ما ياتى:

جاء اليهود، اولاً، الى ولايه ميريلاند، ثم الى نيويورك، ثم الى الولايات الاخرى. واستقر بهم المقام بعد شىء من المعاناه، لان الكثير من الاوروبيين الذين هاجروا الى اميركا لم يكونوا يتقبلون اليهود بسهولة. ثم تغيرت الامور، وادى ذلك الى ان تنشأ فى اميركا حركات نسميها «الحركات البروتستانتية الالفيه». وهذه تقوم على عقيدته مفادها انه قبل نهايه العالم سيرجع المسيح، ويملك فى الارض مده الف سنه مع المسيحيين المؤمنين. وبعد ذلك تنتهى الدنيا وتأتى الدينونه الكبرى.

ولكن المسيح، كما ترى هذه العقيدته، لا يرجع الى الارض قبل ان يرجع جميع اليهود الى فلسطين. وقد اخذ اتباع هذه العقيدته بعض نبوءات العهد القديم وطبقوها على العصر الحاضر. فهناك، مثلاً، نبوءه فى احد الاسفار تقول: ان الله سيعيد اليهود الى ارض الميعاد، اى الى فلسطين، على اجنحه النسور. وهذا تعبير مجازى يعنى ان العوده ستتم بسرعه وقوه، ولكن هم يقولون: ان النسور تعنى اليوم الطائرات. تشجع هذه الحركات الكيان الصهيونى وتدعمه سياسياً ومالياً، وذلك ليس حبا به، ولكن حتى يساعد على مجىء المسيح الثانى ورجوع اليهود الى

فلسطين. فى هذه الحركات، الان، اتجاه عقلانى ومعتدل، ويدافع عن حقوق الفلسطينيين، وفيها اتجاه يمكن ان نسميه الاتجاه المتطرف، وهو ياخذ التوراه بحرفيتها، فاذا ما جاء فى التوراه، مثلا، ان الله يعيد اليهود الى فلسطين، فاتباع هذا الاتجاه يرون ان ذلك لا بد من ان يحدث، وهذا الجناح المتطرف موجود فى جميع هذه الطوائف البروتستانتية تقريبا، فى المعمدانية وفى ما نسميه كنيسة الله. وهناك طوائف شبه يهودية بروتستانتية، مثل السبتيين المعمدانين، وهؤلاء لا يعمدون الاطفال وانما يعمدون الذكور والاناث عندما يبلغون الحلم حتى يعرفوا معنى المعمودية. الكنيسة المعترف بها، فى معظم الدول الغربية، هى هذه الكنيسة المسيحية الانجيليه، والكنائس لا بد من ان تسجل نفسها تحت اسم هذه الكنيسة. و«الكنائس الانجيليه» تسميه عامه للكنائس البروتستانتية.

وتوجد فى اميركا طوائف قويه جدا يمكن ان نسميها «الطوائف الالفيه» او «الاستنولوجيه»، وهى تقوم على نوع من «المهديه المسيحيه» التى تقول: لا بد من ان يتغير العالم على يد المسيح العائد. هذه الكنائس، فى مجملها، شجعت على قيام «اسرائيل» وتشجع على بقائها، ومن ثم على اعاده بناء الهيكل اليهودى فى فلسطين. والهيكل اذا قام، كما يقول اتباع هذه الطائفة، لا بد من ان يقوم فوق قبه الصخره فى المسجد الاقصى، لان هذا هو موضع الهيكل فعلا، وهم يسمون هذا المكان «جبل الهيكل». لماذا؟ لانهم يعتقدون ان المسيح لن يعود الا اذا عاد اليهود جميعهم الى ارض الميعاد، ويستشهدون على ذلك بالنصوص التوراتيه التى ياخذونها بحرفيتها ويطبقونها، ليس على التاريخ اليهودى قبل المسيح كما كان يتكلم حزقيل واشايا وغيرهما من انبياء العهد القديم الذين تكلموا عن رجوع اليهود، من السبي، من بابل وفارس، وانما على آخر الزمان. هؤلاء لهم «لوبي» فى اميركا يدعم الكيان الصهيونى وسياساته المتطرفه، وهم اقرب «الان» الى اليمين الصهيونى المتطرف، لانهم يعتقدون ان هذا التيار سياتى باليهود الى فلسطين، ويهيبى الارض ويسرع عوده المسيح.

وقد انتشرت هذه الفكره بين المثقفين الذين لا يؤمنون بحرفيه التوراه، وظهر ما يمكن ان نسميه «لاهوت ملكوت الله».

ويوجد بعض المفكرين المهمين من الاساتذه والكهنه وسواهم، وهم اكثر

صهيونيه من الصهاينه انفسهم، فهم يعتقدون ان ملكوت الله لا- تتحقق في العالم كما ارادها الله في الانجيل. الا اذا قامت دوله اسرائيل وقام لليهود كيان في العالم.

وهكذا نرى ان المجتمع الاميركي، اجمالا، مجتمع ديني، والاميركيون يفضلون التعامل مع المجتمعات الدينيه. ولكن توجد الان في اميركا وخارجها مشكله تتمثل في ما يسمونه «الارهاب». وهذا «الارهاب» ياخذ شكلا ايدولوجيا في الحركات «النيونازيه» في اميركا وهي كثيره، وربما ياخذ شكلا دينيا متطرفا يقوم على فكره مفادها ان الدين المسيحي هو الدين الوحيد الذي يجب ان يسود في اميركا، واتباع هذا الاتجاه هم الذين فجروا مقرالحكومه في «او كلاهوما»، وذلك لانهم يعتقدون ان هذه الحكومه هي المسيطره على المجتمع الاميركي في حين ينبغي، ان يكون هذا المجتمع فرديا الى اقصى حد، ويعمل كل فرد فيه ما يحلو له.

الدين، بمعناه الجوهرى، يعنى الايمان بالله الخالق. هذه فطره جوهرية في الانسان، وهي فطره الله التي فطر الناس عليها، ولكن الدين المؤسسه والتشريع يختلف. وانا اعتقد ان المجتمعات الشرقيه، بمجملها، لا تقوم على حريه الفرد وانما على مؤسسها الامه، وانا بوصفى مسلما، اعتقد على المستوى الشخصى، ان حريتي الشخصيه تنتهى عند مصلحه الامه.

فحريتي الفرديه تتمثل في ما اعتقده بينى وبين نفسى وبينى وبين الله، وهذا مهم. وانا يحق لى ان افعل ما اريد، ان آكل واشرب وغير ذلك، ولكن انا لست حرا في ان اكتب كتابا مثل كتاب سلمان رشدى، لان هذا في نهايه الامر يضر بالامه اجمالا. في الجانب المقابل، اذا كان لكل واحد الحق في ان يقول ويفعل ما يريد لا بد من ان تحدث الفوضى، لا بد، اذا، من ان يكون هناك امر بين الامرين كما قال الامام على بن ابي طالب (ع). ومن ناحيه اخرى، يمكن ان تقوم دوله وتصادر الحريات جميعها، وتسيطر على كل شىء.

دخول الاسلام الى امريكا الشماليه

كيف ومتى دخل الاسلام الى اميركا؟ ولا نعى باميركا الولايات المتحده وكندا فقط بل القاره الامريكيه بشكل عام.

اختلف العلماء في الاجابه عن هذين السؤالين. فبعض الابحاث الاثريه والتاريخيه تشير وان لم يثبت ذلك نهائيا الى ان الاسلام دخل الى اميركا قبل

وصول كريستوفر كولومبس الى هذه البلاد بقرون عديده، وربما كان الذين سافروا الى اميركا من التجار الافارقة، وربما من العرب، وهذا ما زال موضع تكهن.

وهناك من يقول: ان الاسلام دخل الى العالم الجديد، او الى القاره الاميركيه الكبرى، مع كولومبس عام ١٤٩٢م، ففي باخرته التي ابحرت من اسبانيا، ايام فرديناند وايزابيلا، ملكا اسبانيا، كان بعض المسلمين الذين كانوا يؤدون شعائرهم الدينيه. ربما كان هذا القول صحيحا، لانه في السنه التي ابحر فيها كولومبس الى اميركا، معتقدا انه يكتشف طريقا جديدا الى الهند، وحد فرديناند وايزابيلا اسبانيا،

وبدات محاكم التفتيش تعذب المسلمين وتحرقهم لتجبرهم على التنصر. ومن المحتمل ان بعض هؤلاء المسلمين حاولوا التخلص من هذا الاضطهاد بالسفر الى العالم الجديد.

ولكن، في ما يتعلق بالولايات المتحده الاميركيه بالذات، فقد بدأت هجره المسلمين اليها في القرنين السادس عشر والسابع عشر، وهذه الهجره لم تكن هجره اناس ارادوا ان يهاجروا ابارادتهم الى مكان آخر، ولكن كانت هجره افارقة ارغموا على الهجره، وغدوا في ما بعد عبيدا. وكان قسم كبير من هؤلاء مسلمين. ذلك ان الاسلام كان متصلا في غرب افريقيا.

حمل الكثير من هؤلاء الافارقة الذين اسروا في اميركا. كانت الحياه في تلك المراكب قاسيه جدا، وكان المهجرون يعاملون معامله الحيوانات. وقد حملوا الى اميركا ليعملوا في مزارع القطن والتبغ. وتفيد المعلومات ان نسبة المسلمين بين هؤلاء كانت بين ٢٠ و ٣٠٪.

وقد اكتشفت، الان، السير الذاتيه لبعض هؤلاء المسلمين، الذين كان بينهم ائمه يقرؤون القرآن. وقد حاول بعضهم التخلص من نير الرق في اميركا، ومنهم من افلح في ذلك، وذهب الى بعض الجزر، مثل هاييتي وغيرها من جزر البحر الكاريبي، حيث لم يكن الافارقة مستعبدين مثلما كانوا في اميركا. لم يكثر اسياذ هؤلاء المساكين العبيد: المسلمين وغير المسلمين، بالامور الانسانيه، فلم يعنوا بان تبقى اسر هؤلاء الناس في مكان واحد، فكثيرا ما كانت تباع زوجه العبد في مدينه، ويباع هو في مدينه اخرى، ويباع اولاده في مدينه ثالته. وهؤلاء المباعون كانوا يعاملون معامله الحيوانات. ومع مرور الزمن، لم يعد للاسلام اثر يذكر عندهم. وقد

اعتنق بعضهم المسيحيه، واتخذوا اسماء اسيادهم، مثل جونسون واندرسون، واصبحوا فى نهايه الامر مسيحيين.

والحق يقال: ان التراث الاميركى المسيحى الروحى الغنى هو من صنع هؤلاء العبيد الذين كانت عواطفهم الدينيه تعبر عن م آسى استعبادهم واضطهادهم، لان اسيادهم البيض الاميركان كانوا يعاملونهم معامله اقل من معامله الحيوانات.

ثم قامت، فى اميركا، الحرب الاهليه، فى سنه ١٨٦٠م، وكان من اهدافها تحرير الرق. وانقسمت اميركا، آنذاك، الى قسمين: الولايات الجنوبيه الكونفدراليه والولايات الشماليه الشرقيه، وكانت هذه الولايات الملاذ والملجأ للعبيد الذين استطاعوا الهرب من الولايات الجنوبيه. ولما انتصر «ابراهيم لينكلن» اعاد توحيد الولايات جميعها، وحرر العبيد رسميا، ولم يعد هناك، بصفه رسميه، رق فى اميركا، ولكن لا بد من ان نقول: ان عقليه الرق ونفسيه الرقيق بقيتا فى هؤلاء الناس، ولا تزالان، حتى الان، تشكلان المراره والاسى فى نفوس هؤلاء الناس الذين لا يزالون من المحرومين والمستضعفين.

اخذ الاسلام موقعا خاصا لدى العبيد المحررين، لانهم وجدوا فيه المساواه بين الناس بغض النظر عن اللون والعرق... فهؤلاء ظلوا، حتى بعد تحررهم، يعانون من العنصريه ومشكلاتها. عرف هؤلاء، فى بدايه الامر، بال «نيغروز ژررخ حت اى الاسود، صاحب البشره السوداء والملامح الافريقيه المعينه. وقد رفض المحررون هذه الكلمه فى التعريف عن انفسهم، لانها صارت تستعمل للتعبير عن الازدراء والاهانه، فاذا اشار الانسان الابيض الى الانسان الاسود بقوله: «نيغرو Negro» فهذا يعنى اهانه له، واختاروا اسم السود (Blacks). واخيرا صاروا يعرفون، مسلمين وغير مسلمين، ب «American People African: الشعب الافريقى الاميركى».

فى منتصف القرن التاسع عشر، وخصوصا بعد الحرب الاهليه الاميركيه التى دامت سنين عديده وقضت على حياه الكثيرين من الاميركان البيض، عرفت البلاد حاجه الى الايدى العامله، ففتحت ابواب الهجره امام الشعوب الاوروبيه وشعوب الشرق الاوسط، فهاجر الى اميركا وكندا الفرنسيون والبريطانيون والالمان والايطاليون والاسبان وغيرهم من شعوب اوروبا التى انهكتها الحروب. وهاجر، ايضا، بعض المسلمين مما يعرف اليوم بسوريا ولبنان، ومن تركيا والباينا، ومن شبه القاره

الهندي، او ما يعرف الان بالهند وباكستان.

وهكذا نرى، ان الامه المسلمه فى اميركا متعدده الجنسيات واللغات والاعراق، وهذا شىء مهم جدا، وهؤلاء المهاجرون الاوائل، الذين هاجروا الى المناطق الزراعيه والصناعيه اتوا الى اميركا بغيه الحصول على المال، وكان املهم ان يعودوا الى بلادهم ويتزوجوا ويقيموا فيها، وبعضهم لم ينجح، فعاد الى بلاده بشىء من الاحباط، وبعضهم الاخر نجح وبقي فى اميركا وكندا وارسل كثير منهم فى طلب عائلاتهم واقربائهم... ولكن السواد الاعظم، من هؤلاء المهاجرين، غيروا اسماءهم، فى نهايه الامر، فصار محمد ياخذ اسم مايكل وعلى ياخذ اسم جايمس وحسين اسم هنرى وهكذا... وتزوجوا مع السكان الاخرين فى اميركا وكندا، وذابوا ونسوا اللغه والدين، وصاروا اميركيين.

وهكذا نرى ان هؤلاء الذين هاجروا، فى منتصف القرن التاسع عشر، لم يشككوا، بالفعل، جاليه اسلاميه فى اميركا وكندا او فى اميركا الشماليه. ولكن الهجره هذه لم تتوقف، ففى السنين التى سبقت الحرب العالميه الاولى، وفى سنوات الحرب من ١٩١٤ الى ١٩١٨ عرفت البلاد العربيه ضائقه ماليه كبيره ومجاعات، فاضطر الكثير من المسلمين وغير المسلمين، من العرب، من لبنان وسوريا وفلسطين، الى الهجره الى اميركا.

هاجر هؤلاء الى اميركا، وهم اكثر وعيا بامور دينهم وحضارتهم، فبدأوا يبنون المساجد فى اماكن هجرتهم. وربما كان اول مسجد بنى فى اميركا هو ذلك المسجد الذى بنى فى اميركا هو ذلك المسجد الذى بنى فى ولايه «أبوا» الزراعيه فى وسط الولايات المتحده، وعلى وجه التحديد فى مدينه «سيدر رابيدز CIDERS RAPIDS». وهذا المسجد بنى فى العشرينات على يد المسلمين الذين هاجروا من منطقه البقاع اللبنانيه. ثم بنى اقرباء هؤلاء مسجدا آخر فى الوقت نفسه تقريبا فى مدينه «ادمتن EDMTON» فى كندا.

ولا بد من الاشاره، هنا، الى ان ظهور الاسلام بين الزوج، او السود، فى اميركا، فى نهايه القرن الماضى، ساعد على نشر الوعى الاسلامى بين المهاجرين، وذلك على الرغم من انه لم تكن هناك بالفعل جاليه اسلاميه لاه عرقه، فالمهاجرون العرب والاسيويون لم يكونوا يتعاملون كثيرا مع السود.

ص: ١١٩

واول اوروبى اعتنق الاسلام، فى اميركا، فى نهايه القرن التاسع عشر، هو «راسل ويب»، وهو صحفى وديپلوماسى وتاجر مجوهرات، وقد سمي نفسه «محمد راسل ويب». وقد تعرف الى الاسلام فى اثناء وجوده فى الهند بين المسلمين، وكان هؤلاء يساعدونه فى الكثير من نشاطاته الكثيره فى اميركا. اسس «محمد راسل ويب» حلقات دراسيه اسلاميه فى مدن كثيره، مثل شيكاغو ونيويورك وغيرها، فى اوائل القرن العشرين. ثم اسس مجله كانت تعرف ب «مسلم وورد» سنه ١٩٠٨م، وتوفى بعد الحرب العالميه الاولى بقليل، ولم تستمرالمجله ولا الحلقات الدراسيه التى اسسها.

استمرت الهجره من العالم الاسلامى الى اميركا وكندا بين الحربين العالميتين الاولى والثانيه، واخذ عدد المساجد يزداد. وبعد الحرب العالميه الثانيه، وخصوصا فى اواخر الاربعينات والخمسينات والستينات، ارتفع عدد المهاجرين المسلمين الى اميركا ارتفاعا ملحوظا، وتغيرت صورته الهجره الاسلاميه الى اميركا.

فى بادى الامر، كان معظم الذين هاجروا الى اميركا غير مثقفين وقد تنصر بعضهم، وتخلى بعض آخر عن دينه وهويته الحضاريه تماما ان لم يتنصر، وبعض حافظ على حضارته ودينه ما امكن، فكان يعتمد لاسمه اسمين: محمد جيمس مثلا. وكثيرا ما كان هؤلاء ولايزالون، يحرفون اسماءهم الاسلاميه حتى تتناسب واللهجات الانغلو اميركيه. وكانوا يفعلون ذلك خوفا من سخرية الاخرين من اسمائهم المسلمه، ولا سيما انهم كانوا يجهلون الكثير عن حضارتهم ودينهم فما كان بإمكانهم ان يدافعوا عن انفسهم وعن دينهم.

ولكن، بعد الحرب العالميه الثانيه، كان الكثير ممن هاجر الى اميركا من الطلاب الذين جاؤوا للدراسه، اى حضروا الى الجامعات للدراسه، ثم بقوا فى اميركا ولم يعودوا الى بلادهم. وهذا ساعد فى تنظيم الجاليه الاسلاميه فى اميركا، حيث اصبح الناس مثقفين، واصبح لديهم علم وشعور اعمق بالدين الاسلامى وبالمحافظه عليه.

وممن هاجر الى اميركا، بعد الحرب العالميه الثانيه، المضطهدون فى بلادهم سياسيا او دينيا. ونذكر، على سبيل المثال، بعض اعضاء جمعيه «الاخوان المسلمون»، وهؤلاء لهم مواقف ايديولوجيا معينه وجهت نشاطاتهم فى اميركا، ما ادى، فى نهايه الامر، الى نوع من الفوضى، او البلبله، فى حياه الجاليه المسلمه

اما هجره المسلمين الشيعة الى اميركا، فتحتاج الى شىء من التفصيل. كان الشيعة فى منطقه سوريا ولبنان والعراق مضطهدين ايام الدوله العثمانيه. وفى تلك الحقبه، لم تكن الدوله الايرانيه، وهى الدوله الاسلاميه الشيعيه الكبرى فى العالم، قويه جدا، اذ انها كانت تعانى من الاستعمار، فلم تستطع القيام بمساعدته الشيعة فى سوريا ولبنان والعراق، الذين كانوا يعانون من اضطهاد الحكم العثماني المتشدد، ثم من ظلم الاستعمار: البريطانى والفرنسى واستغلاله.

هاجر الكثير من شيعة لبنان، بعد الحرب العالميه الاولى، الى اميركا، وبخاصه الى مدينه ديترويت وضواحيها. ف آنذاك كان هنرى فورد قد اكتشف السياره والمحرك الذى يعمل بالحراره النفطيه، وبدا يبنى مصانع للسيارات فى هذه المنطقه، اذ انه كان من ولايه ميتشغن. كان هنرى فورد لا يحب اليهود، وكانت اميركا تشهد آنذاك هجره يهوديه كبيره، وخصوصا من دول اوروبا الشرقيه، ولم يكن معظم هؤلاء المهاجرين اليهود مثقفين، فبداوا يبحثون عن عمل، ولم يرد فورد ان يستاجرهم ليعملوا فى مصانع السيارات، وفضل استخدام مهاجرين آخرين، منهم المسلمون الشيعة القادمون فى معظمهم من جنوب لبنان وبخاصه من بلدتى بنت جبيل وتبنين وغيرهما من البلدان والقرى الشيعيه.

بدا هؤلاء المهاجرون، ومنذ قدومهم، يقيمون اسس مجتمعهم فى ضواحي مدينه «ديترويت»، وخصوصا فى مدينه «ديربور»، فبنوا المساجد، وربما بنى اول مسجد هناك فى الثلاثينات، وهو مسجد «ديربور». ثم هاجر الى هناك الشيخ محمد جواد شرى وبنى المركز الاسلامى، وكان نشيطا جدا على مسارين: اولهما مسار العلاقات التقريبية بين المسلمين، فكان يسافر الى مصر وغيرها، وثانيهما: مسار العلاقات مع المسيحيين فى منطقه ديترويت وفى اميركا كلها. والحق يقال: ان الشيخ شرى، رحمه الله، اعطى الجاليه الاسلاميه الشيعيه مكانه مهمه، لانه كان انسانا عالما وطموحا ونشطا، وكثير السفر والمحاضرات.

اخذت هذه الجاليه تكبر، واخذت مناطق انتشارها تتسع وتزداد من طريق الهجره. ثم التحق بها، فى ديترويت ايضا، جاليتان مهمتان، فبعد قيام الثوره الاسلاميه فى ايران حدثت هجره ايرانيه الى اميركا، وبخاصه الى كاليفورنيا. وهناك،

الان، جاليه مهمه فى «ديترويت»، والشيخ محمد على الهى هو امام مسجد ايرانى، وهو نشيط، فقد بنى مسجدا ومركزا اسلاميا اسماه «بيت الحكمة» وهو يعمل بجهد. وهناك جاليه اخرى جاءت ايام الحرب العراقيه الايرانيه وبعدها، اى بعد حرب الخليج، عندما بدا صدام حسين بالتضييق على الناس، فهرب قسم من المسلمين الشيعه الى السعوديه، ثم هاجروا الى اميركا وكندا واوروبا، وهؤلاء ايضا نشيطون جدا فى صفوف الجاليه الاسلاميه. ويمكن القول: ان الجاليه اللبنانيه هى التى تقدم الاموال، فاللبنانيون نجحوا فى مجال التجاره والاقتصاد، والعراقيون هم الذين يهتمون بالامور الدينيه ومجالس العزاء والمحاضرات. اما اشتراك الجاليه الايرانيه فى منطقه ديترويت فلا يزال ضئيلا، فعددها بضعه آلاف فقط، واكثرهم يقيم فى جنوب كاليفورنيا، فى منطقه فى لوس انجلوس يسمونها «طهران الصغيره».

واعتقد ان الجاليه الا-يرانيه، فى اميركا، لم تستطع، حتى الان، ان تكون لنفسها اطارا حضاريا دينيا معينا. يوجد للايرانيين مركز اسلامى ايرانى يقع قرب مدينه «سان فرانسيسكو». وهذا المركز من اكثر المراكز تنظيميا ونشاطا، لكنه لا-يكفى نظرا لعدد الايرانيين فى اميركا. وانى لعلى يقين بان للاسلام امكانات للانتشار فى اميركا اكثر من اى بلد غربى، وبعض المثقفين المسلمين، فى اميركا، يعملون لابقاء الهويه الاسلاميه فى اميركا وتطويرها. ونسال الله التوفيق سبحانه وتعالى، وهو القائل واعز القائلين: (وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ).

انتشار الاسلام فى اميركا الشماليه قلنا، فى ما سبق: ان اول من هاجر، من العالم الاسلامى، الى اميركا، كانوا من مناطق الشرق الاوسط التى كانت تخضع للحكم العثمانى، وبعضهم كان من اوروبا، وخصوصا من مناطق البلقان التى كانت تخضع للحكم العثمانى ايضا. وقلنا:

ان الكثير من هؤلاء الناس ذهبوا الى اميركا وكندا اما فرارا من الخدمه العسكريه او من الظروف القاسيه فى بلادهم قبل الحرب العالميه الاولى وابانها، او انهم ذهبوا بدعوه من اقاربهم. وكان جل هؤلاء الناس يعتقدون انهم سوف يبقون فى اميركا لمدته بسيطه يحصلون فيها على بعض المال ثم يعودون الى بلادهم، وبعضهم عاد بالفعل بعد عدده سنوات وان لم يحقق نجاحا كبيرا، ولكن السواد الاعظم منهم بقى واندمج فى المجتمع الاميركى، ولم يحتفظ من هويته الاسلاميه الا ببعض

الذكريات الغامضة التي كانت تخطر في البال، كان يذكر ان هذا الانسان جاء من قريه كذا وكانت اسرته تسمى كذا...

بقيت الحال هكذا حتى انتهاء الحرب العالميه الثانيه، ففي هذا الوقت بدا وجه الجاليات الاسلاميه يتغير:

اولا: بدا عدد المهاجرين يزداد، وتضاعف اضعافا عن طريق هجره الطلبة القادمين لمتابعه دراستهم فى جامعات امريكا وكندا. وكثير من هؤلاء لاسباب اقتصاديه او سياسيه واجتماعيه... بقوا فى بلاد الهجره.

ثانيا: قامت مؤسسات تهدف الى الدعوه او التبليغ. بعض هذه المؤسسات كان امتدادالمؤسسات اسلاميه فى مصر كجمعيه الاخوان المسلمين التى اسسها المرحوم حسن البنا فى اواخر العشرينات. فقد انتشرت هذه الجمعيه فى اوربا واميركا، وادت دورا مهما فى الاربعينات والخمسينات فى اميركا، ولا تزال موجوده بطريقه او باخرى حتى اليوم. وفى الهند جمعيه للتبليغ تسمى «جمعيه التبليغ الاسلامى»، واعضاؤها من المثقفين والاطباء والمهندسين، الذين يسافرون الى اميركا ليعملوا فى مجال الدعوه للاسلام ويقوم رجال الدعوه بنشاطات عديده:

اولها الدعوه بين المسلمين انفسهم، ويعنى هذا ان جماعه التبليغ كانوا ينشطون فى المساجد وهدفهم كان ارجاع المسلمين الى الله والى عيش حياه اسلاميه، شبه سلفيه فى بعض الاحيان. وحسب اعتقادى فان هؤلاء الاخوه، ومعظمهم من الهند وباكستان، كانوا مخلصين فى ايمانهم ودعوتهم الى الله والاسلام، غير انهم لم يكونوا ممتلكين ثقافه اسلاميه اجتماعيه عامه، فمجال عملهم كان ضئيلا، وكثير من الاشخاص الذين ذهبوا الى اميركا وكندا امال الزياره او للعمل التبليغى كانوا مثقفين ويقومون باعمال جليله، ومنهم من بقى فى اميركا اوانه رجع الى اوربا.

وثانيها الدعوه الى الاسلام فى الجامعات والكليات والامكنه التى يدور فيها الحوار اجمالا، فالعديد من المفكرين المسلمين اهتموا بتأليف الكتب ونشرها واقامه الحوار بين المؤمنين بالديانات السماويه، او بما يمكن ان نسميه الحوار بين الاسلام واليهوديه والمسيحيه، ومن انشط هؤلاء كان استاذ فلسطينى مسلم توفى شهيدا هو اسماعيل راجى الفاروقى، قتل سنه ١٩٨٦ م. قتله احد المعتوهين

المسلمين من اصل افريقي (الامير كى الافريقي). والفاروقى عمل منذ الستينات وحتى الثمانينات، فكانت له نشاطات اسلاميه عديده فى مجال المعرفه، فقد اسس مؤسسه مهمه جدا لدراسات الفكر الاسلامى سماها INTERNATIONAL INSTITUTE OF ISLAMI THOUGHT IIIT. ومع ان اعمال هذه المؤسسه قد تقلصت الى حد كبير فانها لا تزال تعمل، ولا سيما فى المجالات الثقافيه، وبخاصه فى مجال الحوار الاسلامى المسيحى. و «اسلمه المعرفه» لا تزال من اهداف هذه المؤسسه، ويعنى ذلك تطوير المسلمين ليصبحوا قادرين على انتاج المعرفه بواقعهم وتاريخهم فى مختلف المجالات.

وفى اواخر الخمسينات، اقيمت مؤسسه مهمه اخرى هى مؤسسه الطلاب المسلمين (MUSLEM STUDENT ASSOCIATION)، وقد اصبح لها فروع فى اميركا وكندا ولدى الجاليات الاسلاميه بمختلف اعراقها ولغاتها. فمثلا، كان لهذه المؤسسه فرع للطلاب الايرانيين، وكانوا يسمونه (MSAPG) اى جمعيه الطلاب المسلمين للناطقين باللغه الفارسيه (THE PERSIN SPEAKING GROUP). وعندما كبرت هذه الجمعيه لم تعد تقتصر على الطلاب، ودخل فيها العديد من الناس، وتغير نظام عملها وتاسست مكانها جمعيه على مستوى الدوله الاتحاديه فى اميركا. وللمؤسسه فرع فى كندا يعرف ب (ISMA) وهى الاحرف الاولى ل (ISLAMIC SI OF AMERICA). وهذه الجمعيه لها الان فى اميركا مقر للتدريس ونشر الكتب باللغتين الانكليزيه والعرييه وغيرهما من اللغات.

المشكله، فى معظم هذه الجمعيات الاسلاميه، انها تحتاج الى دعم خارجى، وهذا الدعم يكبر او يتقلص حسب الاوضاع السياسيه والاقتصاديه فى العالم الاسلامى.

فقد انشأت المملكه العرييه السعوديه مؤسسه مهمه، وان كانت، الان، لم تعد نشيطه مثلما كانت من قبل، وتسمى «مؤسسه رابطه العالم الاسلامى». وهى مؤسسه سعوديه مكان رئاستها فى مكه، وكان يشرف على نشاطها فى اميركا، لمدته طويله، عبدالله عمر ناصيف.

وهناك، ايضا، جمعيات اخرى تعمل خارج نطاق المؤسسات العلميه من جامعات وكليات، ففى كندا قامت جمعيه تدعى المؤسسه الاسلاميه فى كندا

(CMCC) وكان لها نشاطات كبيره على مستوى الحوار، وكان لها ايضا تاثير لدى الحكومه الكنديه، لكن للاسف بدات تضعف. وتبذل الان محاولات لاقتناع الاخوه والاخوات المسلمين فى كندا كى يعيدوا احياء هذه المؤسسه المهمه لانها كانت تمثل حلقة الوصل بين الدوله والمسلمين.

والدعوه، الان، تاخذ اشكالا كثيره:

الدعوه، فى اساسها، هى الدعوه الى الله تعالى، وليست الدعوه الى دين معين، ولكنها وبمجرد ان يلبى اى انسان هذه الدعوه يصبح معتقنا للاسلام بمعناه الجوهرى العام. امر طبيعى ان يستسلم لاراده الله واوامره كل من يقبل الدعوه ويتوجه الى الله سبحانه وتعالى، هذا مجال مهم للدعوه بمعناها العام.

وهناك مجال آخر جميعنا نقوم به، وهو نشر المعلومات الاسلاميه اما عن طريق التدريس او الكتابه وغير ذلك. وهدف هذه الدعوه التعريف بالاسلام وتقديم المعلومات الصحيحه عنه، ما يفضى الى تاليف القلوب، فالمعروف ان الصحافه الغربيه، والاميركيه بشكل خاص، كانت، ولا تزال، تقدم صورته مشوهه عن الاسلام بتصويره دين عنف وارهاب، ونحن نريد ان نظهر للعالم اجمع ان الاسلام دين محبه وسلام وتعاون واهتمام بحاجات الاخرين، وان المسلمين يعبدون الاله الواحد وان لا اله الا هو. وهذا يؤدى الى خلق جو غير معاد للاسلام وغير متوترين المسلمين وغير المسلمين فى اميركا.

ويبدو لى ان هذه الدعوه فى الوقت الحاضر، هى التى يشير اليها القرآن الكريم بوصفها الدعوه لتاليف القلوب (المؤلفه قلوبهم). هؤلاء المؤلفه قلوبهم الامن هم الذين يبذلون الصداقه للمسلمين والاحترام للاسلام والذين يمكن ان تتعاونوا وياهم على زرع الالفه والمحبه فى قلوب المجتمع المتعدد فى اميركا وكندا.

وهناك مجال آخر للدعوه يؤدى الى نشر الاسلام فعلا، وهو الزواج، فالكثير من المسلمين، خصوصا الرجال المسلمين، يتزوجون من فتيات غير مسلمات، وفى اغلب الاحيان تسلم الزوجه، ويصبح الاولاد مسلمين، وهذا يساعد على رفع مستوى الثقافه الاسلاميه، لان الكثيرات من هؤلاء الاخوات مثقفات، وعندما يسلمن تكون لهن نشاطات مهمه فى مجال الدعوه الى الاسلام.

الان، هناك، ايضا، كما هو الحال فى جميع العصور الاسلاميه، العمل

الشخصى. فكثيرا مايكون للانسان اصدقاء يتعرف اليهم ويدعوهم الى المسجد والى قراءه بعض الكتب عن الاسلام، فيسلم بعضهم، ولكن هذا قليلا ما يحدث.

وهناك مجال آخر بدا ينشط، وان لم يكن قد وصل فى اميركا الى حد بعيد من النشاط، وهونشر الاسلام عن طريق التصوف. وفى اميركا وكندا، الان، طرق صوفيه عديده، وهى، فى مجملها، امتداد لبعض الطرق والزوايا الصوفيه فى العالم الاسلامى. مثلا، هناك بعض الطرق الايرانيه النشيطة جدا، مثل «النور بخشيه» و «نعمت اللّهي»، وهاتان الطريقتان من انشط الطرق الصوفيه فى اميركا. وهناك، ايضا، الطرق القادريه والجراحيه والخلوتيه. هذه الطرق جميعها موجوده فى اميركا ونشيطة. واعطى مثلا على ذلك، فى مدينه فلادلفيا حيث اعمل فى جامعه (TEMPLE) تعرف بعض المسيحيين واليهود الى شيخ صوفى من سيريلانكا، وعاشوا معه فى سيريلانكا، ثم احضروه الى اميركا عام ١٩٧٤ م، واقام فى اميركا، فى فلادلفيا، يدعو الناس ويرشدهم الى اللّهِ والى الاسلام، وقد نجح فى ذلك الى حد ما، فقبل وفاته، سنه ١٩٨٦ م، بسنتين بنى مسجدا، واصبح هذا المسجد مهما جدا فى فلادلفيا. وامامه رجل اميركى ابيض كان قد تعلم اللغه العربيه لقراءه القرآن واقامه الصلاه، وهو صوفى. هذا المسجد يرتاده البيض الذين كانوا فى الاصل اما مسيحيين او يهودا واسلموا على يد الشيخ، واصبحوا يقيمون صلوات الجمعه والاعیاد، وهم يتبعون الطريقه القادريه. ويبدو لى ان الاسلام انتشر فى الهند وفى اندونيسيا وفى جنوب شرق آسيا عن طريق التجار والمدرسين، وعبر الطرق الصوفيه.

واعتقد انه سيكون لهذه الطرق اهميه كبرى فى نشر الاسلام، اذا ما تم الانتباه الى بعض مخاطرها، فبعض المتصوفه يغالون، وان تكن الصوفيه كرامات، فهذه يمكن ان تكون كرامات، ويمكن ان تكون شعوذات. لهذا، فنحن نتكلم عن التصوف المعتدل الذى لا يقوم على الشعوذه وانما على روحانيه الدين الاسلامى، اللّهِ نور السماوات والارض.

وهناك، ايضا، مجال مهم، وهن ما يمكن ان نسميه مجال الدعوه فى السجون. نحن تحدثنا عن الزنوج الاميركيين، او «الاميركيين الافارقه»، وقلنا ان نسبة ٢٠ و ٣٠٪ من هؤلاء الناس الذين حملوا الى العالم الجديد عبيدا كانوا مسلمين،

والاسلام عاد فبعث من جديد بينهم، وستحدث عن هؤلاء فى فقره الاخيره عندما نتحدث عن طابع الجاليات الاسلاميه. وهم يعتنقون المذاهب السنيه، ولا يتجهون نحو التصوف، وبعضهم الان يتعرف الى التشيع، وقد زرت مسجدا للشيعة الافارقه الاميركان فى مدينه نيويورك، يقع على اطلنطك افنيو (ATLANTIK AVENUE). وهؤلاء فى الحقيقه يتمتعون بطيبه بالغه وادب جم، ولكن المسجد فقير بخلاف المساجد الاخرى التى تغذيها دول الخليج.

الاسلام، بالنسبه الى الزوج فى اميركا، هو عوده الى جذورهم الاصليه، وهم يعتقدون ان الاسلام هو الذى يعطى الانسان الاسود الاعتداد بالنفس او الثقه بها، ويعطيه، ايضا، صوره ايجابيه عن نفسه وشعبه افضل من تلك التى خلفتها قرون الرق والعبوديه فى اميركا، فهم مثلا- يقولون: ان المسيحيه هى دين العبوديه بالنسبه اليهم والاسلام هو دين الحريه، وهؤلاء الناس يغيرون اسماءهم وانماط حياتهم لتتلاءم وديانتهم.

وبما ان ثقافه هؤلاء ضعيفه جدا فهم عرضه دائما لارتكاب الجرائم التى تؤدى بالعديد منهم الى السجن. وهناك ينشط المسلمون لنشر الاسلام، فعندما يسجن المرء تنقلب حياته راسا على عقب، فينصرف الى عباده الله، فيصلى ويمتنع عن المحرمات والمخدرات وغير ذلك. الاسلام ينتشر اكثر ما ينتشر بين هؤلاء السود. الذين يعتنقون الاسلام، من غير الجاليه السوداء فى اميركا، هم قله قليله. وفى الاونه الاخيره، صار للمسلمين تاثير فى المجتمع الاميركى، فمثلا منذ حوالى خمس سنوات طلب البيت الابيض من «وارث الدين محمد»، نجل «الايجه محمد»، رئيس المسلمين السود فى شيكاغو واميركا حتى سنه ١٩٧٠م تقريبا، ان يفتتح جلسه مجلس الشيوخ الاميركى بالصلاه الاسلاميه. وقد حضرنا تلك الجلسه، لان ذلك يمثل حدثا مهما جدا. فى الولايات المتحده الاميركيه الان، حوالى ٨٦ ملايين مسلم، وفى كندا حوالى مليون مسلم، عدد السكان قليل نسبيا فى كندا اذ يبلغ حوالى ٢٦ مليوناً، بينما عدد سكان الولايات المتحده يفوق ال ٢٥٠ مليون نسمة، ولا يزال السواد الاعظم من هؤلاء المسلمين من المهاجرين. بعض الناس يقولون ان عدد المسلمين اكثر من ذلك فى الولايات المتحده فيرجحون انه يتراوح بين ١٤ و٦ مليوناً.

وهذه البدايه مهمه لان المسلمين حديثو العهد فى الولايات المتحده، فالمسلمون الاوائل الذين جاؤوا وانصهروا فى المجتمع ضاعوا وضاعت هويتهم، ولكن النشاطات الاسلاميه التى تجعل للاسلام مكانا فى المجتمع الاميركى جديده، فلا بد من ان نعطيها الوقت الكافى لتؤتى ثمارها.

ولا بد للاسلام من ان ينتشر بوصفه قوه سياسيه واجتماعيه فى المجتمع الاميركى، بمعنى انه لا بد للمسلمين من ان يكون لهم تاثير على السياسه الاميركيه الداخليه والخارجيه من طريق تشكيل «لوبي اسلامى». وقد اقمنا مؤسسنا لهذا الغرض هى المؤسسه الاسلاميه السياسيه فى اميركا، مقرها فى واشنطن، لكنها لم تبدأ بعد بالعمل الجدى، لانها حديثه النشأه، ونحن لا نطلب من المؤسسنا، او من اى مسلم فى اميركا، ان يعتنق مبداء سياسيا معيننا، وكل ما نريده هو ان يخرط المسلمون، الى حد ما، فى النظام الاجتماعى والسياسى لبلدهم الجديد. يوجد الان فى اميركا حوالى سته ملايين يهودى وثمانيه ملايين مسلم، اليهود بداوا مثل المسلمين (عدم تنظيم، وتشتت)، ثم نظموا انفسهم، وانا اعتقد ان الجاليه الاسلاميه تتجه الان فى هذا الاتجاه.

توجد، فى اميركا، مساجد كثيره، بعضها صغير جدا وبعضها كبير، وعددها يفوق العشره آلاف مسجد فى الولايات المتحده الاميركيه ومئات المساجد فى كندا. واعتقد ان اميركا اقرب الى تقبل الاسلام من اوروبا، لان المجتمع الاميركى مجتمع متدين بخلاف المجتمع الاوروبى. ولهذا فالعمل الاسلامى فى اميركا مهم. والسؤال الذى يهمنا ان نثيره، بغيه التفكير فى الاجابه عنه اجابه ترسم معالم العمل هو: هل يمكن ان نتوقع تطورا ما بالنسبه للشخصيه الاسلاميه الاميركيه، او الغربيه بعامه والاميركيه الكنديه بخاصه.

وقد يطرح سؤال عن وجود دور نشر مهمه، فى اميركا، تهتم بنشر الاسلام؟

فى الاجابه نقول: توجد بعض دور النشر الاسلاميه فى اميركا، منها دار نشر وتوزيع فى نيويورك تسمى «ترتيل القرآن»، والقائمون على ادارتها يحصلون على الكتب من دول العالم الاسلامى، ويوزعونها اما مجانا او باسعار بسيطه، ومؤسسنا «اسنا» عندها دار نشر وتوزيع. وهناك بعض النشاطات الفرديه فى هذا المجال، فقد اعددت ترجمه وتفسير المعانى «جزء عم» باللغه الانكليزيه، ونشره اخ مسلم فى

«سيدر رابت» يمتلك مطبعه، ووزعه في المساجد هناك. وقد طبعت كتابي في التفسير في اميركا، ولكن الدار التي تولت النشر ليست اسلاميه فقط، وانما هي دار تنشر الكتب المتنوعه، ومنها الاسلاميه، وهي تابعه لجامعه نيويورك. وكتابي، في تفسير القرآن (مجلدان)، موجود في المكتبات العامه ويستفيد منه الطلاب في الدراسات الاسلاميه ودراسات علوم القرآن، فهو لم يكتب خصيصا للقارى المسلم بل للمسلم وغير المسلم.

حضارات الحاليه الاسلاميه في اميركا

لا بد من الاشاره، بدايه، الى ان العالم الاسلامى عالم متنوع اللغات والحضارات والعادات، وهذا امر مهم جدا يتميز به الاسلام. ولمده الف وتسعمئه سنه كانت المسيحيه تعرف اذا استثنينا المسيحيين في آسيا وافريقيا الذين لم يكن لهم صوت حضارى مهم في الكنيسه المسيحيه قبل هذا القرن بوصفها ديانه الغرب. وبالرغم من الفروق الحضاريه واللغويه، بين دول الغرب، والتي ادت الى حروب طاحنه، هناك قاسم مشترك يجمع بين ابنائها، مثلا بين البريطانى والفرنسى والالمانى والايطالى... ولكن من الصعب جدا ان تجمع حضاريا بين المسلم الهندي والمسلم السعودى مثلا، وذلك لان الهند تاثرت بما نسميه الحضاره الفارسيه المغوليه او التيموريه.

والعالم الاسلامى يغطى رقعته حضاريه من الارض اكثر تنوعا من اى ديانه اخرى، لان العالم الاسلامى يمتد من «تنباكتون» فى افريقيا الى المغرب، ثم من المغرب الى اندونيسيا مرورا بالهند وايران وباكستان. ولهذه الدول حضارات عديده ولغات عديده.

واميركا كانت دائما الملاذ المهم للفارين من بلادهم والمجال المناسب للساعين وراء العيش الرغيد والمال. لهذا عكست هجره المسلمين الى اميركا هذا التنوع الحضارى الذى نتحدث عنه. ولا يمكننا ان نقول: ان هناك اسلاما اميركيا معينا، ولكن هناك اسلام اميركى تشترك فيه الجاليات الاسلاميه فى اميركا مع الامه الاسلاميه فى العالم. مثلا، لغه القرآن هى العربيه، واينما وجد المسلمون فانهم يصلون باتجاه الكعبه المشرفه ويؤدون الصلاه باللغه العربيه، ويؤمنون ويعملون باركان الاسلام، فمن حيث العبادات هناك وحده اسلاميه لا بد من ان تلاحظ لدى

المذاهب الاسلاميه جميعها. وما خلا العبادات، هناك فروقات عديده جدا، وقد يكون من الممكن ان نقسم الجاليات الاميركيه المسلمه الى قسمين اثنين مهمين: اولهما مايمكن ان نسميه «المسلمين من الشعب الاميركي الاصيل»، وثانيهما المسلمون المهاجرون.

فى التعريف بمسلمى القسم الاول لا بد من ان ندقق كثيرا، فالشعب الاميركى الاصيل هو من سماهم «كريستوفر كولومبس» خطأ بالهنود الحمر، وهم ليسوا هنودا، ولكنهم اهل البلاد الاصيليون، وينتمون الى العرق الاحمر، وكانت لهم حضارات غنيه، والاسلام بدا ينتشر بين هؤلاء الناس ولكن ببطء شديد. فعندما نقول اسلام الشعب الاميركى نعنى تحديدا اسلام غير المهاجرين، اى الذين ولدوا فى اميركا على الاقل منذ ثلاثه اجيال. وهنا تبرز الجاليه المهمه، وهى الجاليه الزنجيه، او الاميركيون السود، او ما يعرف الان ب «افريقان اميركان» الافارقه الاميركان. ولا بد من الاشاره هنا الى تعبير او لفظ نستعمله فى العالم العربى، فعند الحديث عنهم نقول: العبيد، وهم فى الحقيقه ليسوا عبيدا، فكلنا عبيدالله، سبحانه وتعالى، وهذا يخلق فى نفوس هؤلاء الاخوه نوعا من الاشمزاز لانهم يريدون ان يتخلصوا من العبوديه بجميع صورها، فكيف نسميهم عبيدا، وقد تحرروا، واعتنقوا الاسلام كى يتخلصوا من آثار عبوديه الرق التى كافحوا من اجل التخلص منها عده قرون.

كنا قد تحدثنا عن بدايه انتشار الاسلام بين هؤلاء الاخوه. واسلامهم، من ناحيه التطبيق، اقرب ما يكون الى ما يمكن ان نسميه المسيحيه الانتعاشيه الاحيائيه او البعثيه، المسيحيه العاطفيه. فالانسان، اثناء صلاته فى الكنيسه، يعبر عن عواطفه، فان قال القس، مثلا، جمله مثيره، قال له المصلون: آمين يا اخى، او هكذا الحق، وهذا غير مالوف فى الخطب الاسلاميه. اول ميزه لهؤلاء الاخوه السود فى اميركا هى ان اسلامهم عاطفى يشبه اسلام المسيحيه الاصوليه العاطفيه فى اميركا، اذ يمكن ان تثير عواطفهم بسرعه، ثم ياخذون بالتسبيح والتهنئات حتى فى سياق المواعظ الدينيه. ومن هنا نرى شده تاثير خطب بعض زعمائهم، مثل اندرو جاكسون وقبله مارتن لوثر كينغ المسيحيين. وهذه الميزه تتجلى، الى حد ما، فى العبادات، فعندما يلقى الخطيب خطبه الجمعه يطيل كثيرا، ويكثر من التعابير البلاغيه والمثيره، فيتجاوب المستمعون بان يقولوا: آمين... انت معك حق

وهكذا... فهذه عادة ما زالوا عليها، اذ كانوا يفعلون هكذا عندما كانوا مسيحيين، وحافظوا على هذه التصرفات عندما اسلموا. ويتميز هؤلاء المسلمون بانهم لا يزالون يشيرون الى الادب والافكار التوراتيه، فبعضهم يقول: البسملة (بسم الله الرحمن الرحيم) تعنى باسم الله الرحمن (REEDMER) بمعنى المخلص.

وطبعا هذا التفسير ليس له مكان فى الفكر الاسلامى، غير ان التأثير السلفى، على بعض منهم، جعل من هؤلاء اناسا سلفيين الى اقصى السلفيه، فمنهم من عاش فى السعوديه لمدته سنين، ومنهم من درس فى جامعه المدينه او تتلمذ على يد بعض السلفيين، ولا يهتم مساجد سلفيه الى اقصى حد. ومساجد المسلمين السود بقيت لمدته طويله مختلفه عن مساجد غيرهم من المسلمين كما هى الحال بالنسبه الى الكنائس المسيحيه تماما، فترى ان الكنائس المسيحيه التابعه للسود هى غير الكنائس المسيحيه التابعه للبيض. وكان هذا معتمدا لسنين عديده لدى «الايجه محمد» وغيره، فالمساجد التابعه للسود كانت تختلف عن مساجد غيرهم من المسلمين، ولكن بعد وفاه «الايجه محمد»، فى السبعينات، تسلم ابنه السلطه المركزيه، واعطى لاتباعه الحريه بالاندماج فى المجتمع الاسلامى العالمى، وهذا الابن يدعى وارث الدين محمد، وهو لا يزال حيا يرزق، وهوانسان خلوق، وكلنا نذكر قصه مالكوم اكس هذا الشاب الذى اسلم ونفى ان يكون الاسلام للسود فقط، وان البيض شياطين، فقد راي الاسلام بشموليته وعالميته بعد ان حج الى بيت الله الحرام، ثم استشهد. ولا ندرى اقتل على يد الاستخبارات الاميركيه ام على يد اتباع الايجه محمد الذين عارضوا افكار مالكوم اكس فى التغيير الجذرى من الاسلام المحلى الى الاسلام العالمى.

القسم الثانى من المسلمين فى اميركا، والمتمثل بالمهاجرين، متنوع على غير مستوي. وقد كان للمهاجرين هؤلاء فوائد كثيره ومضار كثيره ايضا. ومن فوائدهم ان الكثير منهم جاء الى اميركا يحمل ثقافه اسلاميه مهمه، وهذا ساعد على انتشار الاسلام بين الشباب الاميركى المسلم، فالمهاجرون هم ماده الاسلام فى اميركا، اذ انهم حافظوا على بقاءه وعلى عدم انصهار الشباب المسلم الناشى فى البوتقه الكبيره الاميركيه. ومن مضارهم، فى نظرى، ان العديد منهم، وربما الغالبية، ياتون الى اميركا من مصر او ايران او باكستان مثلا، من دون ان يكونوا متدينين فى

بلادهم، وليست لديهم ثقافه اسلاميه عميقه، وعندما يعيشون فى اميركا، يشعرون بالمسؤوليه ويرون انه لا بد من الدفاع عن الاسلام، فيصبح كل واحد منهم مفتيا يحلل ويحرم، وهذا يخلق مشكله كبيرى، من مظاهرها، على سبيل المثال، ان ياتى الباكستانى ويقول: من السنه ان تلحق، عندما تفرغ من الطعام، بقيه منه من الطبق باصبعك، هذا التصرف ليس من سنه الرسول (ص) وانما عاده اجتماعيه ليس للسنه دخل فيها. وقس على هذا قول بعضهم: ينبغى ان لا نستخدم فرشاه الاسنان وان لا نلبس الزى الغربى...

كل واحد يرى ان الاسلام الحق يتمثل بممارسه العادات التى عرفها فى بلاده، ولا سيما العرب الذين يعتقدون ان تكلمهم باللسان العربى يعطيهم الاولويه فى الافتاء والحكم، فيصبحون، بحسب اعتقادهم، ارباب الاسلام فى اميركا. هذه مشكله، واعتقد ان فى كل بلد عادات وتقاليد ومعالن حضاريه خاصه به، فكل من حضاره ايران واليمن، على سبيل المثال، اسلاميه، ولكنهما ليستا شيئا واحدا. ويبدو لى انه اذا انتشر الاسلام انتشارا واسعا فى اميركا، واصبح للمسلمين هناك صوت مؤثر فلا بد من «اسلمه» بعض العادات الاميركيه المتجذره فى المجتمع الاميركى.

ويبدو ان ذلك بدا يتحقق، فرواد المساجد، فى اميركا، مختلطو الاعراق، فيهم العربى والهندي والاسود والايض، اضافه الى وجود بعض المساجد التابعه لفئه معينه، كان يوجد مسجد للسود ومسجد للالبان، لكن هذه الظاهره بدأت تضمحل. كما ان بعض الجماعات الاسلاميه بدأت تتزواج فى ما بينها ولكن بحدود، فالباكستانى، مثلا، يصر على زواج ابنته من رجل باكستانى، وان لم يتوافر هذا العريس فى اميركا، فانهم ياتون به من احدى القرى الباكستانيه التى لهم علاقه بها. ويمثل زواج الفتاه المسلمه مشكله حقيقيه فى اميركا، فعندما تكبر الفتاه فى المجتمع الاميركى، وتتمتع بالثقافه الاميركيه، ثم يؤتى لها بعريس من خارج ذلك المجتمع، فانه يصعب عليهما ان يتفاهما، وان يتعاملا، وان يبينا حياه اسريه مستقره وطبيعيه لانهما ينتميان الى حضارتين مختلفتين.

تعبير «الامه فى الاسلام»، ينطبق على الامه الاسلاميه فى العالم كله، فعندما نتكلم عن هذه الامه نتكلم عن المسلمين فى جميع انحاء العالم، بصرف النظر عن

المذاهب والانتماءات الاخرى. واذا قدر ان تكون هناك فعلا «امه اسلاميه» في اميركا فلا بد من ان تكون لهذه الامه بعض مميزات المجتمع الاميركي، وهى الوحده فى التعدديه، او التعدديه فى الوحده، مايعنى ان يكون هناك اسلام واحد على مستوى العقيدة والعبادات، وان يكون لهذا المجتمع الاسلامى الاميركى بعض خصائصه التى ليست موجوده فى المجتمعات الاخرى. فالمجتمع الاميركى، اجمالا، يتمتع بمستوى يغاير سواه من المجتمعات فى الاعتماد على التكنولوجيا الحديثه، وله نظره معينه الى السياسه والدين، ايضا، تختلف عن نظره باقى المجتمعات الاخرى. وما تنبغى الدعوه اليه هو ان نقبل بهذه التعدديه، وان نسمح للجيل الاميركى المسلم الجديد بان يدير شؤونه بنفسه من دون ان تسيطر عليه عقليه المهاجرين المسلمين، كما هو الحال فى العديد من المدن الاميركيه والكنديه. فعندما يوجد رجل مهاجر، مثلا، يقرأ القرآن، فهو يعد نفسه عالما بكل شىء عن الاسلام، وهذا غير صحيح، فهذا الرجل تعلم القرآن فى بلده، وكان يمارس شعائر الجمعه والاعياد، ولكن لا قدره لديه على الافتاء والاجتهاد. ولا بد لنا من ان نوجه، نحن المثقفين، المجتمع الاميركى الاسلامى، ونترك له فى الوقت نفسه نوعا من المجال الحر والمتسع لكى يكون شخصيته بذاته. واذا لم يتحقق هذا الامر، فيبدو لى انه لن يكون للاسلام مستقبل مشرق فى اميركا، فالمسلمون سيقون متشرذمين مشتتين، وكى يصبح المجتمع الاسلامى الاميركى مجتمعا اسلاميا اميركيا لا بدلافراده من ان يكونوه.

عندما كان السيد الخوئى (رحمه الله) على قيد الحياه ارسلنى المؤمنون، فى تورنتو فى كندا، لمقابلته، بغيه الاجابه عن جمله من الاسئله التى حملونى اياها. وكانت هناك بعض الاسئله التى تتعلق بالتعامل المصرفى والربا وغير ذلك، اضافه الى اسئله عن اللباس الشرعى والحجاب. والسؤال المهم كان عن المسجد المختلط اذا صح التعبير، وهو: هل للمراه حق فى الدخول الى المسجد ام لا؟ اجاب السيد الخوئى عن هذا السؤال بما مفاده: يجب ان لاتمنع المراه من دخول المسجد اذا كان ذلك لا يؤدى الى حرام، ويجب ان يسمح للمراه، غيرالمحجبه، بان تدخل الى المسجد حتى يكون الحجاب جزءا من ثقافتها الاسلاميه، ففى المساجد تقام النشاطات الاجتماعيه والثقافيه، اذا لم تؤد الى حرام كشرب الكحول والرقص او غير

ذلك من المحرمات.

وتمثلت المفارقة في ان رئيس الجاليه اتصل بي، ليله العيد، بعد ان قمت بترجمه هذه الاجابه الى الانكليزيه، تمهيدا لتوزيعها، على الناس بعد صلاه العيد، وقال: لا يمكننا ان نفعل هذا، حتى وان قال ذلك السيد الخوئي، لاننا اعتدنا على ان نفصل بين النساء والرجال في المسجد منذ مئه وخمسين سنه. لكن الامور بدأت تتغير، فالمحافظون كبروا في السن، ولم تعد لديهم السلطه التي كانت لهم من قبل وكانوا يمارسونها من على المنبر.

في سبيل مستقبل مشرق

وفي نهايه حديثنا، وبصرف النظر عن ذلك كله، فاني اعتقد ان للاسلام في اميركا مستقبلا مهما جدا بعون الله، وانه في السنوات المقبله لن تتمكن الحكومه الاميركيه من تجاهل المسلمين في بلادها. وبطبيعته الحال، اذا اصبح لدينا صوت في اميركا الشماليه، فان ذلك سيؤثر على السياسه الخارجيه، فضغوط «اللوبي» هي التي تصنع السياسه الخارجيه، ولهذا ارى ان اختتم ببعض ما اراه واقدمه بوصفه توصيات جديره بان يعمل بها:

ويجب، على الاقل في هذه المرحله من تكوين المجتمعات الاسلاميه، في اميركا، ان لانقحم هذه المجتمعات بالخلافات والسياسات العربيه كالخلاف بين الاردن والسعوديه وسوريا ومصر وهكذا...

انا اعتقد انه يجب ان لا- نقحم المسلمين في اميركا بقضايانا المذهبيه، ويجب ان نبحث عما يوحد، فنتبين ما يتفق عليه الجميع وننشره في اميركا يجب ان نبدا بهذا المستوى، ويبدو لي ان الاميركي اذا قال: «لا اله الا الله، محمد رسول الله» اصبح مسلما، ثم اوجهه ما امكن بالنسبه للشعائر الاسلاميه والاركان كالصلاه والصوم والحج وغير ذلك. واذا ما نما اسلامه ونضج وكان مهيا، وكانت الظروف تسمح باءن ندخل في قضايا التاريخ الاسلامي والثقافه الاسلاميه والمذهبيات الاسلاميه، فلا باس بان نفعل ذلك.

ومن المهم للمسلمين، في جميع انحاء العالم الان، ان يقبلوا بالواقع الاسلامي، وهو واقع تعددي، والاختلافات المذهبيه فيه جزء منه، وان يتعدوا عن الخلاف،

ص: ١٣٤

فالاخلاف هو غير الاختلاف. نحن يمكن ان نختلف في بعض الامور المتعلقة بكيفية اداء الصلاه، على سبيل المثال، ولكننا نتفق على اننا جميعنا نصلى صلاه واحده، فانا لا-اقلل من اهميه المذاهب، ولا ادعو الى الغائها، ففي الاجتهاد رحمه. لكن اعداء الاسلام، في العالم، وهم كثر، لا يفرقون بين شيعي وسني.

لا بد لنا، اذا، من ان نوحّد الكلمه وان نعتصم بحبل الله، وان لا نتفرق وان نمثل لامر الله، حيث يقول: (وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) [الأنفال/٤٦].

ص: ١٣٥

یکی از فعالیت های محمود ایوب، گفت و گو با متفکران و کارشناسان دین پژوه دربارہ روابط متدینان و مؤمنان به ادیان مختلف بوده است. ایشان بر این باور است جهان جدید جای جدال و منازعه نیست و بسیاری از جدال ها را می توان با گفتگو سامان داد و به نتایج مطلوب رسید.

انسان مدرن نباید هستی و امکانات خود را در جهت جنگ های بی حاصل مصرف نماید و بسیاری از جنگ ها را می توان با بحث و مباحثه و منطق تبدیل به همزیستی مسالمت آمیز نمود.

دو متن از نوشته های ایشان که به فارسی منتشر شده را در این فصل می آورم. البته آثار ایشان در این حوزه بسیار زیاد است.

در دوره ای که جریان های افراطی در جامعه های یهود، مسلمان و مسیحی تلاش کرده اند پیروان این ادیان را در مقابل یکدیگر قرار دهند و خواهان تجدید جنگ های صلیبی اند. بنیادگرایان مسیحی با توجیهاتی، خواستار قلع و قمع پیروان دیگر ادیان به ویژه مسلمانان هستند؛ همین طور متعصبین بنیادگرایی مسلمان خواهان، نفی غرب مسیحی و نیز خواستار نابودی یهود از روی زمین می باشند، اما محمود ایوب بر اساس آیات قرآن، پیروان ادیان را اعضای یک خانواده دانسته و خواستار همکاری، تعامل و همزیستی و البته گفت و گوی منطقی آنها است.

ص: ۱۳۸

شاید به جرأت بتوان گفت که پیروان ادیان، به اندازه ای که از اصل گفت و گو بین یکدیگر و ضرورت آن سخن می گویند، در عمل وارد میدان گفت و گو سازنده نمی شوند و به دشواری از فاصله بین انتظارات خود و واقعیتها و ضرورتهای موجود می کاهند. در کشور لبنان که سرزمین طوایف و مذاهب و فرقه های گوناگون است، مراکز متعددی وجود دارد که به موضوع گفت و گو بین ادیان همت گماشته اند. (۲)

یکی از این مراکز، مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت وابسته به دانشگاه بلمند طرابلس است که تاکنون گفت و گوهای فراوانی میان دانشمندان اسلام و مسیحیت ترتیب داده است. آنچه فراروی شما قرار دارد، گزیده ای از گفت و گوهایی است با عنوان «نحو الجدل الأحسن» (به سوی گفت و گویی سازنده) که می-ان دکتر محمود ایوب است-اد شیعیه مذهب دانشگاه میشیگان امریکا و جورج خضر، اسقف اعظم کلیسای ارتدکس لبنان انجام گرفته و به صورت کتاب انتشار یافته است. نام این مجموعه از آیه ۱۲۵ سوره نحل «ادع إلى سبیل ربّیک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن» و اشاره های انجیل به برهان آوری پولس در آتن که با اپیکوریان و رواقیان مجادله می کرد برگرفته شده است. کتاب یادشده، از سه گفت و گو در روزهای ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ ماه مه ۱۹۹۶ می-لادی تشکیل ش-ده که در پایان هر جلسه به پرسش حاضران پاسخ داده شده است. گفت و گوی نخست: «گفت و گو با مسیحیان در دیدگاهی اسلامی»، گفت و گوی

ص: ۱۳۹

۱- . پژوهش های قرآنی، شماره ۳۲، ۱۳۸۱، ص ۲۳-۲۶.

۲- . برای آشنایی بیشتر با این مراکز، می توانید به مقاله دکتر رضوان السید با عنوان «نگاهی به گفت و گوها و ارتباطات مذهبی در لبنان» که در هفته نامه نگاه حوزه شماره ۵۶، ۱۵ تیرماه ۱۳۸۱، صفحه ۲۵ - ۲۳، چاپ شده است مراجعه کنید.

دوم: «رسالت و تبلیغ: مانع و یا انگیزه گفت و گویند؟» و گفت و گوی سوم - که نام مجموعه از آن گرفته شده است - «وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت: به سوی مباحثه ای بهتر» نام دارد. البته بجاست که این گفت و گوهای برون دینی پیش تر در درون مذهب اسلامی صورت پذیرد تا علاوه بر تقریب مذاهب اسلامی راه گفت و گوی بهتر با دیگر ادیان هموار گردد.

در این جلسه جرج خضر از ایوب محمود پرسید:

به نظر شما نگاه کلی قرآن به ادیان آسمانی دیگر چگونه است؟

و دکتر محمود ایوب چنین پاسخ گفت: به گمان من، قرآن تا حدود زیادی در باب ادیان وسعت نظر دارد و برای هویت دینی انسانها طرحی نو در افکنده است: «قالت الأعراب آمنا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا و لمّا يدخل الإيمان فی قلوبکم» حجرات/۱۴ بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورده اید، لیکن بگوئید اسلام آوردیم و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است. در اینجا، قرآن میان اسلام شرعی - که با قطع نظر از پایبندی عملی و ایمانی است - و ایمان که عملی است یکسره قلبی و در گرو عمل، تفاوت نهاده است... از این رو باید بر گفت و گوها نام گفت و گوی ایمان - و نه گفت و گوی ادیان - نهاد. نخستین منبعی که به این نام اشاره کرده همانا قرآن است: «لیس بأمانیکم و لأمانی أهل الکتاب من یعمل سوءاً یجزبه و لا یجد له من دون الله ولیاً و لا نصیراً. و من یعمل من الصالحات من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً» نساء/۱۲۳ و ۱۲۴ (پاداش و کیفر) به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست: هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی یابد. و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر شیار هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند. یعنی بحث در باره اسلامی است که پیامبر(ص) آن را «غریب» نامیده، و اسلامی که در توصیف مسیح و موسی و ابراهیم علیهم السلام و بسیاری از پیامبران در قرآن آمده و از آنها به نام «مسلمان» یادشده و این همان مفهوم عام و روحی اسلام است. گفت و گویی که امروزه نیازمند آن هستیم گفت و گویی است که نه تنها شامل تسامح دو طرف بحث کننده است، بلکه از آن فراتر رفته و به شرکت و

ص: ۱۴۰

مساهمه در ایمان بینجامد. فرهنگ و میراث اسلام و مسیحیت چنان سرشارند که پیروان هر دو طیف می توانند به درستی به تبادل پردازند. سوره های مدنی از اهمیت ویژه ای برخوردارند، زیرا با مسلمانان و غیرمسلمانان سخن گفته شده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بقره/۶۲ در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده اند، و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد. اگر تاریخ اسلامی را بکاویم در خواهیم یافت که «اهل کتاب» تنها شامل یهودیان، نصارا و مسلمانان نمی شود، بلکه مجوس یا زردشتیان را نیز در برمی گیرد. در قرآن از اصحاب کهف، اصحاب نار و اصحاب جنت سخن به میان آمده اما «اصحاب کتاب» به جای «اهل کتاب» نیامده است. چه بسا بتوان گفت که «اهل کتاب» یک خانواده اند همچنان که در قرآن می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذَرِيَّةَ بَعْضِهِمَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» آل عمران/۳۳-۳۴ به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست. از این رو، اهل کتاب یا همان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان یک خانواده اند که کتاب یا وحی الهی آنها را گردهم می آورد. اسلام خود در فضایی مسیحی پرورش یافت و راهبان صحرانشین مسیحی برای مسلمانان منبع برکت و شفا بودند. قرآن به نصارا این گونه اشاره می کند: «وَلْتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى» سپس قرآن ایشان را چنین وصف می کند: «لَا يَسْتَكْبِرُونَ. وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ» مائده/۸۲ و ۸۳ و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیک ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت... تکبر نمی ورزند. و چون آنچه را به سوی پیامبر نازل شده بشنوند، همی بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته اند، اشک از چشمه اشان سرازیر می شود. قرآن، کسانی را که گفته اند «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ» (مائده/۷۲) کافر می داند، حال

آن که لاهوت مسیحی امروزه به هیچ وجه چنین نظری ندارد. بنابراین، با وجود آیه هایی که به الفت و سازگاری این چینی فرامی خوانند باید گفت که مراد از این گونه آیات، اهل کتابی هستند که نه به خدا باور دارند و نه حرام و حلال پیامبران را می پذیرند و نه پیرو آیینی هستند... در نهایت، تنها خداوند است که ایمان و بی ایمانی انسانها را تشخیص می دهد. خداوند در قرآن می فرماید: «و لیحکم اهل الإنجیل بما أنزل الله فیہ» مائده/۴۷ و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند. □ اسقف اعظم جورج خضر: در پاسخ این سؤال که مخاطبان قرآن چه کسانی هستند؟ گفت: مراد قرآن از آیه «و قالوا اتخذ الرحمن ولداً» (مریم/۸۸) و «لقد كفر الذين قالوا إن الله ثالث ثلاثة» (مائده/۷۳) بدعت گذاران یا رافضی منشان هستند. و در آیه «ولا تقولوا ثلاثة انتهو خيراً لكم» (نساء/۷۱) بی شک مسیحیان راستین، قائل به تثلیث عددی نیستند و چنین گویندگانی را کافر می شمارند. با توجه به اینکه من خود اسقفی مسیحی می باشم، گفته قرآن را می پذیرم «ولا تقولوا ثلاثة».

در این جلسه جرج خضر پرسید:

نقطه های اشتراک و همانندی را میان اسلام و یهودیت و مسیحیت در کجا می بینید؟

و دکتر محمود ایوب چنین پاسخ گفت: شباهتی اساسی میان تبلیغ دو دین وجود دارد و آن در دعوت به «خدا» و «ایمان» نهفته است... اگر به مقایسه پردازیم در خواهیم یافت که «امت» در اسلام همان «کلیسا» است در مسیحیت... روابط اسلام و مسیحیت در صدر اسلام وجود داشته است: همان گونه که میان شیعیان و معتزله پیوند کلامی و لاهوتی ویژه ای بود که با روی کار آمدن متوکل عباسی و سختگیری با معتزلیان و شیعیان و تأکید بر سنی بودن اسلام، بابی به نام «ردّ بر نصاری» گشوده شد و در خلافت مأمون به اوج خود رسید... و گرنه آنچه قرآن و پیامبر(ص) می گفتند مورد پذیرش اهل کتاب بوده است: «و الذین أتوا الكتاب لیعلمون أنه الحق» بقره/۱۴۴ صوفیه در گسترش اسلام نقشی ویژه داشتند، زیرا اسلام عملی را نشان می دادند و جالب اینکه فتوحات نظامی اسلام، مردمان آن مناطق را مسلمان نگه نداشت. همچنین در جایی که مبلغان مسیحی خود به

ص: ۱۴۲

تبلیغ مبادرت ورزیده اند نتیجه گرایش به مسیحیت برابر جنگهای صلیبی بازده بیشتری داشته است... وقتی استعمار به جهان اسلام پا گذاشت، مسلمانان به خواری و گمشدگی خود پی بردند و به نگارش کتابهایی در ردّ مسیحیت پرداختند: از جمله: سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، محمد رشید رضا و شیخ محمد ابوزهره. گویا غریبان فراموش کرده بودند که اسلام تمدنی پربارتر از غرب دارد، و گویا نقش اسلام را در نوزایش غرب نادیده گرفته بودند: نقشی که رهاورد مدارس اسلامی غرناطه، قرطبه و دیگر شهرهایی اروپایی است که اسلام به آنها راه یافته بود. کثرت و تعدد ادیان، شعاری الهی است، نه انسانی: «لکلّ جعلنا منکم شرعه و منهاجاً» مائده/۴۸ برای هر یک از شما (امتها) شریعت و راه روشنی قرار داده ایم. و بی شک تعدد ادیان یکی از علل پرباری میراث مسلمانان و مسیحیان است. گفت و گو باید فرهنگ و روان ما را در برگیرد. □ اسقف اعظم جورج خضر: متأسفانه الگوی مسلمانان امروز، افرادی چون شیخ محمد ابوزهره شده اند. مشکل دیگر اینکه اندیشه پروتستانتیسیم معاصر است که از کارل بارت می آغازد و تا همین چند سال پیش، نه تنها اسلام، بلکه همه ادیان آسیایی را باطل می شمرد و تنها دو دهه است که به جای ماده ادیان، لاهوت ادیان جایگزین شده و با تدریس همه ادیان و چه بسا مقایسه آنها با یکدیگر حرکت نوینی ایجاد شده است. □ دکتر محمود ایوب: دیدگاه اسلام درباره وحی تا حدود زیادی به دیدگاه یهودیان نزدیک است. وحی، یا سخن گفتن مستقیم با پیامبران است و یا از راه خواب دیدن به وقوع می پیوندد... ما مسلمانان و مسیحیان بر دو امر مهم اتفاق نظر داریم: یکی اینکه خداوند متکلم است، و دیگری - که از امر اول برداشت می شود - اینکه کلام الهی یا به صورت کتاب و یا به صورت انسانی متجسد می شود... از این رو باید گفت که قرآن به مثابه وحی و یا کشف الهی می باشد و مسیح(ع) نمودار عظمت الهی است... اظهار فروتنی و تهی دستی و مستمندی در برابر خدا از اصول برجسته اسلام و مسیحیت است که مسیح(ع) الگوی تمام عیار این معیارهای انسانی است: «و جعلنی مبارکاً این ما کنت» مریم/۳۱ مسیح در انجیل و قرآن، انسان دردمندی است که به گرسنگان غذا می داد و «یاذن الله» جذامیان و ناینیان را شفا می بخشید و مردگان را زنده می کرد (آل عمران/۴۹). بازتاب گفته مسیح در انجیل

این گونه است: «این کارها با توان من انجام نمی شوند، بلکه خواست و مشیت هموست که مرا فرستاده است.» به گمان من، تعدد مذاهب در جهان حکمت الهی است که فقط خداوند از آن خبر دارد. می توان با استفاده از این تعدد، نیروی ایمان مسیحیان را با آشنا کردن آنان به اسلام بیشتر نمود.... □ اسقف اعظم جورج خضر: آنچه آقای دکتر محمود ایوب گفت نشان از اندیشه ای انگیزه آفرین و بسیار سترگ است که در جهان اسلامی پدیدار شده است و من با بسیاری از گفته های ایشان موافق هستم....

در ادامه جرج خضر پرسید:

چگونه پیامبر با وجود امی بودنش - که البته نبوغ وی را نمی توان نادیده گرفت - به خواندن دعوت می شود: «اقرء باسم ربك» (علق/۱) و این یعنی دعوت به فراگیری علم و دانش.

پاسخ دکتر محمود ایوب اینگونه بود: این دعوت، لزوماً نشان از توانایی پیامبر بر خواندن و نوشتن ندارد: زیرا نوشتن در آن زمان حرفه ای بود که اندک افرادی توانایی آن را داشته اند. «اقرء» بنا به مفهوم قرآنی آن، نه به معنای خواندن از روی کتاب و نوشته، بلکه به معنای تلاوت است. اسلامی که مراد قرآن است تسلیم همه اجزای هستی است و تنها شامل انسانها نمی شود. آنچه دو دین را بیشتر به هم نزدیک می کند مفهوم «الله» در اسلام و مسیحیت است. قرآن می فرماید: «وإن من شيء إلا يسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم» اسراء/۴۴ یعنی توحیدگوی او نه تنها بنی آدم که همه آفریده ها هستند. هدف از آفرینش بشر نیز عبادت خداوند است: «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون» ذاریات/۵۶

آخرین پرسش جرج خضر:

نظر قرآن را درباره قدر و «امّ الكتاب» و نقش آن در وحی توضیح دهید؟

و پاسخ دکتر محمود ایوب: لفظ «امّ الكتاب» بارها در قرآن آمده است: «هو الذي أنزل عليك الكتاب منه آيات محكمات هنّ أمّ الكتاب» آل عمران/۷ در اینجا یعنی شالوده و جوهر کتاب الهی. سوره فاتحه را نیز «امّ الكتاب» می نامند. اما در جایی دیگر می فرماید: «يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده امّ الكتاب» رعد/۳۹ خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست. شیعیان به این مفهوم

می رسند که خداوند چه بسا تقدیری کند، اما آن را به انجام نرساند: یعنی قَدَر آن را تغییر می دهد. شیعیان می گویند که دعا، قضا را باز می گرداند و اگر دعا نباشد خدا پرستش نمی شد، زیرا چگونه می گوییم که: خداوند، به من روزی رسان، در حالی که روزی ما - حتی پیش از به دنیا آمدن ما - مشخص بود؟ قرآن نه قَدَری است و نه جبری. در برخی آیه ها می خوانیم که برای هر چیز اندازه ای قرار داده ایم: یعنی اینکه خداوند همه چیز را تقدیر می کند: «ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلا فی کتاب من قبل أن نبرأها» حدید/۲۲ هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما نرسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم در کتابی است. و تأکید می ورزد: «و نفس و ما سواها. فآلهمها فجورها و تقواها» شمس/۷-۸ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد: سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد. قرآن... هم زمان از آزادی و مسؤولیت پذیری انسان سخن می گوید و از اراده مطلق خداوندی.

با حضور هفتاد و پنج نفر مسلمان و مسیحی در شهر هارتفورد در مرکز ایالت کانکتیکوت آمریکا سمیناری به مناسبت صدمین سال انتشار فصل نامه "جهان مسلمان" که در شصت و پنج کشور جهان مشترک دارد، برگزار شد.

برگزاری این سمینار پیامی بود برای خانم مرکل و اشخاص دیگری که همچون وی می اندیشند و گفت و گوی اسلام و مسیحیت را شکست خورده می دانند. هدف از انتشار جهان مسلمان آگاهی بخشی در مورد اسلام برای مسیحیان است. این نشریه توانسته است در طی صدسال انتشار خود، بهترین های فرهنگ های مختلف را به نحو مطلوبی جذب نماید.

در این سمینار، "محمود ایوب" یکی از بنیادگرایان مسیحی لبنانی که به اسلام مشرف شده است و هم اکنون دانشیار دانشگاه هارتفورد در رشته روابط اسلام و مسیحیت است، گفت: "من از هر یک از شما که از دیگران می ترسید، می خواهم برای یک لحظه دعوت کنم که در کنار یکدیگر زانو بزنید."

ایوب مرد ریز نقشی است که در کودکی نابینا شده است. او در دانشگاه هاروارد تحصیل کرده. او سخنرانی محبوب و جهانی است. ایوب قرار است که ماه آینده در کنفرانسی در ژنو سخنرانی نماید. در سمینار روز شنبه او بدون هیچ یادداشتی سخنرانی کرد. ایوب با لحنی جذاب و آرام سخنانش را به گونه ای به پایان برد که به شدت از سوی شنوندگان در مراسم مورد تشویق قرار گرفت و حضار برای او کف زدند.

ایوب گفت که نگرش قرآن به ادیان الهی، نگرشی مثبت است. هدف قرآن این است که سه شاخه ایمانی، شامل اسلام، مسیحیت و یهودیت بتوانند به عنوان یک ایمان عام جامعه جهانی را شکل دهند.

"متأسفانه، نه مسلمانان و نه مسیحیان به این آموزه ارزشمند رفتار نکرده اند."

بلکه تلاششان بر هرچه جدا نمودن این دو ایمان بوده است. اما ما چه باید بکنیم. به نظر من، ما باید بپذیریم که در جهانی کثرت گرا زندگی می کنیم. جهانی با ادیان گوناگون. اگر من بر این باورم که اسلام دینی است که نگهدارنده من است، باید این را بپذیرم که مسیحیان، یهودیان و هر فرد دیگر با ایمان نیز همین باور مرا نسبت به باور خود دارد. پس من باید بپذیرم که ادیان الهی که بشر به آنها معتقد است از شیطان سرچشمه نگرفته است، بلکه از سوی خداوند است."

وی همچنین گفت: "بنابراین ما باید از سوی تحمل به سوی پذیرش برویم. من نمی گویم که بیایم دو مذهب و یا دو دین را به هم ریخته و در یک دین ادغام کنیم. بلکه من می گویم که بیایم و تلاش کنیم تا یکدیگر را درک کنیم و با عشق و فهم متقابل با هم زندگی نماییم. در تمدن اسلامی و یا مسیحی هیچ آموزه ای وجود ندارد که ما نتوانیم با صلح و دوستی در کنار هم زندگی کنیم."

"بیاید و امیدوار باشید به اینکه خدا در این مسیر یاورمان باشد. چون این کار نه از عهده ما برمی آید و نه از عهده آقای اواما."

در زمان پرسش و پاسخ با حضار، خانمی به روی صحنه رفت و میکروفون را برداشت و به ایوب گفت که او هم همین فکر و احساس را دارد، و در اینجا، در پیشگاه خداوند احساس می کند که یک فرد مقدس است.

در همین وقت ایوب سخنان او راقطع کرد و به شوخی گفت: "اما من یک گناهکارم." و هنگامی که جمعیت او را به شدت تشویق کرد. او خطاب به حضار گفت: "به نظر می آید که شما هم کم گناهکار نیستید!"

فصل چهارم: گفت و گو

اشاره

ص: ۱۴۹

در این فصل یک گفت و گواز پروفیسور ایوب می آوریم که به هنگام سفر به ایران و بازدید از مؤسسه امام خمینی (به ریاست آقای محمدتقی مصباح) انجام شد.

این مصاحبه بعداً توسط محمد عبدالرزاق هم تعریف شد و در مجله المنهاج (شماره ۳۹ پاییز ۱۳۸۴) منتشر گردید. ترجمه عربی را در اینجا نیاورده ام.

ص: ۱۵۰

گفت و گو با محمود ایوب

اشاره

پروفسور محمود ایوب، استاد نابینای بخش ادیان دانشگاه تمپل آمریکا و اندیشمند مسلمان است و لبنانی الاصل از سال ۱۹۶۴ تاکنون مقیم آمریکا هستند، ایشان رساله دکتری خویش را در زمینه «عاشورای حسینی» تدوین کرده اند. در فرصت کوتاهی که ایشان در اواخر تیرماه ۷۴ در ایران بودند و نیز بازدیدی که از قم و مرکز آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره) داشتند، گفتگویی کوتاه در خدمت ایشان ترتیب دادیم که حاصل آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

اگر سیر تحصیلات علمی و زندگی خودتان را برای آشنایی محققان بیان بفرمایید، خوشحال خواهیم شد.

پروفسور ایوب: بنده محمود ایوب، متولد جبل امل لبنان هستم. من تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه آمریکایی بیروت شروع کردم که حاصل آن اخذ لیسانس در تاریخ فلسفه غربی بود. پس از آن، در سال ۱۹۶۴ م. به آمریکا رفتم و در دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا فوق لیسانس خود را در اندیشه دینی (Relegous thought) گرفتم سپس به دانشگاه هاروارد، حیات بولتون، دانشگاه خیلی مشهور و مهم در آمریکا رفتم و تحصیلات دکتری خود را آغاز کردم و در سال ۱۹۷۵ م. درجه دکتری را در تاریخ مقایسه ادیان گرفتم. تز دکتری بنده راجع به عاشورای حسینی بود. در واقع، تز من درباره عاشورا، خلوص عاشورا و عزاداری و اندیشه عاشورا و به اصطلاح الهیات عاشورا بود. و این تز دکتری بنده منتشر شد. الان به اصطلاح، یک منبع و مصدر مهمی از لحاظ اندیشه شیعه به زبان انگلیسی می باشد. پس از اخذ

ص: ۱۵۱

درجه دکتری تدریس خود را در دانشگاه کالیفرنیا و بعداً در دانشگاه تورنتو کانادا و در مک گیل آغاز کردم. و از ۱۹۸۸ م. به دانشگاه تمپل در فیلادلفیا رفته و به عنوان پروفیسور، در معارف اسلامی و مقایسه ادیان تدریس می‌کنم و قصد دارم که تا آخر عمر در این زمینه تحقیق و تدریس کنم.

جناب پروفیسور! شما بیشتر در چه زمینه ای تدریس می‌کنید؟

پروفیسور ایوب: بله، مادر آمریکا یک دانشکده اسلام شناسی معینی نداریم ولی، ما یک دپارتمان ادیان شناسی داریم که در این دپارتمان یک برنامه مفصل درباره اسلام شناسی داریم. در این دپارتمان ما دو نفر هستیم؛ یکی آقای خالد سلافکین شیب، آمریکایی سفید پوست هست که مسلمان شده است و خیلی خوب تحقیق و تدریس می‌کند. ایشان در زمینه حدیث، فقه، تاریخ و سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تدریس می‌کند. بنده هم در زمینه معارف قرآن، تفسیر، تصوّف، عرفان، فلسفه، کلام، فرق تدریس می‌کنم و دانشجویان زیادی از کشورهای مختلف دنیا داریم که اینها تزه‌های خود را پیرامون ادیان مختلف دنیا و نیز کشورهای مختلف دنیا می‌نویسند و ما از این بابت اطلاعات زیادی کسب می‌کنیم.

جناب پروفیسور! شما که در زمینه تفکرات شیعی تحقیق و تدریس دارید، برخورد غربیان با دین، به خصوص شیعه را در حال حاضر چگونه می‌یابید، چه در محافل آکادمیک و چه مردم عادی؟

پروفیسور ایوب: تقریباً بعد از جنگ جهانی بود که تحقیقات علمی غربیها و اهتمام آنان به تشیع کم شد. در آن زمان برای همه مستشرقین، اسلام، یعنی اسلام اشعری و می‌گفتند که خوب، اسلام تشیع یک حرکت فارسی و ایرانی بود و اسلام شیعی فعلاً مطرح نیست و این کم کم عوض شد و حالا- اهتمام به فکر و تاریخ و عقیده تشیع بیشتر می‌شود. ولی می‌توانم بگویم که غربیها هنوز ایدئولوژی تشیع را نمی‌فهمند. همین که آقای آیت الله مصباح یزدی فرمودند که غربیها فکر می‌کنند که «ولایت فقیه» یعنی، یک سلطه مطلق که هیچ آزادی در آن نیست. ولی، ما باید بهارائه و معرفی تشیع به جهانیان کمک کنیم. خانم من، تز دکترای خود را درباره تاریخ اندیشه تشیع می‌نویسد. ایشان هم افکاری نو دارند. انشاءالله، به کمک هم ما به معرفی تشیع کمک خواهیم کرد و ایشان هم به بنده در این زمینه کمک می‌کنند. چون بنده فارسی خوب بلد نیستم و ایشان از من بهتر فارسی

می توانند صحبت کنند.

باتوجه به این که فرمودید اسلامی که در آنجا مطرح بوده بیشتر اسلام اشعری بوده است، پس به چه علت بیشتر جوانها به تشیع حداقل برای مطالعه اش روی آورده اند؟

پروفسور ایوب: بله، اکثر محققین جوان مردمی که مبتدی هستند، بیشتر به تصوّف علاقه دارند ولی، حالا اسلام منحصر به اسلام اشعری نیست و اهتمام به تصوّف و تشیع و عرفان و اینها زیاد است. الان خانم بنده در دانشگاه پنسیلوانیا، ادبیات تدریس می کند. دانشجویان زیادی هستند که به اسلام شیعی و ادبیات فارسی و... اهتمام میورزند و این روند هر روز شتاب بیشتری می گیرد.

با توجه به اینکه حداقل افراد زیادی می خواهند درباره تشیع تحقیق کنند، به نظر شما چه راههایی برای ارائه و معرفی تشیع در مقطع کنونی جهانی، وجود دارد؟

پروفسور ایوب: بله، به نظر من این یک چیز مهمی است. می دانید که در آمریکا جمعیت کلیمی ها، در دانشگاه های بزرگ و یا دانشکده هایی که خیلی بزرگ نیستند، یک کرسی برای یهودیان تأسیس کرده اند، من فکر می کنم و خدمت رهبر انقلاب اسلامی در دیداری که با ایشان داشتیم گفتم که ما در آمریکا به تأسیس کرسیهایی برای اسلام شناسی، به خصوص تشیع شناسی برای معارف شیعه معارف اسلامی احتیاج داریم. راه دیگر معرفی تشیع، انتشارات کتابها و اینهاست. مثلاً از بهترین کتابهایی که من درباره تشیع دیده ام کتابی از یک بهایی انگلیسی اصالتاً ایرانی است. با این که در رشته پزشکی تحقیق می کند اما، این کتاب را نوشته است. من و از کتاب ایشان که درباره «فکر و تاریخ تشیع» است، استفاده می کنیم. کتابها برای معرفی تشیع بسیار مهم است. همچنین سمینارها و کنفرانسهای بین المللی هم خیلی مهم است.

تحقیق و مطالعه اسلام برای ما مسلمانها کاملاً طبیعی است. به دلیل این که با عقیده ما سازگار هست و برای تقویت عقیده خودمان اسلام را مطالعه می کنیم. اما این سؤال هست که دانشجویان و محققین غربی که مسلمان نیستند، از مطالعه اسلام اسلام به طور کلی و یا خصوص تشیع چه انگیزه ای دارند؟

ص: ۱۵۳

پروفسور ایوب: این یک تاریخ طولانی دارد که تقریباً از قرن ۱۷ تا اواسط قرن ۲۰، اندیشمندان و محققین و متشرقین درباره اسلام تحقیق می کنند. اینها اهداف واحدی ندارند. بعضی اهداف سیاسی دارند، بعضی ها به اصطلاح کشیهای مسیحی و یهودی بودند که می خواستند یهودیت و مسیحیت را ترویج کنند و روی اسلام مطالعه می کنند. ولی الان، این عوض شده است برای این که دانشجویان امروز هیچ انگیزه و هیچ هدفی ندارند. فقط می خواهند دین اسلام و تمدن مسلمین را مطالعه کنند. بعضی از اینها یا مسلمان می شوند یا حتی اگر هم مسلمان نشوند، علاقه مند به اسلام و مطالعه تمدن و فرهنگ اسلامی می شوند ولی، هدف معین و واحدی ندارند. به طور کلی فکرمی کنم که معارف اسلامی در غرب الان نسبت به قبل بهتر است از ۵۰ سال یا حتی ۲۰ سال قبل خیلی بهتر شده است.

جناب پروفسور! شما در دو سال پیش کنفرانسی در رابطه با اسلام شیعی در فیلادلفیا ترتیب دادید، بفرمایید انگیزه شما از این کنفرانس چه بوده است؟

پروفسور ایوب: انگیزه ما فقط معرفی شیعه بود. ما که میسیونری نیستیم. مامی خواهیم اسلام را معرفی کنیم. یک مؤسسه ای به نام «علوم عربی و اسلامی» هست که متعلق به کشور سعودی از دانشگاه امام محمد از عربستان است. و وقتی من به اینها گفتم که این کنفرانس را ما تشکیل می دهیم، ایشان عصبانی شد. من گفتم که چرا عصبانی هستید؟ بعد از این کنفرانس، اگر شما می خواهید با ما همکاری کنید تا یک کنفرانس درباره وهابیت ترتیب بدهیم، برای این که مردم و محققین اسلام، وهابیت را بشناسند. اینها هم کنفرانسی ترتیب دادند و ما شرکت کردیم. یک کنفرانس بی محتوا و بی فایده ای بود. اینها بیشتر انگیزه مادی دارند. چند نفری هستند که ماهیانه حقوق می گیرند و به تبلیغ وهابیت می پردازند. اما در عوض کنفرانس اسلام شیعی، کنفرانس بسیار خوب و پرباری بود. به خصوص که اندیشمندان و محققین اسلامی و شیعی از ایران و حوزه علمیه قم نظیر آیت الله مصباح در آن شرکت کردند و برخی از اساتید دانشگاهی هم در آن شرکت کردند. خوب بود. و ما استفاده کردیم.

فصل پنجم: کارنامه

اشاره

ص: ۱۵۵

محمود ایوب بیش از نیم قرن در اروپا و آمریکا با بزرگترین و مشهورترین مراکز علمی و دین‌شناسی همکاری داشته است. ده‌ها پایان‌نامه زیر نظر او دفاع شده، ده‌ها میزگرد و مصاحبه با جراید داشته، سخنرانی‌های بسیار، تدریس‌های متنوع و خلاصه‌حجم فعالیت‌های او بسیار زیاد است. اما متأسفانه تا کنون، کارنامه‌اش جمع‌آوری نشده و پراکنده است و احتمالاً برخی از قسمت‌های کارنامه ایشان مغفول شده است. حتی هنوز کتابشناسی جامع درباره آثارش منتشر نشده است. در اینجا تلاش کردیم، موارد شناخته شده را گردآوری و معرفی کنیم و در مرحله بعد به سراغ عناصر و موارد ناشناخته تر بروم.

ص: ۱۵۶

محمود ایوب با استفاده از روش علمی و بهره بردن از منطق استدلال به دفاع از باورهای مذهبی می پردازد. به دلیل اخلاق نیک و معلومات و دانش توانسته در نهادهای مهم علمی در کشورهای مختلف و جاهت و مقبولیت به دست آورد و همین را سرمایه برای پیشرفت و تلاش های بعدی نماید.

بر خلاف برخی از چهره ها که با پول یا ایجاد پشتیبانی هایی با نیروهای انسانی طرفدار خواسته اند کنترل مرکز مهم علمی را به دست آورند و از این طریق تأثیرگذار باشند، محمود ایوب بدون استفاده از چنین شیوه های غیر صحیح و ناپایدار، فقط با تلاش و کوشش و کسب دانش و دستیابی به منطق علمی، آراء نخبگان را در مرکز به طرف خودش جلب کرده و کنترل خود را در مرکز تعمیم بخشیده است.

مشارکت او در هارتفورد یک نمونه است که به اجمال و اختصار به آن می پردازم.

جایگاه محمود ایوب در هارتفورد

جایگاه محمود ایوب در هارتفورد (۱)

مدرسه علوم دینی هارتفورد واقع در ایالت کنتیکت از قدیمی ترین مراکز مطالعات دینی در آمریکا و قاره آمریکای شمالی است. تأسیس آن به قرن نوزده میلادی باز می گردد.

چندی است پرفسور محمود ایوب در هارتفورد مستقر شده و توانسته مطالعات دینی را بر پایه تشیع در آنجا راه اندازی کند. او از سال ۲۰۱۴ کرسی ویژه امام علی علیه السلام را در هارتفورد تأسیس کرد.

در سال ۱۳۹۴ هیئتی از هارتفورد به ایران و قم آمدند تا در همایش گفتگوی ادیان شرکت کنند. آنان از دانشگاه مطالعات ادیان و مذاهب (به ریاست آقای نواب) هم بازدید کردند.

ص: ۱۵۷

کرسی امام علی (ع) در دانشگاه علوم دینی هارتفورد آمریکا با حضور اندیشمندان و اساتید دانشگاهی با هدف معرفی شخصیت آن حضرت و ترویج گفتگو بین مذاهب افتتاح شد. این کرسی که برای اولین بار است در حوزه آمریکای شمالی تشکیل می شود، با همکاری متفکرین و صاحب نظران علوم دینی و با کمک و حمایت های مردمی و تلاش های محمود ایوب شکل گرفته و رسمیت دارد. این کرسی قرار است ضمن هرچه بیشتر آشنا کردن شخصیت امام علی (ع) به جامعه علمی آمریکا و جهان، برای مطالعه اسلام شیعی و ترویج گفتگو میان مذاهب اسلامی فعالیت داشته باشد.

پروفسور سید عمار نخجوانی استاد دانشگاه علوم دینی هارتفورد و یکی از ۵۰۰ شخصیت با نفوذ جهان اسلام به عنوان رییس هیئت مرکزی این کرسی انتخاب شد. دکتر محمود ایوب استاد دانشگاه علوم دینی هارتفورد که در شکل گیری کرسی امام علی (ع) تلاش فراوانی داشته است خاطرنشان کرد که این کرسی بمنظور ایجاد اتحاد واقعی میان جامعه مسلمین تشکیل شده است. وی تصریح کرد، دانشگاه علوم دینی هارتفورد، به عنوان بنیاد ابراز عقاید مسلمانان و مسیحیان جهان به شمار می رود.

بهره مندی از رخدادهای علمی

اشاره

محمود ایوب تقریباً در همه کشورهای اسلامی اعم از شیعه و سنی نفوذ و مقبولیت دارد. با اینکه تفکرات و نوشته هایش گویای طرفداری از تشیع است ولی در کشورهای سنی بیش از بلاد شیعی تردد دارد و در پروژه های مختلف مشارکت می نماید.

چون از تندروی و طرح مباحث بدون پایه و اساس خودداری کرده و از روش منطقی و علمی بهره مند بوده است.

ص: ۱۵۸

به همین دلیل در جشنواره ها، همایش ها و تقدیر از شخصیت ها همواره او را دعوت کرده اند و مورد تکریم قرار گرفته است. به عنوان نمونه، دو مورد را معرفی می کنم و بعضی از موارد دیگر در کتابشناسی آمده که در آخر همین فصل می آورم.

جشنواره بین المللی فارابی

جشنواره بین المللی فارابی (۱)

جشنواره بین المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و علوم اسلامی است و در ایران برگزار می گردد و در دو بخش داخلی و خارجی پژوهشگران پرکار و مبتکر را ترویج می نماید.

نهمین دوره این جشنواره در دی ماه ۱۳۹۶ برگزار شد و در بخش پژوهشگران اسلام شناس خارجی، استاد محمود ایوب معرفی گردید. ایشان در کتاب ویژه جشنواره با تخصص اسلام شناسی و دارای چندین عنوان کتاب مؤثر و مهم معرفی شده است.

اثر قرآنی محمود ایوب در جایزه جهانی کتاب سال

اثر قرآنی محمود ایوب در جایزه جهانی کتاب سال (۲)

محمدرضا وصفی، مدیرکل مجامع و تشکل های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دبیر بیست و هشتمین دوره جایزه جهانی کتاب سال با اشاره به بررسی تفاسیر و ترجمه های قرآن کریم در دوره های پیشین جایزه جهانی کتاب سال اظهار کرد: مطالعات اسلام و ایران بر مبنای قرآن اصلی ترین محور برگزاری این جایزه است.

مطالعات اسلام و ایران، دو حوزه مورد بررسی دبیرخانه جایزه جهانی کتاب سال است که مبنای حوزه تمدنی ایران اسلامی و رشته مطالعات اسلام به شمار می رود که محوریت آن را قرآن تشکیل می دهد.

به گفته وی آثار قرآنی پژوهشگر مسلمان، محمود ایوب و آیت الله محمدحسین فضل الله از لبنان در این دوره مطرح شده اند.

ص: ۱۵۹

۱- . ویژه نامه نهمین جشنواره بین المللی فارابی، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۲- . خبرگزاری ایکننا، ۹ اسفند ۱۳۸۹.

محمود ایوب در بسیاری از دایره المعارف جهان مثل دایره المعارف دین (ویراسته الیاده): دایره المعارف اسلام معاصر (ویراسته اسپوزیتو)، نیز در مجموعه های مهم مثل مجموعه مقالات تشیع: آموزه، اندیشه و معنویت و نیز در نشریات معتبر جهانی مقاله دارد. و تلاش نموده مفاهیم شیعی را با قلم روان و مستدل و هماهنگ با ادبیات امروزی جهان و نیز با محتوای جذاب و مقبول مطرح کند.

در دایره المعارف اسپوزیتو سه مقاله امام حسین علیه السلام، ارکان اسلام و قرآن را نوشته است. و در مجموعه مقالات تشیع، مقاله ای درباره عزاداری عاشورا نوشته است.

مهم این است که مقالات ایشان در کنار پژوهشگران درجه اول جهان پذیرش شده و چنین شخصیت های شیعه که بتواند کنار مهم ترین نویسندگان جهان مطرح باشند، در شیعه به اندازه انگشتان دست نیستند. از این رو محمود ایوب با اینکه نابینا است ولی در سطح بین المللی در سطح عالی پژوهشگری و شیعه شناسی و اسلام شناسی جایگاه مهمی دارد.

میراث تشیع و ایران

میراث تشیع و ایران (۱)

کتاب میراث تشیع و ایران به همت انتشارات آمریکایی (GSP) و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نیویورک به جامعه علمی، فرهنگی آمریکا منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا) شعبه آمریکا، این کتاب شامل ۲۹۹ صفحه و مشتمل بر ۱۲ مقاله از صاحب نظران و مؤلفان شیعی و غیر شیعی با مشخصات کتابخانه کنگره است.

هدف اصلی کتاب پرداختن به استعدادها، ظرفیت ها و توانمندی های فکری و

ص: ۱۶۰

نظری و عملی تشیع در پی ریزی نظام های سیاسی فرهنگی است و این کتاب در واقع به نوعی پاسخ به سؤالات انبوه دانشجویان و اهل قلم آمریکایی پیرامون ماهیت سیاسی و فرهنگی تشیع است.

در این کتاب خواننده به مطالعه مقالاتی از مؤلفانی همچون محمود ایوب، استاد دانشگاه تمپل، لیاقت تکیم، استاد دانشگاه مک مستر کانادا، حبیبه رحیم، استاد دانشگاه سنت جونز نیویورک، محمد باقر خرمشاد، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، داگلاس هاستر، رئیس کلیسای نیویورک، ادیس حمید، استاد دانشگاه کلرادو، محمد رضا دهشیری، معاون پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، رندی پال، رئیس مؤسسه دیپلماسی دینی آمریکا، جونگ، استاد کالج موریوان پنسیلوانیا، لیو، از دانشگاه پکن و محسن اسلامی، ریزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نیویورک می پردازد.

دایره المعارف جهان نوین اسلام

محمود ایوب سه مقاله حسین بن علی علیه السلام، ارکان اسلام و تاریخ قرآن به زبان انگلیسی در یکی از دایره المعارف های مهم جدید نوشته است. دایره المعارف جهان نوین اسلام در چهار جلد به سر ویراستاری جان اسپوزیتو در ۱۹۹۵ در آمریکا منتشر شده و نخستین دایره المعارفی است که به مفاهیم و موضوعات جدید جهان اسلام یا موضوعات قدیمی ولی با نگاه معاصر می پردازد. این دایره المعارف به سرعت در جهان و در میان کشورهای اسلامی جای خودش را گشود و با استقبال فراوان مواجه گردید. در ایران هم ترجمه و منتشر شد و اکنون از ترجمه فارسی آن استفاده می کنم. هر چند به ترکی، اردو و چند زبان دیگر هم ترجمه شده است.

متن سه مقاله محمود ایوب را اینجا می آورم تا اهمیت او در رفرنس نگاری معلوم گردد.

حسین بن علی (۱): حسین بن علی (۲) علیهما السلام (۴-۶۱ ق)، سومین امام شیعه، فرزند علی بن ابی طالب و سبط حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. از آنجا که [حضرت] محمد هیچ وارث ذکوری نداشت، اعتقاد بر این است که حسین علیه السلام و برادر بزرگترش حسن علیه السلام دودمان پیامبر را از طریق دخترش فاطمه سلام الله علیها و پسر عمویش علی علیه السلام ادامه داده اند. سنت سیره نویسی مملو است از داستان هایی درباره عشق و محبت پیامبر به حسین.

علی علیه السلام در سال ۴۰ ق پس از خلافتی کوتاه و پر ماجرا به شهادت رسید و پسر بزرگش حسن جانشین وی شد. امام حسن علیه السلام خیلی زود، یعنی وقتی به تفرقه و بی ثباتی پیروانش و برتری نیروهای به خوبی سازماندهی شده معاویه پی برد، از خلافت کناره گیری کرد. (۳)

حسین علیه السلام مصالحه برادرش را با بی میلی پذیرفت (۴) و از بیعت کردن با معاویه سر باز زد. هر چند، در طی سلطنت دراز مدت معاویه، به توافقنامه برادرش با خلیفه اموی احترام گذاشت. یکی از شروط این توافقنامه آن بود که پس از مرگ معاویه، جانشین او یا از طریق مشاوره انتخاب شود یا اینکه - مطابق روایات شیعی - خلافت باید به یکی از دو پسر علی علیه السلام ارجاع شود. (۵)

ص: ۱۶۲

۱- HUSAYN IBN ALI

۲- دایره المعارف جهان نوین اسلام، ج ۲، ص ۴۲۷-۴۳۰.

۳- معاویه، اولین پیشنهاد کننده صلح بود و حاضر شد هر گونه تعهدی به امام حسن علیه السلام بسپارد تا در مقابل، فقط حکومت را داشته باشد و این در شرایطی بود که هنوز طرفین برای جنگ در شور و التهاب بودند ولی معاویه از جنگ پرهیز داشت و نقشه اش آن بود که در سایه پیشنهاد صلح و جنگ روانی و ایجاد تفرقه در میان سپاه امام حسن علیه السلام صلح را بر حضرت تحمیل نماید و به هر قیمتی از گرفتار آمدن در جنگ جلوگیری کند (صلح امام حسن، شیخ راضی آل یاسین، ترجمه سید علی خامنه ای، ص ۲۹۱).

۴- اگر مراد از بی میلی، نوعی اعتراض به کار برادرشان باشد، بی شک نادرست است، چرا که حسین بن علی بهتر از هر کسی می دانست که برادرش امام زمان و حجت خداست و آنچه که می کند مطابق با تدبیر الهی و بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین است: لذا جز تسلیم و رضا و متابعت کامل در برابر تصمیم امام زمان خویش، گزینه ای دیگر نداشت. به علاوه، گزارش های موجود و معتبر حاوی چنین تعبیری نیستند.

۵- بنا به گزارش منابع اهل سنت نیز ماده دوم از قرارداد صلح، به شرح ذیل است: پس از معاویه حکومت متعلق به امام حسن است (تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۹۴: ابن کثیر، ج ۸، ص ۴۱: الاصابه، ج ۲، ص ۱۲-۱۳: ابن قتیبه، ص ۱۵۰: به نقل از ترجمه صلح امام حسن، ص ۳۰۵) و اگر برای او حادثه ای پیش آید متعلق به حسین (عمده الطالب، ابن المهناء، ص ۵۲) و معاویه حق ندارد کسی را به جانشینی خود انتخاب کند (مدائنی بنا بر نقل ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۸: الفصول المهمه ابن صباغ مالکی، به نقل از همان، ص ۳۰۵).

حسن علیه السلام در سال ۵۰ق رحلت کرد(۱) و معاویه پسر خویش یزید را به عنوان جانشین خود تعیین نمود. یزید به داشتن شخصیتی شهوت پرست، معتاد به مشروب خواری و دیگر عیاشی های نامشروع شهرت داشت. بسیاری، به ویژه در حجاز و عراق، با انتصاب یزید مخالفت کردند، و شمار اندکی از بزرگان، از جمله حسین علیه السلام از بیعت با وی خودداری نمودند. یزید به منظور اینکه اقتدار خویش را نمایان کند و مخالفت را به هر قیمتی شده فرونشاند، در سال ۶۰ق به حکمران خویش در مدینه دستور داد که از همه افراد پیمان بیعت و وفاداری بگیرد و هر کس را که سرپیچی کرد اعدام نماید.

حسین علیه السلام مخفیانه(۲) مدینه را ترک کرد و به منظور حفظ خویش [و حفظ حرمت جامعه] به حریم مکه پناه برد. در آنجا، نامه های بی شماری از شیعیان کوفه دریافت کرد که از او دعوت کرده بودند رهبری آنها را در قیامی علیه یزید برعهده بگیرد. حسین علیه السلام پسرعمویش مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد تا موقعیت را ارزیابی کند. مسلم اطلاع داد که پشتیبانی از حسین علیه السلام بسیار جدی است و وی باید بی تأخیر به سوی کوفه بشتابد. یزید، با آگاه شدن از این پیشامدها، حاکم کوفه را عزل کرد و [دامنه] اقتدار عبیدالله بن زیاد، حاکم بصره، را افزایش داد تا شامل کوفه هم بشود. ابن زیاد سیاستمداری زیرک و بی رحم بود. وی

ص: ۱۶۳

۱- . منابع بی شماری خبر به شهادت رسیدن امام حسن علیه السلام را توسط جَعده و با توطئه معاویه گزارش کرده اند از جمله ترجمه الامام الحسن علیه السلام، ابن سعد، ص ۱۷۵-۱۷۶: انساب الاشراف، ج ۳، ص ۵۵-۸۸: استاد محمودی در پاورقی صفحات مذکور، خبر یاد شده را از منابع متعددی نقل کرده اند. در این میان ابن خلدون با اعمال تعصب مذهبی و بر خلاف این همه شواهد تاریخی می گوید: وَ حَاشَا الْمَعَاوِيَةَ ذَلِكُ: تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۸: به نقل از حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، رسول جعفریان، ص ۱۶۸.

۲- . بر پایه منابع تاریخی، امام حسین علیه السلام برخلاف سایر مخالفان، مخفیانه از مدینه خارج نشد بلکه با کاروانی از خاندان و خویشانش از راه اصلی مدینه به مکه، راهی این شهر شد.

با تهدید و تطمیع سریعاً قیام را مهار کرد و عده قلیلی [هزار نفر به سرکردگی حُر بن یزید ریاحی] فرستاد که مانع از رسیدن حسین علیه السلام به کوفه شوند. سپس مسلم را دستگیر و همراه با برخی از طرفداران نزدیکش اعدام کرد. حسین علیه السلام اکنون همراه با زن و فرزندان و قلیلی از پیروانش عازم عراق بود. با آگاه شدن از سرنوشت مسلم در طی راه، وی خویشاوندان و پیروان [و همراهانش] را از قید هرگونه تعهدی رها کرد و به آنها توصیه کرد که بروند. بسیاری رفتند و او را با گروه اندکی از اعضای خانواده و یاران باوفایش تنها گذاشتند. آن عده [که ابن زیاد فرستاده بود] راه را بر وی بستند و مسیر وی را از کوفه به محلی به نام کربلا در ساحل فرات منحرف کردند.

آنگاه لشکری در حدود چهار هزار نفر جمع شدند^(۱) تا با حسین علیه السلام و دسته هفتاد و اند نفری پیروان وی مقابله کند. عمر بن سعد بن ابی وقاص، پسر یکی از اصحاب معروف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به ریاست لشکر نصب شده بود. ابن زیاد همچنین مطمئن شد که برخی از حامیان کوفی حسین به اجبار به او پیوسته بودند.

حسین علیه السلام در دوم محرم به کربلا رسید. پس از یک هفته مذاکره بی ثمر بین حسین و عمر بن سعد، ابن زیاد فرمانده دیگری به نام شمر بن ذی الجوشن را با این دستور فرستاد که اگر عمر بن سعد [که] بی میل [به انجام جنگ بود] از دستورات او سرپیچی نماید او را اعدام کند. ابن زیاد دستور داده بود که حسین باید یا بیعت کند یا در میدان نبرد کشته شود. به منظور وادار کردن حسین و پیروانش به تسلیم شدن، به مدت چند روز نگذاشتند که آنها از فرات آب بردارند.

در صبح ۱۰ محرم ۶۱ نبرد آغاز شد. از آنجا که شمار [لشکریان] آنها بیشتر بود،

ص: ۱۶۴

۱- در تعداد سپاهیان عمر سعد، اقوال مختلفی در تاریخ آمده لکن صحیح ترین اقوال، عدد سی هزار است چنانکه از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده است ← مقاتل الطالبيين، ص ۱۱۲: بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۴: اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۹.

حسین شاهد بود که فرزندان خود و دیگر خویشاوندانش، یکی پس از دیگری، [به خاک] می افتند. حتی کودک صغیری که وی در دستانش گرفت نیز به قتل رسید. سرانجام، پس از نبردی شجاعانه، خود حسین علیه السلام نیز [بر زمین] افتاد. بر اساس دستوری از ابن زیاد، پیکر حسین به وسیله اسب ها لگدکوب شد و سرش و سرهای پیروانش در کوفه به معرض نمایش در آمد تا عبرتی برای دیگران باشد.

کمتر شخصیتی در تاریخ اسلام یافت می شود که تأثیری به عظمت و تداوم تأثیر حسین علیه السلام بر دیانت و اندیشه اسلامی گذاشته باشد. از نظر اهل سنت، و به ویژه صوفیه، حسین علیه السلام به عنوان سبط پیامبر و اهل بیت او حرمت نهاده می شود. رأس الحسین علیه السلام در قاهره نشانه ای قوی از هواخواهی اهل سنت نسبت به امام شهید است.

قیام حسین علیه السلام علیه حکومت اموی، الهام بخش نه تنها مسلمانان مذهبی [در طول تاریخ]، بلکه حتی سوسیالیست های سکولار [در دوره معاصر] نیز بود. نمایشی قوی از حسین انقلابی توسط نویسنده سوسیالیست مصری عبدالرحمان شرفاوی، در نمایشنامه دو بخشی اش تحت عنوان «حسین انقلابی»^(۲)

و «حسین شهید» ساخته شد.

حسین علیه السلام مکانی محوری در دیانت و ایمان شیعه دوازده امامی دارد، هر چند بسیاری از شیعیان تحصیل کرده نیز در این اندیشه ها سهیم اند. زیارت مخلصانه یا آیینی مقبره وی در درجه دوم اهمیت پس از حج قرار دارد. علاوه بر این، عاشورا و مراسم تعزیه به جامعه شیعی تمایلی درونی به رنج و شهادت داده به نحوی که آشکارا آنها را از بقیه جامعه اسلامی متمایز می کند.^(۳)

ص: ۱۶۵

۱- . اینجا واژه be annihilated به کار برده شده که معنایش معدوم و فانی شدن می باشد، اما از آنجا که بار معنایی دقیقی ندارد، واژه شهید شدن به جای آن نوشته شد. مترجم

۲- Husayn the Revolutionary .

۳- . درسی که نهضت اباعبدالله به همه جهانیان و به ویژه شیعیان داد ترجیح مرگ با عزت بر زندگی پُر ذلت بود. چنانکه فرمود: اِنِّي لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا السَّعَادَةَ وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ اِلَّا بَرَمًا. لذا همه آزادگان و از جمله شیعیان آموختند که در راه یاری حق و نابودی باطل از همه چیز حتی جان خویش نیز دریغ نورزند.

معنا و اهمیت این انقلاب، جهاد، و شهادت امام حسین علیه السلام علی رغم گذشتِ اعصار و اوضاع و احوال سیاسی متغیر جامعه اسلامی همچنان به رشد خویش ادامه داده است. او برای بسیاری از مسلمانان، قطع نظر از مذهب یا موقعیت اجتماعی شان، سمبل مقاومت و ایستادگی شده است. برای مسلمانان شیعی، حسین علیه السلام همچنین نمادی از امید فرجامین (۱) آنهاست، به طوری که مهدی [موعود] سرانجام انتقام خون وی را خواهد گرفت و از او و همه آنهايي که به دست حاکمان ستمگر، مظلوم واقع شده اند، حمایت خواهد کرد.

از دوره های میانه [اسلامی]، در کنار مساجد مکان های خاصی که اختصاصاً حسینیه خوانده می شوند، به عنوان مراکزی برای آیین هایی عزاداری به مناسبت شهادت حسین و خاندانش و نیز تبیین درس های سیاسی و اجتماعی اش که از این واقعه دردناک می توان آموخت، ساخته شده اند. در بیروت و جنوب لبنان در چنین مراکزی بود که اولین جنبش های مقاومت شیعی زاده شد. همچنین در حسینیه ارشاد بود که اندیشه های علی شریعتی جرقه نهایی انقلاب اسلامی ایران را روشن کرد. نشانه هایی وجود دارد که سرمشق حسین علیه السلام همچنان الهام بخش مقاومت اسلامی و حمیت دینی برای زمان های طولانی خواهد بود.

[همچنین ← اثنا عشریه: تشیع: تعزیه: حسینیه: علی بن ابی طالب: کربلا]

منابع:

۱. Ahmad, Fazl. Husain: The Great Martyr: Lahore ۱۹۶۹.

> حسین بن علی علیه السلام: شهید بزرگ <: منبعی مفید برای نشان دادن دیدگاه های پرهیزگاران شیعه نسبت به شهادت.

۲. Alsarat. The Imam Husayn. vol. ۱۲. Edited by the Muhammadi Trust of Great Britain .and Northern Ireland. London ۱۹۸۶.

> امام حسین علیه السلام <: مجموعه از مقالات ارائه شده در همایش امام حسین علیه السلام متشکل از محققین مختلف شیعه و سنی که در برگیرنده دیدگاه های سنتی و نوین درباره شخصیت و شهادت امام حسین علیه السلام است.

۳. Ayoub, Mahmud M. Redemptve suffering in Islam: A study of the Devotional .Aspects of Ashura in Twelver Shi ism. The Hague ۱۹۷۸.

ص: ۱۶۶

>رنج رهایی بخش در اسلام: بررسی جنبه های الهی عاشورا در شیعه دوازده امامی<: بحث مفیدی در زمینه شکل گیری مراسم عزاداری عاشورا و جایگاه آن در فرهنگ دینداری مردمی شیعه.

۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان مفید، کتاب الارشاد، ترجمه آی. کی. ای. هوارد. (۱) اثری کلاسیک که به طور کل شرحی متعادل از زندگی و شهادت امام حسین علیه السلام به قلم یک دانشمند مشهور شیعه قرن پنجم هجری ارائه می کند. ← بخش دوم از فصل دوم کتاب با عنوان «امام الحسین بن علی» (ص ۲۹۶-۳۷۹).

۵. Naqvi, Ali Nagi. The Martydom of karbala. Translated by S. Ali Akhtar. Karachi ۱۹۸۴.

>حادثه کربلا<: ترجمه س. علی اختر. اثری بسیار مهم و بحث برانگیز که بیان کننده دیدگاه های یک اندیشمند هنری معاصر شیعی است.

۶. Shams al-Din, Muhammad Mahdi. The Rising of Husayn: Its Impact on the Consciouness of Muslim society. Translated by I. K. A. Howard. London ۱۹۸۵.

>قیام حسین: اثر آن بر بیداری امت اسلام<: ترجمه آی. کی. ای. هوارد. بررسی برانگیزاننده تأثیر قیام امام حسین علیه السلام بر بیداری و سیاسی و اجتماعی امت مسلمان، به قلم یک محقق معاصر شیعه لبنانی.

۷. Tabari, Muhammad ibn Jarir al- The Histpory of al-Tabari, vol. ۱۹, The Caliphatc of Yazid b. Mu awiyah. Translated by I. K. A. Howard. Albany, N. Y., ۱۹۹۰.

>تاریخ الطبری، ج ۱۹، خلافت یزید بن معاویه<. ترجمه آی. کی. ای. هوارد. قدیم ترین شرح به قلم یک مورخ قدیمی موثق، بر مبنای قدیم ترین منابع.

۸. طالقانی، محمود، و دیگران. جهاد و شهادت: مبارزه و شهادت در اسلام. هوستون ۱۹۸۶. خصوصاً فصول ۵ تا ۸ به قلم علی شریعتی.

تاریخ قرآن (۲): قرآن پدیده منحصر به فردی در تاریخ دینی بشر است. طرفدارانش بر آن اند که قرآن در ماورای حوزه این جهانی اش به عنوان کلام ازلی و لا یتغیر خدا وجود دارد، «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ، فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج: ۲۱-۲۲).

قرآن همچنین کتابی زمینی است که تاریخش عمیقاً با زندگی و تاریخ یک امت زمینی گره خورده است. (۳)

ص: ۱۶۷

۱- I. K. Howard. Al-kitab al-Irshad: The book Guidance, Elar Hurst, N. Y., ۱۹۸۱.

۲- دایره المعارف جهان نوین اسلام، ج ۳، ص ۶۰۷-۶۰۹.

اگر چه امت اسلامی آن را سر و صورت داده، (۱) اما در واقع قرآن است که این امت را ایجاد کرده است و شالوده ایمان و اخلاق آن را نگه می دارد. آن گونه که قراین دلالت دارد، بسیاری از آیات آن را مسائل و شرایط دینی و اجتماعی جامعه پیامبر تعیین کرده است، با این حال اعتقاد بر این است که قرآن فراتر از همه ملاحظات زمانی و مکانی می باشد.

وحی. از نظر مسلمانان، قرآن کلام ملفوظ خداست که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده است. [حضرت] محمد همانند شماری از عرب های زاهد، معروف به حنفاء، که بت پرستی و شیوه های ضد اخلاقی مردمانشان را رد می کردند، در فواصل معینی، خانه اش را به قصد تحنث (به معنای تأمل و تفکر و مراقبه) و عبادت در خلوت در غاری در کوه حرا در حومه مکه، ترک می کرد. در یکی از این خلوت گزینی ها در چهل سالگی اش، وقتی که در یک روز عصر نشسته، و سر در گریبان تحنث عمیقی فرو برده بود، شخص با هیبتی - که بعدها به عنوان فرشته جبرئیل شناخته شد - بر وی ظاهر گشت. آن فرشته سه بار دستور «بخوان» یا «اقرأ» را تکرار کرد. [حضرت] محمد پرسید، «چه چیزی را باید بخوانم؟» آنگاه فرشته پنج آیه اول سوره علق را که در حدیث به عنوان اولین وحی قرآنی قلمداد می شود - بر او قرائت کرد.

مطابق گزارش های دیگر، وقتی پیامبر جبرئیل را دید، وحشت زده شد، به سوی خانه دوید و از خانواده اش خواست که وی را بپوشاند. در آن حالت ترس و لرز، وحی نازل شد، در حالی که به وی دستور می داد که «قُمْ فَأَنْذِرْ» [= برخیز و هشدار بده] (مدثر: ۲). پس از دوره نامعلومی که حدوداً بین شش ماه تا دو سال طول کشید که در طی آن، [نزول] وحی موقتاً به وقفه افتاد، پیامبر دوباره اطمینان یافت که الهاماتی که دریافت می کرده از جانب خدا بوده است و روحی که با وی مواجه شده یک فرشته بود نه یک شیطان. از این پس وحی بی هیچ وقفه ای تا زمان رحلت پیامبر در [آغاز] سال ۱۱ هجری / ۶۳۲ میلادی تداوم یافت. بنابراین، تاریخ تکوین قرآن با زندگی پیامبر، همگام بوده است.

ص: ۱۶۸

قرآن و پیامبر. به روایت احادیث، وقتی به پیامبر وحی می شد، وی به حالت خلسه مانندی می افتاد. در چنین اوقاتی گفته می شود که وی جبرئیل را دیده است یا در هیئت بشری یا در شکل فرشته سان خودش. همچنین در اوقاتی دیگر، پیامبر اصواتی شبیه صدای زنگ می شنید: وی این اصوات را به صورت کلماتی درک می کرد که به خاطر می سپرد و به سایرین ابلاغ می نمود، اما روش عادی دریافت وحی، ارتباط مستقیمی (وحی) بود توسط فرشته جبرئیل.

در طی حیات پیامبر، بسیاری از اصحاب ایشان، و نیز برخی از همسران آن حضرت، مصاحف (جمع مصحف) ناتمامی برای خود داشتند، که از آن در نمازها و عبادات شخصی شان استفاده می کردند. مصاحف دیگری توسط منشیان پیامبر، که به کاتبان وحی معروف اند، تهیه شد.

این مصاحف اولیه در جنبه های مهمی، همچون شماره و نظم سوره ها، و قرائات مختلفی از آیات، کلمات و عبارات مشخصی، با هم تفاوت داشتند. با گسترش اسلام در خارج از شبه جزیره عربستان، مصاحف شخصی و بنابراین قرائات مختلف متعددی پدید آمد. علاوه بر این، از آنجا که نسخه های مختلف، مقبولیت عمومی ای در مناطق خاصی از خلافت وسیع اسلامی به دست آورد، به زودی نیاز به یک نسخه رسمی مطرح شد.

گردآوری. شکل گیری قرآن [به نحو کنونی اش] در فرآیندی طولانی انجام شد، و اولین مراحل آن در لفافه مقتضیات سیاسی، کلامی، و فقهی پیچیده شده بود. هر یک از چهار تن خلفای نخستین از افتخار شروع کردن یا پیش بردن این فرایند مهم بهره مند بودند، اما تاریخ دانان و محدثان به اتفاق آرا بر آن اند که اولین نسخه رسمی تحت حمایت خلیفه سوم، عثمان (دوره خلافت: ۲۳-۳۵ق/۶۴۴-۶۵۶م)، در حدود بیست سال پس از رحلت پیامبر، مورد قبول واقع شد. وظیفه دشوار محو کردن نسخه های رقیب، به تدریج، اما هرگز نه به طور کامل، به انجام رسید: [هر چند] بسیاری از ویژگی های اختصاصی نسخه های اولیه، در قرائات مختلف رسمی قرآن باقی ماند. تا قرن سوم هجری/ نهم میلادی رسم الخط عموماً پذیرفته شده و نظام واژگان نسخه عثمانی تعیین شد. در میان اینها، قرائت عاصم (متوفی ۱۲۷ق/۷۴۴م)، که توسط حفص (متوفی ۱۹۰ق/۸۰۵م) روایت شده، در

بیشتر مناطق جهان اسلامی امروز غالب است. چاپ سلطنتی مصر، سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ م، که تابع این قرائت بود و خود به صورت متنی استاندارد درآمد، نیز سهم بسزایی در مقبولیت عمومی یافتن آن [قرائت] داشته است.

ساختار و سرگذشت درونی. قرآن کتابی نسبتاً کوچک است، مشتمل بر ۱۱۴ سوره یا فصل که اندازه شان از ۳ تا ۲۸۶ آیه متفاوت است. سوره ها تقریباً به ترتیب اندازه شان مرتب شده اند. بدین معنی که متقدم ترین [از حیث تاریخ نزول] و کوتاه ترین سوره ها در انتها جای گرفته اند، و متأخرترین و طولانی ترین سوره ها در ابتدا.

مفسران متقدم مطالب قرآنی را به سوره های مکی و مدنی طبقه بندی کردند. تحقیقات جدید غربی دوره مکی را، بر اساس شواهدی درونی [= شواهدی برخاسته از فحوای خود آیات] همچون تغییراتی که در اسلوب، لهجه، و موضوع مطالب وحی شده رخ داده، به دوره های متقدم، میانی، و متأخر تقسیم می کنند.

با وجود چنین کوشش هایی، برای اینکه ترتیب تاریخی [آیات و سوره های] قرآن خالی از تعصب، ترسیم شود، این مقصود همچنان ناممکن باقی مانده است، زیرا این متن مقدس، خودش هیچ چهارچوب قابل اعتمادی برای تاریخ نزولش فراهم نمی سازد. هرچند، دانستن ترتیب تاریخی آن، امری لازم برای فهم تاریخ اولیه امت اسلامی است.

قرآن ارجاعات بی شماری به موقعیت ها و حوادث خاص حیات پیامبر و امت او دارد. بر اساس چنین اشاراتی، حوزه مهمی در مطالعات قرآنی پدیده آمده که به «اسباب نزول» معروف است. این موضوع به نحو نزدیکی به حوزه ای دیگر، یعنی مطالعه آیات ناسخ و منسوخ قرآن، مرتبط است. به علاوه، هر دو حوزه اهمیت زیادی برای بسط و گسترش فقه و کلام دارد. اما چون فقه و کلام به نحو انعطاف ناپذیری با واقعیت های سیاسی و فرقه ای تاریخ اسلام گره خورده است، مطالعات مربوط به ترتیب تاریخی قرآن نیز به همین سان عمیقاً تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و فرقه ای بوده است.

خود قرآن با رحلت پیامبر خاتمه یافت: اما از طریق تأثیر و تأثر متقابل با تاریخ جهان اسلام تداوم یافت. از همان اوایل، مسلمانان بهترین اذهان، الحان، و

قریحه های موسیقایی خود را به تفسیر و قرائت آن اختصاص دادند. در حالی که تحقیقات غربی، قرآن را مورد شدیدترین انتقادات ادبی و تاریخی جدید قرار داده و تحقیقات اسلامی معاصر خود را به انتقاد از علوم قرآنی محدود کرده اند، خود قرآن به عنوان ملاکی برای داوری در باب هر چیز دیگری باقی مانده است.

منابع:

Bell, Richard. Bells Introduction to the Quran. New ed., revised by W. Montgomery Watt. Edinburgh ۱۹۷۰.

<مدخلی بر شناخت قرآن>: یک اثر ساده انگلیسی که هنوز سودمند، اما بیش از حد ذهنی و غیر قطعی است.

Burton, John. The collection of the Quran Cambridge ۱۹۹۷.

<گردآوری قرآن>: برتون از طریق تحلیلی همه جانبه از منابع فقهی قدیمی، حدیث و تفسیر به نتیجه ای برعکس نتیجه و انزبرو دست می یابد. برتون تأکید می کند که نسخه معروف به عثمان در واقع مصحفی بوده که در زمان حیات پیامبر مورد استفاده قرار می گرفته است. بنابراین کسی که برای نخستین بار قرآن را گردآوری کرد حضرت محمد بوده است نه عثمان.

Goldziher, Ignacz. Die Richtungen der islamischen koranauslegung (۱۹۲۰). Leiden. ۱۹۷۰.

اثری قدیمی درباره تفسیر قرآن که با شرح بسیار سودمندی از تاریخ قرآن آغاز شده است.

Jeffery, Arthur, ed. Materials for the History of the Text of the Quran. Leiden ۱۹۳۷.

<اطلاعاتی درباره تاریخ متن قرآن>: پژوهش مهمی بر روی نسخه های خطی حفظ شده در آثار کلاسیک مربوط به این موضوع.

۵. خویی، ابوالقاسم. البیان فی تفسیر القرآن. بیروت ۱۹۷۵. [آیت الله] خویی مرجع تقلید بزرگ شیعیان امامیه در موضوعات مذهبی و فقهی بود. وی مدت ها پیش از برتون، اصولاً به همان نتیجه دست یافت. نظر وی این است که عثمان مصحف را گردآوری نکرد، بلکه جامعه اسلامی را بر اساس قرآن موجود و قاعداً منحصر به فرد آن زمان متحد ساخت. این اثر همچنین به مسائل مهمی در مطالعات قرآنی می پردازد.

Noldeke, Theodor. Geschichte des QoraIns (۱۸۶۰). Revised and enlarged by Friedrich Schwally. ۲ vols. Leipzig ۱۹۰۹. Revised and enlarged by Gotthelf Bergstrasser and Otto Pretzl. ۳ vols. Leipzig ۱۹۰۵-۱۹۳۸. Rev. ed. Hildesheim ۱۹۶۴.

<تاریخ قرآن>: اثری ساده و مقدماتی درباره تاریخ قرآن.

Said, Labib al- The Recited Koran. Translated by Bernard G. Weiss et al. Princeton .۷
۱۹۷۵.

<قرآن تلاوت شده>: ترجمه برنارد جی. ویس و دیگران. پاسخ مسلمانان به پژوهش های انتقادآمیز غربی درباره قرآن.

.۸ Wansbrough, John. Quranic Studies. Oxford, ۱۹۷۷.

<مطالعات قرآنی>: وانزبرو در مطالعه قرآن، با استفاده از شیوه های انتقادی مربوط به

ص: ۱۷۱

کتاب مقدس چنین نتیجه گیری می کند که قرآن تا قرن سوم به شکل فعلی نبوده است. در اثر دیگر این نویسنده با عنوان <محیط (اجتماعی و فرهنگی) فرقه ای> (۱)، استدلال های مشابهی عنوان شده است.

Welch, Alford T. "Kuran". In Encyclopaedia of Islam, new ed., vol. ۵, pp. ۴۰۰-۴۳۲. . ۹
Leiden ۱۹۶۰.

<قرآن>. دایره المعارف اسلام، ولش همچنان یکی از معدود طرفداران متعهد نظریه های بل است. این مقاله بررسی
سودمند مطالعات غربی درباره قرآن، همراه با تعدادی از استنتاج های خود نویسنده است.

ص: ۱۷۲

۱- .Sectarian Milieu, Oxford ۱۹۷۸

Faculty Associate in Islam and Christian-Muslim Relations

Co-Director of the Macdonald Center for the Study of Islam and Christian-Muslim Relations, Professor of Islamic Studies and Christian-Muslim Relations, and Senior Editor of The Muslim World. Hartford Seminary, ۷۷ Sherman Street, Hartford, CT ۰۶۱۰۵.
USA

EDUCATION

.American University of Beirut, Lebanon, Philosophy, ۱۹۶۱-۶۴, ۱۹۶۴, BA

.University of Pennsylvania, Religious Thought, ۱۹۶۴-۶۵, ۱۹۶۶, MA

.Harvard University, History of Religion, ۱۹۶۶-۷۵, ۱۹۷۵, Ph. D

DISSERTATION

Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of 'Ashura' in
Twelver Shi'ism, ۱۹۷۵. (Annemarie

(Schimmel, advisor

POSITIONS HELD

Fall ۱۹۹۹ – present: Editorial Consultant, Oxford Dictionary of Islam, Oxford University
.Press

Spring ۱۹۹۹ – present: Visiting Professor, University of Balamand, Tripoli, Lebanon

.Fall ۱۹۹۷ – ۲۰۰۰: Visiting Professor, Reconstructionist Rabbinical College, Wyncote, PA

Spring ۱۹۹۷: Visiting Professor, Center for Muslim-Christian Understanding,
.Georgetown University, Washington, DC

.Fall ۱۹۹۶: Visiting Professor, Lutheran Theological Seminary, Philadelphia, PA

Member of the Advisory Board of the Temple of Understanding :١٩٩٩ – ١٩٩٣

Member of the Advisory board of the Jewish Chautauqua Society, New :١٩٩٣ – ١٩٩١
.York, NY

ص: ١٧٣

present: Member of the Editorial Board of the Journal, Islam and Christian-Muslim Relations

July 1988–January 2008: Professor, Islamic Studies, Department of Religion, Temple University, Philadelphia, PA

Adjunct Professor, D. B. Macdonald Center of Islamic Studies and Muslim-Christian Relations, Hartford

Seminary, Hartford CT. Beginning July 2008: resident scholar Hartford Seminary

present: Research Fellow, Middle East Center, University of Pennsylvania, Philadelphia, PA

present: Editorial Consultant, The Muslim World journal, Hartford, CT – 1988

June 1988: Research Associate, Centre for Religious Studies, University of Toronto, Toronto Canada

Visiting Professor, Balamand Eastern Orthodox Seminary, Koura, Lebanon :1981–1984

Visiting Professor, McGill University, Institute for Islamic Studies, Montreal :1979–1980
Canada

Visiting Professor, Centre for Religious Studies, University of Toronto, Toronto :1978
Canada

Assistant Professor of Religious Studies, San Diego State University, San Diego CA :1975–1977

Lecturer in Religious Studies, University of Alberta, Edmonton Canada :1973–1974

PUBLICATIONS

I. BOOKS

Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of ‘Ashura’ in

(Twelver Shi'ism. The Hague: Mouton and Co, ۱۹۷۸, pp. ۲۲۹. (Revised Ph. D. thesis

The Revealer, the Messenger and the Message. A translation of al-Mursil wa-al-Rasul
wa-al-Risalah of Muhammad

ص: ۱۷۴

.Baqir al-Sadr. Tehran: World Organization for Islamic Services, ۱۹۷۹, pp. ۱۶۶

The Great Tiding: An Annotated Translation of the Thirtieth Part of the Qur'an. Tripoli:
.The Islamic Call Society, ۱۹۸۳, pp. ۱۷۶

.The Qur'an and Its Interpreters. Volume ۱. Albany: SUNY Press, ۱۹۸۴, pp. ۲۹.

Islam and the Third Universal Theory: Mu'ammarr Qadhdhafi's Religious Thought.
London: Routledge and Keagan

.Paul, ۱۹۸۷, pp. ۱۵۵

Beacons of Light: Muhammad the Prophet and Fatimah the Radiant. A partial
translation of I'lam al-Wara bi-A'lam al-Huda by Abu 'Ali al-Fadl b. al-Hasan al-
Tabarsi. Co-authored with L. Clarke. Tehran: World Organization for Islamic Services,
.۱۹۸۶ (appeared in ۱۹۹۲), pp. ۲۵.

.Islam: Faith and Practice. Ontario: The Open Press, ۱۹۸۹, pp. ۲۲۹

.The Qur'an and Its Interpreters. Volume ۲. Albany: SUNY Press, ۱۹۹۲, pp. ۴۳۱

Nahwa al-Jidal al-Ahsan (Towards a Fairest Dialogue: Lectures on Muslim-Christian
.Theological Understanding). Lebanon: The Catholic Press of 'Ariya, ۱۹۹۷

The Awesome News: Interpretation of Juz' 'Amma. ۲nd edition. World Islamic Call
Society, ۱۹۹۷ (Revised edition of

.(The Great Tiding

Mengurai Konflik Muslim-Kristen Dalam Perspektif Islam (Indonesian, lit. Muslim-
Christian Conflict Resolution in

.Islamic Perspective). Yogyakarta, Indonesia: Fajar Pustaka Baru, ۲۰۰۱

Dirasat fi al-'Alaqat al-Masihyyah al-Islamiyyah (Studies in Christian-Muslim
Relations) ۲ vols. Beirut: Markaz al-Dirasat al-Masihyyah al-Islamiyyah, (vol. ۱), ۲۰۰۰,
. (vol. ۲), ۲۰۰۱

The Crisis of Muslim History: Religion and Politics in Early Islam. Oxford: Oneworld
Publications, ٢٠٠٣.

Islam: Faith and History. Oxford: Oneworld Publications, ٢٠٠٤.

ص: ١٧٥

A Muslim View of Christianity. ed. Irfan Omar. Orbis Books, NY, 2007

:II. ARTICLES/BOOK CHAPTERS/ENTRIES

.A Muslim View of Christianity.” Humanoria Islamica 2 (1974): 121–137“

Towards an Islamic Christology: An Image of Jesus in Early Shi’i Muslim Literature.” “
The Muslim World, lxvi (3) (1976): 163–188. Trans. “Auf dem Weg zu einer islamischen
Christologie” in Lust an der Erkenntnis: Die Theologie des 20. Jahrhunderts, ed. Karl-
Josef Kuschel (Munich: Piper, 1986

.The Problem of Suffering in Islam.” Journal of Dharma, (1977): 267–294“

The Prayer of Islam [on Surat al-Fatihah],” Journal of the American Academy of“
:(Religion Volume 47 (FS) (1979

.635–647

The Concept and the Role of the Imam in Twelver Shi’ism,” Alserat, Volume 5 (1979): 3– “
.11

.Marathi and the Shi’i Ethos,” Alserat 6 (1980): 22–29“

Towards an Islamic Christology II: The Death of Jesus, Reality or Delusion?” The “
–Muslim World 70, 2 (1980): 91

.121

.Dhimmah in the Qur’an and Hadith.” Arab Studies Quarterly 5 (1983): 172–182“

The Idea of Redemption in Christianity and Islam,” in Mormons and Muslims, ed.“
.Spencer J. Palmer. Salt Lake City: Publisher’s Press, 1983, pp. 105–116

Muslim Views of Christianity: Some Modern Examples.” Islamochristiana 10 (1984): 49–“
.70

.A Muslim Appreciation of Christian Holiness.” Islamochristiana 11 (1985): 91–98“

The Word of God and the Voices of Humanity,” in The Experience of Religious “
Diversity. Ed. John Hick and Hassan

.Askari, Elder, England: Gower Publishing Co., ۱۹۸۵, pp. ۵۳-۶۷

ص: ۱۷۶

Excellences of Imam Husayn in Sunni Hadith Tradition,” in Imam Husayn in Muslim “
Tradition. London: Routledge and Keagan Paul, ۱۹۸۶, pp. ۵۸–۷۰.

The Word of God in Islam,” in Muslim–Greek Orthodox Relations. Boston: Holy Cross “
Orthodox Press, ۱۹۸۶, vol. ۳۱, no. ۱–۲, pp. ۶۹–۷۸.

Uzayr in the Qur’an and Muslim Tradition. ” In Studies in Islamic and Judaic “
Traditions. Eds. William M. Brinner and Stephen D. Ricks. Atlanta, GA: Scholars’ Press,
۱۹۸۶, pp. ۳–۱۸.

Divine Preordination and Human Hope: A Study of the Concept of Bada’ in Imami Shi’i “
Tradition. ” Journal of the
American Oriental Society ۱۰۶, ۴ (۱۹۸۶): ۶۲۳–۶۳۲.

Martyrdom in Christianity and Islam. ” In Religious Resurgence: Contemporary Cases “
in Islam, Christianity, and
Judaism, eds. R. T Antoun and Mary E. Hegland, Syracuse, NY: Syracuse University
Press, ۱۹۸۷, pp. ۶۷–۷۷.

Islam Between Ideals and Ideologies: Toward a Theology of Islamic History. ” In The “
Islamic Impulse, ed. B. Freyer–Stoewasser London: Croom–Helm, ۱۹۸۷, pp. ۲۹۷–۳۱۹.

Revelation and Salvation: Towards an Islamic View of History,” (delivered at Kennedy “
Institute Dialogue, April
Alserat, ۱۳ (۱۹۸۷): ۱۰–۲۵. (۱۹۸۳)

The Speaking Qur’an and the Silent Qur’an. ” In Approaches to the History of the “
Interpretation of the Qur’an. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۸۸, pp. ۱۷۷–۱۹۸.

Divine Preordination and Human Hope: A Study of the Concept of Bada’ in Imami Shi’i “
Tradition,” Persian translation, Mishkat (Meshhad, Iran), No. ۲۰, (Autumn ۱۹۸۸): ۳۶–۵۲.

Interview” in Neighbors: Muslims in North America, ed. Elias Mallon New York: Free “

.Press, ١٩٨٩, pp. ٩٤-١٠٤

.Ashura'." In Encyclopedia of Religion, ed. M. Eliade“

.al-Hilli." In Encyclopedia of Religion, ed. M. Eliade“

,Qur'an: Its Impact on the Community” In Encyclopedia of Religion“

ص: ١٧٧

.ed. M. Eliade

Ashura'. " In Encyclopedia Iranica, ed. Ihsan Yarshatar"

.Roots of Muslim-Christian Conflict. " Muslim World 79, 1 (1989): 25-45"

One God, Many Faiths: Islam and the Challenge of Inter-religious Dialogue. " The
.Drew Gateway 58, 3 (1989): 52-57

Thanksgiving and Praise in the Qur'an and in Muslim Piety. " Islamochristiana (Journal"
.of Vatican Secretariat for Non-Christians) 15 (1989): 1-10

Law and Grace in Islam: Sufi Attitudes toward the Shari'a. " in Religion and Law:"
Biblical-Judaic and Islamic

.Perspectives, eds. Edwin Firmage, et. al. Winona Lake: Eisenbrauns, 1990, pp. 221-229

The Islamic Context of Muslim-Christian Relations. " In Conversion and Continuity:"
Indigenous Christian Communities in Islamic Lands, eds. Michael Gervers and Ramzi
Jibran Bikhazi. Toronto, Ont: Pontifical Institute of Medieval Studies, 1990, pp. 461-477

Divine Revelation and the Person of Jesus Christ. " In Newsletter of the Office of"
Christian-Muslim Relations of the
.National Council of Churches. 1990

Islam and Christianity: Between Tolerance and Acceptance. " In Islam and Christian-"
Muslim Relations, (December
.pp. 171-181, (1991

Methodological Approaches to Islamic Thought and History. " In Research in Islamic"
Civilization: Outlook for the

.Coming Decade, ed. Ekmeleddin Ihsanoglu. IRCICA: Istanbul, 1992, pp. 37-57

The Word and the Way: The Human Quest for God in Islamic Mysticism" (Das Wort"

und der Weg: Des Menschen

Suche nach Gott in der islamischen Mystik) in Horen auf sein Wort Verlag St. Gabriel,
.Modling, ۱۹۹۲, pp. ۱۶۷-۱۸۷

Jihad: A Source of Power and Framework of Authority in Islam. " Bulletin of the"
Institute of Middle Eastern
.Studies (Japan) ۶ (۱۹۹۲): ۲۰۵-۲۳۲

ص: ۱۷۸

The Miracle of Jesus: Reflections on the Divine Word." In Christology in Dialogue. Eds. Robert Barkey and Sarah Edwards. Pilgrim Press, 1993, pp. 221–228

.The Qur'an Recited." Middle East Studies Association Bulletin 27, 2 (1993), pp. 169–171

The Need for Harmony and Collaboration between Muslims and Christians. "Information and Formation, a Journal published by the Catholic Research Centre, Kuala Lumpur, Malaysia, 1994

The Muslim Ummah and the Islamic State." In The Role and Influence of Religion in Society. Eds. Syed Othman

Alhabshi Syed Omar Syed Agil. Malaysia: Institute of Islamic Understanding, 1994, 49–57

Religious Freedom and the Law of Apostasy in Islam." Islamochristiana 20 (1994): 75–91

.Traditional Western Analysis: A Response." Ecumenism, 116 (December 1994): 16–17

The Five Pillars of Islam;" "Qur'an: History of the Text" and "Husayn Ibn 'Ali". In The Encyclopedia of the Modern Islamic World, Oxford University Press, 1995

And the Earth Shall Shine Forth: Fall and Restoration in Judaism, Christianity and Islam." Journal of Conservative Judaism 47, 2 (Winter 1995), pp. 17–36

Jesus the Son of God: A Study of the Terms Ibn and Walad in the Qur'an and Tafsir Tradition." In Christian-Muslim Encounters, eds. Yvonne Y. Haddad Wadi Z. Haddad. Gainesville: University Press of Florida, 1995, pp. 65–81

The Qur'an in Muslim Life and Practice. " The Muslim Almanac: A Reference Work on the History, Faith, Culture, and Peoples of Islam, ed. Azim A. Nanji. New York: Gale Research Inc., ١٩٩٥

Entries: "Alids," "Ashura'," "Duruz," "Hujjat al-Islam," "Husayn ibn 'Ali," and "Ta'ziyah. " In The Harper Collins Dictionary of Religion. Edited by Jonathan Z. Smith and William Scott Green, San Francisco: HarperSanFrancisco, ١٩٩٦

.The Islamic Tradition. " In World Religions: Western Traditions"

ص: ١٧٩

- Edited by Willard G. Oxtoby. Toronto and New York: Oxford University Press, 1996, pp. 352-491
- Das Mystische im Koran: Muhammads Mystische Vision. " In Hermeneutik in Islam und Christentum: Beitrage zum interreligiosen Dialog. Edited by Hans-Martin Barth and Christoph Elsas. Hamburg: E. B. -Verlag, 1997, pp. 127-40
- Repentance in the Islamic Tradition. " In Repentance: A Comparative Perspective. " Edited by Amitai Etzioni and David E. Carney. New York: Rowman Littlefield Publishers, Inc., 1997, pp. 60-75
- Nearest in Amity: Christians in the Qur'an and Contemporary Exegetical Tradition. " " In Journal of Islam and Christian-Muslim Relations 8, 2, (July 1997): 145-64
- Pope John Paul II on Islam. " In Open Catholicism: The Tradition at Its Best. Edited by " David Efroymson and John C. Raines. Minnesota: The Liturgical Press, 1997, pp. 190-205
- The Word and the Way: The Human Quest for God in Islamic Mysticism" (Arabic). In " al-Isgha' ila Kalam Allah fi al- Masihiyah wa al-Islam. Lebanon: al-Maktabah al-Bulusiyyah, 1997
- .Islam and Pluralism. " Encounters 3, 2 (Sept. 1997): 103-18
- The Numinous in the Qur'an: An Assessment of Rudolf Otto's View of Islam. " The " Muslim World 88, 3-4 (1998): 256-67
- Al-Kawniyyah wal-Shumuliyyah wal-Ta'addudiyyah fi al-Masihiyah wal-Islam" " (Universalism, Inclusivism and Pluralism in Christianity and Islam). In Summer Symposium. Published by the Center for Christian-Muslim Studies, University of Balamand, 1999
- Cult and Culture: Common Saints and Shrines in Middle Eastern Popular Piety. " In " Richard G. Hovannisian and Georges Sabagh (eds.), Religion and Culture in Medieval Islam. Cambridge: Cambridge University Press, 1999

Islam and the Challenge of Religious Pluralism.” Global Dialogue ٢, ١ (Winter ٢٠٠٠): ٥٣-“

.٤٤

Literary Exegesis of the Qur’an. ” In Issa J. Boulatta (ed.), Literary Structures of“
Religious Meaning in the

.Qur’an. Richmond: Curzon Press, ٢٠٠٠, pp. ٢٩٢-٣٠٩

ص: ١٨٠

.al-Islam fi Amirika” (“Islam in America”). Al-Minhaj ٢١ (Spring ٢٠٠١), pp. ١٤٥-١٧٤“

Religious Pluralism and The Challenges of Inclusivism, Exclusivism and Globalism: An“
Islamic Perspective”. In Th. Sumartana et. al. (eds.), Commitment of Faiths: Identity,
.Plurality and Gender. Yogyakarta, Indonesia: Institute of DIAN/Interfidei, ٢٠٠٢

The Children of Abraham: a Muslim Perspective, in Heirs of Abraham: the Future of
Muslim, Jewish and Christian

.Relations. Bradford Hinze and Irfan A. Omar Eds., (Maryknoll, NY: Orbis, ٢٠٠٥

Muhammad. ” In volume on “Arabic Literary Culture, c. ٥٠٠-٩٢٥,” Dictionary of Literary“
.Biography, ٢٠٠٥

Creation and Evolution,”, the proceedings of the Religion and Science Conference in“
.Yogjakarta, Indonesia, ٢٠٠٢, ٢٠٠٥

.The Cambridge Dictionary of Christianity, entry: “Muslim Views of Christianity, ٢٠٠٧

INVITED ADDRESSES

The Role of the Qur’an as Scripture in the Early Muslim Era.” Conference: “Scriptural“ •
Canons and Cultural

(Contexts,’ University of Toronto (October ١٩٨٨

Islamic Studies in the West: Orientalism, Its Past, Present, and Future,” (Arabic).“ •
(University of Jordan, Amman (March ١٩٨٩

Cultures of Peace. ” Center for International Development and Conflict“ •
Management, University of Maryland

(June ١٩٨٩)

Mysteries of the Qur’an: A Study of Shahrastani’s Tafsir Methodology” Conference “ •
on Qur’anic Studies, School of Oriental and African Studies, University of London

((March ١٩٩٠

Distinguished lectures: “Islam” “Islam and Modernity;” Randolph–Macon College, •
(Virginia (March ۱۹۸۹

Islamic Mysticism and the Universality of Faith;” International Conference on“ •
(Muslim–Christian Relations, Theologische Hochschule St. Gabriel, Vienna (April ۱۹۹۰

Jesus the Son of God: an Analysis of the Terms ‘Ibn’ and ‘Walad’ in the Qur’an;” “ •
International Conference on Muslim–Christian Relations, Hartford Seminary, Hartford,
(CT. (June ۱۹۹۰

The Meaning of Suffering” Inter–religious Symposium. Saint“ •

.(Paul School of Theology, Kansas City, MO (1991

God's Earth and Human Stewardship. " Interfaith Consultation sponsored by the" •
. (Vatican, the World Council of Churches and the Islamic Call Society, Malta (April 1991)

An Image of Jesus in Muslim Hagiography. " Conference on Religion, Cornell" •
(University (October 1991)

Islam in the Modern World. " Church of the Brethren Annual Convention, Portland," •
(OR (July 1991)

Roundtable Discussion on "Islam and Muslim-Christian Relations. " Center for Islam •
and Muslim Christian

(Relations, Selby Oaks Colleges, United Kingdom (October 1991)

The Children of Abraham: Jewish-Muslim Dialogue. " Endowed Lecture: Beth El" •
(Synagogue, Harrisburg, PA (May 1991)

The Qur'an and Its Place in the Community. " and "Exegesis of the Qur'an. " •
Lectures: Institute of Isma'ili

(Studies, London (Nov 1991)

The Children of Abraham: Islam and the People of the Book. " College Theology" •
(Society Convention, Allentown College, PA (May 1992)

Islam and Muslim-Christian Dialogue. " Keynote speaker, Asian Bishops" •
Conference, Multan, Pakistan

(October 1992)

Panel on Muslim-Jewish relations at the National Federation of Temple Brotherhood •
and Jewish

(Chautauqua Society, New Orleans, LA (October 1992)

Faith Meets Faith: The Legacy of Abraham in the Middle East Today. ” Keynote “ •
speaker: Wesley

Theological Seminary, Washington, D. C., symposium: Inter-religious dialogue
.(October ١٩٩٢

These Five Centuries of Jewish-Christian-Muslim Relations. ” Keynote : ١٤٩٢-١٩٩٢“ •
speaker: Siena College’s

.(Institute for Jewish-Christian Studies (October ١٩٩٢

Islam in the United States. ” “Parliament Lectures” series, Cedar Crest College,“ •
Allentown, PA (November

.(١٩٩٢

Contemporary Problems and Challenges in Muslim Christian Relations. ” Keynote “ •
speaker: “World Mission

.(Institute,” Lutheran School of Theology, Chicago, IL (April ١٩٩٣

Islam: Idol or Attitude. ” The K. Brooke Anderson Lecture: Brown University, (May“ •
.(١٩٩٣

Cult and Culture: Common Saints and Shrines in Middle Eastern Piety. ” Keynote“ •
speaker: Giorgio Levi Della Vida Award for Excellence in Islamic Studies, Gustave von

.(Grunebaum Center for Near Eastern Studies, UCLA (May ١٩٩٣

Enlarging Our Worldview: Undergraduate Education and the Middle East. ” Keynote “ •
speaker: Southwest

.(Institute for Research on Women, University of Arizona (June 1993

Salvation: Works, Grace and Eternal Life in Islam. " Speaker: Parliament of World " •
Religions, Chicago, and

The Commonalities of Jesus in Christianity and Islam;" Interfaith Dialogue with Dr." •
Hans Kung (August

.(1993

The Influence of Islam on State Philosophy. " Keynote Speaker: Seminar, "The Role " •
and Influence of

Religions in Society," Institute of Islamic Understanding, Kuala Lumpur, Malaysia,
.(September 1993

The Concept of Knowledge in Islam. " Keynote Speaker: Seminar, KUZA," •
Terengganu, Malaysia

.(September 1993)

Suffering and Martyrdom in Islam. " Speaker: Conference on "Martyrdom" in World" •
.(Religions, Smith College, Northampton, MA (October 1994

Asian Spirituality and Human Rights. " Speaker: International Conference on" •
.(Rethinking Human Rights, Kuala Lumpur, Malaysia (December 6-7, 1994

Abrahamic Heritage in the Jewish Tradition. " Presenter: Convocation on Jewish-" •
Muslim Relations in North

.(America, Glencoe, IL (March 26, 1995

Participant: Consultation of Christian-Muslim Studies, University of Balamand, •
.(Lebanon (May 24-28, 1995

Concluding Address: Conference "Islam in Southeast Asia," Jakarta, Indonesia (June •
.(1995

Keynote Speaker: Conference, “Islam and the West,” Kuala Lumpur, Malaysia (June •
1995).

Exploring Dialogue: ” Speaker, at the Faith in Dialogue: Lutheran Involvement in“ •
(Ecumenical and Inter- religious Dialogues, Philadelphia (October 1995)

Muhammad’s Mystical Vision: An Analysis of Surah 53 of the Qur’an.” Speaker at the“ •
.II. Rudolph-Otto- Symposium: May 1996, Marburg, Germany

Speaker at the Interfaith Symposium and Service: Where Non-Violence Begins, in •
.memory of Yitzhak Rabin
October 1996, New York

Islam and Pluralism,” and “Islam in the Contemporary World. ” Speaker at the“ •
.London Seminar and Lecture, November 1996, Lampeter, UK

Panel speaker at the Diplomat-In-Residence Conference: Islam and the West. April •
1997, Philadelphia

.Speaker at the Berlin Conference on Sufism: May/June 1997 Berlin, Germany •

Speaker at the International Conference on Muslim-Christian •

Dialogue: Past, Present, Future, August

Jakarta, Indonesia, 1997

Participant of the Balamand Colloquium on “Mutual Views and Changing Relations •
between Christians and

Muslims,” and Consultation on “Cooperation in Christian–Muslim Studies,” August 1997,
Lebanon

The Word of God in Islam. ” Speaker at the Naples Biblia Congress on “Corano e •
Biblia,” October 1997, Settimello, Firenze (Italy

Islam: Faith and Practice,” “Religious Diversity and the Unity of Faith: Towards a •
Qur’anic Theology of Religious Pluralism,” and “Striving in God: The Meaning of the
Jihad of the Spirit. ” Speaker at the Ontario Conference on “Understanding Islam”.
October 1997, Ontario, Canada

Palestinian Theology and Inter-religious Dialogue in the Middle-East. ” Panel •
speaker at the AAR Conference. November 1997, San Francisco

Islam and Pluralism. ” Speaker at the British Society for Middle East Studies •
(BRISMES) Annual Conference on “Religion and Pluralism”. July 1998, Birmingham, UK

A Critical Review of the Abrahamic Literature: A Christian–Muslim Reading. ” Panel •
speaker at the “Abrahamic Heritage” Consultation organized by the Arab Working
Group on Christian–Muslim Dialogue and the Middle East Council of Churches (MECC).
July 1998, Lebanon

Jerusalem and the Prophets”, “The Miracles of Jesus: The Word of God His Spirit”, •
“The Death of Jesus and Human Redemption”. Co-keynoter for the Kanuga Episcopal
Conference on “Jesus in Jerusalem Today: Jewish, Christian Muslim Perspectives. ”
August 1998, Hendersonville, North Carolina

The Qur’an” “Islam and the Concept of Divine Oneness”. Speaker at the Colgate •
University Lecture

.October ١٩٩٨, Hamilton, New York

The Qur'an Qur'anic Exegesis" "Problems and Possibilities in Muslim-Christian" •
.Dialogue". Speaker at the Boston College Lecture. November ١٩٩٨, Massachusetts

Disability in Islamic Tradition". Speaker at the Opening Doors That All May Worship " •
Conference on "Disability and Spirituality". Organized by the "That All May Worship"
.Network. November ١٩٩٨, Philadelphia

Panel Speaker for the panel on "Reason and Revelation" at the Conference on •
"Islam and the Challenge of New Millennium. " Organized by the Institute of Islamic
Studies of McGill University, National Federation of Pakistani Canadians, Pakistan
Association of Quebec, and His Highness Prince Aga Khan Shia Imami Ismaili Council
for Canada. April ١٩٩٩, Montreal, Canada

Engaging the Other: Muslim Views of Christianity and Judaism. ” Speaker at the “ •
Conference on “Judaism, Christianity and Islam: Divinity in a Political World. ”
Organized by the Centre for World Dialogue and cosponsored by the Centre for
.Muslim-Christian Understanding, Georgetown University. May 1999, Limassol, Cyprus

Presenter at the “World Congress on Mulla Sadra. ” Organized by the Sadra Islamic •
Philosophy Researches
.Institute. May 1999, Tehran, Iran

Recent Developments in the Institution of Supreme Juristic Authority (Marji’iyah) “ •
in Shi’ism. ” Speaker at the Third Triennial EURAMES (European Association for Middle
East Studies) Conference. Organized and hosted by the Middle East Studies Centre of
the Centre for Third World Studies, University of Ghent. September 1999, Ghent,
.Belgium

Participant of the Consultation on “Religious Freedom, Community Rights and •
Individual Rights: A Christian- Muslim Perspective. ” Organized by the World Council of
Churches, Geneva, in collaboration with the MacDonald Center for the Study of Islam
and Christian-Muslim Relations, Hartford Seminary. October 1999, Hartford Seminary,
.Hartford, Connecticut, USA

Speaker: “How Muslims View Jesus and Christian Evangelism” and Respondent: •
“Introduction to the History and Theology of Islam” at the Evangelicals for Middle East
Understanding (EMEU) ’s National Conference on “Middle Eastern Christians in the
Islamic Context: Lessons from the Past, Prospects for the Future”. Organized and co-
sponsored by the World Vision International, Walnut Creek Presbyterian Church, San
Francisco Presbytery Peacemaking Task Force, Overseas Ministries Study Center and
the Bay Area

.Friends of EMEU. November 1999, Walnut Creek, California

Human Rights in Islam and Christianity. ” Speaker at the Conference on “Religious“ •
Sources of Human

Rights. ” Organized by the Middle East Council of Churches. March ٢٠٠٠, Beirut,
.Lebanon

Islam in America. ” Public lectures. Organized by the St. Joseph University and the“ •
Maqasid Islamic

.University. March April ٢٠٠٠, Beirut, Lebanon

Suffering and Redemption in Islam. ” Public-lecture. Organized by the Balamand“ •
.Theological Seminary

.March, ٢٠٠٠, Beirut, Lebanon

The Children of Abraham: From Conflict to Harmony”, “Islam: Faith and Practice” •
and “Interpreting the Qur’an”. Speaker at the “Islam for Christians” sessions.
Organized and sponsored by the Cleveland Ecumenical Institute for Religious Studies,
and co-sponsored by the Church of Covenant, Hallinan Center, Islamic Center of
Cleveland, John Carroll University, St. Paul Church and

.the United Protestant Campus Ministries. April 2000, Cleveland Heights, Ohio

Knowledge and Da'wah in Islam. " Invited speaker in conjunction with the Chair of " •
.Islamic Studies, University of Toledo. April 2000, Toledo, Ohio

Participant and speaker at a Trilogue on "Religion and Responsibility in the Global •
Community". Organized and sponsored by the National Conference for Community
and Justice (NCCJ) 's Interfaith Round Table, and hosted by the Congregation Beth
Shalom, in conjunction with the 14th Annual Symposium of the Muslim, Christian,
.Jewish Leadership Forum. April 2000, Oak Park, Michigan

The Place and Universality of Knowledge in Islam. " Speaker at the International " •
Conference on "Islamization of Human Sciences. " Organized by the Kuliyyah of
Islamic Revealed Knowledge and Human Sciences, International Islamic University
.Malaysia. August 2000, Kuala Lumpur, Malaysia

Islam and Religious Pluralism. " Speaker at the International Conference on " •
"Identity and Plurality in Abrahamic Religions. " Organized by the Interfaith Dialogue
.Institute of Indonesia (Interfidei). August 2000, Yogyakarta, Indonesia

Plenary speaker at the Inaugural Conference of the Center for American and Jewish •
Studies, Baylor University, on "The Next Fifty Years: Beginning a Millennium of Hope
and Possibility. " Organized by the Center for American and Jewish Studies, Baylor
.University. November 2000, Waco, Texas

Panelist on "Tenets of Faith: Religious Freedom and Islamic Teaching and Tradition," •
at the Conference on "Islam and Religious Freedom. " Organized by the US
.Department of State. November 2000, Washington, D. C

Proselytism in Islam. " Speaker at a roundtable discussion on the problems of " •
proselytism. Organized by the

US Commission on International Religious Freedom. November 2000, Washington, D.
.C

Speaker on “America” and “Islam in America” for the U. S. Speaker and Specialist •
Program in Amman, Jordan and Bahrain. Organized by the U. S. Department of State.

January ٢٠٠١

Imam ‘Ali and Economic Justice. ” Speaker at the International Congress on “Imam“ •
Ali and Justice, Unity and Security. ” Organized by the Institute for Humanities and
Cultural Studies in collaboration with seven other organizations. March, ٢٠٠١, Tehran,

.Iran

Chair and Keynote speaker for the ١st International Conference on Imam al- •
Husayn’s Martyrdom: “Perspectives on Karbala”. Organized by Discursis Islamica.

.April ٢٠٠١, London, UK

Speaker on “America” and “Islam in America” for the U. S. Speaker and Specialist •

.Program in Kuwait

ص: ١٨٦

.Organized by the U. S. Department of State. October 2001

Islam and Islamic Fundamentalism. " Speaker at the public forum on "Islam and the" •
Middle East. " Organized by the Delaware County Community College. October 2001,
.Media, Pennsylvania

The Theme of Community of Humanity in the Qur'an. " Panelist of panel on" •
"Dialogue Among Civilizations in the Light of Monotheism" in the 20th Annual
Conference on Ancient and Medieval Philosophy. Organized by the Institute of Global
Cultural Studies and the Center for Medieval and Renaissance Studies, Binghamton
.University. October 2001, Binghamton, New York

Participant of the 'Jakarta Conference' on "Islam, Democracy and Religious •
Pluralism. " A digital-video conferencing organized by the US Department of State.
.October 2001, Washington D. C

Islam and the World: September 11 and Its Cultural and Spiritual Implications. " •
Speaker at the Bucks
County Community College Human Rights Forum on "Getting Perspective: Responding
to the September 11

Tragedy. " Organized by the Department of Language and Literature, Bucks County
.Community College. November 2001, Newtown, Pennsylvania

The September 11 Tragedy: Lessons from Religion. " Organized by the Philadelphia " •
.Labor Union League
.November 2001, Philadelphia

Speaker at the Second International Conference for Rectors of Major Roman •
Catholic Seminaries on "Inculturation and Inter-religious Dialogue." Organized by The
Cardinal Suenens Program for Theology and Church Life, John Carroll University.
.January, 2002, Rome, Italy

Religion and Violence: The Case of Islam. " Public-lecture for the Chair of Judeo-" •

Christian Studies, Tulane

.University. February ٢٠٠٢, New Orleans

.Public Lecture. Franklin and Marshall College. February ٢٠٠٢, Lancaster, PA •

Panelist for the panel on “Conflict Resolution in the Monotheistic Religions – Judaism, •
Christianity and Islam: Keeping Peace Among the Faithful,” in the International
Conference on “Conflict Resolution: Dialogue

Among Cultures and Religions. ” Organized by the Institute of Advanced Theology,
Bard College, and Global

Publications, Binghamton University; cosponsored by the International Association of
.University Presidents and Brigham Young University. April ٢٠٠٢, New York, NY

God’s Broad Earth. ” Speaker at Conference on “Religious Diversity in North“ •
America and Southeast Asia. ” Jointly organized by the Malaysian–American Alumni
.Society and the U. S. State Department. August ٢٠٠٢, Kuala Lumpur, Malaysia

Islam in the West.” Speaker at Conference on “Islam and the West.” Organized by •
the IAIN-Syarif

Hidayatullah, Indonesia, and U. S. State Department. September ۲۰۰۲, Jakarta,
.Indonesia

Speaker at Conference on “The Inner Life of Islam and Outer Influences.” •
Organized by the Department of

.Philosophy, Brock University, Ontario, Canada. November ۲۰۰۲

Contemporary Islam and How It Impacts on the Relations Between the United“ •
States and the Muslim World.” Lecture for the Honors Class, ۲۳۰, ‘Islam in
.Comparative Perspective,’ College of New Jersey, New Jersey. November ۲۰۰۲

An Islamic Perspective on the Muslim–Jewish Relationship.” Lecture at the Jewish“ •
.Education Association, Whippany, New Jersey. November ۲۰۰۲

Participant in a workshop on “Mysterium Tremendum: Horror and the Aesthetics of •
Religious Experience.” Organized by the Working Group Modernity and Islam,
Wissenschaftskolleg zu Berlin, and the members of the project “Jewish and Islamic
.Hermeneutics as Cultural Critique.” December ۲۰۰۲, Berlin, Germany

Evolution and Qur’an Exegesis.” Participant at Conference on “Science and Religion.“ •
” Jointly organized by

Templeton Foundation and Gadjadara University, Yogyakarta. January ۲۰۰۳,
.Yogyakarta, Indonesia

Participant in the “Who Wrote Down the Qur’an?” Conference. Organized by the •
Penn Humanities Forum in association with the Middle East Center, University of
.Pennsylvania. February ۲۰۰۳, Philadelphia

Participant of The Future of Muslim–Christian Relations Conference. Organized by •
.the Diplomat-in-Residence Program of La Salle University. May ۲۰۰۳, Philadelphia

Participant of the Scientific and Religious Perspective on Altruism International- •
Interfaith-Interdisciplinary Conference. Hosted by the Institute for Research on
Unlimited Love and the Metanexus Institute on Religion and Science, in collaboration
with the Columbia Center for the Study of Science and Religion and the Center for
Research on Religion Urban Civil Society at UPenn; sponsored by the American
Teilhard Association and the Templeton Foundation Press. May/June ٢٠٠٣, Villanova,
PA

Panelist in the Jewish-Muslim Dialogue Panel. Organized by the Canadian Muslim- •
Jewish Community
.September ٢٠٠٣, Montreal

Philanthropy in Islam And Its Effect On Contemporary Society in America.” Speaker“ •
at the Religion and
Philanthropy Seminar. Organized by the Center for Strategic and International Studies
(CSIS). October

.Washington, DC ,۲۰۰۳

Islam. " Guest speaker at the National Pastoral Care Week Session. Organized by " •
the Department of

.Pastoral Care, Jeanes Hospital. October ۲۰۰۳, Philadelphia

Visiting Lecturer at the Christian-Muslim Relations and Interfaith Dialogue Series. •
Organized by the

.Macdonald Center, Hartford Seminary. December ۲۰۰۳, Hartford, Connecticut

Participant of the Theorizing Scriptures Conference. Organized by Claremont •
Graduate University. February

.Claremont, California ,۲۰۰۴

The Discourses of Jihad and War in the Qur'an and Islamic Tradition. " Keynote " •
speaker at the War and Martial Metaphor in Scripture symposium. Organized by the
.University of Oregon. February/March ۲۰۰۴, Eugene, Oregon

Invited speaker for the World Affairs Council of Philadelphia's Great Decisions ۲۰۰۴ •
.Series. March ۲۰۰۴, Philadelphia

Participant of the Building Bridges Muslim-Christian Seminar. Organized by the •
Office of the Archbishop of

.Canterbury. March/April ۲۰۰۴, Washington DC

Speaker at the Collaboration of Civilizations: The Future of Muslim, Jewish and •
Christian Relations Lecture

Series. Organized by the Department of Theology, Marquette University. April ۲۰۰۴,
.Milwaukee, Wisconsin

Co-organizer and participant in international conference Concepts of Justice in •
Evangelical Christian and

.Islamic Thought. November ٢٠٠٤, Chicago, IL

Speaker, Earl Endowed Lecture, Pacific School of Religion, Berkeley, CA, January •
.٢٠٠٧

Media Activities

Script consultant on a series of documentary films on the Middle East, sponsored by
(Television Ontario in Canada and the Encyclopedia Britannica, (١٩٨٧-٨٨

Script Consultant on a series of films on democracy by the Canadian Broadcasting
(Corporation, (١٩٨٧-٨٨

Interviewed by Bill Moyer and appeared in the PBS Documentary series “Beyond
(Hate” (Fall, ١٩٩٠

Participated in a video consultation with numerous scholars and members of
Congress on the Middle East, “Bridging the Gulf” for Cable-Vision Television (Spring
(١٩٩١

Participant in a film “Abraham and His Children” produced by the

ص: ١٨٩

Jewish Chatauqua Society for schools, synagogues, churches and other study groups to promote dialogue between Muslims, Christians and Jews to be aired on Cable
. (Vision Television (Fall 1991)

Guest Appearance on the "WYSP-FM's '90-Forum'" (a public service radio talk show).
. December 1998, Philadelphia

Video interview by a Los Angeles educational video company on "Islam and the West."
. October 1999, Philadelphia

.Interview by the Philadelphia Inquirer. November 1999, Philadelphia

.Telephone interview by Newsweek. March 2000, Lebanon

Telephone TV interviews on the September 11 tragedy by news and TV media: New York Times, Washington Post, Philadelphia Inquirer, KYW-3 TV, etc. September-
. December 2001

Emergence of the Iraqi Shi'a." Participant in the 'On Point' radio discussion program
hosted by the WBUR group in
. Boston. April 2003

PROFESSIONAL MEMBERSHIPS

Middle East Studies Association (1975 – Present, with lapses). American Academy of Religion (1975 – Present, with lapses). American Oriental Society (1975 – 1992, with
. (lapses). Canadian Society for the Study of Religion (1975 – 1992

AWARDS

Kent Doctoral Fellowship

.Canada Council Fellowship

.(Fulbright Exchange of Scholars program for Malaysia (1994 – 1995

Fulbright Exchange of Scholars program for Egypt and Lebanon (Spring – Summer
(٢٠٠٠). Fulbright Senior Specialists Program for Malaysia (January ٢٠٠٣

ص: ١٩٠

تصوير



ص: ١٩٣



تصوير



تصوير



ص: ١٩٥









غیر از منابعی که پایان هر مقاله آمده، منابع عمومی که برای دستیابی به آثار محمود ایوب پیگیری شد اینجا معرفی می شوند.

تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰، ج ۲.

دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ج ۹، ۱۳۸۴، ص ۶۱۵-۶۲۲.

دانشنامه دانش گستر، ج ۱۲، ص ۲۵۰.

دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۵۴۹-۵۶۱.

دایره المعارف تشیع، ج ۵، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۱۲.

دایره المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه زیر نظر حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۸.

الغدیر، علامه امینی، ترجمه جلال الدین فارسی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۸۷.

صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، استانبول، المكتبه الاسلامیه.

صحیح مسلم، مسلم بن حجاج، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۹.

فصلنامه تاریخ اسلام

مجله امامت پژوهی

مجله مشکوه

مجله معرفت

مسند الامام امیرالمومنین علیه السلام، عزیز الله عطاری قوچانی، تهران، عطارد، ۱۳۸۶.

مسند الامام الشهید علیه السلام، گردآورنده عزیز الله عطاری قوچانی، تهران، عطارد، ۱۳۷۶.

وب سایت خبرگزاری ایرنا

وب سایت خبرگزاری ایکننا

وب سایت خبرگزاری ایسنا

وب سایت ویکی پدیا انگلیسی

ویژه نامه نهمین جشنواره بین المللی فارابی، تهران، دی ماه ۱۳۹۶.

The OXFORD Encyclopedia of the modern Islamic world, Ed John Esposito, New york,

.۱۹۹۵

www.islammattersnow.net

www.iis.ac.uk

ص: ۲۰۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

